

لیست مطالب

- چند خبر کوتاه..... 13
- خانواده زندانی و حقی به نام حفظ آشنایی..... 15
- نرگس محمدی: اگر صدسال هم زندان بکشم، تغییر عقیده نخواهم داد 17
- افزایش فشارهای اقتصادی بر بهاییان 21
- تجاوز به نوجوانان و جوانان در زندان به دستور رئیس زندان..... 23
- زندانیان کهریزك هدف بدترین و سخت ترین شکنجه ها..... 25
- دومین سالروز خاکسپاری جان باخته راه آزادی علی حسن پور در تهران 26
- نهال سحابی به پخش اعترافات تلویزیونی تهدید شده بود»..... 27
- نقض حقوق بشر در ایران بیداد می کند 33
- رعایت حقوق بشر ایران 43

- 46 کهریزی دیگر در تبریز؛ شرح تکانه‌دهنده وضعیت زندانیان
- 47 شنبه ۸ اکتبر ۲۰۱۱ به مناسبت روز جهانی علیه اعدام در فرانکفورت
- 49 محاکمه 4 زندانی سیاسی در دادگاه انقلاب
- 51 بیانیه ۱۰ تن از فعالان دانشجویی و حقوق بشر زندانی درباره حکم شلاق عارف
- 53 افسانه وحدت: دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه
- 55 ضرب و شتم رضا جوشن در بند ۲۰۹ و انتقال به بهداری
- 57 اعتراض دولت استرالیا به حکم شلاق مرضیه وفامهر
- 59 حرکت اعتراضی حامیان مادران در تظاهرات سراسری و نمایشگاه کتاب 15.10.2011
- 61 صدای زانیار و لقمان باشیم به اعدام نه بگویم
- 63 مریم قربانی فر فعال حقوق زنان به سه سال زندان محکوم شد
- 64 سرکوبی دیگر، طرح نظارت بر رفتار نمایندگان
- 66 متن کامل قطعنامه شورای امنیت در مورد برنامه هسته ای ایران
- 75 راستی 3000 میلیارد تومان چی شد؟؟؟
- 77 تسخیر سفارت امریکا و جنبش دانشجویی
- 91 بیانیه در مخالفت با جنگ
- 97 ویروس "دوکو"، عامل انفجار پادگان سپاه
- 99 مردم ایران حق دارند، بپرسند
- 101 گردهمایی حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت 11.2011/19
- 102 آبان روز جهانی مبارزه با کودک آزاری گرامی باد

- 103 گزارش نقض حقوق زنان در ایران ابان ماه 1390
- 105 کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
- 117 آسمان بی ستاره زنان بی خانمان در گرمخانه‌ها
- 141 اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران 10.12.2011 در فرانکفورت آلمان
- 143 حمایت از مادران پارک لاله (در فرانکفورت)
- 143 حمایت از مادران و زندانیان سیاسی 17.12.2011
- 145 گزارش آماری نقض حقوق شهروندان دینی و مذهبی در آذر ماه 1390
- 151 به بهانه ی زاد روز بانوی شعر، فروغ
- 157 اتحادیه اروپا اعمال تحریمهای جدید علیه ایران را پیگیری می کند
- 159 دولت آمریکا خواستار آزادی فوری امیر میرزا حکمتی شده است
- 161 بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی
- 165 پنتاگون: ناو آمریکایی به خلیج فارس باز خواهد گشت
- 167 حصول توافق بر سر اصل تحریم نفت ایران در اتحادیه اروپا
- 168 متن کامل کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر
- 182 طنین صدای ما را رساتر کنید
- 185 تایید حکم پنج سال حبس مهدی معتمدی مهر، عضو نهضت آزادی ایران
- 186 ساعاتی پس از ترور مصطفی احمدی روشن معاون بازرگانی مرکز اتمی نطنز،
- 189 بازداشت مجدد حمید موذنی، عضو سازمان ادوار تحکیم و روزنامه نگار
- 190 بازداشت روح الله قاسمی، دانشجوی سابق دانشگاه شیراز

- 191 نامه دانشجویان دانشگاه تهران بهاحمد شهید، نماینده ویژه حقوق بشر
- 192 تصمیم جدی اروپا برای تحریم گام به گام نفت ایران اعضای اتحادیه اروپا به توافق‌هایی در زمینه‌ی تحریم
- 194 همراه اول و ایرانسل فیلترینگ اس‌ام‌اس‌ها را تکذیب می‌کنند
- 197 درصدی که مالیات نمی‌پردازند، «نهادهای زیرنظر رهبری هستند»
- 199 پسران مفقود شده ما کجا هستند؟
- 203 حمایت از مادران و زندانیان سیاسی 14.01.2012
- 209 حمایت در فرانکفورت از مادران و زندانیان سیاسی 21.01.2012
- 211 هستیم، ایستاده، بیدار، امیدوار
- 217 درخواستها برای آزادی موسوی، کروبی، و رهنورد در اولین سالگرد حصر خانگی آنان افزایش می‌یابند
- 219 دیده‌بان حقوق بشر: روزنامه‌نگاران بازداشتی را فوراً آزاد کنید!
- 220 اعتصاب غذا جعفر اقدامی (شاهین) زندانی سیاسی
- 221 یاسین مشهدی نویسنده "فریاد بم به دادگاه احضار شد
- 221 گردهمایی این هفته به دعوت ما خبرنگار و عکاس روزنامه معتبر و پر خواننده "فرانکفوتر رونشاو"
- 223 حقوق بشر و زندانیان غیر سیاسی
- 227 خواندن قرآن مادر بزرگ و سنوال نوه
- 229 با آغاز دهه مثلاً فجر دولتمردان ولایت چند خواهش کوچک از مردم دارد
- 232 اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی و سرگذشت یک زندگی تکان دهنده

- 237 گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه دیماه ۱۳۹۰ نمود.
- 247 یک میلیون پوند غرامت دولت بریتانیا به چهل نوجوان پناهجو
- 249 رهبری گفتند که دخالت خبرگان در جزئیات را نمی‌پذیرند
- 252 برای اطلاع و مقایسه عملکرد دولت های سرکوب(ایران) و مردمی(آلمان)
- 255 دادگاه اختلاس و اتهامات مرد چند میلیارد دلاری
- 259 غارت بیت المال به سبک احمدی نژاد
- 262 مهرداد سرجویی روزنامه نگاری از بند ۲۰۹
- 263 هرانا؛ احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی در اجرای احکام / تصویر اسناد
- 265 حقوق بشر سازمان ملل جهالت مدرن است
- 266 وخیم‌شدن وضعیت جسمی برخی از زندانیان سیاسی
- 269 رسیدگی به پرونده اختلاس در آستانه انتخابات
- 271 دریای خزر در معرض خطر احداث جزیره مصنوعی آذربایجان
- 273 بررسی مردمسالاری و انتخابات در جمهوری اسلامی ایران
- 275 وضعیت زندانیان سیاسی-امنیتی به ما ارتباطی ندارد
- 277 خاکستری؛ خاطرات دخترک زندانی ۴ ساله اوین
- 280 افشاگری وزارت نفت درباره پروژه زمین‌خواری
- 282 در این دوره از هیچ کاندیدای خاصی حمایت نمی‌کنم
- 285 نیروهای امنیتی شبانه مهدی خزعلی را از بیمارستان بردند

چند خبر کوتاه

دانشجوی زندانی از دانشگاه قزوین اخراج شد

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، نامبرده با مراجعه به دانشگاه از طریق یکی از مسئولین دانشگاه آزاد قزوین از این موضوع اطلاع پیدا کرده است.

مسئولین دانشگاه توضیحی در خصوص علت چنین تصمیمی ارائه نکرده و به وی اعلام داشتند که دستور از بالاست و کاری نمی‌توانیم انجام دهیم.

معین محمد بیگی پس از وقایع ۶ دی ماه ۸۸ (عاشورا) در تهران بازداشت و پس از تحمل سه ماه بازداشت با قرار وثیقه آزاد و سپس از سوی دادگاه انقلاب به دو نیم سال حبس تعزیری محکوم شد.

وی بتازگی پس از تحمل دو سال حبس از زندان قزلحصار کرج آزاد شد.

جلسه دادگاه کشیش محکوم به اعدام در ایران

تعداد زیادی از ماموران امنیتی در ابتدای برگزاری جلسه دادگاه به محل برگزاری دادگاه یورش برده و تمامی افراد حاضر در دادگاه را به غیر از متهم و وکیل وی از دادگاه اخراج و نیروهای یگان ویژه محل برگزاری دادگاه را به محاصره خود در آورده و از ورود و خروج افراد به داخل دادگاه ممانعت بعمل آوردند.

همچنین بنا به اظهارات ریاست دادگاه طبق رای دیوانعالی کشور که نظر به توبه و رجوع به اسلام داده است متهم نیز باید به این حکم احترام گذاشته و حتما باید "توبه" نماید که متهم حاضر به پذیرش این حکم نگردیده و قاضی دادگاه وی را به اتهام مجهول "ارتداد ملی"!!! و نه ارتداد مذهبی محاکمه نموده است.

لازم به ذکر است که شب گذشته اداره اطلاعات استان گیلان تمامی افرادی را که عضویت در کلیسای ایران داشته اند و در سال ۸۵ به پرونده آنان رسیدگی شده بود را مجدداً احضار نموده و از سر نوشت هیچ کدام خبری در دست نیست.

گفتنی است دادگاه رسیدگی به پرونده یوسف ندرخانی به اتهام ارتداد ملی در دو روز آینده نیز برگزار خواهد

یک شهروند بهایی از حق تحصیل در دانشگاه محروم شد

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مسئولین دانشگاه از وی خواستند تا ثبت نام خود را به صورت اینترنتی انجام دهد.

اما به دلیل عدم به رسمیت شناختن آئین بهائیت در فرم ثبت نامی این دانشجو موضوع را با مسئولین مطرح کرده و مسئولین در پاسخ به وی اعلام داشتند که به دلیل مصوبه قانونی تنها شهروندان با ادیان رسمی اعلام شده حق تحصیل در دانشگاه‌های کشور را دارند.

انتقال محمدزاده، دانشجوی نخبه دانشگاه شریف از اوین به بیمارستان

به گزارش کلمه، محمدزاده که به بیماری خونی فاویسم مبتلا بوده، به دلیل بی توجهی در ارائه خدمات پزشکی به وی در زندان، بیماری اش حاد شده است. بی خبری از وی پس از انتقالش به بیمارستان، موجب نگرانی شدید هم‌بندانش شده است.

بی توجهی مسئولان زندان به بیماری محمدزاده، هفته گذشته موجب بروز مشکلات حاد جسمی برای وی شد، به طوری که به انتقال اجباری وی به بیمارستان طالقانی منجر شد.

محمدزاده که دبیر انجمن اسلامی دانشگاه شریف است، ۲۶ بهمن ماه سال گذشته به هنگام خروج از دانشگاه توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به اوین انتقال داده شد. از وضعیت جسمی این زندانی از هنگام اعزام وی به بیمارستان اطلاعی در دست نیست.

خانواده زندانی و حقی به نام حفظ آشنایی

حسین نورانی نژاد

فقط یک ماه گذشته بود از ندیدن مان. روزی که بالاخره اجازه ملاقات دادند و میتوانستم نه فقط در حسم، که در چشم و نگاهم راهش دهم. اینگونه نه فقط ضعیفم نمی کرد که با صدا و کلامش به من قوت قلب می داد. خاطره از کسی که خیلی دوستش داری، به تنهایی در سلول، یکی با روحیه ی مرا از پا در می آورد. داخل سلول به ذهنم راهش نمی دادم اما در ملاقات سیراب از حضورش می شدم.

فقط یک ماه گذشته بود از ندیدن مان، احساس کردم در نگاهمان از پشت شیشه ها تنها خوشحالی نیست، کمی با هم رودرواسی داشتیم. حس آشنایی گذشته مان لختی زمان برد تا باز گردد. دوری یک ماهه، به خصوص با آن تلاش سخت برای اینکه حتی در فکرم نباشد، از آشنایی مان کم کرده بود.

"پیش از محکمه چند دقیقه ای رخصت دیدار یافته ام. درست بعد از 122 روز اولین باری است که چنین چشم در چشم و بی واسطه با هم سخن می گوئیم و اولین بار است که به خودت مانند شده ای، پیش از این هر وقت در زندان می دیدمت لاغرتر و بی رنگ تر شده بودی و به سختی می توانستم باز شناسمت." این را پرستو بعد اولین دادگام نوشته بود. حس او را من هم داشتم، فرصت ساعتی با هم بودن و دست یکدیگر را در دست هم گرفتن، آشنایی هایمان را برگردانده بود. نه، گمان نکنید که چیزی از علاقه و عشق مان کم شده بود که زیادتر هم بود، اما دوری غریبگی می آورد، آشنایی را کم می کند به خصوص برای دو جوان که در آغاز زندگی مشترکند.

پرستو دوباره آشنا شده بود و فکر می کرد لابد برای آن است که دوباره توانسته ام ریشم را شکل قبل آرایش کنم و یا از لاغری مفرط در آمده ام، ولی این نبود. آشنایی مان افزون شد چون همدیگر را دیدیم، دست هم را گرفتیم، با هم در گوشی حرف زدیم، نفس مان به صورت

چکیده

هم پاشید، چشم هایمان در هم فرصت درنگ و تماشا یافت، ... اینها آشنایی می آورد و آن گوشه های آشغال و آن شیشه های کثیف بینمان، در ملاقات ها به جنگ آشنایی می آمدند.

روز آزادیم، کمی استرس داشتیم، دست هم را که گرفته بودیم گاهی با خجالت از دست هم در می آوردیم و باز با خجالت دست هم را می گرفتیم. انگار یادمان رفته بود دست هایمان چطور در هم قفل می شوند. هی انگشت هایمان را در دست هم جابجا می کردیم. لختی زمان برد تا دست های بی قرارمان با هم آشنا شوند مثل گذشته.

شعارها همه محترم، آرمان ها همه مقدس، چه مایی که احیانا برای شعار و آرمانی زندانی شدیم و چه آنهایی که احیانا برای حفاظت از شعار و آرمانی زندانی می کنند. ولی این خانواده ها و فرای همه این حرف ها در خطرند. آشنایی ها به غریبی می گرایند. باید کاری کرد. اصلا همه زندانی های سیاسی مجرم، همه شان محل امنیت ملی، اصلا مسعود باستانی آدمکش، اصلا عماد بهاور را با تریلی تریلی شیشه و کراک گرفتید، اصلا مهدی محمودیان 3 هزار میلیارد تومان را بالا کشیده، ولی حکمشان همین مدتی است که زندان داده اید و به همان دلایل انسانی که زندانی های مجرم دیگر حق دارند تا ماهی یک بار به مرخصی و پیش خانواده شان بیایند، اینها هم حق دارند تا پیش خانواده شان باشند. قرار است اینها از جامعه دور باشند تا دیگر خلاف امنیت کاری نکنند، بسیار خب، اما در حکمشان که نیامده خانواده شان را ویران کنید. در حکم مهدی محمودیان که نیامده دختر کوچکش زینب با دیدن پدرش از او خجالت بکشد و غریبی کند، در حکم آن پدر محل امنیت که نیامده بابایش را عمو صدا کند، در حکم امیر خسرو دلیرثانی که نیامده محمد عرفان 5 ساله اش از او خجالت بکشد. قرار نیست که مهسا نگران روز آزادی مسعود باشد و بگوید همه روزهای با هم بودنشان انگار خواب و رویا بوده و باورش نمی شود با مسعود زندگی داشته.

لطفا مراقب امنیت مملکت باشید، این مجرمان را هم بپایید دیگر به فکر خرابکاری نباشند، اما خانواده ها را اهرم فشار نکنید. خانواده چماقی برای زدن بر سر مجرم نیست، خانواده شریک جرم مجرم نیست، حق خانواده ها را سلب نکنید. اینکه زندانی سیاسی به فرض مجرم بودن انگیزه فردی نداشته و انگیزه شرافتمندانه داشته و باید حقوق ویژه ای نسبت به سایر مجرمان داشته باشد پیشکش. به آنها حقوقی مانند سایر زندانیان بزهکار و غیره دهید.

به فرض این دنیا تا آخر به کامتان باشد اما شاید آخرتی باشد و حساب و کتابی. هیچ احتمالی را دور ندانید، از ما گفتن.

نرگس محمدی: اگر صدسال هم زندان بکشم، تغییر عقیده نخواهم داد

نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و رئیس هیئت اجرائی شورای ملی صلح، به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. در این حکم، تلاش‌های او برای نهادسازی و کمک به خانواده زندانیان سیاسی عناوین مجرمانه تعریف شده است.

نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر ایران، از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در مجموع به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در ۲۳ صفحه به وکلای او، محمد شریف و یلدا مظفریان، ابلاغ شده و در آن تمامی فعالیت‌های مدنی این فعال حقوق بشر به عنوان جرم تلقی شده است.

از جمله تلاش وی برای تشکیل شورای ملی صلح، تأسیس کمیته انتخابات آزاد، سالم و منصفانه و تشکیل کمپین اعدام بس کودکان از عناوین مجرمانه خانم محمدی است. همچنین ملاقات وی با زندانیان سیاسی و نیز ملاقاتش با مهدی کروی به عنوان جرم تلقی شده است.

اهدای تندیس تلاشگر حقوق بشر از سوی کانون مدافعان حقوق بشر به آیت‌الله منتظری نیز یکی دیگر از عناوین مجرمانه نرگس محمدی تلقی شده است. این جایزه در آذر سال ۱۳۸۸ در منزل آیت‌الله منتظری به وی اهدا شد.

همکاری با شیرین عبادی و تهیه گزارش از موارد نقض حقوق بشر در ایران از جمله جرائم دیگر نرگس محمدی است.



روز اهدای جایزه حقوق بشر به آیت‌الله منتظری در رأی صادرشده توسط دادگاه انقلاب، تمامی فعالیت‌های نرگس محمدی در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی تعریف شده و چندین بار از وی به عنوان "مخالف و برانداز نظام جمهوری اسلامی ایران و عامل سیاه‌نمایی و دروغ‌گویی علیه نظام" یاد شده است. در این رأی همچنین کانون مدافعان حقوق بشر یک نهاد سیاسی امنیتی خوانده شده است.

«فعالیت‌های کانون مدافعان قانونی، انسانی و اسلامی است»

نرگس محمدی در گفت و گو با دویچه‌وله درباره کانون مدافعان حقوق بشر گفت: «از نظر قانونی فعالیت کانون مدافعان حقوق بشر به‌عنوان یک نهاد مدنی و ملی و بین‌المللی نه تنها غیرقانونی نیست، بلکه کاملاً منطبق با معیارها و موازین قانونی است و همین طور طبق نص صریح قانون اساسی جمعیت‌ها و نهادها و انجمن‌ها و احزاب آزاد هستند.»

بشنوید: گفت و گو با نرگس محمدی

وی ادامه می‌دهد: «اگر دارند چنین ادعایی را براساس موازین اسلامی علیه مدافعان حقوق بشر مطرح می‌کنند، مگر نه این است که تلاش برای امر به معروف و ظیفه‌ی هر انسان آزاده‌ای است، پس عمل ما نه عملی غیردینی‌ست، نه غیرقانونی و نه غیراخلاقی. ما معتقدیم که رفتار ما در نهاد کانون مدافعان حقوق بشر و دفاع ما از حقوق بشر و تلاش ما برای ارتقای آن، کاملاً قانونی است.»

خانم محمدی درباره ملاقات با زندانیان سیاسی که یکی از جرائم او عنوان شده می‌گوید: «از وقتی کانون مدافعان حقوق بشر تثبیت شد، ما یک کمیته داشتیم تحت عنوان "دفاع از خانواده‌های زندانیان سیاسی". در این کمیته ما با خانواده‌ها ملاقات می‌کردیم و سعی می‌کردیم که فقط یک کار خیلی کوچکی انجام دهیم. ما واقعاً نتوانستیم کار بزرگی برای این

چکیده

خانواده‌های محترم انجام دهیم. اما در حد توان مان سعی می‌کردیم رسیدگی کنیم و در همین راستا زندانیان سیاسی که به مرخصی می‌آمدند یا آزاد می‌شدند، ما با آن‌ها ملاقات می‌کردیم و در مورد شرایط حبس‌شان، در مورد دادگاه‌هایشان با آن‌ها صحبت می‌کردیم. همین طور در رابطه با ملاقاتی با آقای کروی داشتیم، این‌ها هیچ کدام عمل مجرمانه نیست و من واقعاً نمی‌دانم بر اساس چه قانونی و از کجا این‌ها یک چنین ادعایی کرده‌اند که این‌ها اعمال مجرمانه است.»

اصرار بر دفاع از حقوق بشر



Bildunterschrift: Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift:

محمدی پس از آزادی از زندان در بیمارستان ایرانمهر

در حکم ۲۳ صفحه‌ای نرگس محمدی چنین تصریح شده است: «دادگاه با توجه به عناد و لجاجت متهم و پافشاری بر صحت مواضع ضدامنیتی و تبلیغات مسموم و شاعرانه، وی را به ۱۱ سال زندان تعزیری محکوم می‌نماید.»

خانم محمدی درباره این قسمت از رای صادره چنین می‌گوید: «اگر منظورشان اصرار در این است که این اقداماتی که ما انجام دادیم قانونی نیست، من هنوز هم آن را قانونی می‌دانم. وقتی من به جرم تلاش برای رسیدن به صلح و حقوق بشر در جامعه ایران به یازده سال زندان محکوم می‌شوم، حتی اگر صد سال زندان بکشم، ذره‌ای از ادای دین به جامعه، انسانیت و آزادی عقیده و بیان را ادا نکرده‌ام و این چیزی نیست که آدم بخواهد درباره‌اش

تغییر عقیده دهد. ما به هدفمان که تحقق حقوق بشر در ایران است ایمان داریم و این را از طرق مسالمت‌آمیز و مدنی پیش می‌بریم، نه از طرق اقدامات امنیتی.»

نرگس محمدی در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ به اتهام عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر به شعبه ۴ دادگاه انقلاب احضار شد و پس از چند جلسه دفاع با صدور قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. اما تنها چند روز بعد، شبانه در منزل خود توسط مأموران امنیتی بازداشت شد.

خانم محمدی ۱۱ تیرماه سال ۸۹ در حالی که به شدت بیمار بود از زندان مرخص و مستقیماً به بیمارستان رفت. وی چندین ماه به دلیل یک بیماری عصبی در بیمارستان بستری بود.

تیرماه سال جاری نرگس محمدی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. رای در ۲۳ صفحه برای او صادر شد که به گفته‌ی قاضی «تنها قطره‌ای از عملکرد ضد امنیتی و تخریب‌گرمتهم است.»

خانم محمدی که در شرکت بازرسی مهندسان ایران کار می‌کرد، آبان سال ۸۸ به دلیل عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر از محل کارش نیز اخراج شد. وی مادر دو کودک دوقلوی چهارساله است و همسرش تقی رحمانی که ۱۷ سال از عمرش را در زندان‌های جمهوری اسلامی گذرانده اخیراً ممنوع‌الخروج شد.

افزایش فشارهای اقتصادی بر بهائیان

احضار چند شهروند بهائی اهل سنندج؛ افزایش فشارهای اقتصادی بر بهائیان

اخیرا شهروندان بهائی بسیاری از شهرهای ایران از جمله سمنان تحت فشارهای اقتصادی قرار گرفته‌اند. پلمب مغازه، به آتش کشیدن مغازه‌ها و تهدید مشتریان بخشی از این فشارها و اعمال‌های غیرقانونی اقتصادی بوده است. در همین ارتباط در چند هفته اخیر محل کسب ۵ بهایی ساکن سمنان نیز پلمب شده است.

در خبری دیگر تقی حائری، یکی دیگر از شهروندان بهائی ساکن سنندج، چهارشنبه ۲۴ شهریور ماه به طور شفاهی و غیر قانونی به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار شد. وی پس از مراجعه به اداره اطلاعات آن شهر، مورد بازجویی طولانی مدتی قرار گرفت. در این بازجویی آقای حائری مورد تهدید قرار گرفته است و به ایشان گفته بوده‌اند که به بهائیان سنندج بگویند که اداره اطلاعات مراقب ایشان هستند و باید به زودی باز هم به اداره اطلاعات آن شهر مراجعه کنند.

فشار بر بهائیان سنندج، در چند ماه اخیر افزایش یافته است به طوری که طی چهار ماه گذشته نزدیک به ۳۰ نفر از بهائیان آن شهر به اداره اطلاعات آن شهر احضار شده‌اند و مورد تهدید و توهین‌های شخصی و اعتقادی قرار گرفته‌اند.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
- ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.
- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

تجاوز به نوجوانان و جوانان در زندان به دستور رئیس زندان

تعدادی از نوجوانان و جوانانی زندانی به دستور رئیس زندان مورد تجاوز قرار گرفتند. اسامی نوجوانانی که مورد تجاوز جنسی گروهی قرار گرفته اند به خاطر حفظ حیثیت آنها از نوشتن نام کامل آنها خوداری می کنیم و فقط اسامی آنها را بصورت اختصار اعلام می نماییم. اما برای در جریان گذشتن سازمانهای حقوق بشری و گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد مشخصات کامل آنها ارسال خواهد شد.

1- نعیم. ق. در بند 4 زندان گوهردشت کرج مورد تجاوز گروهی باندهای مافیایی قرار گرفت.

2- محمد ج. در سالن 3 بند 1 زندان گوهردشت کرج مورد تجاوز گروهی قرار گرفت.

3- احسان ا. در بند 6 زندان گوهردشت کرج مورد تجاوز گروهی قرار گرفت.

محمد مردانی و خادم پیش از انتقال این نوجوانان به آنها تاکید کرده بود که آنها را به این بندها انتقال می دهد که مورد تجاوز جنسی گروهی قرار گیرند و تا دیگه نسبت به برخوردهای وحشیانه آنها اعتراض نکنند. مردانی و خادم انتقال نوجوانان به این بندها و مورد تجاوز گروهی قرار گرفتن آنها را « رو کم کنی » نام نهاده اند.

وقتی که یکی از نوجوانان حاضر به انتقال به سلولها باندهای مافیایی نمی شود خادم شخصا جملاتی علیه او بکار می برد که متأسفانه برای رعایت حرمت خوانندگان قادر به نوشتن آنها نیستیم.

موارد فوق بدلیل اینکه اکثر زندانیان بندها و زندان از این ماجرا مطلع شده بودند افشا شده است ولی گفته می شود موارد متعددی تجاوز جنسی علیه نوجوانان بکار برده می شود و مخفی نگه داشته می شود. باندهای مافیایی زندان با اطمینان خاطر یافتن از عدم مجازات و پیگرد قانونی توسط مردانی و خادم اقدام به این اعمال وحشیانه می نمایند بعضی از نوجوانان زندانی در این بندها بصورت برده جنسی مورد سوء استفاده قرار می گیرند و گاهی به سایر زندانیان اجاره داده می شوند.

در حال حاضر ده ها نفر از نوجوانان و جوانان در سلولهای زندانیان عادی و خطرناک در بندهای 1، 3، 4 و 6 قرار داده شده اند و در معرض خطر جدی سوء استفاده های جنسی و احتمالاً ابتلا به بیماریهای ایدز و غیره قرار دارند. اسامی بعضی از آنها به قرار زیر می باشد:

1- علیرضا زمانی بند چهار، 2- حسین ژوگه بند چهار، 3- مختار بادبادی بند سه، 4- حمید دوست حسینی بند سه، 5- یوسف ذاکری بند شش، 6- امیر رضایی بندیک، 7- مهدی

چکیده

سلحشور بند شش، 8- فرشاد قره حسن لو بند شش، 9- علیرضا یوسفی بند شش، 10- صابر شربتی بند یک، 11- دانیال حسن پور بند شش، 12- امید رضانیا بند شش، 13- مهران نوری بند شش، 14- حسین سرلک بند یک، 15- علی نادری بند یک، 16- ایمان ملاباشی یزدی بند یک، 17- علیرضا فرمانی بند یک، 18- محمد محمدی بند یک، 19- حسین صفدری بندیک، 20- علی عرب بند شش، 21- محسن مرزبان بند یک، 22- سلیمان تقوی بندشش، 23- محسن طاهرزاده بند شش،

در حال حاضر بند 5 محل نگهداری نوجوانان و جوانان زندانی می باشد اما این نوجوانان و جوانان علیرغم خواست خود همچنان در بندهای مختلف زندان گوهردشت کرج نگهداری می شوند

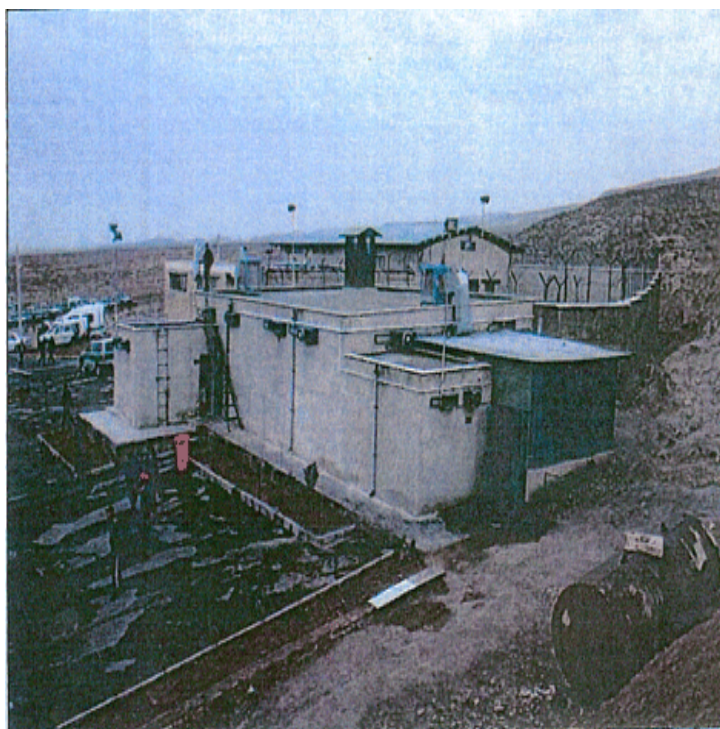
تعدادی از نوجوانان و جوانان زندانی به شرط تضمین امنیت جانی آنها آماده اند که در هر دادگاهی حاضر شوند و نسبت به رفتار و اعمال محمد مردانی و خادم و بانددهای مافیایی تحت امر آنها شهادت بدهند.

لازم به یادآوری است معاون فعلی زندان خادم در سالهای گذشته رئیس حفاظت زندان گوهردشت کرج بود ولی به خاطر تجاوز به یکی از زنان پاسداربند زندان گوهردشت که منجر به باردار شدن او گردید از این سمت موقتاً برکنار و به زندان قزل حصار منتقل شد. اما با منصوب شدن محمد مردانی به عنوان رئیس زندان او به عنوان معاون زندان منصوب گردید. این فرد در حال حاضر یکی از افرادی است که موادر مخدر را وارد زندان می کند و در اختیار بانددهای مافیایی قرار می دهد و در ازای آن سکه های طلا دریافت می کند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، بکارگیری این شیوه غیر انسانی علیه نوجوانان و جوانان توسط رئیس و معاون زندان گوهردشت کرج را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اعزام گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل به ایران برای بازدید از زندانها و ملاقات با زندانیان جهت تهیه گزارشی از جنایت علیه بشریت رژیم ولی فقیه علی خامنه ای و ارائه آن به سازمان ملل می باشد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
07 مهر 1390 برابر با 29 سپتامبر 2011

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:
کمیساریای عالی حقوق بشر
گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد
کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا
سازمان عفو بین الملل

زندانیان کهریزك هدف بدترین و سخت ترین شکنجه ها



کانون حمایت از خانواده جان باختگان و بازداشتی ها: بر اساس گزارشی موثق دریافته از زندان کهریزك، سخت ترین شکنجه ها و بدرفتاری ها در مورد زندانیانی صورت گرفته است که در تظاهرات بعد از انتخابات شرکت داشته اند.

زندانیان کهریزك هدف بدترین و سخت ترین شکنجه ها

شاهدي به نام ح. ر. از شکنجه هایی می گوید که در مورد خود او صورت گرفته است. او شرایط خود را چنین شرح می دهد: «در درگیریهای دو سال پیش دستگیر شدم و مرا به کهریزك بردند. بدلیل شکنجه های سخت و غیرقابل تحمل در این زندان داروی عصبی مصرف میکنم. من بسیار بدتر و سخت تر از تجاوز، در این زندان هدف شکنجه قرار گرفتم. در حدود دو ماهی که بازداشت بودم، مثل حیوان - نه، باید گفت که بدتر از حیوان - با ما رفتار شد! ما را زیر دست یکی از زندانی های قدیمی انداخته بودند که کاملاً روانی بود. او روی ما سوار می شد و ما را به انجام کارهایی و امی داشت که بسیار شنیع و کثیف بود. هنگامی هم که حاضر به انجام آن کارها نمی شدیم، مانند یک موجود هار و وحشی ما را می گرفت و به باد کتک می گرفت. در حال حاضر، دو سال از آن زمان گذشته و من هنوز حالت

دومين سالروز خاکسپاري جان باختة راه آزادي علي حسن پور در تهران



كانون حمايت از خانواده جان باختگان و بازدارشي ها : روز سه شنبه پنجم مهرماه، مراسمي در دومين سالروز خاکسپاري علي حسن پور در تهران برگزار شد. علي حسن پور روز 25 خرداد 88 در ميدان آزادي از ناحيه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. پيكر او بعد از گذشت 105 روز از جان باختن اش به خانواده اش داده شد و به دنبال آن در 5مهر سال 88 به خاك سپرده شد. امسال در سالروز خاکسپاري علي حسن پور علاوه بر اعضاي خانواده اش، تعدادي از اعضاي خانواده ساير جان باختگان راه آزادي هم حضور داشتند و با خانواده او اظهار همدردي كردند.

نهال سحابی به پخش اعترافات تلویزیونی تهدید شده بود»

نهال سحابی که همچون دوست پسرش بهنام گنجی پس از آزادی از زندان اوین خودکشی کرد، از سوی بازجویان به "آبروریزی و پخش اعترافات تلویزیونی" تهدید شده بود. امیر شیبانی دوست مشترک آنها، خودکشی دوستان خود را "عاشقانه" می‌خواند.

نهال سحابی نویسنده وبلاگ "لحظه‌های محتضر" که پنج‌شنبه ۷ مهر ۱۳۹۰ با خوردن قرص به زندگی خود پایان داده است، پیش از خودکشی و در زمان بازداشت از سوی بازجویان به پخش اعترافات تلویزیونی تهدید شده بود.

به گفته امیر شیبانی فعال سیاسی و از دوستان نزدیک نهال سحابی، بهنام گنجی و کوهیار گودرزی، «خودکشی نهال سحابی، عاشقانه است».

پیش از این بهنام گنجی دانشجوی ۲۲ ساله، از دوستان نزدیک کوهیار گودرزی و "دوست پسر نهال سحابی"، نیمه شب پنجشنبه ۱۰ شهریور با خوردن قرص به زندگی خود خاتمه داده بود.

به گفته امیر شیبانی، ۹ مرداد ۱۳۹۰، کوهیار گودرزی، بهنام گنجی و نهال سحابی همگی در خانه بهنام گنجی بازداشت شده‌اند.

چکیده

این دوست مشترک بازداشت‌شدگان ۹ مرداد اضافه می‌کند، بهنام گنجی دو هفته پس از بازداشت آزاد می‌شود و مدتی بعد از آزادی خودکشی می‌کند. نهال سحابی سه روز پس از بازداشت با وثیقه‌ای ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد می‌شود و پس از خودکشی دوست پسرش به زندگی خود پایان می‌دهد. با گذشت ۶۳ روز از دستگیری کوهیار گودرزی هیچ خبری از او نیست. همچنین پروین مخترع، مادر کوهیار گودرزی در شهر کرمان زندانی است.

بشنوید: گفت‌وگو با امیر شبیانی دوست مشترک نهال سحابی و بهنام گنجی
دو بچه‌وله: چگونه با نهال سحابی و بهنام گنجی آشنا شدید؟

امیر شبیانی: نهال سحابی دوست صمیمی بهنام گنجی و در واقع معشوق او بود. آن‌ها عاشق هم بودند. من بهنام را می‌شناختم. زمانی که بهنام فوت کرد، من پست‌هایی در صفحه فیس‌بوک او می‌گذاشتم. نهال زیر آن پست‌ها کامنت می‌گذاشت. او خیلی اصرار داشت، مرگ بهنام یک مرگ عاشقانه بود و مرگ سیاسی نبود.

بعد با هم پیام‌هایی را ردوبدل کردیم و با هم آشنا شدیم. این آشنایی باعث شد ما غم‌خوار هم‌دیگر باشیم. در لحظاتی که روی من فشار بود، او پیام می‌داد و سعی می‌کرد من را آرام کند، همچنین برعکس.



Bildunterschrift: Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift
گنجی مدتی بعد از آزادی خودکشی کرد نهال خیلی احساس تنهایی می‌کرد، خیلی‌ها به خاطر مسئله‌ی بهنام او را پس زده بودند و دیگر حرف‌های او را گوش نمی‌کردند.
هیچ‌کس نهال را نمی‌شناخت. هیچ‌کس نمی‌دانست که هم‌زمان با بهنام و کوهیار، نهال هم

چکیده

بازداشت شده است. نهال حرف‌هایی داشت و حرف‌هایش را با من مطرح می‌کرد. نهال سحابی کی و به چه علت زندان بود؟

نهم مرداد که کوهیار گودرزی در منزل بهنام گنجی بازداشت می‌شود، نهال هم در منزل بهنام بوده است. آن روز کوهیار گودرزی، بهنام گنجی و نهال سحابی، هر سه باهم بازداشت می‌شوند. خانم سحابی سه روز بازداشت بود و بعد از سه روز با وثیقه‌ای ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.

آیا در این مدت در باره‌ی اتفاقاتی که در داخل زندان برای او افتاده بود هم صحبت کرد؟ بله؛ نهال یک شخصیت سیاسی نبود. نهال با این‌که در زمان انتخابات یکی از فعالان ستاد میرحسین موسوی بود و حتی بعد از انتخابات هم در تجمعات اعتراضی شرکت می‌کرد، ولی یک فعال سیاسی نبود.

او یک غم‌خوار اجتماعی بود. نهال می‌گفت، حدود ۷۲ ساعت بازداشت بوده، و از این ۷۲ ساعت، ۲۴ ساعت روی او خیلی فشار زیادی بوده است.

از او پرسیده بودند، «آن‌جا چه کار می‌کردی؟»

با آن‌ها کجا آشنا شدی؟

کوهیار را تا چه حد می‌شناسی؟

بهنام را تا چه حد می‌شناسی؟

آیا آن‌ها به تو نخ می‌دهند، تو را به جایی وصل کرده‌اند و تو رابطشان هستی؟»

نهال هم که اصلاً در این فازها نبود و در این مسائل اصلاً هیچ شرکتی نداشت، خیلی گیج می‌شود. او نمی‌دانست چه جوابی باید به این سوال‌های سخت بدهد. او نمی‌فهمید منظور بازجو از رابط چیست، منظور بازجو از نحوه‌ی نخ دادن و این‌طور چیزها چیست. نهال در این سوال‌ها گم می‌شود. در صحبت‌هایی که با هم می‌کردیم، می‌گفت این سوال‌ها روی او خیلی فشار آورده بود. چون نهال اصلاً در این چیزها وارد نبود.

او هم‌زمان با بهنام و کوهیار بازداشت می‌شود و آن‌جا یک‌سری مسائل به او می‌گویند. مثلاً به او گفته بودند اگر اعتراف نکنی، آبرویت را می‌بریم، تو را در رادیو و تلویزیون، به عنوان دختری که با چند پسر نامحرم در یک خانه بوده معرفی می‌کنیم و... یعنی می‌خواستند با آبروی او بازی کنند.

در آن‌جا نهال تا جایی که توانسته، از خود دفاع کرده است. طوری که خود او می‌گفت، حاضر نشده چیزی بگوید.

چون اصلاً چیزی نداشته که بگوید.

تنها دفاعش در برابر بازجوها این بوده که «من فقط یک عاشق‌ام!»! من فقط عاشق بهنام هستم و بیشتر از این نیستم. «نهال سحابی مربی مهدکودک، پس از سه روز بازداشت با وثیقه‌ای ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده بود» در اوین به بهنام و نهال اجازه می‌دهند اجازه می‌دهند پنج دقیقه هم‌دیگر را ببینند. بهنام به نهال می‌گوید که حال‌اش خوب است. آن دو با هم

چکیده

کوتاه صحبت می‌کنند. نهال بعد از سه روز و بهنام بعد از دو هفته آزاد شدند.

بعد از آزادی برای نهال مشکلات خانوادگی پیش آمد. بالاخره او یک دختر بود و بازجوها در اوین تا جایی که توانسته بودند، به حساب خودشان سعی کرده بودند، نهال را پیش خانواده‌اش خراب کنند. البته خانواده نهال کاملاً روی نهال و بهنام شناخت داشتند.



:Bildunterschrift: Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift

بعد از آزادی بهنام، رابطه‌ی احساسی نهال و بهنام با هم‌دیگر خیلی بیشتر شد. نهال به‌خاطر با بهنام بودن هزینه‌ای را پرداخت می‌کرد که آن هزینه مدت‌ها روی شانه‌های نهال سنگینی می‌کرد.

به نظر شما چه ارتباطی بین خودکشی نهال سحابی و خودکشی معشوق او بهنام گنجی وجود دارد؟ تا چه حد اتفاقات داخل زندان روی خودکشی نهال سحابی تأثیر داشته است؟

من نمی‌توانم علت خودکشی را به اتفاقاتی که در داخل زندان برای او افتاده محدود کنم. ولی اتفاقات داخل زندان روی روحیه‌ی هر دوی آن‌ها، هم نهال و هم بهنام، خیلی تأثیر داشت. این مسئله برای هر دوی آن‌ها تازگی داشت.

چون برای اولین بار بود و آمادگی زندان را نداشتند. انفرادی روی روح و روان هر دو آن‌ها خیلی تأثیر گذاشت.

در ۷۲ ساعتی که نهال در انفرادی بود، مرگ خود را آن‌جا دید. خود نهال می‌گفت: «در آن ۷۲ ساعت، با توجه به چیزهایی که از سپاه شنیده بودم، این‌که امکان تجاوز و دست‌درازی وجود دارد، حالت خاصی پیدا کرده بودم و می‌ترسیدم. در آن سه روز، هر لحظه، مرگام را می‌دیدم.»

از نحوه‌ی خودکشی و تاریخ خودکشی ایشان اطلاعی دارید؟
نهال، آخرین پستی که در صفحه فیس‌بوک و وبلاگ خود گذاشته، همین دیروز پنجشنبه هفتم مهر (۲۹ سپتامبر) بوده است. بهنام و نهال روزهای پنجشنبه با هم قرار داشتند و هر پنجشنبه را به‌طور کامل با هم می‌گذراندند.

بهنام هم دقیقاً در روز پنجشنبه دست به خودکشی زد و نهال هم برای این‌که عشق خود را ثابت کند، سر قرارومداری که با هم گذاشته بودند مانده است. دقیقاً روز پنجشنبه صبح، حدود ساعت پنج‌ونیم، شش صبح با خوردن قرض خودکشی کرده است.
آیا مراسم خاکسپاری ایشان انجام شده است؟

متأسفانه از مراسم خاکسپاری ایشان اطلاعی ندارم. چون اطلاع‌رسانی خانواده‌ی نهال بسیار محدود است. متأسفانه خانواده‌ی او حاضر به برقراری ارتباط با هیچ‌کدام از دوستان نهال نبودند. من با دوستان صمیمی نهال در ارتباط هستم و سعی کردم در ارتباط با تشییع جنازه، از آن‌ها پرس‌وجو کنم. تاجایی که می‌دانم هنوز برای تشییع‌جنازه‌ی نهال، تصمیم‌گیری نشده است.

علت خودکشی بهنام گنجی، معشوق نهال سحابی، چه بود؟
خودکشی بهنام هم سیاسی نبود. خودکشی بهنام عاشقانه بود. بهنام در آخرین لحظات به این خاطر تصمیم به خودکشی گرفت که می‌خواست به نهال برسد ولی نمی‌توانست. خانواده او موافق نبودند. نهال از لحاظ سن و سال از بهنام بزرگتر بود و خانواده او نمی‌توانست این مسئله را قبول کند.

مادر بهنام در تشییع‌جنازه‌ی بهنام و در مسجد چندبار تکرار کردند که «من مقصرم!». احساس می‌کنم که دلیل خودکشی همین بود که بهنام و نهال هیچ‌وقت نمی‌توانستند به هم برسند. در کنار این مسئله وقتی بهنام در اوین بود، خیلی زجر کشید. بهنام بعد از آزادی عذاب وجدان خاصی می‌گیرد که هیچ‌کس نفهمید دلیل آن چیست. آن‌طور که بهنام و همین‌طور نهال می‌گفتند، می‌خواستند از بهنام اعترافات خاصی در ارتباط با کوهیار گودرزی بگیرند.

«با گذشت ۶۳ روز از دستگیری کوهیار گودرزی هیچ خبری از او در دست نیست» همین مسئله باعث شد نگرانی‌های ما در مورد کوهیار روزبه‌روز بیشتر شود. الان ۶۳ روز است که کوهیار غیب شده است. حتی حاضر نیستند اعلام کنند او را بازداشت کرده‌اند. در زندان فشارهای روحی خیلی خاص به بهنام وارد شده بود. هفته‌ی اول بازجویی خیلی سختی داشته است.

آن‌طور که نهال می‌گفت بعد از بازجویی، بهنام به مدت دو روز با دو نفر دیگر در یک سلول بوده است. بعد از این که بازجو دو روز به بهنام استراحت می‌دهد، دوباره او را برای بازجویی می‌برند. این‌بار بازجویی‌های خیلی سخت‌تری را شروع می‌کنند. می‌خواستند از بهنام اعتراف بگیرند که کوهیار با جایی، با فرد خاصی در ارتباط است.

چکیده

می‌خواستند اعتراف بگیرند که کوهیار با مجاهدین در ارتباط است. وقتی این مسئله را شنیدم، شخصا خیلی نگران کوهیار شدم. چون واقعا کوهیار با جای خاصی در ارتباط نبود. آن‌ها می‌خواستند این انگ را به کوهیار بچسبانند. شغل آقای گنجی و خانم سحابی چه بوده است؟

بهنام اهل مشهد بود ولی در تهران درس می‌خواند. آشنایی بهنام و کوهیار از هم‌خانه شدن آن‌ها شروع شد. مدتی با هم هم‌خانه بودند، بعد از مدتی به‌خاطر مشکلاتی که برای تحصیل کوهیار پیش آمد، مجبور شدند از هم جدا شوند. اما روزی که بازداشت شدند، کوهیار در خانه‌ی بهنام بود.

نهال سحابی هم معلم مهدکودک بود. دوستان نهال خیلی از او تعریف می‌کنند و می‌گویند نهال خیلی با احساس از بچه‌ها نگهداری می‌کرده است. رفتن نهال داغ بزرگی به دل همه ما گذاشت و یک علامت سؤال بزرگتر: «کوهیار کجاست؟!».

ما نمی‌دانیم باید چه‌کار بکنیم و درباره کوهیار از کجا خبر بگیریم. خانم مخترع (مادر کوهیار گودرزی) همچنان در زندان کرمان است. از آن طرف، ۶۳ روز است که از خود کوهیار هیچ خبری نداریم.

اتهام و محل نگهداری کوهیار معلوم نیست. نگرانی جدید دوستان کوهیار این است، آیا اصلا کوهیار زنده است؟

با اتفاقاتی که برای دوستان نزدیک کوهیار افتاد، من و تمام دوستان کوهیار خیلی نگران او هستیم.

نقض حقوق بشر در ایران بیداد می کند

مردم شریف و آزاده ایران؛

کدام را باور کنیم، دم خروس یا قسم حضرت عباس را؟!؟

منبع: سایت رسمی مادران پارک لاله از زمان روی کار آمدن و تثبیت حکومت جمهوری اسلامی، نقض حقوق بشر آغاز شد. کشتار مردم کردستان، انقلاب فرهنگی و اخراج تعداد زیادی از دانشجویان و استادان از دانشگاه، زندانی کردن نیروهای سیاسی و هواداران ساده آنها، شکنجه های وحشیانه قرون وسطایی در زندان ها، کشتارهای فردی و جمعی زندانیان در زندان ها، دفاع از جنگ و خانمان سوزی مردم و برجای ماندن تعداد زیادی کشته و مجروح و معلول جنگی، اخراج بسیاری از نیروهای اندیشمند از محل کار، ترورهای بی رویه در داخل و خارج از کشور، حمله به خوابگاه ها و کشتن دانشجویان، فراری دادن بسیاری از نیروهای آگاه به خارج از کشور، به گلوله بستن مردم در خیابان ها، حمله به

چکیده

تجمع های زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان و مراسم سوگواری خانواده های داغدار در خانه ها و گورستان ها و هزاران موارد نقض حقوق بشر که حتی از نام بردن تک تک آنها عاجزیم.

چه باید کرد؟

در ایران هیچ فرد و گروه و دسته معترضی حق زندگی ندارد. تمامی افراد، حتی خودی ها با کوچک ترین مخالفتی هستی شان نیست می شود و یا سر از زندان در می آورند. دین و مذهب و شریعت، فقط بهانه ای شده است برای پر کردن جیب شان. امروز در وضعیتی هستیم که حتی وکلا امنیت جانی ندارند.

آنها وکالت خوانده اند که از متهمان دفاع کنند، ولی خود متهم می شوند و با احکامی سنگین به زندان می افتند یا تحت فشارهای نیروهای امنیتی قرار می گیرند.

آیا زمان آن نرسیده است که به این نقض آشکار حقوق بشر به طور گسترده اعتراض کنیم؟ ما مادران پارک لاله که خود را مادران تمامی فرزندان ایران می دانیم، به نقض آشکار حقوق بشر در ایران معترضیم.

جناب آقای احمد شهید؛

سازمان ها و نهادهای حقوق بشری ایران و جهان!

بدانید و آگاه باشید که نقض حقوق بشر در ایران بیداد می کند

برای نمونه، اسامی و احکام تعدادی اندک از زندانیان طیف های مختلف و تنی چند از کشته شدگان ده سال اخیر را می آوریم، تا یادمان باشد که تعهداتی داریم و باید برای رهایی از این بیدادگری ها چاره ای بیاندیشیم. {لازم به یادآوری است که در اینجا از ذکر کشته شدگان ده سال اخیر (اعدام ها و کشتارهای خیابانی) خودداری شده است.}

فعالان کانون مدافعان حقوق بشر و وکلا: نرگس محمدی (بازداشت در 20 خرداد 1389 و محکوم به 11 سال زندان، هم اکنون با وثیقه آزاد است)، نسرين ستوده (بازداشت در 13 شهریور 1389 و محکوم به 6 سال زندان و 20 سال ممنوعیت خروج از کشور و 20 سال محرومیت از وکالت)، محمد سیف زاده (وضعیت بازداشت نامعلوم، در 2 اردیبهشت 1390 به خانواده اطلاع دادند در زندان ارومیه است. وی به 2 سال زندان و 10 سال محرومیت از وکالت و تدریس در دانشگاه محکوم شد)، محمدعلی دادخواه (بازداشت در 7 تیر 1388 با چند تن از همکاران و پلمپ دفتر، وی محکوم به 9 سال زندان و 10 سال محرومیت از وکالت شد. هم اکنون با وثیقه آزاد است)، عبدالفتاح سلطانی (بازداشت در 19 شهریور 1390،

چکیده

بلا تکلیف)، مسعود شفیعی (وکیل کوهنوردان آمریکایی، در تاریخ 10 مهر 1390 هنگام خروج از کشور ممنوع الخروج و پاسپورت اش ضبط شد) و ...؛

فعالان زنان: عالیہ اقدام دوست (بازداشت در 10 بهمن 1387 و محکوم به سه سال زندان)، زینب بایزیدی (بازداشت در 25 آبان 1387 و محکوم به 4 سال زندان)، محبوبه کرمی (بازداشت در 25 اردیبهشت 1390 و محکوم به سه سال زندان)، روناک صفارزاده (بازداشت در 17 مهر 1386 و محکوم به شش سال زندان)، فرانک فرید (بازداشت در 12 شهریور 1390 و بلا تکلیف)، فرشته شیرازی (بازداشت در 12 شهریور 1390 در آمل و بلا تکلیف) و ...؛

حامیان مادران عزادار: لیلا سیف الهی (بازداشت در 19 بهمن 1388 که پس از 36 روز با کفالت آزاد و در دادگاه بدوی به 4 سال زندان محکوم شد و در انتظار دادگاه تجدید نظر است)، ژیلا کرم زاده مکوندی (بازداشت در 19 بهمن 1388 که پس از 36 روز با کفالت آزاد و در دادگاه بدوی به 4 سال زندان محکوم شد و در انتظار دادگاه تجدید نظر است)، منصوره بهکیش (پس از چندین بار بازداشت و احضارهای مکرر، در 22 خرداد 1390 بازداشت و پس از 28 روز زندان با کفالت آزاد و هم اکنون برای انجام دادگاه بایستی در روز 18 مهر در شعبه 15 دادگاه انقلاب حضور یابد. وی در تاریخ 26 اسفند سال 1388 هنگام خروج ممنوع الخروج و پاسپورت اش ضبط شد) و ...؛

فعالان دانشجویی: علی اکبر محمدزاده (بازداشت در 25 بهمن 1389 و محکوم به 6 سال زندان)، مجید توکلی (بازداشت در 16 آذر 1388 و محکوم به 8 سال و نیم زندان)، مجید دری (بازداشت در 18 تیر 1388 و محکوم به 6 سال زندان)، مهدیه گلرو (بازداشت در 11 آذر 1388 و محکوم به 2 سال زندان)، بهاره هدایت (بازداشت در 10 دی 1388 و محکوم به 9 سال و نیم زندان) و ...؛

فعالان کارگری: شاهرخ زمانی (بازداشت در 17 خرداد 1390 و محکوم به 11 سال زندان)، بهنام ابراهیم زاده (بازداشت در 22 خرداد 1389 و محکوم به 20 سال زندان ولی بلا تکلیف) و ...؛

چکیده

فعالان معلم: رسول بداغی (بازداشت در 11 شهریور 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 5 سال محروم از فعالیت اجتماعی)، هاشم خواستار (بازداشت در 4 تیر 1388، دوم خرداد 90 گزارش شد این معلم بازنشسته به سالن 102 بند 5 زندان وکیل آباد مشهد که محل نگهداری زندانیان محکوم به اعدام است، منتقل شده است. او در 19 شهریور 1390 از زندان آزاد شد) و ...؛

فعالان حقوق بشر، روزنامه نگار، وب لاگ نویس، نویسنده و مترجم: حشمت الله طبرزدی (بازداشت در 7 دی 1388 و محکوم به 9 سال زندان و 74 ضربه شلاق)، هنگامه شهیدی (بازداشت در 6 اسفند 1389 و محکوم به شش سال زندان که از خرداد 1390 برای معالجه در مرخصی است)، عیسی سحرخیز (بازداشت در 12 تیر 1388 و محکوم به 3 سال زندان و 5 سال محروم از فعالیت های مطبوعاتی)، سعید متین پور (بازداشت در 10 تیر 1388 و محکوم به 8 سال زندان)، ابوالفضل عابدینی نصر (بازداشت در 13 اردیبهشت 1390 و محکوم به 12 سال زندان)، کیوان صمیمی بهبهانی (بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 15 سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی)، مسعود باستانی (بازداشت در 14 تیر 1388 و محکوم به 6 سال زندان)، عدنان حسن پور (بازداشت در آذر 1385 و محکوم به 15 سال زندان)، هیوا بوتیمار (بازداشت در آذر سال 1385 و محکوم به 8 سال زندان)، آرش سقر (بازداشت در 1 آذر 1388 و محکوم به 5 سال زندان)، محمد صدیق کیبوند (بازداشت در 10 تیر 1386 و محکوم به 10 سال و نیم زندان)، حسین رونقی ملکی (بازداشت در 22 آذر 1388 و محکوم به 15 سال زندان)، مهدی محمودیان (بازداشت در 25 شهریور 1388 و محکوم به 5 سال زندان و محرومیت از خبرنگاری)، حمید موذنی (بازداشت در 5 مهر 1390 با وضعیت نامعلوم)، علی ملیحی (بازداشت در 20 بهمن 1388 و محکوم به 4 سال زندان)، شیوا نظر آهاری (بازداشت در 29 آذر 1388 و محکوم به 4 سال زندان)، کوهیار گودرزی (بار اول بازداشت در 29 آذر 1388 و یک سال زندان بود، بار دوم در 9 مرداد 1390 بازداشت شد و مادرش (پروین مخترع) نیز یک روز پس از او بازداشت شد و هر دو بلاتکلیف هستند)، علی اکرمی، مهدی افشار نیک و محمد حیدری (در 13 مهر 1390 بازداشت شدند و بلاتکلیف هستند) و ...؛

روحانی مخالف نظام: حسین کاظمینی بروجردی (بازداشت در سال 1386 با مصادره اموال و محکوم به 10 سال زندان).

چکیده

ادوار تحکیم وحدت: احمد زیدآبادی (بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 5 سال تبعید به گناباد)، شب‌نم مددزاده (بازداشت در 2 اسفند 1387 و محکوم به 5 سال زندان و تبعید به زندان رجایی شهر)، عبدالله مومنی (بازداشت در 31 خرداد 1388 و محکوم به 4 سال و 11 ماه زندان)، و ... ؛

هنرمندان: جعفر پناهی (بازداشت در 11 اسفند 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 20 سال محرومیت از فیلم‌سازی و فیلم‌نامه‌نویسی و 20 سال محرومیت از سفر به خارج از ایران و 20 سال ممنوعیت از هر نوع مصاحبه با رسانه‌ها و مطبوعات داخلی و خارجی. وی در 4 خرداد 1389 با وثیقه آزاد شد)، هادی آفریده، شهنام بازدار، ناصر صفاریان، محسن شهنازدار، مجتبی میرطهماسب و کتایون شهابی (نشست مستندسازی که در 26 شهریور 1390 بازداشت شدند)، رامین پرچمی بازیگر سینما و تئاتر (بازداشت در 25 بهمن 1390 و محکوم به یک سال زندان)، پگاه آهنگرانی بازیگر سینما (بازداشت در 19 تیر 1390 که 17 روز زندان بود و با وثیقه آزاد شد)، مهناز محمدی مستندساز و از فعالان حقوق زنان (بازداشت در 5 تیر 1390 که یک ماه زندان بود و آزاد شد)، مریم مجد عکاس (بازداشت در 27 خرداد 1390 که یک ماه زندان بود و با وثیقه آزاد شد) مرضیه وفامهر (بازداشت در اوایل تیرماه سال 1390 و به یک سال حبس تعزیری و 90 ضربه شلاق محکوم شد) و ... ؛

فعالان سیاسی: سعید ماسوری (بازداشت در دی 1379 و محکوم به حبس ابد)، حمید حائری (بازداشت در 15 آذر 1388 و محکوم به 15 سال زندان)، عباس بادفر (بازداشت در سال 1388 و محکوم به 10 سال زندان)، حامد روحی نژاد (دانشجو، بازداشت در 14 اردیبهشت 1388، در دادگاه بدوی به اعدام و در تجدید نظر به 10 سال زندان محکوم شد. وی بیماری ام اس دارد و بینایی و شنوایی اش دچار مشکل شده است) و ... ؛

اتهامهای نامشخص که ابتدا به اعدام محکوم شده بودند: فرح و احسان (بازداشت در 8 دی 1388 و محکوم به 17 سال زندان)، فاطمه رهنما (بازداشت در 7 مرداد 1388 و محکوم به 10 سال زندان)، ایرج محمدی (بازداشت در سال 1386 و محکوم به 10 سال زندان)، عبدالرضا قنبری (همسر سکینه آشتیانی، بازداشت در 14 دی 1388، وضعیت نامعلوم) و ...

اقلیت های مذهبی: محمود بادوام (بازداشت در 1 خرداد 90 و بلاتکلیف)، کامران مرتضایی

چکیده

(بازداشت در 1 خرداد 90 و بلاتکلیف)، نوشین خادم(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، وحید محمودی(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، فرهاد صدقی(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، ریاض سبحانی(بازداشت در 25 خرداد 90 و بلاتکلیف) و یوسف ندرخانی(بازداشت در 20 مهر 1388، وی به اتهام ارتداد و تبلیغ برای دین مسیحیت به اعدام محکوم شده است) و ... ؛

نهضت آزادی ایران: ابراهیم یزدی(بار اول در 7 دی 1388، بار دوم در 9 مهر 1389 بازداشت و در 29 اسفند 1389 از زندان آزاد شد)؛ عماد بهاور(بازداشت در 22 اسفند 1388 و محکوم به 10 سال زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت های رسانه ای)، محسن حکیمی(در 13 مهر 1390 بازداشت شد) و ... ؛

ملی- مذهبی: محمد ملکی(بار اول در 12 تیر 1360 بازداشت که 5 سال را در زندان بسر برد و پس از آزادی نیز ممنوع الخروج بود. وی در 31 مرداد 1388 برای چندمین بار بازداشت و در 10 اسفند همان سال با قید کفالت آزاد شد) و ... ؛

جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی: محسن میردامادی(بازداشت در 30 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 10 سال ممنوعیت از فعالیت های حزبی و مطبوعاتی)، مصطفی تاج زاده(بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت) و ... ؛

معارضان حکومتی: زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی از بهمن سال 1389 در حبس خانگی بسر می برند.

تجاوز جنسی: تجاوز در زندان ها مربوط به امروز و دیروز نیست، در اوایل انقلاب برای اعدام دختران زیر 18 سال، ابتدا به آنها تجاوز می کردند و بعد می کشتند تا به بهشت نروند. بعد از انتخابات نیز تنی چند از زندانیان مدعی شدند مورد تجاوز قرار گرفته اند که می توان به آنها دسترسی پیدا کرد، ولی اینجا از ذکر آنها خودداری می کنیم.

شکنجه و شلاق: بهروز جاوید تهرانی(بار اول در 18 تیر 1378 بازداشت و اواخر 1382

آزاد، بار دوم در 4 خرداد 1384 بازداشت شد که به 4 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد. حکم 74 ضربه شلاق او در 19 آبان 1389 اجرا شد، سمیه توحیدلو (دانشجوی دکتری جامعه شناسی، در 24 خرداد 1388 بازداشت و به یک سال زندان و 50 ضربه شلاق محکوم شد. حکم یک سال زندان وی بخشیده و پس از 70 روز با وثیقه آزاد شد ولی حکم 50 ضربه شلاق او در 23 شهریور با دست و پایی بسته در اوین به اجرا در آمد، پیمان عارف (فعال دانشجویی و روزنامه نگار، بازداشت در 21 بهمن 1389 که به یک سال زندان و 74 ضربه شلاق و محرومیت مادام العمر از حرفه روزنامه نگاری محکوم شد. وی پس از اجرای حکم شلاق، در 17 مهر 1390 آزاد شد) و ...؛

قتل های نامشخص در زندان و بیرون از زندان: زهرا کاظمی (فیلم بردار کانادایی- ایرانی، بازداشت در 2 تیر 1382 جلوی زندان اوین- قتل در 25 تیر همان سال)، زهرا بنی یعقوب (پزشک، بازداشت در ۲۰ مهر ۱۳۸۶ در پارکی در همدان و انتقال به بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر، خانواده پس از ۴۸ ساعت با خبر مرگ وی روبرو شدند؛ امیر جوادی فر، محمد کامرانی، محسن روح الامینی، رامین آقازاده قهرمانی (از بازداشت شدگان بعد از انتخابات ریاست جمهوری که در بازداشتگاه کهریزک به قتل رسیدند)، هاله سحابی (فعال ملی- مذهبی، بازداشت در سال 1388 و به دو سال زندان محکوم شد. وی برای مراسم سوگواری پدرش عزت الله سحابی موقتا آزاد و در 11 خرداد 1390 در خیابان کشته شد) و ...؛

مرگ و خودکشی درون زندان در اثر شکنجه یا فشارهای حکومتی: البرز قاسمی (عضو نیروی دریایی، روز 30 دی ماه جان باخت. مرگ وی در پی وخامت وضعیت جسمی نشات گرفته از محرومیت بلند مدت از خدمات پزشکی و مرخصی استعلاجی بود، اکبر محمدی (فعال سیاسی، یکشنبه شب 8 مرداد 1385 در زندان درگذشت و جسد او به پزشکی قانونی تحول داده شد. سهراب سلیمانی (مدیرکل زندان های استان تهران) روز 9 مرداد مرگ وی را اعلام کرد و گفت نامبرده در اعتصاب غذا به سر می برده است)، ولی الله فیض مهدوی (در مهرماه سال ۱۳۸۰ بازداشت شد و در ۱۵ شهریور سال ۱۳۸۵ مقام های زندان اوین خبر مرگ او را به طور رسمی اعلام کردند و مدعی شدند نامبرده خود را در سلول حلق آویز کرده که پس از انتقال به بیمارستان، در آنجا فوت کرد)، ابراهیم لطف اللهی (فعال دانشجویی، در ۱۶ دی سال ۱۳۸۶ در سنندج بازداشت شد و تنها ۹ روز بعد در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۶

ماموران امنیتی به خانواده اعلام کردند وی در بازداشتگاه اطلاعات سنندج خودکشی کرده و جسدش را در گورستان سنندج دفن کرده اند)، امیرحسین حشمت‌ساران (بازداشت در سال 1383 که به اتهام تاسیس گروهی به نام "جبهه اتحاد ملی ایران" به 8 سال زندان تعزیری و 8 سال تعلیقی محکوم شد، ۱۶ اسفند ۱۳۸۷ پس از چهار سال تحمل زندان به مرگی مشکوک در زندان گوهردشت درگذشت، امید رضا میرصیافی (وب لاگ نویس، بار اول در ۳ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ به اتهام "توهین به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی" در وبلاگش "روزنگار" بازداشت و پس از ۴۱ روز با تعیین وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. در آبان ۸۷ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محاکمه و 2 سال و نیم زندان محکوم شد. روز ۲۸ اسفند سال ۱۳۸۷ منابع غیر رسمی از مرگ مبهم زندانی در زندان اوین خبر دادند، محسن دگمه چی (روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۸ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد، شامگاه دوشنبه ۸ فروردین سال ۱۳۹۰ خبر مرگ این زندانی سیاسی ۵۳ ساله اعلام شد)، حسن ناهید (مهندس مخابرات، در سال ۱۳۸۳ به اتهام "افشای اسناد طبقه بندی شده" بازداشت و به ۳ سال زندان و پرداخت ۶۳ هزار یورو محکوم و دوران حبس خود را در بند ۳۵۰ زندان اوین گذراند و در نیمه فروردین سال ۱۳۹۰ درگذشت)، عبدالرضا رجبی (فعال سیاسی، بازداشت در سال 1380 به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق که پس از یک درگیری مسلحانه هنگام بازداشت مورد اصابت ترکش نارنجک قرار گرفت. او ابتدا به اعدام و با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد. دوران محکومیت خود را در زندان دیزل آباد کرمانشاه و بند ۳۵۰ زندان اوین و اندرزگاه ۸ این زندان گذراند. او در ۷ آبان ۱۳۸۷ از زندان اوین به گوهردشت منتقل شد و همان شب خبر مرگ این زندانی اعلام شد، کاوه عزیزپور (فعال سیاسی کرد، بازداشت در سال ۱۳۸۵ در مهاباد و محکوم به 3 سال زندان به اتهام ارتباط با احزاب اپوزیسیون. این زندانی سیاسی در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۷ پس از انتقال به بیمارستان ارومیه و ۲۰ روز کما، در ۲۷ اردیبهشت درگذشت)، هاشم رضانی (شهروند کرد که در هفته دوم دی ماه ۱۳۸۷ در ارومیه بازداشت شد. چهار روز بعد ماموران در تماسی با خانواده وی اعلام کردند هاشم رضانی "خودکشی" کرده و برای تحویل گرفتن جسد او به اداره اطلاعات ارومیه مراجعه کنند)، محمد رجبی ثانی (در ۸ مهر ماه سال ۱۳۸۳ به دنبال درگیری منجر به ضرب و شتم با دو شهروند دیگر، با حکم بازپرس شعبه ۲ دادرسی عمومی و انقلاب تهران بازداشت و به زندان قزل حصار منتقل شد. چند روز بعد ماموران زندان قزل حصار او را به بیمارستان رجایی کرج منتقل و اعلام کردند که در زندان دچار مرگ مغزی شده است)، هدی رضازاده صابر (فعال ملی- مذهبی، روزنامه

چکیده

نگار و مترجم، بازداشت در سال 1379 که به 5 سال و نیم زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شد، وی در اعتراض به مرگ مشکوک هاله سحابی اعتصاب غذا کرد و در 21 خرداد 1390 در بیمارستان مدرس فوت کرد) و ... ؛

مرگ و خودکشی بیرون زندان در اثر فشارهای حکومتی: بهنام گنجی (بازداشت در 9 مرداد 1390، وی روز 17 مرداد از زندان آزاد شد و نیمه شب 10 شهریور با خوردن قرص خودکشی کرد)، نهال سحابی (در تاریخ 2 مهر 1390، به دنبال مرگ بهنام گنجی خودکشی کرد)، دختری جوانی در 2 مهر 1390 در پی حمله نیروهای امنیتی به یک مهمانی در مشهد، دچار وحشت شد و هنگام قصد فرار، از تراس طبقه ششم ساختمان به پایین سقوط کرد و کشته شد و ... ؛

محکوم به اعدام: زینب جلالیان (فعال کرد، بازداشت در سال 1386)، حبیب الله گلپری پور (فعال کرد، بازداشت در 2 اردیبهشت 1389)، انور رستمی (فعال کرد، بازداشت در دی 1387)، حبیب الله لطیفی (فعال کرد، بازداشت در 1 آبان 1386)، رشید آخکندی (فعال کرد، بازداشت در اردیبهشت 1387)، شیرکو معارفی (فعال کرد، بازداشت در 9 مهر 1387)، مصطفی سلیمی (ایلوئی- فعال کرد، بازداشت در سال 1382)، سید جمال محمدی (فعال کرد، بازداشت در سال 1387)، سید سامی حسینی (فعال کرد، بازداشت در 15 خرداد 1387)، عزیز محمدزاده (نامشخص)، عبدالله سروریان (نامشخص)، زانیار مرادی (نامشخص)، لقمان مرادی (نامشخص)، جواد لاری (فعال سیاسی، بازداشت در 25 خرداد 1388)، حسن طالعی (فعال کرد، بازداشت در سال 1387)، محسن دانش پور مقدم (همسر مطهره بهرامی حقیقی، بازداشت در 6 دی 1389)، احمد دانش پور مقدم (پسر مطهره بهرامی و محسن دانش پور، زمان بازداشت در 6 دی 1389)، صالح سلطان زاده (فعال سیاسی، بازداشت در سال 1385)، حسین فروهیده (خطیبی- فعال کرد، زمان بازداشت نامشخص)، حمید قاسمی (زمان بازداشت نامشخص)، مهدی قیاسی (پزشک و فعال سیاسی، زمان بازداشت نامشخص)، یونس آقایان میرزا (اهل حق، بازداشت در سال 1383)، محمد امین عبداللهی (فعال کرد، بازداشت در سال 1384)، مریم اکبری منفرد (فعال سیاسی، بازداشت در 10 دی 1388) و یوسف ندرخانی (کشیش مسیحی، بازداشت در 20 مهر 1388) ... ؛

با این وضعیت اسف بار حقوق بشر در کشورمان، حاکمان آن چنان دم از توانایی مدیریت جهان در سازمان ملل می زنند که گویی ایرانی آباد، آزاد و همگان برابر ساخته اند و حال

چکیده

می خواهند صدای دموکراسی خواهی، حق طلبی و عدالت جویی شان را به گوش جهانیان برسانند، شاید فراموش کرده اند که ایران را ویران کرده اند. به یاد آوریم:

از لحاظ نرخ تورم، سومین کشور جهان هستیم.

هر روز شاهد افزایش اختلاس های کلان حکومتی هستیم.

رتبه اول اعدام و اعدام کودکان در جهان هستیم.

آمار طلاق- کودک آزاری- همسر آزاری- فقر- فحشا، بیکاری و ... بیداد می کند.

منابع طبیعی و ثروت های ملی و محیط زیست مان (دریاچه ارومیه- زاینده رود، جنگل ها و آثار باستانی) رو به نابودی است.

نه در شادی کردن آزادیم (دستگیری شرکت کنندگان در آب بازی پارکها و انواع تفریحات دسته جمعی) و نه در سوگواری (حمله به مراسم سوگواری و بزرگداشت جان باختگان.

بهشت زهرا و خاوران و گورستان های دیگر که همواره در کنترل نیروهای امنیتی و اطلاعاتی است و خانواده ها را دایم تحت پیگیری و اذیت و آزار قرار می دهند).

مرگ های ناشی از خودسوزی، خودکشی و دیگر کشتی گرفته تا تصادف و بیماری های مختلف ناشی از آلودگی هوا، آب، غذا و ... بیداد می کند.

گویا انسان ستیزی یک اصل عمده برای حاکمیت این نظام است. صدها هزار نفر از زنان و مردان این آب و خاک در این سی و سه سال یا با اعدام یا در کشتارهای خیابانی یا در جنگ و عراق یا به اشکال دیگر کشته شده اند. چندین هزار نفر دچار جراحت های جبران ناپذیر روحی- روانی شده اند. تعداد کثیری از جوانان نخبه از مملکت فراری داده شده اند. تعداد زیادی به دام اعتیاد انداخته شده اند و ...

مردم ایران به هیچ وجه از امنیت جانی و مالی برخوردار نبوده و نیستند. در کشوری که مردم برای گرفتن وام های یک میلیون تومانی پشت در اداره ها صف می کشند و ماه ها در انتظار می مانند، رقم های میلیاردی اختلاس می شود و کسی پاسخگو نیست. حاکمان جمهوری اسلامی مدعی اند هولوکاست افسانه است، ما می پرسیم آیا کشتار های بی رویه این سی و سه سال هم افسانه بوده است؟ شاید بتوان گفت این کشتارها کمتر از هولوکاست نبوده است. مردم ایران و جهان به این باور رسیده اند که دیگر زمانه تحمل و مدارا گذشته است و باید در مقابل ظلم و بی عدالتی ایستاد و چه خوب ایستاده اند و امید که پیروز شوند.

ما مادران پارک لاله در روز جهانی مبارزه با اعدام (دهم اکتبر برابر با 18 مهر)، خواهان لغو کلیه مجازات های اعدام هستیم و بر خواسته های خود به ترتیب زیر پای می فشاریم:

خواهان لغو مجازات اعدام و کشتار انسان ها به هر شکلی هستیم.

خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم. خواهان محاکمه عادلانه و علنی آمران و عاملان تمامی جنایت های صورت گرفته توسط جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل آن هستیم.

مادران پارک لاله
18 مهرماه 1390

رعایت حقوق بشر ایران

این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ میلادی در ایران ۲۵۲ نفر اعدام شده بودند. به پیشنهاد سازمان بین المللی عفو بین الملل ، دهم اکتبر یا هجدهم مهرماه به عنوان روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام شناخته می شود. «کمیته ضد اعدام و مجازات مرگ» در سایت خبری «خانه حقوق بشر»، گزارشی منتشر کرده که نشان می دهد در ایران ، از ابتدای امسال ، ۱۳۵ نفر اعدام شده اند. دست اندرکاران این کمیته می گویند آمار ۱۳۵ نفر مربوط به اعدام افرادی است که منابع رسمی اعلام کرده اند. منابع رسمی در جمهوری اسلامی محدود به روابط عمومی دادگستری شهرستان ها ، روزنامه ها و خبرگزاری های دولتی و نیمه دولتی هستند که گاهی خبرهای مربوط به اجرای مجازات اعدام را منتشر می کنند. مسوولان «کمیته ضد اعدام و مجازات مرگ» می گویند آنها برای اعلام تعداد افراد اعدام شده از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا کنون ، از این آمار رسمی استفاده کرده اند و اگر می خواستند به آمار غیر رسمی هم اشاره کنند ، رقم اعدام شدگان امسال تا ۱۷۳ نفر افزایش می یافت.

مقام های قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران ، گاهی اوقات ، خبر برخی اعدام و مجازات ها را علنی نمی کنند.

بنا بر گزارش «کمیته ضد اعدام و مجازات مرگ» در سایت خبری «خانه حقوق بشر» ، در میان استان های ایران ، کرمان با ۲۰ ، فارس ۱۷ ، خوزستان ۱۴ اعدام ، دارای بیشترین اجرای مجازات بوده اند. همچنین در هفت ماه گذشته بیشترین اعدام ها در خرداد (۳۳ مورد)، شهریور (۲۹ مورد) و اردیبهشت (۲۶ مورد) بوده است.

اعدام : مکانیزم بی تاثیر

مجتبی سمیع نژاد ، دبیر «خانه حقوق بشر ایران» که از دست اندرکاران تهیه گزارش «کمیته ضد اعدام و مجازات مرگ» است ، در گفتگو با صدای آمریکا به دلایل افزایش آمار اعدام در ایران اشاره دارد و می گوید : « در سالهای اخیر آمار اعدام افزایش یافته چون میزان جرم و جنایت افزایش یافته است. »

این فعال مدافع حقوق بشر می گوید: «مقام های جمهوری اسلامی به جای اینکه به دلایل افزایش جرم و جنایت توجه کنند ، بیشتر به مجازات شدید تر پرداخته اند و راهکار اعدام هم برای همین طرز فکر اتخاذ شده است.»

به گفته آقای سمیع نژاد ، بیشترین مجازات اعدام اجرا شده در ماه های اخیر برای مجرمان مواد مخدر بوده است.

این فعال مدنی می افزاید: «مسوولان قضایی فکر می کنند با اعدام می توانند مانع این جرایم بشوند و فکر می کنند که اعدام می تواند یک ابزار بازدارنده باشد اما می بینیم که این اعدام ها نتوانسته به کاهش جرم بیانجامد بلکه در بعضی حوزه ها به افزایش منجر شده و در واقع ، این مکانیزم تاثیری نداشته است. »

ایران همچنان ، رتبه دوم

سازمان عفو بین الملل ابتدای سال میلادی در گزارشی اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران بعد از چین ، با ۲۵۲ اعدام رتبه دوم در بین کشورهای جهان که هنوز مجازات اعدام در آنها اجرا می شود را ، داراست.

با اینکه اکثریت کشورهای اروپایی و بسیاری دیگر از کشورهای دنیا مجازات اعدام را لغو کرده اند یا اجرا نمی کنند ، هنوز حدود شصت کشور مجازات اعدام را اجرا می کنند.

در گزارش سازمان عفو بین الملل ، آمده است که چین ، ایران ، کره شمالی ، یمن ، ایالت متحده آمریکا و عربستان سعودی ، به ترتیب بیشترین اعدام را در سال ۲۰۱۰ میلادی داشته اند.

با اینکه در ایالات متحده آمریکا ، ۱۳ سیزده ایالت ، مجازات اعدام را لغو کرده اند اما عفو بین الملل می گوید در سال گذشته میلادی ، در ۳۷ ایالت آمریکا ، ۴۶ مجازات اعدام اجرا شده است.

جمهوری اسلامی ایران با ۲۵۲ اعدام در سال گذشته میلادی ، رتبه دوم جهانی را بعد از

چکیده

چین دارد. برخی معتقدند میانگین اعدام در ایران حتی بیشتر است چون در چین، حدود دو هزار نفر از جمعیت میلیاردي این کشور اعدام شده اند در حالیکه در ایران به نسبت جمعیت ، میانگین اعدام شدگان ، بیشتر از چین است.

مجتبی سمیع نژاد می گوید جمهوری اسلامی به اعدام ، به عنوان یک راهکار برای ترساندن مردم می نگرند. او می گوید: «انگیزه جمهوری اسلامی برای این تعداد اعدام ، ایجاد ترس در جامعه است.»

به عقیده این فعال حقوق بشر ، مقامات جمهوری اسلامی ایران «به کاهش اعدام علاقه ندارد». آقای سمیع نژاد می افزاید: «در ماه های اخیر شاهدیم که مقام های قضایی بر عناوین جرمی که مجازات اعدام دارند، افزوده اند.»

وی همچنین می گوید: «مقام های ایران می گویند از اعدام برای کنترل جامعه و کاهش جرم و جنایت در ایران استفاده می کنند در حالیکه دلیل واقعی اجرای این مجازات ایجاد ترس ، وحشت و سرکوب صدای های معترض موجود در جامعه است.»

این فعال مدنی در پایان می افزاید: «بعد از انتخابات شاهد بودیم برخی به اعدام محکوم شدند یا حکم اعدام آنها اجرا شد ، که دلیل آن ایجاد ترس و وحشت در جامعه بود. جمهوری اسلامی فکر می کند افزایش این اعدام ها موجب ترس می شود تا معترضان کمتر توان مقابله با حکومت را داشته باشند.»

براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران ، تعداد جرایمی که به اعدام منتهی می شود ، زیاد است. کسانی که به جرایمی چون قاچاق مواد مخدر ، سرقت مسلحانه ، قتل ، تجاوز و غارت دست بزنند ، معمولاً اعدام می شوند. همچنین ، جمهوری اسلامی ایران ، از جمله محدود نظام هایی است که برخی فعالان سیاسی مخالف را هم به اعدام محکوم می کند.

به گزارش کمیته ضد اعدام و مجازات مرگ در خانه حقوق بشر ایران ، در هفت ماه اخیر ، ۷۳ نفر برای جرایم مواد مخدر ، ۳۳ نفر بخاطر تجاوز ، ۱۶ نفر محاربه و ۱۱ نفر به دلیل قتل ، اعدام شده اند.

مقام های قضایی جمهوری اسلامی ، تاکنون از این اعدام ها دفاع کرده اند و اجرای آن را بخشی از احکام دینی می دانند.

با اینکه اغلب کشورهایی که در آن اعدام صورت می گیرد ، سعی کرده اند با اصلاح قوانین به سمت کاهش این مجازات گام بردارند اما در ایران بتازگی اجرای مجازات اعدام در ملا عام افزایش یافته بطوریکه «کمیته ضد اعدام» می گوید در هفت ماه اخیر، ۳۵ مورد از اعدام ها در مقابل دیدگان شهروندان بوده است.

در یک ماه گذشته حداقل سه مورد اعدام در مقابل دیدگان مردم انجام شده و حتی در مورد اجرای مجازات قاتل روح الله داداشی از چهره های ورزشی در کرج ، چند هزار نفر شاهد اعدام بودند.

پیش از این اتحادیه اروپا در گزارش سالیانه خود ، از مقامات جمهوری اسلامی خواسته بود

مجازات اعدام را لغو و از اجرای آن جلوگیری کند.

کهریزی دیگر در تبریز؛ شرح تکانه‌دهنده وضعیت زندانیان

کانون حمایت از خانواده جان باختگان و بازداشتی‌ها: بنا به خبرهای رسیده، در حال حاضر زندانی دیگر با شرایط بسیار اسفناک و غیرقابل تحمل مانند کهریزک در تبریز ساخته شده است. يك زندانی که مدتی در این بازداشت گاه بوده، جزییات را شرح داده است. محل این زندان، در تبریز - روستای بیگلو، ممقان، که به آن شور آباد می‌گویند، دقیقاً يك ساعت فاصله با تبریز و يك ساعت با ارومیه ساخته شده است.

نام فرمانده قرارگاه (که این زندان در آن قرار دارد): سرهنگ فخرعلي قلی زاده است. یکی از بازداشتی‌ها که مدتی در این زندان بوده، شرایط آن را چنین شرح داده است: این زندان، زندانی غیرعلنی است. از بیست کانتینر تشکیل شده است. فاصله هر کانتینر با کانتینر بعدی يك متر است. درون هر کانتینر 40-50 نفر از دستگیر شدگان وقایع تبریز و ارومیه و سایرین بصورت بسیار فشرده جای داده شده‌اند. این زندان بدون سرویس بهداشتی است و هیچ کسی هم نمی‌تواند برای هواخوری یا دستشویی از کانتینر بیرون برود. غذای زندانیان فقط آب و نان و بعضی وقت‌ها شاید سیب زمینی با تخم مرغ آب‌پز است. از يك درچه کوچک در بدنه کانتینر به زندانی‌ها غذا می‌دهند، بدون هیچگونه بشقاب یا قاشقی یا

زندانی‌ها همان‌جا در کانتینر با دست‌هایشان غذا می‌خورند و همان‌جا هم مجبورند دستشویی کنند. بوی تعفن همه‌جا را فراگرفته و امکان تنفس را برای زندانیان بسیار سخت کرده است.

این زندانی که مدتی در این بازداشتگاه بوده، به تازگی از این زندان آزاد شده است. وی آنقدر تحت فشار روحی قرار دارد که در حال حاضر دوست ندارد و نمی‌تواند کسی را ببیند. حرف زدن برای او سخت است. او فقط پنج دقیقه زبان باز کرد و با یکی از دوستان نزدیک خودش صحبت کرد و چند کلمه‌ای گفت.

بعد از دستگیری و ضرب و شتم و شکنجه زیاد با سیم و کابل در تبریز، وی را چشم بسته از تبریز به این زندان بردند و بعد از سه هفته زندگی در این زندان که مانند جهنمی برای

چکیده

زندانیان بود، او را چشم بسته برگرداندند. وی در حال حاضر در شرایط روحی بسیار بدی بسر می برد. این زندانی، بی گناه و فقط به جرم آزادیخواهی دستگیر شد. اما با کلی تلاش و التماس و جستجو و خرج پول برای دادن به این و آن مامور، محل وی توسط خانواده اش پیدا شد و با انبوه رشوه و باج که توسط مزدوران گرفته شد، نهایتاً با سی میلیون تومان رشوه و صد میلیون تومان وثیقه آزاد شد و با وضعیت بسیار ضعیف و رنجور به خانه اش برگشت. در حال حاضر، سایر بازداشتی هایی که در این زندان به سر می برند، در شرایط وحشتناکی به لحاظ جسمی و روحی به سر می برند و می بایست اطلاع رسانی و اقداماتی جدی برای اطلاع از وضعیت آنها صورت گیرد.

شنبه ۸ اکتبر ۲۰۱۱ به مناسبت روز جهانی علیه اعدام در فرانکفورت

<http://www.youtube.com/watch?v=O0RLhm8Fs2Y>

گزارش ویدئویی



ما حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت امروز 8 اکتبر 2011 در یک اعتراض سراسری از سوی حامیان مادران در شهرهای مختلف دنیا به مناسبت روز جهانی علیه اعدام گرد هم آمدیم و اعتراضمان را به احکام اعدام نشان دادیم. در این اعتراض سخنگوی سازمان عفو بین الملل در فرانکفورت، خانم مونیکا ویتکوفسکی هم ما را همراهی کردند. روز دهم اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۳ میلادی در اولین نشست اتحادیه ی اروپا برای مبارزه با مجازات اعدام، اعلام شد. ایران یکی از کشورهایی است که احکام اعدام در آن به اشکال مختلف و در انظار عمومی به طرز وحشتناکی به اجرا در می آید. رژیم جمهوری اسلامی با اعدام کودکان، ملیت های مختلف، دگر اندیشان، اقلیت های جنسی و اقلیت های مذهبی، مقام دوم اعدام در جهان را داراست. ما حامیان مادران پارک لاله، اعدام را یک قتل سازمان یافته می دانیم و مخالف هرگونه قتلی با هر شکل و هر نامی از جمله سنگسار و قصاص بوده و خواهان لغو فوری قانون مجازات اعدام هستیم.

ما معترض به احکام اعدام: زینب جلالیان، حبیب الله لطیفی، حبیب الله گلپوری پور، رشید آغکندی، شیرکو معارفی، مصطفی سلیمی، انور رستمی، سید جمال محمدی، سید سامی حسینی، عزیز محمدزاده، عبدالله سروریان، زانیار مرادی لقمان مرادی و کشیش یوسف ندرخانی و همه ی زندانیان گمنامی که به اعدام محکوم شده اند هستیم و سعی می کنیم صدایمان را به گوش جهانیان و جوامع بین المللی برسانیم. باشد که همبستگی و مبارزه مشترک ما، راه را برای رسیدن به اهدافمان هموار تر سازد

حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت

محاكمة 4 زندانی سیاسی در دادگاه انقلاب

محاكمة 4 زندانی سیاسی در دادگاه انقلاب با پرونده سازی جدید بازجویان وزارت اطلاعات پرونده سازی جدید بازجویان وزارت اطلاعات علیه 4 زندانی سیاسی و انتقال آنها به یکی از شعب دادگاه انقلاب وابسته به وزارت اطلاعات جهت محاكمة آنها. روز چهارشنبه 20 مهر ماه زندانیان سیاسی فرزاد مددزاده، صالح کهندل، محمد علی منصوری و بهروز جاوید طهرانی با پرونده سازی جدید بازجویان وزارت اطلاعات به شعبه 6 دادگاه انقلاب برده شدند و توسط فردی بنام ناصری مورد محاكمة قرار گرفتند.

آنها حوالی ساعت 06:00 صبح از بند 4 زندان گوهردشت کرج بطرز قرون وسطایی و تحقیر آمیزی با دسبند و پابند به شعبه 6 دادگاه انقلاب برده شدند و تا ساعت 15:00 مور محاكمة فردی بنام ناصری قرار داشتند . 4 زندانیان سیاسی فوق الذکر اتهامات واهی بازجویان وزارت اطلاعات را قاطعانه رد کردند. ناصری بر مبنای اتهامات دروغین بازجویان وزارت اطلاعات برای هر زندانی سیاسی قرار وثیقه 30 میلیون تومانی صادر کرد.

4 زندانی سیاسی فوق الذکر 7 تیرماه بطور ناگهانی و بدون هیچ دلیل از بند 4 زندان گوهردشت کرج خارج و به سلولها انفرادی بند 209 شکنجه گاه وزارت اطلاعات در زندان اوین منتقل کردند. آنها نزدیک به 3 ماه تحت شکنجه های جسمی و روحی آخوندی با نام مستعار علوی و سعید شیخان از سربازجویان وزارت اطلاعات در بند 209 قرار داشتند. بازجویان وزارت اطلاعات علیه 4 زندانی سیاسی اقدام به پرونده سازی واهی نمودند و آن را به یکی از شعبه های دادگاه انقلاب وابسته به وزارت منتقل کردند. پرونده سازی فوق در حالی صورت می گیرد که این 4 زندانی سیاسی همراه با ده ها زندانی سیاسی دیگر نزدیک به 1 سال است که از داشتن هرگونه ارتباطی با دنیای خارج از زندان محروم هستند و در شرایط کاملاً ایزوله به سر می برند. آنها حتی از امکان داشتن ملاقات حضوری و یا تماس تلفنی با خانواده های خود محروم هستند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، انتقال به سلولهای انفرادی، شکنجه جسمی و روحی، پرونده سازی واهی بازجویان وزارت اطلاعات علیه زندانیان سیاسی که نزدیک به 1 سال در بند ایزوله شده قرار دارند و محاکمه آنها در یکی از شعب دادگاه انقلاب وابسته به وزارت اطلاعات را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اعزام گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای دیدار با زندانیان سیاسی و خانواده های آنها برای تهیه گزارشی از جنایت علیه بشریت رژیم ولی فقیه علی خامنه ای جهت ارائه به سازمان ملل می باشد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

21 مهر 1390 برابر با 13 اکتبر 2011

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

بیانیه ۱۰ تن از فعالان دانشجویی و حقوق بشر زندانی درباره حکم شلاق عارف

پیمان عارف در پی اجرای حکم شلاق پیمان عارف، فعال سیاسی ده تن از زندانیان محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین با نگارش نامه‌ای از درون زندان نسبت به این حکم واکنش نشان دادند.

در قسمتی از این نامه آمده است: «اجرای حکم شلاق تعزیری به صورت حدی و به دور از موازین شرعی و قانونی را عملی وحشیانه می‌دانیم و از افکار عمومی انتظار داریم در مقابل این رخداد سکوت نکرده فعالانه حاکمیت را به تیغ نقد کشند.»

متن کامل بیانیه که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته است به شرح زیر است:
یکشنبه با چشمانی گریان از غم دوری و شادمان از بازگشت پیمان نزد خانواده و بازیابی آزادیش، در آغوشش گرفتیم و بوسه بر صورتش زدیم و بر دوستی‌اش بالیدیم و رهسپارش ساختیم. اما شادیمان دیری نپایید و ساعاتی بعد در ملاقات از رنجی شنیدیم که ناجوانمردانه بر تن خسته و بیمار این فعال باسابقه دانشجویی روا داشته‌اند. رنج پیمان رنجورمان ساخت و سربلندی و استقامتش مغرورمان.

چکیده

ما لازم می‌دانیم ضمن ابراز همدردی با پیمان عارف عزیز، چند نکته را به عرض ملت ایران برسانیم:

۱- پیمان عارف به دلیل نگارش نامه سرگشاده به محمود احمدی‌نژاد درباره سرکوب نهاد دانشگاه و خواست اعاده آزادیهای آکادمیک و بویژه مطالبه حق تحصیل به عنوان مبنای‌ترین حق صنفی جامعه دانشگاهی به این مجازات ننگین دچار آمد.

ما فکر می‌کنیم که کماکان تمامی مسائل و مطالباتی که پیمان عزیز در نامه سرگشاده‌اش به محمود احمدی‌نژاد مطرح ساخته بود مبتلا به فضای دانشگاهی ایران بوده و آن مطالبات بروز و قابل طرح می‌باشد و در طی این دو سال و نیم نیز نه تنها شرایط بهبود نیافته و آن مطالبات محقق نشده بلکه بر سرکوب دانشگاه و انباشت مطالبات محقق نشده افزوده گردیده است.

۲- اجرای حکم شلاق تعزیری به صورت حدی و به دور از موازین شرعی و قانونی را عملی وحشیانه می‌دانیم و از افکار عمومی انتظار داریم در مقابل این رخداد سکوت نکرده فعالانه حاکمیت را به تیغ نقد کشیده زشتی عملکردش را آنچنان فریاد کند که دیگر احدی از مقامات قوه قضائیه جسارت نکنند برخلاف موازین قانونی با زندانیان سیاسی چنان کند که با پیمان سرافرازمان کردند.

۳- شلاق بر گرده پیمان را شلاقی دیگر بار بر گرده جنبش دانشجویی می‌دانیم و تاکید مجدد بر باز شدن فضای دانشگاهی و آزادی زندانیان سیاسی و بویژه آزادی دانشجویان زندانی و بازگشت ایشان بر سرکلاس درس و نیز اعاده حق تحصیل دانشجویان ستاره دار و تعلیقی را از ضروری‌ترین خواسته‌های جنبش فراگیر و دموکراسی خواه سبز می‌انگاریم.

دکتر سید محمد سیف‌زاده عضو موسس کانون مدافعان حقوق بشر و وکیل دادگستری

سما نورانی دانشجوی اخراجی بهایی و فعال حق تحصیل

مصطفی نیلی فعال دانشجویی سابق دانشگاه امام خمینی قزوین

جواد علیخانی فعال دانشجویی دانشگاه چمران اهواز

آرش صادقی فعال دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی

احمد شاهرضایی فعال دانشجویی دانشگاه یزد

مهدی خدایی فعال دانشجویی و حقوق بشر دانشگاه آزاد

ضیاء نبوی فعال دانشجویی محروم از تحصیل دانشگاه مازندران و سخنگوی شورای دفاع از حق تحصیل

سعید جلالی فر فعال دانشجویی محروم از تحصیل دانشگاه زنجان

مجید دری فعال دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی

افسانه وحدت: دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه



نهاد کودکان مقدمند از بدو تاسیس تاکنون بر اهمیت بی مذهبی کودکان تاکید دائمی داشته و تحمیل مذهب به کودک را جزو خشونت علیه کودک و دست اندازی به حریم کودک تلقی کرده و خواهان جامعه‌ای است که در آن این تحمیل را چه از طرف دولت و آموزش و پرورش و چه توسط پدر و مادر جرم به حساب بیاورد. تعدادی از اعضای ما، بینندگان تلویزیون و خوانندگان نشریات ما علت این تاکید را سؤال میکنند. امیدوارم بتوانم تا حدی جوابگو باشم.

کودک مذهب ندارد. اگر بزرگسالان ایده‌های مذهبی خود را به کودک تحمیل نکنند و عقاید خود را در این زمینه به کودک منتقل نکنند، خود کودک درجهان کودکیش دنبال کشف این اعتقادات نیست. اینطور نیست که بگویند حالا بروم نماز بخوانم یا روزه بگیرم، یا روستی سرم کنم. اینها تحمیلات بزرگترها به کودک است. مذهب را همیشه یا با تنبیه، یا تشویق یا با ترساندن از آتش جهنم و سقوط از پل صلات و عزرائیل و شیطان و غیره به کودک تحمیل کرده اند. حجاب انتخاب هیچ کودکی نیست، کودک مذهب را به ارث میبرد، مجبورش میکنند فرایض دینی بجا بیاورد، روزه بگیرد، افراد را به محرم و نامحرم تقسیم کند. از ۹ سالگی با یک جشن تکلیف زن اعلامش کنند. از اینها جدی تر تجاوز شرعی و قانونی به جسم کودکان دختر که از نظر شرعی به سن شرعی برای تمتع مردان رسیده اند است. تازه این هم کافی نیست، اینکه بزرگسالی به خودش اجازه بدهد که قطعه‌ای از بدن کودک را ببرد و به اصطلاح ختنه یا مثله کند عین بی حرمتی به جسم کودک بعنوان انسانی که باید تمامی حقوق انسانیش را محترم شمرد است.

به این ترتیب است که شخصیت و هویت کودک مورد هجوم قرار میگیرد، دنیای زیبای کودکیش تغییر میکند، خلاقیت و فکر آزاد از او گرفته میشود. این کودک را از حقوق اجتماعی و مدنی محروم کردن است و بایستی جرم تلقی شود.

همانطور که میگوییم کسی حق آزار و اذیت کودک را ندارد! هیچکس حق استفاده جنسی از کودک را نباید داشته باشد، هیچکس حق استفاده از کار حرفه ای کودکان را نباید داشته باشد، هیچکس حق محروم کردن کودک از امکانات اجتماعی و جلوگیری از تحصیل و آموزش آن را نباید داشته باشد. به همین شکل هم باید بگوییم هیچکس حق شستشوی مغزی و دست درازی به حریم فکری و آزادی کودکان، از طریق مذهب را هم نباید داشته باشد! اینها جرایمی است که جمهوری اسلامی روز مره مرتکب میشود. اینها جرایمی است که قانونان در ایران بیش از سه دهه است صورت گرفته است.

مذهب دستور هر نوع کودک آزاری را شرعا صادر میکند، به عنوان مثال بر اساس قوانین جزایی اسلامی قصاص، کودکان در ایران اعدام میشوند.

اگر مذهب امر خصوصی انسانها بود، اگر در قدرت سیاسی نبود، اگر دست از سر کودکان و آموزش و پرورش برمی داشت مسلما مردم به فکر دفاع از خود در مقابل تهاجم مذهب به زندگیشان بر نمی آمدند. در ایران، حکومتی بر سر کار است که میخواهد مردم را برنگ خودش درآورد، روش خودش یعنی ارزشهای قرون وسطایی از گور در آمده را با اسلحه و زندان و نیرو به مردم تحمیل کند. اگر کودکی شئون مذهبی را به جا نیآورد سعی میکنند پدر و مادرش را هم به جانش بیاندازند.

بیش از سه دهه است که بجای محیط علمی، محیط جهل و خرافات در مدارس را حاکم کرده اند، به جای آموزش علم و دانش از دانش آموزان شمارش صلوات میخواهند. بجای محیطی مطلوب و شاد، مکانی غمزده و بشدت خسته کننده ایجاد کرده اند. طبق اخبار حکومتی

دختران زیادی دچار افسردگی هستند. این وضعیتی است که حکومت اسلامی کودک ستیز برای کودکان ایجاد کرده است و این تاثیرمذهب است بر زندگی کودک. با وجودی که آیت الله‌ها و ملاهای و ریز و درشت این حکومت به تربیت اسلامی کودکان مشغولند، رابطه آزادانه و طبیعی دختر و پسر را ممنوع کردند، عاشق شدن را جرم تلقی کردند و هر آنچه جالب و انسانیست از کودک سلب کردند، ولی میبینیم همین نسل علیه این حکومت هنگامه به پا کرد و اگر سرکوب شدید و شکنجه‌های وحشیانه و تجاوز درون زندانها میگذشت بساط این حکومت را با چپاولش و مذهب ش‌زیر و رو میکردند. ما در نهاد کودکان مقدمند پدر و مادر را صاحب کودک نمیدانیم. این را حق کودک میدانیم که صرف نظر از باورها و اعتقادات مذهبی والدینش از یک آموزش و پرورش سکولار و غیر مذهبی برخوردار باشد. کودکان اعضای با ارزش جامعه هستند و ما جامعه و دولت را موظف به دفاع و حفاظت از حقوق آنها میدانیم. و به دلایل ذکر شده، ما مبارزه برای حقوق کودکان در ایران را جدا از مبارزه برای خلاصی کودک از شر مذهب نمیدانیم.

ضرب و شتم رضا جوشن در بند ۲۰۹ و انتقال به بهداری

در پی ضرب و شتم رضا جوشن، زندانی سیاسی محبوس در بند ۲۰۹ نامبرده هفته گذشته به بهداری زندان اوین منتقل شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، این زندانی سیاسی که از مدتی پیش به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است اخیراً به دلیل اعمال شکنجه در بازجویی‌ها از ناحیه ساق پای چپ دچار آسیب دیدگی شده است.

نامبرده پس از ضرب و شتم توسط ماموران وزارت اطلاعات به دلیل آسیب دیدگی هفته گذشته به بهداری زندان منتقل شده بود.

در پیگیری‌های صورت گرفته از سوی خانواده ایشان و اطلاع از وضعیت جسمی این زندانی ماموران خانواده وی را تهدید کردند که اینبار به مانند دفعات قبلی نخواهد بود و اینبار می‌دانیم که چه کاری انجام دهیم.

چکیده

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی: افرادی که به اتهام ارتکاب جرمی تحت تعقیب قرار می‌گیرند باید در کلیه مراحل دادرسی از رفتاری عادلانه برخوردار شوند.
- بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی: بایستی تمامی موازین قانونی، اداری، قضایی و موازین مؤثر دیگری را جهت پیشگیری از اعمال شکنجه در حوزه قضایی خود، اتخاذ کرد.
- اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.
- ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا رذیلی قرار داد.
- ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.
- بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: در باره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.
- ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق زندانیان: تنبیه و شکنجه بدنی، قرار دادن زندانی در سلول تاریک و یا هرگونه مجازات بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز تحت هر شرایطی ممنوع است و باید به طور کامل از لیست مجازات و تنبیه برای جرائم انضباطی خارج شود.

اعتراض دولت استرالیا به حکم شلاق مرضیه وفامهر

در پی اعلام حکم یک سال حبس و ۹۰ ضربه شلاق برای مرضیه وفامهر، بازیگر فیلم "تهران من حراج"، وزرات امور خارجه استرالیا دولت ایران را به دلیل صدور این حکم محکوم کرد. یک کمپانی استرالیایی تهیه‌کننده این فیلم است.

دولت استرالیا ایران را به دلیل صدور حکم ۹۰ ضربه شلاق و یک سال زندان برای مرضیه وفامهر محکوم کرد. این بازیگر سینما به خاطر ایفای نقش در فیلم "تهران من حراج" که تهیه‌کنندگی آن را یک کمپانی استرالیایی بر عهده داشته به این مجازات محکوم شده است. خانم وفامهر در صحنه‌هایی از این فیلم در حالی که موهای سرش را کاملاً تراشیده بود بدون حجاب اسلامی ظاهر شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه وزیر امور خارجه استرالیا از ایران خواسته تا به حقوق انسانی شهروندانش و نیز شهروندان خارجی احترام بگذارد.

سخنگوی وزیر امور خارجه استرالیا همچنین به خبرگزاری فرانسه گفته است: «دولت استرالیا ایران را به دلیل استفاده بی‌رحمانه از مجازات‌های تحقیرآمیز و غیر انسانی محکوم می‌کند و از این که مرضیه وفامهر به خاطر ایفای نقش در یک فیلم استرالیایی به یک سال حبس و ۹۰ ضربه شلاق محکوم شده، عمیقاً نگران است.»

مرضیه وفامهر، بازیگر فیلم «تهران من حراج» و همسر ناصر تقوایی، کارگردان سینما، اوایل تیرماه سال جاری بازداشت شد. ابتدا اعلام شد که این فیلم بدون مجوز ساخته و در

ایران پخش شده است و به همین دلیل خانم وفامهر دستگیر شده اما آقای تقوایی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این فیلم با مجوز وزارت ارشاد ساخته شده است. کمپانی استرالیایی ادلاید که تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده دارد به خبرگزاری فرانسه گفته است که قصد نداشته این فیلم را در ایران پخش کند و پخش این فیلم در بازار سیاه ایران کاملاً خارج از کنترل این کمپانی صورت گرفته است. مسئولان این کمپانی همچنین گفته‌اند: «ما عمیقاً از حکمی که برای مرضیه صادر شده متعجب و متأسفیم و حمایت‌های خود را از مرضیه و خانواده او ادامه می‌دهیم و از راه‌های قانونی این مسئله را دنبال می‌کنیم.»

مسئولان کمپانی ادلاید همچنین به فیلم‌های دیگر ایرانی اشاره کرده‌اند که هنرپیشگان آنها با موهای تراشیده و بدون حجاب در مقابل دوربین ظاهر شده‌اند و مشکلی هم برایشان پیش نیامده است.

فیلم «تهران من حراج» ساخته گراناز موسوی، فیلمساز ایرانی مقیم استرالیاست و او این فیلم را به عنوان پایان‌نامه تحصیلی خود ساخته است. فیلم داستان یک دختر بازیگر تئاتر است که در یک میهمانی با یک پسر جوان ایرانی ساکن استرالیا آشنا می‌شود و تصمیم می‌گیرد همراه او از ایران برود.

سایت کلمه گزارش داده که دادگاه، مرضیه وفامهر را به دلیل حضور بدون حجاب در این فیلم به یک سال حبس و ۹۰ ضربه شلاق محکوم کرده است.

حرکت اعتراضی حامیان مادران در تظاهرات سراسری و نمایشگاه
کتاب 15.10.2011



<http://radioneda.wordpress.com/2011/10/15/rn-291/>

گزارش رادیو ندا از شرکت حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت در اعتراض سراسری

http://www.radiofarda.com/audio/OnDemand/FRD_10_21_20111015130000_20.html

گزارش رادیو فردا از شرکت حامیان مادران/فرانکفورت در همین روز از دقیقه 2،22 روز شنبه 15.10.2011 گردهمایی حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت در دو قسمت و دو محل مختلف در فرانکفورت برگزار شد. در قسمت اول ما در کنار هزاران نفر که در یک جنبش اعتراضی علیه تبعیض اقتصادی و نابرابریها که علاوه بر فرانکفورت در صدها شهر دنیا برگزار شده بود شرکت کردیم و حمایت خود را از زندانیان سیاسی و کارگران اخراج شده اعلام کردیم و اعتراض خود را به فشار اقتصادی که به روی مردم ایران وجود دارد نشان دادیم. در قسمت دوم به نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت رفتیم و در آنجا مقابل غرفه دولتی جمهوری اسلامی با نشان دادن عکسهایی از زندانیان سیاسی و شعارهایی به زبان آلمانی در حمایت از مادران و زندانیان سیاسی توجه بازدیدکنندگان این نمایشگاه به مسائل ایران و جنایاتی که در آنجا صورت میگیرد جلب کردیم. به امید برابری و عدالت اجتماعی
حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت



صدای زانیار و لقمان باشیم به اعدام نه بگوییم

صدای زانیار و لقمان باشیم به اعدام نه بگوییم.. هجوم به در زندانها ببریم، فریاد بزنیم.. چشم پدر و خانواده
پدر زانیار مرادی، زندانی کردی که اکنون در زندان رجایی شهر کرج به سر می برد خبر
از تایید حکم اعدام پسرش از سوی دیوان عالی کشور را داد.
وی در گفتگو با کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: « بستگانم این هفته به زندان
رفته بودند تا برای زانیار لباس گرم ببرند چون فصل سرما شروع شده است. اما مسولان
زندان به آنها گفته بودند که او به لباس نیازی ندارد چون اعدامش تایید شده است. آنها
صراحتاً این را به بستگانم گفته بودند و بعد هم گفته اند که تاریخش را به آنها خبر می دهند.»
اقبال مرادی همچنین گفت که وکیل فرزندش خبری از این موضوع ندارد و به او حکم اعدام
ابلاغ نشده است. زانیار مرادی و لقمان مرادی دو شهروند اهل مریوان روز چهارشنبه اول
دی ماه ۸۹، به حکم قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، با اتهام عضویت در
حزب “کومله” و دست داشتن در قتل پسر امام جمعه مریوان به اعدام در ملاء عام محکوم
شدند. این درحالی است که این دو زندانی طی نامه ای که منتشر شد اعلام کردند زیر شکنجه

چکیده

و تهدید به تجاوز جنسی مجبور به پذیرفتن قتل شده اند. زانیار ۲۱ ساله و لقمان ۲۵ ساله متهم هستند که در شامگاه ۱۴ تیرماه ۸۸ پسر امام جمعه مریوان را به قتل رسانده اند. اقبال مرادی در خصوص اتهام پسرش برای قتل پسر امام جمعه مریوان گفت: «من ابدًا این اتهام را قبول ندارم. زنجیره قتل‌های که در کردستان و به طور خاص در مریوان اتفاق افتاده است از طرف خود عوامل رژیم بوده است. کسی به نام هیوا یتاب که در کادر رسمی سپاه پاسداران است و نه تنها پسر امام جمعه بلکه افراد دیگری را نیز ترور کرده است. اما بعد رژیم قاتلان را به گروه پژواک و گروه‌های دیگر ربط می‌دهد. متأسفانه سپاه پاسداران برای پرده‌پوشی از جنایات‌های که خودشان مرتکب می‌شوند مجبور به سناریو سازی و معرفی آدم‌های دیگر به عنوان قاتل می‌شوند.»

اقبال مرادی، پدر زانیار که اکنون در کردستان عراق به سر می‌برد با اشاره به اینکه هنوز به وکیلش حکم اعدام ابلاغ نشده است، گفت: «متأسفانه من دور هستم و با وکیلش هیچ ارتباطی ندارم. یکی از دوستانم را پیش وکیلش فرستادم که او گفته است تا به حال تایید حکم اعدام به او ابلاغ نشده است.»

اقبال مرادی درخصوص درخواستش از قوه قضاییه ایران گفت: «از قوه قضاییه بیشتر از این نمی‌توانم انتظار داشته باشم. موضوع فقط پسر من نیست، تنها او نیست که روزانه اعدام می‌شود. آدم نمی‌تواند از قوه قضاییه ایران انتظاری داشته باشد چون آنها بر اساس ضوابط و تفکر خودشان حکم را صادر می‌کنند. اما من از فعالان و سازمان‌های حقوق بشری تقاضا دارم که جلوی این اعدام‌های بی‌رویه را بگیرند.»

اقبال مرادی با اشاره به اینکه پسرش مدت هاست از ملاقات و تماس تلفنی با بستگانش محروم است، گفت: «بستگانم چند بار به زندان رجایی شهر کرج رفته بودند و التماس کرده بودند که با او ملاقات کوتاه داشته باشند اما مسولان گفته بودند غیر ممکن است و نباید ملاقات داشته باشد. این هفته هم رفته بودند که لباس گرم برای او ببرند که با این خبر مواجه شدند.»

اما عثمان مرادی، پدر لقمان، دیگر زندانی محکوم به اعدام که اکنون در مریوان زندگی می‌کند با اظهار بی‌خبری از پسرش و خبر احتمالی اعدام او در گفتگو با کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت: «والا من ماه‌هاست که از او اطلاعی ندارم. ما نه ملاقات داریم و نه تماس تلفنی. وکیلش هم چیزی نمی‌داند. نه به خودم چیزی گفتند و نه به وکیلش.»

عثمان مرادی در گفتگوی قبلی خود با کمپین در خصوص اتهام فرزندش گفته بود: «۹ ماه اول که در زندان اداره اطلاعات بود در پرونده اش خبری از اتهام قتل نبود بعد هم که برای هفت ماه زندان رفت باز هم چنین چیزی مطرح نبود اما او را دوباره به وزارت اطلاعات بردند و ۲۵ روز نگه داشتند. و آنقدر شکنجه و آزارش دادند که قتل را قبول کرد، یعنی قبول کرده برای آنکه از آن وضعیت نجات پیدا کند. ۱۷ ماه طول کشید تا این اعتراف را از او گرفتند.»

مریم قربانی‌فر فعال حقوق زنان به سه سال زندان محکوم شد

خانه حقوق بشر ایران/ مریم قربانی‌فر فعال حقوق زنان از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به سه سال زندان محکوم شده است.

حکم سه سال زندان مریم قربانی‌فر فعال حقوق زنان که در دادگاه بدوی صادر شده امروز به وکیل وی ابلاغ شده است.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» این حکم از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه صادر شده است. دادگاه مریم قربانی‌فر در تاریخ شش شهریور ماه ۱۳۹۰ در همین شعبه برگزار شده بود.

اتهامات وی «اقدام علیه امنیت ملی» و «اجتماعی و تبانی علیه نظام» بوده و حکم سه سال زندان وی بر این اساس صادر شده است.

مریم قربانی‌فر در تاریخ شانزدهم اسفند ماه ۱۳۸۹ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بود. وی تا تاریخ هشت فروردین ماه ۱۳۹۰ در سلول‌های انفرادی این بند زندان اوین تحت بازجویی قرار داشته و سپس با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد.

سرکوبی دیگر، طرح نظارت بر رفتار نمایندگان

سخنگوی شورای نگهبان می گوید که این شورا به مصوبه مجلس برای نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلام «طرح نظارت بر رفتار نمایندگان» از خردادماه سال گذشته به درخواست خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در مجلس مطرح شده است. عباسعلی کدخدایی در تشریح جزییات ایرادهای این مصوبه گفت که احضار نماینده «متخلف» توسط مقامات قضایی «از طریق هیات»، از آنجا که باعث الزام قاضی به تبعیت از نظریه هیات نظارت می‌شود، مغایر اصول قانون اساسی است. به گفته آقای کدخدایی، ایراد دیگری که شورای نگهبان به مفاد این طرح وارد کرده این است که موظف بودن مراجع انتظامی، قضایی و امنیتی به ارسال گزارش‌ها در مورد «فعالیت‌های خارج از شوون شغل نمایندگی» به هیات نظارت «چون شامل گزارش‌هایی می‌شود که از جهت امنیتی یا قضایی موجب اخلال در امر رسیدگی می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته

چکیده

شد. «دیگر ایرادهای ذکر شده توسط سخنگوی شورای نگهبان به برخی مغایرت‌های مفاد این طرح با برخی اصول قانون اساسی اشاره دارد.

بر پایه آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی، پس از رسیدگی و تغییر احتمالی در مفاد این طرح، هیات رییس مجلس باید بار دیگر آن را برای تأیید به شورای نگهبان ارسال کند. در صورت اصرار مجلس بر حفظ شکل کنونی این مصوبه، طرح برای اعلام نظر به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده خواهد شد.

مجلس ایران روز پنجم مهرماه با تصویب ماده چهارم طرح «نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان»، «اعمال خلاف امنیت ملی کشور» را از جمله «تخلفات» نمایندگان اعلام و برای این تخلفات مجازاتی از تذکر شفاهی تا اخراج از مجلس شورای اسلامی را تعیین کرد. کلیات طرح یاد شده پیش از این در ماه اردیبهشت و در حالی که کمتر از ۲۰ روز به زمان دیدار نمایندگان مجلس با خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، باقیمانده بود با ۱۵۴ رای موافق تصویب شده بود.

مهدی کروبی، رییس مجلس ششم، پیش از این در مورد پیامدهای تصویب این طرح هشدار داده بود و گفته بود که با تصویب آن، نمایندگان مجلس به «نوکران قدرت» تبدیل خواهند شد. آقای کروبی گفته بود که این طرح سه ایراد اصلی دارد و باعث «تحقیر نماینده»، «تهدید نماینده در لوای نظارت» و «اخلال در وظیفه نمایندگی» خواهد شد.

به گفته این رییس پیشین مجلس، «چنین طرحی، تمامی سوابق مشروطه در یک صد سال اخیر در ایران را بی‌اثر کرده و اجازه حرکت نمایندگان مجلس برای وظیفه نمایندگی آنها را از بین می‌برد.»

علی مطهری، نماینده اصولگرای تهران نیز اردیبهشت‌ماه گذشته اظهار داشت که طرح نظارت، «سند بردگی نمایندگان و شبیه آیین‌نامه انضباطی مدارس است.»

متن کامل قطعنامه شورای امنیت در مورد برنامه هسته ای ایران

شورای امنیت: با یادآوری بیانیه رئیس خود، S/PRST/2006/15 مورخ 29 مارس 2006، و قطعنامه 1696 (2006) مورخ 31 جولای 2006؛ با تأکید مجدد بر تعهدش نسبت به معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و یادآوری حق کشورهای عضو برای توسعه، تحقیق، تولید و بکارگیری انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز و بدون تبعیض طبق مواد 1 و 2 معاهده؛ با تکرار مجدد نگرانی جدی خود درخصوص گزارش‌های متعدد مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای حکام آژانس در خصوص برنامه هسته‌ای ایران که توسط مدیرکل آژانس به شورا گزارش شده، از جمله قطعنامه GOV/2006/14؛ با تکرار مجدد نگرانی جدی خود از این که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش 27 فوریه 2006 (GOV/2006/15) تعدادی از موضوعات باقی مانده و نگرانی‌هایی را در مورد برنامه هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی که می‌توانسته ابعاد هسته‌ای نظامی داشته

چکیده

باشد فهرست نموده است و این که آژانس نمی تواند نتیجه گیری کند که هیچگونه مواد یا فعالیت های هسته ای اظهار نشده در ایران وجود ندارد؛

با تکرار مجدد نگرانی جدی خود درخصوص گزارش 28 آوریل 2006 مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی (GOV/2006/27) و یافته های آن گزارش، از جمله اینکه با گذشت بیش از 3 سال از تلاش های آژانس برای بدست آوردن شفافیت درخصوص کلیه ابعاد برنامه هسته ای ایران، شکاف های موجود در دانش آژانس موجب نگرانی است و آژانس نمی تواند در تلاش های خود به منظور ارائه تضمین درخصوص فقدان مواد و برنامه های هسته ای اظهار نشده، پیشرفتی صورت دهد؛

با نگرانی جدی خاطرنشان می سازد همانطور که در گزارش های 8 ژوئن 2006 (GOV/2006/38) و 31 اگوست 2006 (GOV/2006/53) و 14 نوامبر 2006 (GOV/2006/64) مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی مورد تأیید قرار گرفته، ایران تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری مقرر در قطعنامه 1696 (2006) را برقرار نساخته، همکاری خود با آژانس را طبق پروتکل الحاقی از سرنگرفته، سایر اقدامات درخواست شده توسط شورای حکام آژانس را اتخاذ ننموده و به مفاد قطعنامه 1696 (2006) شورای امنیت پایبند نبوده و اینکه این اقدامات برای ایجاد اعتماد ضروری هستند و به طور جدی از امتناع ایران در اتخاذ این قدم ها، ابراز تأسف می نماید؛ با تأکید بر اهمیت تلاش های سیاسی و دیپلماتیک برای یافتن راه حلی مذاکره شده که تضمین نماید برنامه هسته ای ایران منحصر برای مقاصد صلح آمیز است، و با خاطرنشان ساختن اینکه چنین راه حلی به سود عدم اشاعه در نقاط دیگر خواهد بود و با استقبال از تعهد مستمر چین، فرانسه، آلمان، فدراسیون روسیه، انگلستان، آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا برای دستیابی به راه حلی بر اساس مذاکره؛

با عزم به اثر بخشیدن به تصمیمات خود از طریق اتخاذ اقدامات مناسب به منظور ترغیب ایران به پایبندی به قطعنامه 1696 (2006) و درخواست های آژانس و همچنین به منظور محدود نمودن ایران در توسعه فناوری های حساس در پشتیبانی از برنامه های هسته ای و موشکی اش تا زمانی که شورای امنیت تشخیص دهد که اهداف این قطعنامه برآورده شده است؛

با نگرانی نسبت به خطرات اشاعه ناشی از برنامه هسته ای ایران، در این چارچوب، با قصور مستمر ایران در برآوردن درخواست های شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و پایبندی به مفاد قطعنامه 1696 (2006) شورای امنیت، و با توجه به مسئولیت اولیه شورا

چکیده

طبق منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛
با اقدام ذیل ماده 41 فصل هفتم منشور ملل متحد؛

(1) تأکید می‌کند ایران باید بدون تأخیر بیشتر، اقدامات مقرر شده در قطعنامه GOV/2006/14 شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اتخاذ نماید، اقداماتی که برای ایجاد اعتماد نسبت به مقاصد صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود و برای حل و فصل مسایل باقیمانده ضروری هستند.

(2) در این چارچوب تصمیم می‌گیرد که ایران می‌بایست بدون تأخیر بیشتر، تمامی فعالیت‌های هسته‌ای حساس از نظر اشاعه زیر را تعلیق نماید:

الف) تمامی فعالیت‌های بازفرآوری و مرتبط با غنی‌سازی از جمله تحقیق و توسعه، به گونه‌ای که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد؛ و ب) کار کردن بر روی تمامی پروژه‌های مرتبط با آب سنگین، از جمله ساخت رآکتور تحقیقاتی که با آب سنگین کار می‌کند، به گونه‌ای که توسط آژانس مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد.

(3) تصمیم می‌گیرد که کلیه کشورها می‌بایست اقدامات لازم به منظور ممانعت از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم از سرزمینشان یا بوسیله اتباعشان، یا با استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچمشان و یا استفاده و بکارگیری در راستای منافع ایران - اعم از اینکه منشاء آن در قلمروشان بوده یا نباشد - نسبت به کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که می‌تواند به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، بازفرآوری یا آب سنگین ایران، یا به توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک نماید، از جمله موارد زیر، را به مورد اجرا گذارند:

الف) مواردی که در بخش‌های B.2, B.3, B.4, B.5, B.6, و B.7 از INFCIRC/254/Rev.8/Part1 در سند S/2006/814 تصریح گردیده؛

ب) مواردی که در بخش‌های A.1 و B.1 از INFCIRC/254/Rev.8/Part1 در سند S/2006/814 تصریح گردیده، به جز عرضه، فروش و یا انتقال:

(1) تجهیزات اشاره شده در B.1، در صورتی که این تجهیزات مورد استفاده در رآکتورهای آب سبک باشند؛

(2) اورانیوم با غنای پایین مورد اشاره در A.1.2، در صورتی که بخشی از عناصر مونتاژ شده سوخت هسته‌ای برای رآکتورهای مزبور باشد؛

ج) موارد مصرحه در سند S/2006/815، به جز عرضه، فروش و یا انتقال اقلام مورد اشاره در A.3.19 از طبقه‌بندی II؛

چکیده

د) در صورت ضرورت، سایر اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که به تشخیص شورای امنیت یا کمیته که تحت بند 18 زیر تشکیل می شود (که از این پس "کمیته" خوانده می شود) می توانند به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، یا بازآوری، یا آب سنگین، و یا توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته ای کمک نمایند.

4) تصمیم می گیرد کلیه کشورها بایستی اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم از سرزمینشان، یا بوسیله اتباعشان، یا با استفاده از کشتی ها و هواپیماهای تحت پرچمشان و یا استفاده در ایران یا بکارگیری در راستای منافع آن - اعم از اینکه منشاء آن در قلمروشان بوده یا نباشد - نسبت به کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری ذیل، به مورد اجرا گذارند:

(الف) مواردی که در بخش INFCIRC/254/Rev.7/Part2 از سند S/2006/814 آمده اند، در صورتی که به تشخیص دولت صادر کننده به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازآوری و یا آب سنگین کمک خواهد کرد؛

(ب) هر یک از اقلام دیگری که در اسناد S/2006/814 و S/2006/815 فهرست بندی نشده اند، در صورتی که کشور صادر کننده تشخیص دهد که اقلام مزبور به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازآوری و یا آب سنگین، و یا توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته ای کمک خواهد کرد؛

(ج) هر نوع از اقلام دیگری که به تشخیص کشور صادر کننده به پیگیری فعالیت های مرتبط با سایر موضوعاتی که آژانس درباره آنها ابراز نگرانی نموده و یا آنها را به عنوان موضوع باقی مانده مشخص کرده است، کمک خواهد کرد.

5) تصمیم می گیرد که تمامی دولت ها، برای عرضه، فروش یا انتقال تمامی اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری های مورد اشاره در اسناد S/2006/814 و S/2006/815 که صادرات آنها به ایران طبق بندهای 3 (ب)، 3 (ج) یا 4 (الف) فوق ممنوع نیست، باید تضمین نمایند که:

(الف) الزامات مربوط به رهنمودهای تصریح شده در اسناد S/2006/814 و S/2006/985 به نحو مقتضی برآورده شده اند؛ و

(ب) وضعیتی کسب نموده اند یا در وضعیتی هستند که می توانند به شیوه ای موثر حق راستی آزمایی را نسبت به استفاده نهایی و مکان استفاده نهایی از هر نوع اقلام عرضه شده را اعمال نمایند؛ و

(ج) ظرف مدت 10 روز، عرضه، فروش یا انتقال را به کمیته اطلاع دهند؛ و

چکیده

(د) در رابطه با اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری مندرج در سند S/2006/814 نیز ظرف مدت 10 روز عرضه، فروش یا انتقال آنها را به اطلاع آژانس برسانند.

(6) تصمیم می‌گیرد کلیه کشورها بایستی اقدامات مورد نیاز به منظور جلوگیری از فراهم آوردن هرگونه مشارکت فنی یا آموزشی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری، و واسطه‌گری یا سایر خدمات و انتقال منابع مالی یا خدمات مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تولید یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری ممنوعه تعیین شده در بند 3 و 4 فوق را به مورد اجرا گذارند.

(7) تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ‌یک از اقلام مصرحه در سند S/2006/814 و S/2006/815 را صادر نماید و تمامی کشورهای عضو باید تهیه این اقلام از ایران به وسیله اتباعشان، و یا با استفاده از کشتی و یا هواپیمای دارای پرچمشان چه مقصد آنها خاک ایران باشد چه نباشد، را ممنوع نمایند.

(8) تصمیم می‌گیرد که ایران باید دسترسی و همکاری مورد درخواست آژانس را فراهم نماید تا آن را قادر سازد که تعلیق مورد اشاره در بند 2 را راستی‌آزمایی نماید و تمامی مسائل باقی مانده‌ای را که در گزارش‌های آژانس مورد اشاره قرار گرفته‌اند حل و فصل نماید و از ایران می‌خواهد تا پروتکل الحاقی را سریعاً تصویب نماید.

(9) تصمیم می‌گیرد که اقدامات مقرر شده در بند 3 و 4 و 6 فوق در جایی که کمیته از قبل و مورد به مورد تشخیص دهد که چنین عرضه، فروش، انتقال و ارائه این قبیل اقلام یا کمک‌ها بطور روشن (قطعی) به توسعه فناوری‌های مرتبط با فعالیت‌های حساس هسته‌ای و گسترش سیستم‌های انتقال سلاح‌های هسته‌ای ایران کمکی نخواهد کرد، اعمال نخواهد شد؛ از جمله در جایی که چنین اقلام یا کمک‌هایی در رابطه با مواد غذایی، کشاورزی، پزشکی یا سایر اهداف بشردوستانه باشد، مشروط به آنکه:

(الف): قراردادهای تحویل چنان اقلام یا کمک‌هایی در برگزیده تضمین‌های مناسب در خصوص مصرف‌کننده نهایی باشد؛ و

(ب): ایران متعهد شده باشد که چنان اقلامی را در جهت اشاعه فعالیت‌های حساس هسته‌ای یا برای گسترش سیستم‌های انتقال سلاح‌های هسته‌ای به کار نبرد.

(10) از تمامی کشورها می‌خواهد که نسبت به ورود به یا عبور از خاکشان توسط افرادی که در فعالیت‌های هسته‌ای حساس به اشاعه و یا توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای ایران دخیل هستند، مستقیماً با آن ارتباط دارند و یا از آن حمایت می‌کنند، مراقبت جدی داشته باشند، و در این رابطه تصمیم می‌گیرد که تمامی کشورها باید ورود افراد مورد اشاره در پیوست

چکیده

این قطعنامه (از این پس "پیوست" خوانده می‌شود) و دیگر افرادی که به تشخیص شورای امنیت یا کمیته در فعالیتهای هسته‌ای حساس به اشاعه و یا توسعه سیستمهای پرتاب سلاح هسته‌ای ایران دخیل هستند، یا مستقیماً با آن ارتباط دارند و یا از آن حمایت می‌کنند، از جمله از طریق مشارکت در خرید اقلام، کالاها، تجهیزات، مواد و فناوری ممنوعه اشاره شده در و یا تحت تدابیر بندهای 3 و 4 فوق به جز مواردی که چنین سفری برای فعالیتهای مستقیماً مرتبط با اقلام برشمرده شده در بندهای فرعی 3(ب)(1) و (2) فوق باشد، به خاکشان و یا عبور آنها از خاکشان را به کمیته اطلاع دهند؛

11) تاکید می‌کند که محتویات بند فوق هیچ کشوری را ملزم به جلوگیری از ورود اتباعش به خاک خود نمی‌کند، و تمامی کشورها باید، در اجرای بند فوق ملاحظات بشردوستانه و ضرورت تحقق اهداف این قطعنامه از جمله هر جاکه مربوط به ماده 15 اساسنامه آژانس باشد، را مد نظر قرار دهند؛

12) تصمیم می‌گیرد که تمامی دولتها کلیه اعتبارات، دارایی‌های مالی و سایر منابع اقتصادی که در تاریخ پذیرش این قطعنامه و یا هر زمان دیگری پس از آن در قلمروشان قرار دارد و متعلق به یا در کنترل اشخاص یا نهادهایی هستند که در ضمیمه قطعنامه مشخص شده‌اند، یا دیگر اشخاص و نهادهایی که شورای امنیت یا کمیته تشخیص دهد که در فعالیتهای حساس ایران در زمینه اشاعه هسته‌ای یا گسترش سیستمهای انتقال سلاحهای هسته‌ای ایران مشارکت دارند یا مستقیماً مرتبط هستند یا به این برنامه‌ها حمایت می‌رسانند، یا تمامی اشخاص یا نهادهایی که از طرف آنان و یا با هدایت آنان، یا به وسیله نهادهای متعلق به آنان یا در کنترل آنان، از جمله از طریق راههای غیرقانونی، عمل می‌کنند مسدود خواهند نمود، و در صورتیکه و در زمانیکه شورای امنیت یا کمیته نام آنها را از پیوست حذف نماید، تدابیر این بند در رابطه با این افراد یا نهادها دیگر اجرا نخواهد شد، و نیز تصمیم می‌گیرد که تمام دولتها باید اطمینان حاصل کنند که از هر گونه اعتبارات، دارایی‌های مالی، یا منابع اقتصادی که توسط اتباعشان یا اشخاص یا نهادهای در قلمروشان در اختیار اشخاص و نهادهای فوق‌الذکر قرار گیرد ممانعت خواهد شد.

13) تصمیم می‌گیرد که اقدامات مقرر شده در بند 12 فوق در مورد آن دسته از اعتبارات، دارایی‌ها و منابع اقتصادی که دولتهای مربوطه به نحو ذیل تشخیص دهند، اعمال نخواهد گردید:

(الف) برای انجام مخارج اساسی ضروری باشد، از قبیل پرداختها برای اقلام غذایی، اجاره‌بها، رهن‌ها، داروها و امور پزشکی، مالیاتها، حق بیمه‌ها و هزینه‌های خدمات عمومی

چکیده

یا منحصرًا برای پرداخت معقول دستمزد امور تخصصی و حرفه‌ای و هزینه‌های مرتبط با مسائل حقوقی و قضایی که طبق قوانین ملی کشورها به نگهداری اعتبارات، دارایی‌ها و منابع اقتصادی توقیف شده، تعلق می‌گیرد، پس از اطلاع‌رسانی دولت ذیربط به کمیته مبني بر قصد خود در صدور اجازه دسترسی، هر جا مقتضی باشد، به این دارایی‌ها، اعتبارات و سایر منابع اقتصادی به شرط آنکه ظرف 5 روز کاری با پاسخ منفي کمیته روبرو نگردد؛

(ب) برای انجام مخارج فوق‌العاده ضروری باشد، مشروط بر آنکه این تصمیم توسط دولت مربوطه به کمیته اطلاع داده شده و به تصویب کمیته برسد؛

(ج) موضوع يك دادرسی قضایی یا حق وثیقه باشد که در آن، برداشت از اعتبارات، اموال، دارایی‌ها و منابع اقتصادی مزبور ممکن است مورد دادرسی یا توثیق قرار گرفته باشد، مشروط بر آنکه تاریخ دادرسی مقدم بر تاریخ پذیرش این قطعنامه بوده باشد و نیز برداشت از آنها در جهت منافع اشخاص یا نهادهایی که در بند 10 و بند 12 فوق مورد اشاره قرار گرفته‌اند نباشد و نیز توسط دولت ذیربط به اطلاع کمیته رسیده باشد.

(د) برای فعالیت‌هایی که مستقیماً با اقلام مورد اشاره در بندهای فرعی 3 (ب) (1) و (2) فوق مرتبط هستند لازم باشند و توسط دولت‌های ذیربط به اطلاع کمیته رسیده باشند؛

14) تصمیم می‌گیرد که دولتها می‌توانند اجازه دهند، بهره یا سایر عواید متعلقه یا پرداختهایی در اثر قراردادهای توافقنامه‌ها یا تعهدات مالی که از نظر زمانی قبل از تاریخی ایجاد شده باشند که دارایی‌های توقیف شده طبق بند 12 بالا، موضوع این قطعنامه واقع شده‌اند، به حسابهای مزبور اضافه شود مشروط بر آنکه تمام این نوع عواید و سودها نیز موضوع مفاد این قطعنامه قرار گرفته و مسدود بمانند.

15) تصمیم می‌گیرد که مفاد بند 12 بالا مانع از آن نخواهد شد که فرد یا نهادی که در بند مزبور مشخص شده است به موجب قراردادی که قبل از درج نام فرد یا نهاد مورد نظر در "فهرست" منعقد شده است؛ پرداختی انجام دهد مشروط بر آنکه دولتهای ذیربط تشخیص دهند که:

(الف) قرارداد مزبور با هیچ يك از اقلام ممنوعه، مواد، تجهیزات، کالاها، فناوریها، کمکها، آموزش، کمکهای مالی، سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری یا خدماتی که در بند های 3 و 4 و 6 فوق بدانها اشاره شده است، مرتبط نباشد؛

(ب) پرداخت مزبور مستقیم یا غیرمستقیم به شخص یا نهادی که در بند 12 مشخص شده است نبوده باشد؛

و بعد از اعلام کشورهای مربوطه به کمیته از قصد خود، در صورت اقتضاء، برای رفع

چکیده

توقیف سرمایه ها، دیگر داراییهای مالی، یامنابع اقتصادی برای این هدف، 10 روز کاری قبل از صدور چنین مجوزی؛

16) تصمیم می‌گیرد همکاری‌های فنی که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی و یا تحت اشراف این سازمان با ایران صورت می‌گیرد باید صرفاً برای امور غذایی، کشاورزی، پزشکی، ایمنی و یا دیگر اهداف بشردوستانه و یا در صورتی که برای پروژه‌های مستقیماً مرتبط با اقلام مورد اشاره در بندهای فرعی 3 (ب) (1) و (2) فوق مرتبط هستند لازم باشد، ولی هیچیک از این همکاری‌های فنی نباید به فعالیتهای هسته‌ای حساس از نظر اشاعه که در بند 2 فوق تشریح شده است، مرتبط باشد؛

17) از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا هوشیاری به خرج دهند و از تدریس یا آموزش تخصصی اتباع ایرانی، در قلمروشان یا توسط اتباعشان، در مورد رشته‌هایی که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس به اشاعه ایران و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای ایران کمک می‌کند جلوگیری به عمل آورند.

18) تصمیم می‌گیرد تا بر طبق ماده 28 آیین کار موقتی خود، کمیته‌ای را تشکیل دهد که در آن هر 15 عضو شورای امنیت حضور خواهند داشت و وظایف ذیل را به عهده بگیرد:
(الف) تلاش جهت دریافت اطلاعات در رابطه با اقدامات اتخاذ شده تمامی کشورها خصوصاً کشورهای منطقه و کشورهای تولیدکننده اقلام، مواد تجهیزات، کالاها و فناوری مورد اشاره در بند 3 و 4 فوق، برای اجرای مؤثر اقدامات مقرر شده در بندهای 3، 4، 5، 6، 7، 8، 10 و 12 این قطعنامه و نیز دریافت هر گونه اطلاعات بیشتری که کمیته در این زمینه مفید تشخیص دهد؛ (ب) تلاش جهت دریافت اطلاعات از دبیرخانه آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص اقدامات اتخاذ شده توسط آژانس برای اجرای مؤثر اقدامات مقرر در بند 16 این قطعنامه و دریافت هر گونه اطلاعات بیشتری که کمیته در این زمینه مفید تشخیص دهد؛

(ج) بررسی و اتخاذ اقدامات مقتضی در خصوص اطلاعات مربوط به نقض‌های احتمالی اقدامات مقرر شده در بندهای 3، 4، 5، 6، 7، 8، 10 و 12 این قطعنامه؛ (د) بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص درخواست‌های مربوط به معافیت‌های مقرر در بندهای 9، 13 و 15 فوق؛ (ه) در صورت ضرورت، تعیین موارد بیشتری از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که برای اهداف بند 3 فوق در نظر گرفته شوند؛ (و) در صورت ضرورت، تعیین سایر افراد و نهادهایی که موضوع اقدامات مقرر در بندهای 8 و 10 فوق قرار گیرند؛ (ز) ترویج و انتشار اصول راهنمای لازم بمنظور تسهیل اجرای اقدامات مقرر شده در این قطعنامه که در آنها از جمله از دولتها خواسته شود تا، هر جا امکان دارد، اطلاعاتی در

خصوص اینکه چرا فرد و/ یا نهادهای مشمول معیارهای مقرر شده در بندهای 10 و 12 گردیده و همچنین هر گونه اطلاعات شناسایی کننده مرتبط را ارائه دهند؛ (ح) ارائه گزارش به شورای امنیت در خصوص کار کمیته و در خصوص اجرای این قطعنامه، حداقل هر 90 روز یکبار، همراه با نقطه نظرات و توصیه‌ها، بویژه در مورد راه‌های تقویت کارآمدی اقدامات مقرر در بندهای 3، 4، 5، 6، 7، 8، 10 و 12 فوق؛

(19) تصمیم می‌گیرد که تمام کشورها باید ظرف مدت 60 روز از تاریخ پذیرش این قطعنامه در خصوص گامهایی که به منظور اجرای موثر بندهای 3، 4، 5، 6، 7، 8، 10 و 12 و 17 فوق برداشته اند به کمیته گزارش نمایند؛

(20) معتقد است تعلیق مقرر در بند 2 فوق و نیز پایبندی کامل و راستی آزمایی شده ایران نسبت به درخواستهای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به یک راه حل دیپلماتیک و مذاکره شده که تضمین نماید برنامه هسته‌ای ایران منحصراً برای مقاصد صلح آمیز است کمک می‌کند، و اراده جامعه بین‌المللی برای کارکردن به نحوی مثبت در جهت چنین راه حلی را مورد تأکید قرار می‌دهد، و ایران را تشویق می‌کند، مطابق با مفاد فوق، با جامعه بین‌المللی و با آژانس مجدداً تعامل نماید، و تأکید می‌کند که چنین تعاملی برای ایران مفید خواهد بود؛

(21) از تعهد چین، فرانسه، آلمان، فدراسیون روسیه، انگلیس و آمریکا با حمایت نماینده عالی اتحادیه اروپا به یافتن راه حل مبتنی بر مذاکره برای این موضوع استقبال می‌کند و ایران را تشویق می‌کند بمنظور (حصول به) ترتیباتی جامع و بلندمدت که توسعه روابط و همکاری با ایران بر مبنای احترام متقابل و ایجاد اعتماد بین‌المللی نسبت به ماهیت منحصراً صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران را میسر سازد، با پیشنهادهای ژوئن 2006 آنان (s/2006/521) که در قطعنامه 1696 (2006) شورای امنیت نیز تأیید گردید، وارد تعامل شود؛

(22) عزم خود را برای تقویت اقتدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد تأکید مجدد قرار می‌دهد، قویاً از نقش شورای حکام آژانس حمایت می‌کند، از مدیرکل و دبیرخانه آژانس بخاطر تلاشهای حرفه‌ای و بی‌طرفانه آنها برای حل و فصل تمامی مسائل باقی مانده در ایران در چارچوب آژانس تقدیر و آنها را تشویق می‌کند، و بر ضرورت ادامه کار آژانس برای روشن ساختن تمامی مسائل باقی مانده مربوط به برنامه هسته‌ای ایران تأکید می‌کند؛

(23) از مدیرکل آژانس درخواست می‌کند ظرف مدت 60 روز گزارشی در مورد اینکه آیا ایران تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت‌های مندرج در این قطعنامه را برقرار ساخته است یا خیر، و همچنین در مورد پایبندی ایران نسبت به کلیه اقدامات مقرر شده توسط شورای حکام

آژانس و دیگر مفاد این قطعنامه به شورای حکام آژانس و به موازات آن به شورای امنیت جهت بررسی ارائه دهد؛

24) تاکید می کند که شورا اقدامات ایران را در پرتوی گزارشی که به موجب بند 23 فوق بدان ارجاع خواهد شد و گزارش مزبور باید ظرف 60 روز ارائه شود، باید مورد بازنگری قرار دهد و تاکید می کند که: (الف) در صورتی که ایران کلیه فعالیت های مورد اشاره در مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه را به گونه ای که توسط آژانس مورد راستی آزمایی قرار گیرد مورد تعلیق قرار دهد، باید اجرای این اقدامات را به حالت تعلیق درآورد و باید اجازه دهد که مذاکرات آغاز شود؛ (ب) به محض تبعیت کامل ایران از تعهدات خود ناشی از قطعنامه های مربوطه شورای امنیت و اجرای الزامات شورای حکام آژانس، به گونه ای که شورای حکام آن را تایید نماید، تمام تدابیری که در بندهای 3، 4، 5، 6، 7، 10 و 12 این قطعنامه آمده است را باید خاتمه دهد؛ (ج) در صورتی که گزارش مورد اشاره در بند 23 فوق نشان دهد که ایران به این قطعنامه پایبند نبوده، تدابیر مقتضی بیشتری بر اساس ماده 41 از فصل 7 منشور سازمان ملل به منظور ترغیب ایران به پایبندی به این قطعنامه و تعهدات خود در قبال آژانس اتخاذ نماید و تاکید می کند در صورتی که تدابیر اضافی فوق نیاز شود، تصمیمات اضافی لازم خواهد بود؛

25) تصمیم می گیرد این موضوع را همچنان در دستور کار خود نگاه دارد.

راستی 3000 میلیارد تومان چی شد؟؟؟

میترا دهقانپور

من که اصلا نمی بخشمشون

حالا اگه اختلاس کرده بودند ، میشد یک کاری کرد ولی در این مورد که پایه های دین را لرزاندہ !!!!!!! شرمندہ

من که اصلا نمی بخشمشون

عذرخواهی فدراسیون والیبال از مردم ایران به دلیل دست دادن برخی بازیکنان با داور زن

راستی 3000 میلیارد تومان چی شد؟؟؟

خبرگزاری فارس: سرپرست تیم ملی والیبال ایران با عذرخواهی از مردم شریف ایران اسلامی و خانواده معظم شهدا از مردم خواست تا ضمن چشم پوشی از اشتباه فرزندان نامد خود در تیم ملی والیبال، ملی پوشان را در این شرایط حساس تنها نگذاشته و با حمایت های

چکیده

بی‌دریغ خود راه را برای قهرمانی تیم ملی در آسیا هموار کنند.
----راستی 3000 میلیارد تومان چی شد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
در همین حال، علیرضا نادى کاپیتان تیم ملی والیبال ایران هم گفت:
“والیبال‌یست‌ها از اقدام خود نادم و پشیمان هستند.
فرزندان ایران اسلامی برای جبران خطای خود تمام تلاششان را برای قهرمانی به کار خواهند گرفت”



----راستی 3000 میلیارد تومان چی شد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
در بیانیه این فدراسیون با تأکید بر ضرورت حفظ و رعایت “موازن دینی” آمده است:
“بدیهی است فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران با افرادی که با سهل‌انگاری خویش
موجبات نگرانی را فراهم نموده‌اند، برخورد خواهد کرد.”
----راستی 3000 میلیارد تومان چی شد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

تسخیر سفارت امریکا و جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی را یک جنبش رادیکال و پر انرژی فارغ از دغدغه‌های مالی و آرمانگرا می‌شناسند و معمولاً کنش‌هایشان متأثر از همین است. طبیعتاً تحرکات جنبش‌های دانشجویی را نمی‌شود خارج از این فضا نقد کرد.

اما تحلیل‌هایی که در مورد اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان انجام شده، چه در آن زمان و چه بعدها، تحلیل‌هایی فارغ از در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و فارغ از روحیات دانشجویی بوده است.

چرا این اتفاق افتاده؟

دکتر حاتم قادری: تا جایی که من می‌دانم تسخیر سفارت آمریکا یک اتفاق قابل درک است. اما اینکه می‌گویم قابل درک است به این معنا نیست که قابل قبول است. من قابل درک بودن را متفاوت از آن می‌دانم که بخواهیم از چیزی به صورت بلندمدت دفاع کنیم. آنچه مایلیم در ابتدا بر آن تاکید کنم این است که حادثه‌ای می‌تواند در زمان خودش امری حماسی باشد ولی لازم نیست چیزی که در زمان خودش امر حماسی است در سال‌های آینده خودش را همچنان به عنوان یک امر حماسی تحمیل کند. اما اتفاقی که در جامعه ما افتاده و شاید کمتر به آن توجه

چکیده

می‌شود، این است که امروز و فردای ما اسیر یک اتفاق است که در گذشته افتاده و علی‌القاعده باید در چارچوب گذشته دیده شود. بحث این نیست که کسانی که سفارت را گرفتند یا تبعات و شرایطی که ناشی از اشغال سفارت ایجاد شد، مذموم و محکوم است بلکه حرفم این است که نباید به چشمی که آن روز می‌توانستیم مساله را ببینیم امروز هم به همان چشم نگاه کنیم. اما یکی از مشکلاتی که معمولاً برای کشورهایمانند ما به وجود می‌آید، این است که اسیر گذشته و اتفاقاتی می‌شوند که گاه سوبه‌های ایدئولوژیکی به خودشان می‌گیرند و اقتضائات خودشان را دارند. ولی به عقیده من باید به ماجرای سفارت در شرایط خودش نگاه کرد. شما اگر به سال‌های قبل از انقلاب ایران و موقعیتی که آمریکا چه در ایران و چه در کشورهای جهان سوم داشت نگاه کنید و اگر به خیزش‌هایی که در کشورهای جهان سوم وجود داشت، دقت کنید؛ متوجه می‌شوید که احساسات ضدآمریکایی خیلی قوی بود. واضح است که وقتی در یک جامعه احساسات ضد آمریکایی تبدیل به سیاست‌گذاری‌های آشکار، مستقیم و نهادینه نشود طبیعتاً جنبش دانشجویی میراث‌دار این وضعیت خواهد شد؛ یعنی در شرایطی که دستگاه سیاست‌گذاری، احزاب و مطبوعات نمی‌توانند نقشی ایفا کنند این جنبش دانشجویی است که عهده‌دار کار می‌شود و این ویژگی عمومی جنبش دانشجویی در کشورهایمانند کشور ما است؛ یعنی جنبش دانشجویی در جاهای مختلفی دخالت می‌کند برای اینکه در آنجا خلأ وجود دارد.

شما خودتان در آن زمان این دوران را طی می‌کردید، آیا چنین فضایی ملموس بود. بله. من کاملاً در خاطر دارم که فضای دانشجویی به خاطر حمایتی که آمریکا از شاه ایران داشت به شدت ضدآمریکایی بود. وقتی هم که شاه از ایران رفت همواره این گمان وجود داشت که توطئه‌ای در کار است. سابقه ۲۸ مرداد سنگینی زیادی بر اذهان داشت، یعنی ما نتوانسته بودیم به جهت تاریخی و اطلاعاتی خودمان از آن ماجرا فاصله بگیریم و این مناسبات را تحلیل کنیم، اینکه آیا وقوع یک ۲۸ مرداد دیگر پس از انقلاب امکان‌پذیر است یا نه؟ به هر حال این ذهنیت وجود داشت که ممکن است، اگرچه امروز که نگاه می‌کنم احتمال اینکه ۲۸ مرداد تکرار می‌شد را کم می‌بینم. نکات مهم دیگری هم وجود داشت. ما هنوز فاصله‌چندانی از جنگ ویتنام، انقلاب الجزایر و... نگرفته بودیم. مبارزات چریکی که در آمریکای لاتین و جاهای دیگر صورت می‌گرفت هم بی‌تاثیر نبود. می‌خواهم بگویم که فضا برای اعتراضات ضدآمریکایی کاملاً آماده بود.

این اتفاقات و آن فضا تصرف سفارت آمریکا را توجیه و قابل درک می‌کرد؟ بله، من معتقدم آنچه اتفاق افتاد قابل درک است. دو، سه عامل هم به آن کمک کرد. دولت موقت به رغم محاسنی که داشت و من امروز آن محاسن را بهتر می‌توانم ببینم، این مشکل را داشت که نمی‌توانست موج‌های انقلاب را مهار کند. از آن طرف هم درگیری‌های سیاسی داخلی و در واقع تمنیاتی که برای قدرت یافتن و جایگزینی گروه‌ها با یکدیگر وجود داشت مزید بر علت می‌شد.

چکیده

واکنش دولت موقت چگونه قابل ارزیابی است. عدم دخالت جدی دولت موقت به دلیل عدم توانایی بود یا شرایط انقلابی حاکم، بر عملکرد آن تاثیر گذاشته بود؟ من فکر می‌کنم هر دو این گزاره‌ها به یک شکل خوانش می‌شوند و یک معنا دارند. اما وقتی پرسیده می‌شود که آیا دولت موقت موافق بود که چنین اتفاقی بیفتد خب مشخص است، که موافق نبوده است. یعنی اگر به دولت موقت اجازه داده می‌شد و به آن اعتماد می‌کردند؛ آن دولت کارها را از مسیر دیگری اداره می‌کرد.

اما حقیقت این است که دولت موقت نمی‌توانست پاسخ مناسبی برای تبوتاب انقلابی آن موقع باشد؛ تبوتابی که گروه‌های دیگری هم به شکل ایدئولوژیک آن را تقویت می‌کردند و سبب شد مهار از دست دولت موقت بیرون بیاید. این چیزی است که من اسمش را نتوانستن می‌گذارم؛ نتوانستنی که می‌توانید بگویید حاصل فشارهای ایدئولوژیک یا تبوتاب انقلابی بوده است اما به هر حال هر دو در یکجا تلاقی می‌کردند که کار را از عهده دولت موقت بیرون می‌بردند.

اما درباره جنبش دانشجویی و کنش‌هایش، شما باید به جنبشی نظر داشته باشید که تنها منحصر به ایران نیست. این جنبشی است که در سوابق تاریخی‌اش از مبارزات ویتنام گرفته تا چه‌گوارا و تا انقلاب ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه وجود دارد و این‌ها بخشی از خاطرات جنبش دانشجویی است. از طرف دیگر ما در ایران فضای متأثر از مصدق، کودتای ۲۸ مرداد و نیز مراودات نزدیک شاه با آمریکا را داشتیم.

همچنین معمولاً انقلاب‌ها به جهت روانی و روحی دچار حساسیتی می‌شوند که انجام کارهای تاریخ‌ساز را ممکن می‌کنند. این‌ها مجموع آن مسائلی بود که باعث شد اقدام به تصرف سفارت شود. اما به عقیده من تحلیل شرایط تاریخی یک حرف است و تعمیم شرایط تاریخی به‌گونه‌ای که آینده را هم گروگان خودش بگیرد یک حرف دیگری است. ما باید بین این دو نگاه تمایز ظریف، دقیق و روشنی قابل باشیم.

۳۰ سال رابطه دو کشور ایران و آمریکا گروگان چه چیزی گرفته شد؟ جنبش دانشجویی، عاملان ماجرا و حتی آمریکا که در سال‌های بعد آن ماجرا را رها کردند آیا دیپلماسی ما نتوانست از آن بازخوانی صحیحی داشته باشد یا آنچه پیش آمد صرفاً تبعات اقدامی بود که جنبش دانشجویی در آن نقش داشت؟

به عقیده من در ادامه یافتن آن ماجرا جنبش دانشجویی نقش داشت. اما نقش‌اش دیگر آن نقش تعیین‌کننده اولیه نبود بلکه مجموعه جریاناتی در پشت قضیه آن را با غرور، شخصیت و منش انقلاب‌گره زدند و آن را به بخشی از هویت انقلاب تبدیل کردند. وقتی هم که جنبش دانشجویی عملاً و به تدریج پای خودش را از کلیت ماجرا کنار کشید، هنوز عناصری بودند که از این وضعیت در ایام بعد دفاع کردند و تا امروز هم دفاع می‌کنند و آن‌ها این را به عنوان هویت خودشان حفظ کردند. منظورم این است که دیگر نباید به عنوان ادامه راه جنبش دانشجویی به آن نگاه کرد.

اگر اشتباه نکنم شما رادیکال و ضدآمریکایی شدن جنبش دانشجویی را منتج از ناکارآمدی نهاد سیاسی در تبدیل احساسات ضد آمریکایی به سیاست‌های نهادینه‌شده دانستید... اما سوالی که پیش می‌آید، این است که ۱۰ ماه بعد از انقلاب در شرایطی که هنوز همه مردم علیه آمریکا برانگیخته شده بودند چرا آن‌ها عهده‌دار این اقدام نشدند؟ چرا جنبش دانشجویی پیش‌قدم انجام این کنش شد؟

بگذارید ابتدا من توضیحی بدهم. من نخواستم بگویم حرکتی که جنبشی دانشجویی کرد صرفاً به دلیل ناکارآمدی نهاد سیاسی بود. من از ذخیره‌های حسیات و ایدئولوژیک جنبش دانشجویی حتی قبل از وقوع انقلاب سخن می‌گویم. میراثی که ما داشتیم میراث آمریکایی بود که در جاهای مختلف جهان، جهان‌خواهی می‌کرد، جنگ ویتنام را به راه انداخته بود و از ایران به عنوان یکی از پایگاه‌هایش بهره می‌برد.

اینکه این تصویر چقدر درست بود، بحث دیگری است. من بارها در صحبت‌هایم توضیح داده‌ام که جنبش دانشجویی در دهه ۵۰ جنبشی رمانتیک، خرده بورژوا و عصیانگر بود. وقتی می‌گوییم دهه ۵۰، سال‌های منتهی به آن و سال‌های پس از آن را نیز می‌توانید در همین قالب بدانید. وقتی جنبش دانشجویی هم خرده بورژوا باشد، هم رمانتیک و هم عصیانگر، خواه ناخواه از ذخایری که دارد تنفس می‌کند و بهره می‌گیرد. در این شرایط انقلاب ایران بهترین فرصتی است که این جنبش به نوعی خیزش نهایی خودش را انجام دهد. شما می‌پرسید چرا مردم این کار را انجام نمی‌دهند؟ خوب شاید این گمان ماست که مردم می‌توانند به صورت خودجوش کاری انجام دهند. در حالی که واقعیت آن است که شما باید تشکیلات داشته باشید. البته وقتی صحبت از جنبش دانشجویی می‌شود نباید این طور تصور شود که تمامیت جنبش دانشجویی همه به این نتیجه رسیده بودند که بخواهند سفارت را تصرف کنند بلکه آن زمان گروه‌های اندکی در جنبش فعال می‌شوند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویا نمایندگی بقیه جنبش را هم بر عهده دارند یا حتی بقیه را به نوعی عینیت می‌بخشند. اما اگر نهاد سیاسی و رهبری پشت قضیه نمی‌آمد چه می‌شد؟

آن موقع جنبش دانشجویی هم‌خواه ناخواه اقدامش خیلی محدودتر می‌شد. کما اینکه در وضعیت اولیه دانشجویان انتظار نداشتند سفارت مثلاً زمان طولانی در تصرف باشد بلکه بیشتر یک حالت اعتراضی بود.

آن‌ها می‌خواستند زمان اندکی در آنجا حضور داشته باشند تا اعتراضی اعلام شده باشد. شاید اگر حمایت نهاد سیاسی نبود قضیه خیلی زودتر جمع می‌شد. چنانکه می‌دانید عملاً دوبار به سفارت آمریکا حمله شد. منتها وقتی برای بار اول سفارت توسط گروه‌های چپ تصرف شد چون آن‌ها از اعتبار اسلامی برخوردار نبودند قضیه خیلی زود جمع شد. دولت موقت توانست ماجرا را مهار کند، دیگران هم جمعش کردند. ولی بار دوم جنبش دانشجویی اقدامی کرد که مورد حمایت دیگران واقع شد و دیگران هم به عقیده من به نوبه خودشان نیاز داشتند که از این نوع اقدامات بهره‌مند شوند؛ بهره‌ای که صرفاً سیاسی نیست اگرچه قابل انکار

نیست که سیاسی هم هست. در واقع اگر درست متوجه شده باشم جان کلام این است که شما معتقدید جنبش دانشجویی در آن زمان به واسطه شرایط آن موقع عملی انجام داد که این عمل پرچم پیروزی عده دیگری شد و این عده بیشتر سیاستمداران بودند تا خود جریانات دانشجویی... امروز نگاه می‌کنیم و مرتب می‌گوییم این یک دعوی سیاسی بود... من این را می‌پذیرم. اما می‌خواهم بگویم کاهش دادن همه چیز به یک دعوی سیاسی درک نامناسبی از آن فضا است. اگر بخواهیم همه چیز را ناشی از دعوی میان حزب جمهوری با گروه‌های لیبرال دموکرات‌ها یا نهضت آزادی بدانیم به عقیده من این کار کاهش دادن و یک‌سویه کردن قضایاست. در حالی که این تنها بخشی از ماجراست. بخش دیگر این است که اصلاً کشور در این تب و تاب زندگی می‌کند و به خودش هویت می‌دهد؛ یعنی شما خواه ناخواه خودتان را در یک جنبش انقلابی پیدا می‌کنید. هویت‌های ایدئولوژیک، هویت‌های روانی، هویت‌های سیاسی و آن موقع تحولات و تحرکات سیاسی هم مزید بر علت می‌شود. من حرفم این است که این امر را به دعوای سیاسی کاهش ندهیم.

گفتید که روحیات دانشجویی حاکم بر فضای دانشجویی آن زمان روحیات تند ضدآمریکایی بود، آیا این روحیات و این فضای حاکم در جریانات دانشجویی کشور همچنان باقی‌ماند؟ نه، من فکر می‌کنم اوجش چندسالی ادامه پیدا کرد، ولی بعد در جنبش دانشجویی، گروه‌های فعالی که تحرکات اصلی را سامان‌دهی می‌کردند لبه تیز انتقادات متوجه مسایل داخلی شد؛ یعنی آن وقت جنبش دانشجویی عمدتاً نظام شاه، آمریکا و میراثی که فکر می‌کرد مانده یا جریانی که از آن‌ها حمایت می‌کرد؛ را هدف قرار داده بود. اما به مرور زمان جنبش دانشجویی شروع کرد به نقد کردن جریانات داخلی و کسانی که در داخل خود جمهوری اسلامی فعال بودند، انتقادات را متوجه آن‌ها کرد.

بگذریم از اعضای که همچنان به اصل تصرف سفارت وفادار ماندند، اما در سال‌های بعد این‌طور نبود که کل جنبش دانشجویی به آن وفادار باشد و آن اتفاق برایش جنبه تعیین‌کننده داشته باشد. به عقیده من در سالیان بعد جنبش دانشجویی در کلیت خودش توانست بفهمد که باید تبدیل به یک نیروی مستقل منتقد داخلی شود و این در زمان خودش تشخیص درستی بود. اما هنوز عده‌ای همچنان فکر می‌کنند آن حماسه باید امروز هم به عنوان حماسه شناخته شود، در حالی که حماسه لزوماً به معنای درستی نیست. حماسه به معنای یک وضعیت خاص است و لزومی ندارد این وضعیت خاص بتواند پنجه‌های خود را از فراز ۳۰ سال دراز کند و آینده را در گرو خودش بگیرد و بگوید آینده باید براساس آنچه من می‌خواهم رقم زده شود اما هنوز عده کمی که در ماجرای سفارت نقش داشتند، از این مساله دفاع می‌کنند. اما من فکر می‌کنم بخش اعظم کسانی که آنجا بودند و بخش اعظمی از جنبش دانشجویی که بعدها آمدند و هسته اصلی را تشکیل دادند، دیگر با این چشم به ماجرای سفارت نگاه نمی‌کنند. آن اتفاق، چیزی است که در زمانه خودش بود.

چکیده

فارغ از افرادی که در واقع زمانی دانشجویان آن روز بودند؛ اگر بخواهیم به جنبش دانشجویی به عنوان جریانی فارغ از چهره‌ها نگاه کنیم چه؟ آیا آن روحیات ضدآمریکایی وجود ندارد؟...

حضور آن روحیات در بخش‌هایی از جنبش به صورت کاملاً سازمان‌یافته، دولتی و رسمی است. همچنان سعی می‌کنند آن گذشته را بیاورند و بر امروز مسلط کنند ولی جنبش خودانگیخته مستقل و منتقد دانشجویی دیگر به همان چشم به آن ماجرا نگاه نمی‌کند. خیلی از افرادی که سفارت را اشغال کردند هم بعدها این عمل را مورد نقد قرار دادند و خودشان جزو منتقدان آن شدند...

همین‌طور است. حتی دیدارهایی صورت گرفت که در داخل ایران با واکنش‌های سیاسی و قضایی مواجه شد. صریح و روشن بگویم، خودم در آن زمان از تصرف سفارت دفاع می‌کردم؛ اما به عنوان یک دانشجوی ۲۲-۲۳ ساله. در تصرف سفارت هم حضور داشتید؟

نه حضور نداشتم... چندین بار هم بر این مساله تاکید کرده‌ام اما خیلی جاها می‌نویسند، یا آنهایی که آنجا بودند در خاطراتشان می‌نویسند، که من یک شب آنجا بوده‌ام و از من و یکی، دو نفر دیگر به عنوان معترضانی نام می‌بردند که سفارت را ترک کرده‌اند. من یک دانشجوی فعال بودم؛ شاید یکی از دلایلی که سبب شده این تصور ایجاد شود که در سفارت بودم، این باشد که خیلی از دانشجویان دانشگاه ملی آنجا حضور داشتند و چون دوستان به نظرشان عجیب می‌آید که من در سفارت نبوده باشم، می‌گویند آنجا بوده...

اما به هر حال مدافع تصرف سفارت آمریکا بودید و نه مخالف آن... بله، اما می‌خواهم بگویم که در قضاوت از ذخایر خرده‌بورژوازی رمانتیک عصیانگر استفاده می‌کردم نه لزوماً از خرد و معرفت جهانی یا سیاست‌های داخلی یا منطقه‌ای. با این حال لازم نیست اگر به این خرد یا معرفت دست پیدا کردم، آن ذخایر را انکار کنم بلکه باید بفهمم آن ذخایر در جای خودش بوده و این خرد و معرفت هم در جایگاه خودش قرار دارد.

این دو قضیه را نه صرفاً در باب تصرف سفارت، بلکه در باب هر حادثه تاریخی دیگری باید تفکیک کنیم. حتی در مورد خود انقلاب و چیزهای دیگر... باید ببینیم در چه شرایطی است که این وضعیت شکل می‌گیرد و بپذیریم در شرایط دیگری صورت‌بندی‌های معرفت و دانایی و حساسیت ما تغییر پیدا می‌کند. برای همین اگر می‌گویم که آن زمان مدافع بودم به این معنا نیست که اگر امروز هم، همان اتفاق بیفتد از آن دفاع می‌کنم یا می‌گویم کار درستی بوده بلکه به نظر من کار قابل درکی بود. کار قابل درک با کار درست خیلی متفاوت است.

با همین نگاه در اول کلامتان گفتید که شاید این امر آنچنان مذموم نبوده. نه اصلاً مذموم نبود. یعنی آن زمان وقتی از نگاه داخلی نگاه می‌کردیم، مذموم نبود. این را هم توضیح بدهم که وقتی سفارت تصرف شد تا جایی که من اطلاع دارم اصلاً قرار نبود اتفاق بلندمدتی باشد. خیلی از کسان دیگر هم بعدها این حرف را گفتند. فرض بر این بود که

چکیده

سفارت را اشغال می‌کنیم، یک جریان خبری ایجاد می‌شود و بعد افکار جهانی را معطوف می‌کنیم به وضعیتی که در ایران هست و بعد هم یک طوری قضیه تمام شود. اما مهم این است که قضیه به این سادگی تمام نشد بلکه ۴۴۴ روز بعد تمام شد. اینجاست که آن بار ایدئولوژیک حسی و عاطفی و در عین حال رقابت‌های سیاسی پشت قضیه آمد.

به عقیده من باید این‌ها را یک به یک از هم تفکیک کنیم تا بتوانیم تصویر مناسبی از ماجرای سفارت داشته باشیم. اگر بگوییم این اتفاق صرفاً یک عمل دانشجویی بوده است که طبیعتاً ۴۴۴ روز دوام نمی‌آورد. اگر بگوییم صرفاً رقابت‌های سیاسی بوده، با بعد ایدئولوژیک و ذخایر حسیمان چه باید بکنیم؟

به عقیده من این‌ها سویه‌های متفاوتی است که حالا نباید اگر از چیزی خوشمان می‌آید یا نه، آن را در نگاه تاریخیمان دخالت بدهیم و نباید این مسایل مخدوش شود.

از تعمیم فراتاریخی این موضوع صحبت کردید... چطور می‌توان این ماجرا را به مسایلی که بعدها اتفاق افتاد و نیز شرایط پیش‌رو تعمیم داد؟

مشکل جوامعی مثل ما و به تبع آن، این است که ما اتفاقی که به دلایل خاص خودش اتفاق افتاده و قابل درک است را به ذخایر حسی و عاطفی و نه ذخایر معرفتی تبدیل می‌کنیم. به ذخایری تبدیل نمی‌کنیم که بشود به آن منتقدانه نگاه کنند و بعد می‌خواهیم با آن آینده را هم بسازیم و آینده را ادامه بدهیم.

اگر کسانی در این چارچوب منافعشان درگیر قضیه باشد و بخواهند پشت این قضیه بایستند آن وقت ماجرا به اسطوره‌ای تبدیل می‌شود که انگار همیشه ما باید به آن اظهار وفاداری، بیعت و سرسپردگی کنیم. در حالی که می‌شود آن را طور دیگری هم نگاه کرد. مشکل ما همین است که ما معمولاً اسیر و گروگان گذشته و سنت‌های خودمان هستیم. مثلاً دوران مصدق به نوعی این کار را انجام می‌دهد، ماجرای سفارت یک طوری، خود انقلاب یا جنگ یک جوری... این‌ها همه به نحوی به آینده می‌آیند اما اجازه نمی‌دهند آینده با گذشته تعامل داشته باشد و نه سرسپردگی. درست است که گاهی در شعار می‌گویند بالاخره امروز ما انعطاف‌هایی که باید صورت بگیرد را صورت می‌دهیم و به عمل می‌آوریم اما حقیقت این است که اسیر اعتبار گذشته می‌شوند و جرات اینکه برگردند و با گذشته تعامل ایجاد کنند وجود ندارد.

می‌خواهم اینجا از کتابی به نام «ناصر» که یک انگلیسی نوشته بود جمله خوبی را نقل کنم. گفته بود «وقتی ناصر آمد و شروع کرد به اعلام ملی بودن کانال سوئز، اسیر اعتبار خودش شد.» بعضی مواقع یا بیشتر مواقع، رهبران یا جنبش‌ها اسیر اعتبار خودشان می‌شوند و فرصت اینکه برگردند و با اعتبار خودشان، تعامل انتقادی داشته باشند را پیدا نمی‌کنند. این ضعف یک جامعه است و به عقیده من ما الان هزینه سنگینی برایش پرداخت می‌کنیم. برای اینکه می‌خواهیم گذشته را - که گذشته فرسوده‌ای هم هست - به زور تعمیمش بدهیم به وضعیت‌های بصری و همچنان در وضعیتی باشیم که گویا داریم افتخار می‌کنیم به حوادثی

چکیده

که هنوز هم طراوت دارد، درحالی که دیگر طراوتی در کار نیست. البته تاکید دارم که در این زمینه نمی‌خواهم دچار اغراق شوم و بگویم همه گذشته فرسوده و بی‌طراوت است. از اعتباری (منظورم تنها قسمت تسخیر سفارت است) که درباره آن صحبت کردید آیا الان چیزی باقی مانده؟ یا آن اعتبار تغییر شکل و تقلیل یافته؟

شما اگر برگردید و به جریان سفارت نگاه کنید می‌بینید بیشتر برایتان تبدیل به کاریکاتور می‌شود. مگر آنکه بخواهیم بگوییم آن اتفاق در جای خودش است و آن را تعمیم ندهیم اما من در جایگاه یک سیاست‌گذار نیستم، من به عنوان کسی که بخواهم جریانات بیرونی را هدایت کنم در این مقام قرار ندارم. برای همین اگر بخواهم فردا با یک آمریکایی بحث کنم، می‌گویم آن برای آن دوران است.

کشور آمریکا چنین تصویری از خودش ایجاد کرد، رژیم شاه چنین تصویری داشت و ما چنین ذخایر رمانتیکی داشتیم و چنین دخالت‌های سیاسی... اما لازم نیست امروز از همان زاویه نگاه کنیم و لازم نیست امروز با آن تفاخر به مساله نگاه کنیم... یعنی من شخصا این کار را انجام نمی‌دهم. فکر می‌کنم بخش اعظم جنبش دانشجویی هم این‌طور نگاه نمی‌کنند. بیشتر تبلیغاتی رسمی است که می‌خواهند با آرایه‌های مصنوعی به آن طراوت بدهند و بگویند این هنوز زنده است.

از چرخش جنبش دانشجویی صحبت کردید.

عقربه‌ای که از حرکت‌های ضدآمریکایی به سمت مسایل داخلی حرکت کرد.

چه روندی طی شد که به اینجا رسید؟

چه اتفاقاتی افتاد؟

این بحث خیلی گسترده است. گسترده‌تر از گفت‌وگویی است که در زمان محدودی انجام می‌شود. شاید پاسخ به این پرسش خود به برگزاری همایش‌های خیلی جدی و نه نمایشی احتیاج داشته باشد.

اما اگر بپذیریم که جنبش دانشجویی، هم به جهت پتانسیل حسی و عاطفی از توان خیلی زیادی برخوردار است و هم به جهت معرفتی درک بالاتر و بیشتری از متوسط جامعه دارد؛ آن وقت طبیعی است که جنبش دانشجویی خیلی زود متوجه شود که یک اتفاقاتی باید مورد انتقاد قرار گیرد.

من تصورم این است که در ایران معاصر و حتی ایران فراتر از معاصر، اگر از موارد استثنا بگذریم، هیات دولت نتوانسته به جهت فرهنگی نیرویی متعالی‌تر و رشدیافته‌تر از حتی متوسط جامعه باشد. این درحالی است که جنبش دانشجویی معمولا از حد متوسط جامعه بالاتر است. برای همین خیلی زود چنین نیرویی که از حد متوسط جامعه در کلیتش بالاتر است، نسبت به هیات دولتی که از حد متوسط جامعه پایین‌تر است، متوجه می‌شود که مشکلات و رهیافت‌ها و تدابیر دارد چگونه شکل می‌گیرد و جریانات انتقادی خودش را شکل می‌دهد. بنابراین به نظر من یک امر طبیعی دارد شکل می‌گیرد.

اگر در زمان تسخیر سفارت این اتفاق نیفتاده، برای این است که تبوتاب انقلاب و ذخایری که در این زمینه وجود دارند و می‌توانستند انقلاب را کیفی‌تر و قوی‌تر کنند، خودشان همچنان در حیات و جوشش هستند.

اما به تدریج آن ذخایر کنار گذاشته می‌شوند یا فرسوده و پژمرده می‌شوند و تبدیل می‌شود به مسایلی که بیشتر با شعارها سر می‌کند. درحالی که چنانکه گفتم جنبش دانشجویی فراتر از توان متوسط جامعه می‌اندیشد. البته جنبش دانشجویی هم مشکلاتی دارد که در جای خودش قابل بحث است. مساله دیگر این است که ما وقتی که انقلاب کردیم، تصور من به عنوان یک دانشجو و تا جایی که می‌دانم تصور بسیاری از دانشجویان دیگر و بسیاری از کسانی که به انقلاب با دید مثبت نگاه می‌کردند، این بود که ما از ذخایر فکری - عقیدتی خاصی برخورداریم که نگذاشتند بروز پیدا کند و کافی است که به آن فرصت بروز دهند. یعنی کافی است که نظام شاهنشاهی برکنار شود، دست آمریکا کوتاه شود تا شکوفایی عجیبی ایجاد شود. اما به تدریج جنبش دانشجویی احساس کرد این ذخایر معرفتی و ارزشی که فکر می‌کرد خیلی روشن و کارآمد است، مشکلات خاص خودش را دارد.

بنابر این دچار شک به ذخایر معرفتی خودش شد و آن پتانسیل خرده‌بورژوازی رمانتیک عصیانگر هم رو به تحلیل گذاشته بود.

اتفاقاتی هم که در گوشه و کنار جهان افتاد، معرفت و صورت‌بندی دانایی‌اش را تغییر داد. همه این‌ها باعث شد جنبش دانشجویی حس و معرفتش بر این باشد که از زاویه دیگر به قضایا نگاه کند و به عقیده من صرف نظر از برخی تندروی‌ها که در برخی زمان‌ها اتفاق افتاد، در اساس مسیر را درست تشخیص داد.

در بخشی از صحبت‌هایتان گفتید که جنبش‌های دانشجویی معمولاً وقتی خلأهایی وجود دارد، وارد عمل می‌شوند و کارهایی انجام می‌دهند. حالا این خلأها می‌توانند در حوزه سیاست باشند یا در حوزه‌های دیگر... با این حساب سکوت این روزهای جنبش دانشجویی به چه معناست؟

آیا خلایی وجود ندارد؟

وقتی شما مشکلاتی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... دارید و از آن طرف هم خلأهایی وجود دارد نهادهایی که باید بتوانند به این مسایل به صورت جدی و عمیق بپردازند و این را به جامعه هم نشان دهند که ما داریم به این مسایل می‌پردازیم، وجود ندارد. بله این درست که احزاب و مطبوعات، انجمن‌ها و نهادها، بعضی سازمان‌های غیردولتی و NGOها کارشان این است که به دنبال راه حل مسایل و مشکلات اجتماعی بگردند، اما وقتی نهادها و گروه‌هایی که بتوانند نشان بدهند ما داریم به مشکلات می‌پردازیم و صمیمانه به دنبال راه حل مشکلاتیم، وجود ندارد، آن وقت خیلی طبیعی است که گروه‌هایی این مسوولیت را عهده‌دار شوند و جلو بیایند یکی از آن‌ها می‌شود جنبش دانشجویی. پس این وضعیت طبیعی است. اما چرا جنبش دانشجویی نمی‌تواند همواره این کار را انجام دهد؟

چکیده

برای اینکه این جنبش دچار فراز و فرودهای خودش است. یعنی شما وقتی تعدادی دانشجو می‌گیرید این عده می‌آیند و از دانشگاه می‌روند. یعنی نمی‌توانند حفظ شوند. از آن طرف شما با شیوه‌های پیگیر برخورد سروکار دارید.

یعنی از یک طرف آدم‌هایی که موقت هستند و از طرف مقابل شیوه‌های دایم برخورد. وقتی این دو را مقابل هم قرار دهید، طبیعی است که جنبش از نفس بیفتد تا در فرصتی دیگر از پتانسیل‌های موجود برای خیزش بعدی خودش استفاده کند.

بنابراین از جنبش دانشجویی که یک زمان در اوج است، نباید انتظار داشته باشیم که این اوجش تداوم پیدا کند. همچنان که اگر زمانی جنبش در دوره فروافتادگی خودش است، معنایش این نیست که هیچ وقت بلند نمی‌شود. طبیعت جنبش دانشجویی همین فراز و فرودهایش است.

نسل جوانی می‌آیند تجربه پیدا می‌کنند، عده‌ای می‌روند دنبال کار و زندگیشان و عده‌ای دوباره به آن می‌پیوندند. این‌ها تا بتوانند از هیبت دانشگاه خودشان را آزاد کنند و دوباره در جایگاه مناسب خودشان بنشینند، زمان می‌برد. چنانکه در بیرون هم وقتی شما دچار برخورد هستید، طبیعی است که دچار افت شوید.

شما زمانی بحثی را مطرح کرده و گفته بود گزینه‌های سه‌گانه‌ای پیش روی جنبش دانشجویی است؛ گزینه اول که از دید شما گویا منتفی بود، رادیکال شدن رهبران جنبش و جدا شدن بدنه از آن بود. بعد شما بحث سازماندهی مقاومت مدنی منفی را مطرح کرده و گفته بودید گزینه سوم بحث مشارکت انتقادی مثبت است.

اما این گزینه‌ها برمی‌گشت به دورانی که جنبش شرایط انقباضی حال حاضر را نداشت. الان اگر بخواهید به جنبش دانشجویی و بدنه‌ای که رهبری خاصی ندارد و تنها تلاش می‌کند هویت خودش را حفظ کند پیشنهادی دهید، این پیشنهاد چه خواهد بود؟

من سالیان زیادی با جنبش دانشجویی در ارتباط بوده‌ام. دورانی بود که من خودم جزو جنبش دانشجویی بودم، قبل از انقلاب و اندکی بعد از انقلاب که تحصیلاتم تمام شد. بعد از آن هم در محیط دانشگاهی در مجموع ارتباط نزدیکی با جنبش دانشجویی داشتم؛ اما یک ارتباط نزدیک انتقادی.

این جزو ویژگی‌های همیشگی من در ارتباط با جنبش دانشجویی بوده است و این وضعیت انتقادی‌ام را حفظ کرده‌ام. آنچه شما مطرح کردید، برمی‌گردد به سال ۸۷ یعنی قبل از انتخابات آخرین دور ریاست‌جمهوری.

یکی از انتقاداتی که من همواره به جنبش دانشجویی داشته‌ام و از دوران اول ریاست‌جمهوری آقای خاتمی شروع کردم، این بود که این جنبش دچار نوعی رادیکالیسم شده بود، رادیکالیسمی که به گونه‌ای وضعیت را به هم می‌زد و اجازه نمی‌داد بدنه جنبش با رهبران و نیروهای محرک آن هماهنگ شوند. من برای آن‌ها یک مثال ساده می‌زدم. می‌گفتم وقتی شما در شرایطی رادیکال باشید، مثل دونه‌ای هستید که با سرعت خیلی زیادی می‌دود. فاصله‌ای

که میان رهبری و بدنه ایجاد می‌شود به هر دو آسیب می‌زند. ما ممکن است شعارهای رادیکال‌تری هم داشته باشیم ولی اینکه کدام شعار موضوعیت دارد و می‌تواند با بدنه ارتباط برقرار کند، اهمیت دارد. به آن‌ها می‌گفتم شما می‌توانستید کارهای صنفی دیگری انجام دهید. می‌توانستید ارتقای بیشتری داشته باشید. حتی تهیه کردن بولتن‌های علمی ماهانه یا فصلنامه با استفاده از گروه‌های علمی که دانشجویان دارند و استادان هم با آن‌ها همکاری می‌کنند. همه را هم لازم نیست که در آسیاب سیاست بریزید بلکه باید اجازه دهید ارتباط جنبش دانشجویی با بدنه‌اش حفظ شود.

رادیکالیسم منجر به این می‌شود که بین بدنه و رهبریت جنبش شکاف ایجاد شود، رهبریت دچار انزوا شود و با آن‌ها به راحتی برخورد شود و بدنه هم در واقع از قضیه باز بماند. این انتقاداتی بود که من داشتم و به آن‌ها می‌گفتم.

اگر آقای خاتمی و دوستانش از شرایط استفاده مناسب می‌کردند، مقاومت مدنی امکان‌پذیر بود. اما آن زمان را از دست دادیم. جنبش دانشجویی در مقاومت مدنی نقش مهمی را بازی می‌کند. ولی هر دو به دلایلی از دست رفت که باید در جای خودش به دلایل آن بپردازیم. اما به جایی می‌رسیم که مقاومت مدنی امکان ندارد، مشارکت صاف و ساده هم امکان ندارد. یعنی ممکن است این کار تایید حرف‌هایی شود که خواهناخواه نمی‌تواند مورد تایید جنبش دانشجویی باشد.

اما باز هم راه‌حلی که من پیشنهاد می‌کنم، مشارکت انتقادی است. مشارکت انتقادی لزوماً به معنای شرکت در پای صندوق‌های رأی نیست. این حرف صریح و روشن من است بلکه مشارکت انتقادی به این معناست که کجا ظرفیت‌های موجود در جامعه و به‌ویژه در دانشگاه‌ها را می‌شود، فعال کنیم؟

برای اینکه مردم بدون اینکه خواستشان به صورت خیلی رادیکال بالا برود ارتقای فرهنگی، ارتقای سیاسی و ارتقای خواستی پیدا کنند و به آن‌ها نشان داده شود که این انتقادات معطوف به چه چیزهایی هست و این خواست‌ها در شعارها به صورت کلی مطرح شوند. من اسم این را می‌گذارم مشارکت انتقادی. امروز هم فکر می‌کنم با توجه به فضایی که جامعه دارد، چه در جنبش دانشجویی و چه در میان نیروهای سیاسی منتقد، باید مشارکت انتقادی وجود داشته باشد.

چون درباره فضای فعلی سخن می‌گوییم منظور شما از «مشارکت» انتقادی دقیقاً بوده است؟ مشارکت به معنای هم‌نوایی با مجموعه نیست. اصلاً بحث من این نیست. یعنی نمی‌گویم در نهایت جنبش دانشجویی باید پای صندوق‌های رأی حاضر شود. من در یک جای دیگر هم این بحث را پیش بردم.

به‌ویژه اکنون که صحبت از انتخابات مجلس است؛ اگر نیروهای سیاسی و جنبش دانشجویی بتوانند این سوال را ایجاد کنند که اصلاً انتخابات در چه شرایطی ممکن است؟ چه نوع انتخابی می‌تواند مشکلات ما را حل کند؟

اصولا مشکلات ریشه در چه دارد؟ یک نوع مشارکت انتقادی است. مشارکت انتقادی با اینکه بگوییم ما مشارکت نمی‌کنیم فرق می‌کند یا اینکه از ابتدا بگوییم ما یک خواسته‌هایی داریم که چه بسا از اول بگویند این خواسته‌های شما انجام شدنی نیست. این خواسته‌ها می‌توانند جزو خواسته‌های ما باشند و همواره هم از آن‌ها دفاع کنیم، اما برای اینکه بشود از این فضا یک استفاده بهینه کرد، اول باید ببینیم که چه خواسته‌هایی باید داشته باشیم؟ طرح سوال می‌کنیم و... خیلی افراد می‌توانند به صورت‌های مختلف چه فضای مجازی و غیرمجازی وارد یک بحث و گفت‌وگو بشوند. من اسمش را می‌گذارم مشارکت انتقادی؛ هرچند در نهایت کسی پای صندوق رأی نرود.

اما این فرصت‌ها از دست رفت. مشکلی که جنبش دانشجویی داشت، این بود که بین رهبران و بدنه این مشارکت انتقادی برقرار نمی‌شد.

بین جنبش دانشجویی در کلیتش با مجموعه جامعه مشارکت به این معنا پیش نمی‌رفت. من جایی یک صحبتی کردم که بعضی‌ها هم رنجیدند. گفتم برخی از رهبران جنبش دانشجویی پیشینه روستایی دارند؛ نه اینکه روستا چیز بدی باشد. بحث من اصلا این نبود؛ و اینکه بخواهم کسی را تحقیر کنم. منظورم این بود که اگر کسی بخواهد شعار مدنی بدهد، باید بتواند با فضای مدنی آشنا باشد. اگر ما شعار حقوق بشر و کرامت انسانی یا آزادی می‌دهیم، باید کسانی باشیم که بتوانیم این فضا را تنفس کنیم. نمی‌توانیم بین شعار و وضعیت وجودی خودمان فاصله داشته باشیم. این نکاتی بود که من آن موقع اشاره کردم. الان هم پیشنهادم مشارکت انتقادی است به معنای آنچه گفتم و نه همنوایی...

من بخشی از بحث شما را متوجه نشدم، منظورتان از اینکه می‌گویید باید درک صحیح از جامعه روستایی و شهری وجود داشته باشند، چیست؟

طیف وسیعی از دانشجویان همیشه کسانی هستند که احتمالا از شهرستان و روستاها می‌آیند و آن‌ها ممکن است درک متفاوتی از آنچه که ما به آن می‌گوییم جامعه شهری یا جامعه مدرن داشته باشند و....

نکته درستی است. این را می‌پذیرم و طبیعی می‌دانم که بخش قابل‌توجهی از دانشجویان خاستگاه اجتماعی خاص خودشان را دارند. از فلان شهرستان دور یا از فلان روستا می‌آیند. ولی ماندن در آن خاستگاه را باید مورد بررسی و تامل قرار بدهند. باید بتوانند خوانشی انتقادی با خاستگاه خودشان داشته باشند. رهبران جنبش دانشجویی باید بتوانند این ارتقای فرهنگی را با برنامه‌های خودشان صورت بدهند.

لازم نیست که از خاستگاه خودمان به عنوان یک امر بد دل‌کننده شویم، اما اینکه بخواهیم در خاستگاه خودمان بمانیم و بعد یکسری شعارهایی را از جای دیگر برداریم و این دو را با هم مونتاژ کنیم سبب می‌شود که ارتباط درونی و دینامیک برقرار نشود. انتقاد من از اینجاست.

بحث شما به نوعی با بومی شدن مظاهر مدرنیته در ارتباط است؟
این تعبیری است که به نظر من باید باز شود و به همین دلیل اجازه دهید فعلا از آن استفاده

چکیده

نکنیم. من از اینکه بگویم شما یا دیگری خاستگاه روستایی یا شهرستانی دارید، ابایی ندارم. ولی نمی‌توانم بگویم که خاستگاه روستایی یا شهرستانی دارم و شعار مدنی می‌دهم که هنوز برای خودم هضم و جذب نشده است. حرفم این است که رده‌های بالاتر جنبش دانشجویی باید بتوانند هم خودشان را ارتقا دهند و هم بدنه دانشجویی را.

به گونه‌ای که به انکار گذشته‌شان منجر نشود، بلکه به تعامل انتقادی گذشته‌شان برسند و این البته کار سختی است. انتظار این بود که جنبش دانشجویی با توجه به امکاناتی که داشت از جمله ارتباطی که با گروه‌های جامعه‌شناسی، فلسفه، سیاست و گروه‌های مدیریت و اقتصاد ... داشت این ارتقا را در هفت، هشت سال دولت اصلاحات انجام دهد.

برای همین می‌گویم نباید همه امکاناتشان را فقط صرف وضعیت سیاسی کنند آن هم شعارهای رادیکالی که بین بدنه و رهبران شکاف می‌اندازد.

یعنی شما اعتقاد دارید جنبش دانشجویی از آن خاستگاهی که باید فاصله می‌گرفت بدون اینکه فراموش‌اش کند، فاصله نگرفت؟

و به همین دلیل این اتفاق نیفتاد؟

این اتفاق خیلی صوری افتاد. وقتی ما داریم شعار دموکراسی می‌دهیم، تبدیل شده‌ایم به کسی که تازه به چیزی ایمان می‌آورد و نو ایمان است، ما هم نو دموکرات می‌شویم. متوجه نیستیم برای اینکه یک وضعیت دموکراتیک در جامعه ایجاد شود ما باید سازوکارهایی را فراهم کنیم و با گذشته خودمان تعامل انتقادی برقرار کنیم. تعامل انتقادی حتی با بدنه دانشجویی و این در قالب‌های مختلف باید انجام شود. من اعتقاد دارم ریزه‌کاری‌ها از نمایش، سرود، شعارهای خاص تا رسیدگی به وضعیت آرایش، پوشش و... تا استفاده از فضای مجازی و... می‌توانند تاثیرگذار باشند. ولی ما این کارها را انجام ندادیم یا کم انجام دادیم. می‌شد تعامل انتقادی خوبی کرد. لازم نیست تا به شهری می‌آییم، شعار شهری بدهیم در حالی که خصلت‌های روستایی خودمان را حفظ کرده‌ایم.

این یعنی طی کردن مظاهر دموکراسی برای دست یافتن به دموکراسی واقعی یا لوازمش...؟ این بخشی از آن چیزی است که من می‌گویم. می‌خواهم بگویم ما باید فراتر از دموکراسی‌خواهی عمل می‌کردیم. بایدگذار از سنت به مدرنیته را در جنبشی دانشجویی برنامه‌ریزی می‌کردیم. وقتی جنبش دانشجویی خیلی درگیر سیاست و... می‌شود این امکان از دست می‌رود و وقتی این مساله از دست برود ارتباط با بدنه قطع می‌شود. شما صدها هزار دانشجو دارید، اما وقتی فعال می‌شوید هزاران نفر به خیابان می‌آیند و از آن هزاران نفر تعداد اندکی در جایگاه رهبری جنبش دانشجویی قرار می‌گیرند. من حرفم این است که امکانی فراهم کنیم که تعداد بیشتری از آن بدنه جذب شوند. می‌شد خواسته‌های صنفی را تقویت کرد. البته آن موقع از خواسته‌های صنفی هم می‌گفتند. اما خواسته‌های صنفی هم در نهایت به سیاست ختم می‌شد. ارتقای این وضعیت به نظر من خیلی مهم است.

از اسطوره‌ها صحبت کردیم. یک زمانی این اسطوره‌ها مثل ۱۳ آبان، جنگ و... کارکردهای مختلفی داشتند. یکی از کارکردهایشان ایجاد انسجام اجتماعی بود. الان در شرایطی که به نظر می‌رسد در وضعیت اخیر خاستگاهی برای انسجام اجتماعی وجود ندارد، اگر بخواهیم جایگزینی مناسب که ایرادهای وارد بر شیوه‌های قبلی را نداشته باشد، انتخاب کنیم آیا گزینه‌های ممکن وجود دارد؟

گویا در انتهای این پرسش شما به دنبال جایگزینی یک اصل با اصل دیگر هستید، در حالی که من فکر می‌کنم باید بپذیریم جنبش دانشجویی در وضعیت کنونی جزو جنبش‌های اجتماعی جدید است. من روی جدید بودنش تاکید می‌کنم. جنبش‌های اجتماعی جدید باید بپذیرند که در عین انسجام چند پاره باشند و دیگر یک رهبری منظم، منسجم و یک شعار واحد نداشته باشند؛ اما بتوانند گفت‌وگو کنند و یک جایی مصالحه‌های لازم را انجام دهند. یک جایی بپذیرند که یک کثرت‌گرایی در بینشان وجود دارد. برای همین است که می‌گویم من همچنان دوست دارم ذخایر گذشته‌مان به نحوی احیا شود، اما به شکل خوبش احیا شود. شما می‌گویید اگر آنجا انسجام اسطوره‌ای بود؛ حالا که در حال فروپاشی‌های عمیق و چندجانبه هستیم به چه شکل این فروپاشی را جمع کنیم. اما من می‌خواهم، بگویم باید به بخشی از فروپاشی نه به شکل منفی بلکه به شکل مثبت در قالب تکثرگرایی عادت کنیم و با آن زیست داشته‌باشیم. جنبش دانشجویی هم باید بتواند این را بپذیرد.

یعنی این فروپاشی نباید نگران‌انگیز کند؟

نه، یک بخشی منفی است. یعنی الان شرایط جامعه ما منفی است. اما معنایش این نیست که برگردیم حول یک امر و بگوییم یک شعار واحد می‌خواهیم. ما نباید دیگر دنبال این باشیم. به عقیده من این نوعی برون‌شد تاریخی ماست که دارد رقم زده می‌شود. یعنی من به این روند خیلی مثبت می‌اندیشم و نگاهم کاملا مثبت است.

اتفاقی که در مشروطه افتاد و به دلایل کاملا ایدئولوژیک، چه سلطنتی و چه جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکرد. حالا دارد این برون‌شد خودش را نشان می‌دهد و این برون‌شد ویژگی‌های خودش را دارد. به هر حال اگر به دنبال این باشیم که همه یک شعار واحد بدهیم، یکجا جمع بشویم و بعد هم همه به همان کیفیت خانه برویم؛ به عقیده من کار شدنی نیست.

مهر او ه کاظمی

بیانیه در مخالفت با جنگ

جمعی از فعالان سیاسی، مدنی، دانشجویی، دانشگاهی و روزنامه نگاران در مخالفت فعال با جنگ از طریق توقف موقت و مشروط غنی سازی اورانیوم و تعطیلی تمامی جنبه های نظامی برنامه هسته ای بیانیه ای صادر کردند.



چکیده

به گزارش دانشجویوز، در بخشی از این بیانیه آمده است: تبعات ویرانگر جنگ اعم از محدود و اشغالگرانه بی نیاز از توضیح است اما به باور ما صرفاً با محکومیت لفظی و کتبی جنگ و یک کاسه کردن سلسله جنبنان نظامیگری جهانی و آتش افروزان داخلی نمی توان جلوی تهاجم نظامی را گرفت.

حساسیت ها و نگرانی های جامعه بین المللی مسیری متفاوت با شکاف ملت - دولت در ایران امروز دارد. جمهوری اسلامی تنها مخل حقوق و کرامت انسانی شهروندان ایران زمین نیست بلکه تهدیدی علیه صلح و ثبات جهانی نیز بشمار می آید. توجه به تمایز ماهوی این دو مقوله در بازدارندگی موثر اهمیت کلیدی دارد. این جدایی لزوماً بدین معنا نیست که نمی توان حوزه مشترک بین مطالبات داخلی و خواسته های مشروع جهانی پیدا کرد.

این بیانیه می افزاید: می توان ضمن حفظ استقلال کشور از ظرفیت های مشروع جامعه بین المللی برای پیشبرد دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت ملی در ایران استفاده کرد. بجای صدور احکام کلی و قطعی در مدح و یا مذمت حمایت خارجی، شایسته است تا در یک گفتگوی ملی شرایط، پیش نیاز ها، محدوده های موجه، موضوع و مصداق حمایت ها و ساز و کار نظارتی برای جلوگیری از استفاده های شخصی و گروهی در برخورد حمایتی جامعه جهانی را مشخص نمود و از میدان گرفتن افراد فرصت طلب و آلترناتیو سازی از جریانات مشکوک جلوگیری کرد. راه دموکراسی در ایران از اتکا به نیروی لایزال ملت و وجود رهبری موثر و سازمان یافته می گذرد.

در بخش پایانی این بیانیه آمده است: در این راستا همکاری کامل و شفاف با آژانس انرژی اتمی و توقف موقت و مشروط غنی سازی اورانیوم هسته ای تا اعتماد سازی در چارچوب کنوانسیون منع گسترش سلاح های اتمی و پایان بخشی فوری به تمامی وجوه نظامی مربوط به برنامه هسته ای می تواند به عنوان یکی از مطالبات محوری جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران در زمینه صلح خواهی مد نظر قرار گیرد. ترکیب این خواسته در کنار خواست رعایت حقوق بشر، آزادی های اساسی و دموکراسی به مراتب پتانسیل بیشتری را برای تضعیف توأمان استبداد و تجاوز گری و لذا جلوگیری از جنگ خواهد داشت.

بیانیه بیش از ۱۷۵ نفر از فعالان سیاسی، مدنی، دانشجویی، دانشگاهی و روزنامه نگاران در مخالفت فعال با جنگ از طریق توقف موقت و مشروط غنی سازی اورانیوم و تعطیلی تمامی جنبه های نظامی برنامه هسته ای

هموطنان گرامی و ایرانیان آزاده

اکنون کالبد میهن عزیزمان خسته از ضربات پی در پی ولایت جور و ستم و حکومت عاری از مشروعیت، روز های دشواری را می گذرانند. اصرار و لجاجت حکومت بر تداوم روش های خصمانه و مخل منافع ملی و سرزمینی که با تکیه بر سیاست مشت آهنین، وحشت پراکنی و تحکیم فضای پلیسی دنبال می شود، آینده تاریکی را پیش روی مردم و وطن قرار داده است.

چکیده

یکی از وجوه مخرب عملکرد حکومت در دهه اخیر دمیدن بر تنور بحران آفرینی در عرصه بین‌المللی بوده است. تعقیب ماجراجویی هسته‌ای در مرکز این اقدامات تنش‌زا قرار دارد که با بی‌اعتنایی به قوانین و معاهدات بین‌المللی در صدد هم‌آورد طلبی دن کیشوت وار در پهنه جهانی و سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی است.

حکومت می‌کوشد با استمرار بحران خارجی و گروگان‌گیری از طریق تقویت کانون‌های بی‌ثبات‌ساز در سطح منطقه و جهان ضمن انتقال تهدیدها به بیرون از مرزها، بسترهای لازم برای تداوم حاکمیت امنیتی و نگاه داشتن کشور در شرایط حساس و اضطراری را فراهم نماید.

انتشار گزارش جدید آژانس انرژی اتمی شواهدی را ارائه می‌دهد که اراده حاکمیت بر منحرف کردن برنامه هسته‌ای به مسیر نظامی وارد مرحله تعیین‌کننده‌ای شده است. حاکمین فعلی با گفتمان خصمانه و عدم همکاری با آژانس روز به روز بر خطر مقابله نظامی با ایران می‌افزایند. در شرایطی که همسایگان ایران با تقویت روابط اقتصادی با اقصی نقاط جهان و جذب سرمایه و فن‌آوری‌های بروز گام‌های بلندی را در راه رشد اقتصادی و بهبود رفاه عمومی مردمان‌شان برمی‌دارند، ماجراجویی‌های بین‌المللی حکومت، ایران را روز به روز در انزوای عمیق‌تری فرو می‌برد. نتایج این انزوا در زندگی روزمره تمام مردم ایران مشهود و ملموس است و در صورت عملی‌شدن تحریم بانک مرکزی ممکن است به سطح غیرقابل‌تحملی برسد.

حاکمانی که در انتخابات ۸۸ حقوق حقه مردم را زائل کردند و اعتراضات مسالمت‌آمیز آنان را به خاک و خون کشیده‌اند امروز شاخ و شانه کشیدن در سطح جهانی را وسیله‌ای برای بازیافت مشروعیت داخلی می‌دانند و خطر حمله خارجی را چون چماقی برای سرکوب‌بیش از پیش اعتراضات کنش‌گران آزادیخواه ایرانی بکار می‌برند. حکومت تمامیت‌خواه در عرصه بین‌المللی با دادن اطلاعات گمراه‌کننده، بازی با زمان، عدم همکاری کامل با آژانس انرژی اتمی، تخطی از قرار داد ان پی تی و سرپیچی از اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل، صلح‌سنجی را در مسیری مشابه برخورد‌های داخلی در سپهر جهانی دنبال می‌کند.

مدارا با جهان و احیاء حقوق شهروندان ایرانی به یک‌دیگر پیوند خورده است. شهروندان ایرانی در کنار مطالبه حقوق اساسی می‌بایست در حرکت خویش فقدان درک و آمادگی حاکمان در حل اختلافات جهانی از این جنس را زیر سوال ببرند.

ما تداوم بن‌بست کنونی، بلند پروازی هسته‌ای و قدرت‌نمایی تو خالی حکومت را زمینه‌ساز افزایش برخورد نظامی محتمل در آینده می‌دانیم که قطعاً قربانی اصلی آن مردم ایران و بخصوص کودکان و اقشار زحمتکش خواهند بود. البته باید در نظر داشت بزرگنمایی خطر جنگ و هراس‌افکنی نیز تبعاتی منفی را متوجه مصالح جامعه ایران می‌کند.

تبعات ویرانگر جنگ اعم از محدود و اشغال‌گرانه بی‌نیاز از توضیح است اما به باور ما

صرفاً با محکومیت لفظی و کتبی جنگ و یک کاسه کردن سلسله جنبنانان نظامیگری جهانی و آتش افروزان داخلی نمی توان جلوی تهاجم نظامی را گرفت. حساسیت ها و نگرانی های جامعه بین المللی مسیری متفاوت با شکاف ملت – دولت در ایران امروز دارد. جمهوری اسلامی تنها محل حقوق و کرامت انسانی شهروندان ایران زمین نیست بلکه تهدیدی علیه صلح و ثبات جهانی نیز بشمار می آید. توجه به تمایز ماهوی این دو مقوله در بازدارندگی موثر اهمیت کلیدی دارد. این جدایی لزوماً بدین معنا نیست که نمی توان حوزه مشترک بین مطالبات داخلی و خواسته های مشروع جهانی پیدا کرد.

به اعتقاد ما وظیفه نیروهای معتقد به دموکراسی و منافع ملی – سرزمینی ایران همسو کردن فشار های خارجی و مبارزات داخلی است. در این میان تنزه طلبی اخلاقی، برخورد ایدئولوژیک و منفعلانه کار ساز نیست بلکه باید با ارائه راه حلی به جهان نشان داد که جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران این ظرفیت را دارد تا اجازه ندهد تنش آفرینی حکومت از آستانه تحمل نهادهای بین المللی عبور کند. در این راستا پرهیز از سیاه و سفید دیدن مناسبات جهانی و مبنا قرار دادن دو گانه دوست و دشمن دائمی و یا دیو و فرشته و عبور از انگاره های مربوط به دوران جنگ سرد ضروری است. نگرش واقع بینانه به شرایط کنونی کشور و دنیا گوشزد می سازد وقتی یک جنبش فراگیر اجتماعی با ملاحظه نگرانی های مشروع جهانی در داخل کشور وجود ندارد آنگاه در فرایند تصمیم گیری جهانی، خواست نیرو های سیاسی اپوزیسیون وزنی نخواهد داشت.

غفلت از این موضوع و اسارت در پای برخورد کلیشه ای و دیدگاه کلاسیک ضد امپریالیسم بدون اینکه ابتکاری برای برون رفت از بحران ارائه دهد در نهایت منجر به جدایی کامل مسیر رویارویی جامعه جهانی از مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران می شود. این گسست با توجه به شکاف ترمیم ناپذیر ملت – دولت در ایران و انفعال در حوزه عمل مشوق قدرت های جهانی برای انتخاب گزینه برخورد نظامی با قصد نابود سازی تاسیسات هسته ای و نظامی کشور خواهد شد. امری که طیف افراطی حکومت از صورت کنترل یافته آن استقبال می کند تا هم سیطره خود بر شریان های اقتصادی و منابع قدرت را تثبیت سازد و هم برای قرار گیری در صف اول پیکار بنیاد گرایی اسلامی با غرب برای خود مشروعیت ایجاد نماید. برخورد مسئولانه و موثر در جلوگیری از جنگ نیازمند سازمان دهی جنبش اجتماعی قدرتمند با حضور گرایش ها و بخش های مختلف موزائیک اجتماعی ایران است که خواهان استقلال، سربلندی، دموکراسی، رعایت حقوق بشر، صلح پایدار و انسانی و تعامل و دوستی با دنیا هستند و با آرامش قبرستانی، بی عدالتی، خودکامگی و صلح استبدادی سر سازش ندارند. در این میان وجود مشکلات در نظام جهانی و پاره ای از استانداردهای دو گانه چون عدم اعتراض به برنامه نظامی هسته ای اسرائیل، هند و پاکستان باعث نمی شود تا چشم بر روی خطا های حاکمیت بحران زا ببندیم و با گرفتن زهر فشار های خارجی، دست حاکمیت را باز بگذاریم تا با سوء استفاده از احساسات ملی گرایانه و وجود ایرادات در عرصه بین

چکیده

المللی و قربانی شدن مناسبات انسانی در پای منافع دول قدرتمند دنیا در برخی حوزه ها ، راه خطرناک خود را ادامه دهد. می توان هم خواستار برچیده شدن تسلیحات اتمی با اولویت بخشی به نابود سازی تسلیحات اتمی دول منطقه خاورمیانه و دولت تمامیت خواهی چون کره شمالی در پروسه خلع سلاح اتمی در عرصه بین المللی شد و هم با برنامه هسته ای مخرب حکومت کنونی ایران مقابله کرد.

در این راستا می توان ضمن حفظ استقلال کشور از ظرفیت های مشروع جامعه بین المللی برای پیشبرد دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت ملی در ایران استفاده کرد. بجای صدور احکام کلی و قطعی در مدح و یا مذمت حمایت خارجی ، شایسته است تا در یک گفتگوی ملی شرایط، پیش نیاز ها، محدوده های موجه ، موضوع و مصداق حمایت ها و ساز و کار نظارتی برای جلوگیری از استفاده های شخصی و گروهی در برخورد حمایتی جامعه جهانی را مشخص نمود و از میدان گرفتن افراد فرصت طلب و آلترناتیو سازی از جریانات مشکوک جلوگیری کرد. راه دموکراسی در ایران از اتکا به نیروی لایزال ملت و وجود رهبری موثر و سازمان یافته می گذرد. مساله اصلی تمرکز قوا بر روی چگونگی فعال کردن نیروی خفته جنبش دموکراسی خواهی است. حمایت خارجی اشکال گوناگونی دارد . ما مدافع حمایت سیاسی جامعه جهانی از مطالبات دموکراسی خواهانه در ایران هستیم.

جامعه جهانی نیز باید آگاه باشد که هر گونه اقدامی که منجر به نقض تمامیت ارضی و منافع ملی کشور ایران گردد باعث بالا رفتن مشروعیت سرکوب نیروهای آزادی خواه در ایران خواهد شد و گفتمان صلح طلب را تضعیف می کند .

هر نگاهی به چگونگی و علت بحران خارجی کنونی داشته باشیم باز در تحلیل آخر نظام جمهوری اسلامی و بخصوص بخش افراطی آن است که با خطای محاسباتی خود شعله های جنگ محتمل را بر خواهد افروخت. در مخالفت با جنگ باید بحران سازان داخل حکومت را هدف اصلی قرار داد . در شرایطی که تبعات رکود جهانی دامنگیر اقتصاد ایران نیز شده و معضلات اقتصادی ناشی از سوء مدیریت دولت را تشدید کرده است، هیچ معیار منطقی و انسانی توجیه نمی کند تا مردم ایران و بخصوص افراد زیر خط فقر که هیچگاه در جریان چگونگی ماهیت برنامه هسته ای قرار نگرفته اند و چونان نا محرمان با آنان رفتار شده است، توان قدرت نمایی حاکمان بی درد و مرفه را پس بدهند!

در این راستا همکاری کامل و شفاف با آژانس انرژی اتمی و توقف موقت و مشروط غنی سازی اورانیوم هسته ای تا اعتماد سازی در چارچوب کنوانسیون منع گسترش سلاح های اتمی و پایان بخشی فوری به تمامی وجوه نظامی مربوط به برنامه هسته ای می تواند به عنوان یکی از مطالبات محوری جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران در زمینه صلح خواهی مد نظر قرار گیرد. ترکیب این خواسته در کنار خواست رعایت حقوق بشر، آزادی های اساسی و دموکراسی به مراتب پتانسیل بیشتری را برای تضعیف توامان استبداد و تجاوزگری و لذا جلوگیری از جنگ خواهد داشت.

چکیده

اسامی امضاکنندگان

احمد احمدیان، کمال ارس، اردوان ارشاد، جمشید اسدی، فرید اشکان، مرتضی اصلاحچی، امیر حسین اعتمادی، بیژن افتخاری، علی افشاری، مریم اکبری، محمد جواد اکبرین، کیان امانی، مهدی امینی، فریبا امینی، نادر انتصار، مریم اهری، احمد آزاد، رحیم باجغلی، احمد باطبی، حسین باقرزاده، مهران براتی، محمد برزنجه، شهلا بهار دوست، بهروز بیات، کوروش پارسا، میثاق پارسا، بهزاد پرنیان، کتایون پزشکی، سعید پور حیدر، سعید پیوندی، علی تارخ، حبیب تبریزیان، علی تقی پور، کامران تلاطف، نیره توحیدی، مهدی جامی، جهانشاه جاوید، محمد حسین جعفری، رضا جعفریان، مهدی جلالی، آرش جنتی عطایی، مهران جنگلی مقدم، آیدین جهانبخش، پویا جهاندار، گیسو جهانگیری، رضا چرندابی، آرام حسامی، بیژن حکمت، عباس حکیم زاده، فرامرز خدایاری، امیر خدیر، فرامرز دادور، کمال داوودی، فریبا داوودی مهاجر، مهرداد درویش پور، عبدالستار دوشوکی، مهشید راستی، نیما راشدان، احمد رافت، علی راکعی، محمد رضا رحیمی راد، امیر رشیدی، سحر رضا زاده، فرامرز رفیعی، مریم روزبهانی، مینا زند سیگل، حمید زنگنه، محسن سازگارا، نسیم سرابندی، رضا سیاوشی، سلمان سیما، کریم شامبیاتی، رحیم شامبیاتی، منصوره شجاعی، حسن شریعتمداری، روحی شفیع، حسن شهپری، عباس شیرازی، محمد صادقی، کوروش صحتی، بیژن صفسری، سیاوش صفوی، رامین صفی زاده، ارسلان ضیائی، حسن طالبی، علی طایفی، میثم طهماسبی، شهره عاصمی، غلام عباسی، مزدک عبدی پور، سیاوش عبقری، شهلا عبقری، نازلی عراقی، مهدی عربشاهی، کاظم علمداری، حسین علوی، رضا علوی، مهرنوش علی آقایی، لیونا عیسی قلیان، حمید غفرانی، علی فاتحی، شیرین فامیلی، امیر حسین فتوحی، روزبه فروزان، کامبیز فروهر، امیر علی فصیحی، فیروزه فولادی، شهاب فیضی، آیدا قاجار، پروین قاسمی، سعید قاسمی نژاد، رضا قاضی نوری، رضا قریشی، مهدی قلی زاده اقدم، علی قنبری، فرزاد قنبری، ناصر کاخساز، علی کشتگر، الهه ککرایی، امیر کلینی، آزاده کیان، علیرضا کیانی، روبرتو گادی، امیر حسین گنجبخش، حمید مافی، مجید محمدی، پویان محمودیان، پرویز مختاری، احمد مدادی، علی مستشاری، احمد مشعوف، انوشه مشعوف، نیما مشعوف، نریمان مصطفوی، فواد مظفری، منصور معدل، امیر معماریان، رضوان مقدم، حسن مکارمی، پیمان ملاز، امید ملک، مرتضی ملک محمدی، فرشته ملکشاهی، رویا ملکی، محمود منشی پوری، اشکان منفرد، علی مهتدی، محمد مهدیان، بهزاد مهران، بهناز مهرانی، سید داوود موسوی، علیرضا موسوی، احمد میر فخرایی، امیر حسین میرابیان، کاویان میلانی، همایون نادری فر، ابراهیم نبوی، یوحنا نجدی، روجا نجفی، آرش نراقی، پری نشاط، بورگان نظامی نرج آباد، علی نظری، شروین نکوئی، مرتضی نگاهی، داوود نوائیان، شیوا نوجو، مهدی نوربخش، نادر هاشمی، شیخ محمد هدایتی، لعبت والا، فرزین وحدت، احمد وحدت خواه، سجاد ویس مرادی، محسن یلفانی

ویروس "دوکو"، عامل انفجار پادگان سپاه

انتشار یک ویروس صنعتی جدید و سپس انفجار در یک پایگاه نظامی در ملارد، بار دیگر توجه رسانه ها را به جنگ سایبری میان جمهوری اسلامی و دیگر کشورها - بخصوص آمریکا و اسرائیل - جلب کرده است. ویروس کامپیوتری "دوکو" ویروس جدیدی است که پس از "استاکسنت" بار دیگر تاسیسات صنعتی را هدف گرفته است.

شرکت های امنیت نرم افزاری، ویروس جدید را مشابه استاکسنت معرفی کرده و گفته اند که تهیه کنندگان این ویروس احتمالاً همان افرادی هستند که به کد اصلی استاکسنت دسترسی داشته اند. بی بی سی به نقل از کارشناسان امنیتی نوشته است که این ویروس جدید برخلاف استاکسنت "حاوی هیچ کدی برای سیستم های کنترل صنعتی نیست و خود به خود تکثیر نمی شود". همچنین گفته می شود که دوکو "پس از ۳۶ روز خود را از کامپیوتر آلوده پاک می کند که نشان می دهد هدف پنهانکاری بیشتر در مقایسه با نمونه قبلی، استاکسنت است". پس از اعلام انتشار این ویروس، سردار غلامرضا جلالی، رییس سازمان پدافند غیرعامل، اعلام کرد که "هنوز گزارشی که نشان دهد این ویروس در چه مراکزی گسترش یافته و چه عملکردی داشته تهیه نشده است، اما همه مراکز و دستگاه های مشکوک به آلودگی به این ویروس کنترل می شوند".

وی دوکو را "سومین ویروس جاسوسی در فضای مجازی ایران" دانست و خبر از آن داد که نرم افزار کنترل کننده این ویروس، تولید شده و در اختیار "سازمان ها و دستگاه ها" قرار گرفته است؛ وی اما اشاره ای به نام سازمان ها و دستگاه هایی که مورد حمله این ویروس قرار گرفته اند، نکرد.

پیش از این مدیران شرکت امنیتی سیمان تیک اعلام کرده بودند که ویروس دوکو در سیستم های کنترل تولید صنعتی نفوذ می کند. به گفته آنان این ویروس "برای حمله به سیستم های صنعتی مانند تاسیسات اتمی ایران طراحی نشده، بلکه کار آن جمع آوری اطلاعات برای حملات آینده است".

سردار جلالی پیش از این گفته بود که جمهوری اسلامی "هنوز در مراحل اولیه مقابله با ویروس دوکو قرار دارد و به جمع بندی نهایی در این زمینه نرسیده".

ویروس دوکو از اوایل ماه اکتبر توسط شرکت های امنیت کامپیوتری شناسایی و نسبت به نفوذ آن در سیستم های صنعتی برخی کشورها همچون ایران و هند هشدار داده شده بود. خطرات احتمالی این ویروس، از زمانی بیشتر مورد توجه و بحث قرار گرفت که چند روز

پیش انفجاری در یکی از پایگاه‌های نظامی در نزدیکی تهران رخ داد. نحوه اطلاع‌رسانی درباره این ماجرا از سوی مقامات رسمی جمهوری اسلامی، بر ابهامات آن افزود. نشریه معتبر تایم نیز در گزارشی به نقل از "یک مقام آگاه امنیتی" نوشت که انفجار در این پادگان نظامی، یک خرابکاری احتمالی از سوی کشورهای چپ آمریکا و اسرائیل بوده است. این مساله زمانی جدی‌تر مورد بحث قرار گرفت که اعلام شد دو تن از کشته‌شدگان این حادثه از مسوولان دست‌اندرکار در پروژه‌های موشکی جمهوری اسلامی بوده‌اند.

سردار حسن تهرانی مقدم، بنیانگذار سیستم موشکی سپاه در دوران جنگ با عراق و مسوول سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران از جمله کشته‌شدگان در این حادثه است. همچنین نام علی اصغر منصوریان استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه صنعتی مالک اشتر وابسته به وزارت دفاع، نیز در میان جان‌باختگان وجود دارد. وی از دانشمندان هسته‌ای بود که نامش در گزارش سال 2009 آژانس هسته‌ای سازمان ملل نیز آمده بود. منصوریان فارغ التحصیل دکترای هسته‌ای از دانشگاه شریف بوده و در پروژه سزای نیز فعالیت داشته است.

گرچه سپاه پاسداران احتمال هرگونه خرابکاری یا حمله خارجی را در این میان رد کرده است، اما برخی مقامات سابق این نهاد نظامی، سخنان دیگری را مطرح می‌کنند.

سردار قالیباف، شهردار فعلی تهران و فرمانده کل اسبق نیروی انتظامی، در یادداشتی برای بزرگداشت حسن تهرانی‌مقدم، نوشته است: "دشمنان ما بهتر از دوستان، حسن را می‌شناختند. این بچه‌ها قابل جایگزین نیستند". حسین علایی، از فرماندهان سابق سپاه نیز نوشته که تهرانی‌مقدم "در حال کسب آمادگی بیشتر برای مقابله با تهدیدات اخیر جان خود را از دست داده است". برخی وبلاگ‌نویسان اصول‌گرا نیز پس از اعلام جان باختن وی، از ترور وی سخن گفتند: "همه جا به دنبال بودند که شهیدت کنند آخر کار خودشان را کردند".

برخی رسانه‌ها اکنون این گمانه را مطرح می‌کنند که انفجار در پادگان نظامی سپاه، به دنبال اطلاعات کسب شده از این مکان از طریق ویروس دوکو، انجام گرفته و این ویروس با شناسایی این پادگان نظامی، امکان حمله به این مکان را فراهم کرده است.

این احتمال پس از اعلام عدم تشییع جنازه یکی از جانباختگان به دلیل "عدم شناسایی دقیق" بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی شرکت‌های امنیت کامپیوتری، احتمال اینکه ویروس دوکو توسط یکی از دو کشور آمریکا یا اسرائیل، تهیه شده باشد را دور از ذهن ندانسته‌اند؛ مساله‌ای که از سوی روزنامه نیویورکتایمز نیز مورد تاکید قرار گرفته است. پیش از این و در هنگام انتشار ویروس استاکس‌نت، نام این دو کشور به عنوان گزینه‌های اصلی تهیه چنین ویروسی مطرح شده بود. در آن زمان اعلام شده بود که استاکس‌نت با هدف اصلی ضربه زدن به تاسیسات هسته‌ای ایران طراحی شده است. این ویروس وارد سیستم‌های کنترل برنامه‌های اتمی ایران می‌شد و آن‌ها را مختل می‌کرد. برخی کارشناسان همان زمان خبر داده بودند که عدم راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، به دلیل اختلالاتی است که این ویروس در برنامه کنترل این نیروگاه به

وجود آورده است. روسیه نیز اعلام کرده بود که استاکس‌نت قادر خواهد بود حادثه‌ای در ابعاد انفجار نیروگاه چرنوبیل را برای ایران تکرار کند. در آن زمان وزارت اطلاعات اعلام کرده بود که تعدادی را به اتهام انتشار این ویروس در دستگاه‌های کامپیوتری نهادهای مختلف، بازداشت کرده است. پس از استاکس‌نت، مقام‌های جمهوری اسلامی از تهاجم ویروسی دیگر به نام استارکس خبر دادند ولی جزئیاتی از خسارت‌های احتمالی این ویروس ارائه نکردند. پس از اعلام شناسایی ویروس دوکو، شرکت سیمان‌تک درباره این ویروس اعلام کرده بود: "این یک کار تفننی نیست، بلکه از آخرین تکنیک‌های پیشرفته استفاده می‌کند و به این معنی است که توسط کسی که هدف خاصی در ذهن داشته طراحی شده است". گرچه هنوز با قطعیت نمی‌توان درباره انفجار در پایگاه نظامی ملارد و رابطه آن با انتشار ویروس جدید سخن گفت، اما به نظر می‌رسد که درباره آغاز جنگ سایبری میان جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل، توافق کامل وجود دارد.

مردم ایران حق دارند، بپرسند

ماده 1 اعلامیه جهانی حقوق بشر

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده 2 اعلامیه جهانی حقوق بشر

الف/ هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، نسب یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد.

ب/ بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضائی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

دهم دسامبر روز جهانی حقوق بشر را در شرایطی گرامی می‌داریم که، تحقق این آرزوی دیرین بشری هنوز از حد امضای این اعلامیه بیرون نرفته است

دهم دسامبر برابر با روز جهانی حقوق بشر است. در راستای همبستگی با مردم جهان و برای بزرگداشت این روز جهانی، اعضای نمایندگی هانوفر کانون دفاع از حقوق بشر در ایران ضمن بزرگداشت این روز اعتراض خود را نسبت به نقض مستمر و برنامه ریزی شده کلیه حقوق ایرانیان اعلام نموده یاد آور میشود.

مردم ایران حق دارند، بپرسند

آری برآستی مردم ایران حق دارند بپرسند که، محکومیت‌های مکرر حکومت سرکوبگر ایران در مجامع بین المللی، چه تأثیری بر رفتار ضد حقوق بشری حکومت فقها گذاشته است؟!!

و پاسخ ما اینک‌هسخنرانان برنامه: اگر این محکومیتها هم نباشد، اگر سرکوب حقوق بشر در ایران اعتراضی را در سطح بین المللی برنیا‌نگیزد، اگر نقض فاحش حقوق بشر در ایران با سکوت و ممانعت جامعه بین المللی همراه شود، حکومت ایران دست خود را در اعدامها، بازداشتها، اعمال مجازات قرون وسطایی، عدم آزادی بیان و اندیشه با شکستن قلمها و خفه کردن صدا‌های منتقدین، پایمال کردن کمترین حقوق انسانی، پیشبرد سیاستهای ضد زن و جلوگیری از فعالیت سندیکایی بازتر خواهد دید.

زمان: چهارشنبه ۲ دسامبر ساعت ۲۰ با آرزوی تحقق و اجرای کلیه مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های آن در ایران

340

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران / نمایندگی هانوفر

گردهمایی حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت 11.2011/19



آبان روز جهانی مبارزه با کودک آزاری گرامی باد

۱۹ نوامبر برابر با ۲۸ آبان روز جهانی مبارزه با کودک آزاری گرامی باد

کمیته گزارشگران حقوق بشر: ایران، رتبه نخست اعدام نوجوانان بز هکار را داراست

ماده 37 اعلامیه جهانی حقوق کودکان:

هیچ کودکی نباید شکنجه شده و یا بصورت غیر قانونی بازداشت شود. با هیچ کودکی نباید بصورت ستمگرانه رفتار کرد. اعدام کردن کودکان یا زندانی کردن آنها برای تمام عمر باید از میان برداشته شود.

محمد مصطفایی دبیر کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا : 140 کودک در انتظار حکم مرگ

شایان امیدی ۱۷ ساله بنیامین رسولی ۱۷ ساله حسین تورانی ۱۷ ساله حسین حقی ۱۷ ساله مرتضی فیضی ۱۶ ساله سعید جزیی ۱۷ ساله -علی مهین ترابی ۱۶ ساله میلاد بختیاری ۱۶ ساله -فرشاد سعیدی ۱۷ ساله حسین قره باغلو ۱۶ ساله دلارا دارابی ۱۷ ساله شهرام پور منصور ۱۷ ساله محمد رضا حدادی ۱۶ ساله نعمت صفوی ۱۶ ساله علیرضا ملاسلطانی ۱۷ ساله بهنام زارع ۱۵ ساله هدایت نیرومند ۱۵ ساله محمد جمالی پاقلعه ۱۵ ساله علی نورمحمدی ۱۶ ساله امیر چاله‌چاله ۱۷ ساله و....

343

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

کمیته دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان

گزارش نقض حقوق زنان در ایران ابان ماه 1390

بخش کوچکی از نقض حقوق زنان توسط حکومت جمهوری اسلامی
ماده هفتم : همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و مساوی از حمایت
قانون برخوردار شوند . همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد
و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند
عسل اسماعیلزاده به قید وثیقه آزاد شد
محکومیت مرضیه وفامهر به جزای نقدی در دادگاه تجدید نظر
مسمومیت ۳۷ دانش آموز دختر با گاز
سرکوب زنان به بهانه حجاب
بازداشت صدیقه مالکی در کلانتری بانوان مشهد
سولماز علیمزادی به یک و نیم سال زندان محکوم شد
قتل دختر توسط پدر
خودکشی متهم *زن* پرونده اسید پاشی در زندان همدان
بازداشت پریسا بابائی در قائم شهر
اخراج سمیرا غلامی از دانشگاه سیرجان
اخراج صهبا متحدین از دانشگاه قزوین

چکیده

ممنوعیت زنان مجرد به پیست اسکی سه شهروند بهایی ساکن رشت با وثیقه آزاد شدند. دادگاه منصوره بهکیش قرار است در روز ۴ دی ماه برگزار شود احضار ژیل کرمزاده مکوندی و لیلا سیف الهی به زندان اوین کتایون شهابی با تودیع وثیقه از زندان اوین آزاد شد لیلا اسفاری بعد از حضور در اداره اطلاعات شهر زنجان ناپدید شده است بازداشت چندین زبان آموز در آموزشگاهی در مشهد به جرم بد حجابی عدم رسیدگی به موقع پزشکی و مرگ زن حامله در سردشت احضار پرستو فروهر به وزارت اطلاعات مرگ فجیع آزاده عطاء الهی دانشجوی دانشگاه آزاد سیمین گرجی شهروند بهایی بازداشت شد خود سوزی زن ایلامی اسیدپاشی بر روی یک مادر و دختر در مشهد شش ماه زندان دیگر برای مهدیه گلرو در اوین خودکشی یک دانشجوی 21 ساله دانشگاه بازن داشت / چندین مورد خودکشی / 2 مورد آزادی با قید وثیقه / 5 مورد خود سوزی / 1 مورد محکومیت / 3 مورد قتل / 2 مورد مسمومیت توسط گاز شهری / 37 مورد سرکوب زنان به بهانه حجاب / چندین مورد اخراج دانشجویان / چندین مورد احضار به مراکز امنیتی / 3 مورد اسیدپاشی / 2 مورد شیراز اسید پاشی در کرمانشاه 3 مورد

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران / کمیته دفاع از حقوق زنان

کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

مصوبه 18 دسامبر 1979 (27 آذر 1358) - قطعنامه شماره 34/180 مجمع عمومی سازمان ملل متحد و قدرت اجرایی بنا بر ماده 27 (1) سوم سپتامبر 1981 (12 شهریور 1360) دولتهای عضو کنوانسیون حاضر:

- با توجه به منشور سازمان ملل مبنی بر اعتقاد راسخ به اصول پایه ای حقوق بشر و احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوق مردان و زنان
- با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر که اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده است و اعلام داشته است که تمام افراد بشر آزاد و برابر بدنیا میآیند و همه از کلیه حقوق و آزادیهای که در آن بیان شده است بدون هیچگونه تمایزی از جمله تمایز در جنسیت برخوردار میباشند.
- با توجه به اینکه دولتهای عضو میثاقهای بین المللی حقوق بشر، متعهد شده اند که حقوق برابر مردان و زنان را در بهره مندی از کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی تضمین نمایند.

چکیده

- با در نظر گرفتن میثاق‌های بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل و نمایندگی‌های تخصصی جهت ترویج و پیشرفت حقوق برابر مردان و زنان
- با توجه به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که بوسیله سازمان ملل و نمایندگی‌های تخصصی جهت ترویج و پیشرفت برابری حقوق مردان با زنان، تصویب شده است.
- با نگرانی از اینکه علیرغم اسناد گوناگون و فراوان، هنوز ادامه تبعیض‌ها علیه زنان وجود دارد.
- با تذکر و یادآوری به اینکه تبعیض علیه زنان، نقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت انسانی می‌باشد و (این تبعیضها) مانعی است برای شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آنان و نیز از رشد سعادت جامعه و خانواده جلوگیری میکند و باعث بوجود آوردن مشکلات بیشتر برای توسعه و قابلیت‌های زنان جهت خدمت به کشور خودشان و (جامعه) بشری میشود.
- با در نظر گرفتن اینکه زنان در مواقع فقر حداقل دسترسی را به مواد غذایی، بهداشت، تحصیل، آموزش، فرصت‌های اشتغال و دیگر نیازمندی‌ها دارند.
- با اعتقاد به ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی مبنی بر برابری و عدالت که کمک مهمی در جهت ترویج و پیشرفت برابری بین مردان و زنان است.
- با تأکید به ریشه کن کردن آپارتاید در اشکال گوناگون آن مانند نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بهره‌برداری (استعمار) و بهره‌برداری جدید (استعمار نو)، تجاوز، اشغال، سلطه خارجی و دخالت در امور داخلی کشورها که لازمه تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد.
- با تأکید بر تقویت صلح و امنیت بین‌المللی، تنش‌زدایی بین‌المللی، همکاری متقابل میان تمام دولتها، صرف نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنها، خلع سلاح اتمی تحت نظارت مستقیم و موثر کنترل بین‌المللی، (همچنین) با تأکید بر اصول عدالت، برابری و منافع متقابل در روابط میان دولتها و درک حقوق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی برای حق تعیین سرنوشت و استقلال و نیز احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی که باعث پیشبرد روند توسعه اجتماعی و در نتیجه کمک به دستیابی کامل برابری بین مردان و زنان خواهد بود.
- با اعتقاد به اینکه پیشرفت و توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و علت (برقراری صلح)، لازمه حداکثر شرکت زنان در تمام زمینه‌ها و در شرایط مساوی آنها با مردان است.
- با یادآوری اینکه سهم عمده زنان در رفاه خانواده و پیشرفت جامعه تا به حال بطور کامل شناخته نشده است. اهمیت (نقش) اجتماعی مادر و نقش والدین در خانواده و تربیت و رشد کودکان و با توجه به اینکه نقش زنان در تولید مثل نباید بر اساس تبعیض قرار گیرد بلکه تربیت و رشد کودکان مستلزم یک توافق در مسئولیت بین مردان و زنان در (خانواده) و

همین طور در جامعه است.

• با توجه به تغییر نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده، دستیابی به برابری کامل بین مردان و زنان ضروری و لازم است.

• با تصمیم به اجرای اصولی که در اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان آمده است و بخاطر آن اهداف و نیز جهت انجام اقدامات ضروری برای از میان برداشتن اینگونه تبعیضها در تمامی اشکال و مظاهر آن، دولتهای عضو مواد زیر را می پذیرند:

قسمت اول

ماده اول

برای (درک) مفاهیم کنوانسیون حاضر، عبارت تبعیض علیه زنان، به معنی قائل شدن به هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت (محرومیت) بر اساس جنسیتی است که نتیجه یا بمنظور خدشه دار کردن و یا بی اثر نمودن رسمیت و شناسایی، بهره مندی یا اعمالی که بوسیله زنان انجام میگیرد، صرف نظر از وضعیت تاهل آنها و بر مبنای برابری حقوق انسانی مردان و زنان و آزادیهای اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر اطلاق میگردد.

ماده دوم

دولتهای عضو، تبعیض علیه زنان را در تمام اشکال آن، محکوم میکنند و بیدرنگ و با کلیه ابزارهای مناسب، با سیاست محو تبعیض علیه زنان موافقت میکنند و آنرا پی گیری مینمایند و بدین منظور امور زیر را تعهد میکنند:

الف- گنجاندن اصل برابری مردان و زنان در قوانین اساسی شان یا دیگر قانونگذاریهایی متناسب در این مورد. (دولتهای عضو) اگر تاکنون چنین قانونی را وضع نکرده اند از طریق وضع قانون (قوانین عادی لازم الاجرا) یا دیگر ابزارهای مناسب از تحقق عملی این اصل اطمینان حاصل خواهند کرد.

ب- اتخاذ قوانین مناسب و دیگر اقدامات لازم که شامل تصویب مجازاتهای مناسبی است، بمنظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان.

ج- ایجاد حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و اطمینان از طریق دادگاههای صالح ملی و دیگر نهادهای عمومی در جهت حمایت موثر از زنان در مقابل هر نوع اقدام تبعیض آمیز.

د- خودداری از انجام هرگونه اقدام و عمل تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و موسسات عمومی طبق این تعهد عمل نمایند.

ه - اتخاذ هرگونه اقدام مناسب در جهت حذف تبعیض علیه زنان بوسیله هر فرد، سازمان یا موسسه.

و- اتخاذ اقدامات مناسب که شامل (تدابیر) قانونگذاری برای تغییر، اصلاح یا فسخ قوانین موجود، مقررات، عادات (عرف) و عملکرد هائی که باعث بوجود آمدن تبعیض علیه زنان

چکیده

میباشند.

ح- لغو کلیه مقررات کیفری داخلی (ملی) که باعث بوجود آمدن تبعیض علیه زنان میباشند.

ماده سوم

دولتهای عضو کلیه اقدامات لازم و مناسب را در تمام زمینه ها بویژه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از جمله قانونگذاری، اعمال خواهندکرد تا بدینوسیله از توسعه و پیشرفت کامل (وضعیت) زنان اطمینان حاصل نمایند. (این اقدامات) به منظور تضمین حقوق زنان جهت اعمال و بهره مندی آنان از حقوق بشر و آزادیهای اساسی بر پایه برابری با مردان انجام خواهد گرفت.

ماده چهارم

1- اتخاذ اقدامات موقت و ویژه که بوسیله دولتهای عضو و بمنظور سرعت بخشیدن بالفعل در برقراری برابری بین مردان و زنان انجام میگیرد نباید بعنوان (رفع) تبعیض بگونه ای که در این کنوانسیون تعریف شده است، تلقی گردد. اما (برعکس) این اقدامات موجب اعتبار بخشیدن و حمایت از نابرابری و (بکار بردن) معیارهای مجزا خواهد شد، (زیرا) در زمان رسیدن به اهداف مورد نظر که فرصتها و رفتارهای برابر است، (این اقدامات موقت) متوقف خواهد شد.

2- اتخاذ تدابیر ویژه دولتهای عضو که شامل اقداماتی است که در کنوانسیون حاضر جهت حمایت حق مادری منظور شده است، به عنوان تبعیض در نظر گرفته نخواهد شد.

ماده پنجم

دولتهای عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد:

الف- اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به حذف تعصبات، عادات و دیگر عملکردها که بر پایه اعتقادی دین و زیر دست قرار دادن یا برتری (یک جنس نسبت به جنس دیگر) یا نقش های کلیشه ای برای مردان و زنان قرار دارد.

ب- مطمئن شدن از آموزش و پرورش خانواده که شامل درک مناسب و صحیح از (وضعیت) مادری بمثابة یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک مردان و زنان در رشد و تربیت کودکان میباشد. (همچنین) با درک این (موضوع) که منافع کودکان در همه موارد از اولویت برخوردار میباشد.

ماده ششم

دولتهای عضو اقدامات مقتضی را که شامل وضع قانون بمنظور (جلوگیری از) تمام اشکال معامله بر روی زنان و بهره برداری از روسپیگری آنان است، بعمل خواهند آورد.

قسمت دوم

ماده هفتم

دولتهای عضو اقدامات مقتضی برای حذف تبعیض علیه زنان در حیات سیاسی و اجتماعی

چکیده

کشور بعمل آورده و بویژه اطمینان حاصل نمایند که (در شرایط) مساوی با مردان، حقوق زیر برای آنها تامین گردد:

الف: (حق) رای در همه انتخابات و همه پرسشی های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در تمام ارگانهای انتخاباتی عمومی

ب: (حق) شرکت در تعیین سیاست های حکومت (دولت) و اجرای آنها و به عهده داشتن پستهای دولتی و انجام وظائف عمومی در تمام سطوح حکومتی (دولتی)

ج: (حق) شرکت در سازمانها و انجمنهای غیر حکومتی (دولتی) که مربوط به حیات سیاسی و اجتماعی کشور است.

ماده هشتم

دولتهای عضو اقدامات مقتضی را (برای زنان) بدون هیچگونه تبعیض و در شرایط مساوی با مردان بعمل خواهند آورد تا آنها از این فرصت (استفاده کرده) و به عنوان نماینده دولت خود در سطح بین المللی و در فعالیت سازمانهای بین المللی مشارکت کنند.

ماده نهم

1- دولتهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت اعطاء خواهند کرد. دولتها بویژه تضمین و اطمینان خواهند داد که ازدواج (زن با مرد خارجی) تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خودبخود موجب تغییر تابعیت، عدم تابعیت یا تحمیل تابعیت شوهر به زن نخواهد شد.

2- دولتهای عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند نمود.

قسمت سوم

ماده دهم

دولتهای عضو کلیه اقدامات مقتضی و لازم را برای حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در جهت تضمین حقوق برابر آنان با مردان در زمینه آموزش بویژه در موارد زیر بعمل خواهند آورد:

الف- شرایط مساوی برای رهنمودهای شغلی و حرفه ای جهت راهیابی به تحصیل و دستیابی مدارک از موسسات آموزشی در تمام سطوح مختلف در مناطق شهری و روستایی. این برابری می بایست در دوره های پیش دبستانی، عمومی، فنی، حرفه ای و آموزش عالی فنی و نیز در تمام انواع دوره های کارآموزی حرفه ای تضمین گردد.

ب- (امکان) راهیابی به دوره های تحصیلی، امتحانات، کادر آموزش با کیفیتهای و معیارهای یکسان و تجهیزات آموزشی با کیفیت های مساوی با (مردان) تضمین گردد.

ج- حذف هر نوع مفهوم کلیشه ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی بوسیله تشویق آموزش مختلط (پسران و دختران) و دیگر انواع آموزش که دستیابی به این اهداف را کمک خواهد نمود، بویژه در تجدید نظر متون کتابهای درسی و

چکیده

- برنامه های مدارس و تعدیل روشهای آموزشی.
- د- (ایجاد) فرصتهای یکسان جهت استفاده و بهره مند شدن از بورسها و دیگر مزایای تحصیلی.
- ه - (ایجاد) فرصتهای یکسان برای راهیابی به برنامه های آموزشی مداوم (دراز مدت) که شامل برنامه های مواد آموزشی عملی بزرگسالان بویژه برنامه هایی که هدف آنها کاهش هر چه سریعتر فاصله آموزشی است که بین زنان و مردان وجود دارد.
- و- کاهش (درصد) تعداد دانش آموز دختر که ترک تحصیل میکنند و سازماندهی و برنامه ریزی برای دختران و زنانی که قبلاً ترک تحصیل کرده اند.
- ز- (ایجاد) فرصتهای یکسان جهت شرکت فعال (زنان) در ورزش و تربیت بدنی.
- ح- (امکان) راهیابی به آموزشهای ویژه تربیتی (برای زنان) کمک و تضمین سلامت و تندرستی خانواده ها که شامل اطلاعات و مشورت های مربوط به تنظیم خانواده است.
- ماده یازدهم
- 1-دولتهای عضو اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال بعمل خواهند آورد و اطمینان می دهند که بر پایه برابری مردان و زنان و حقوق یکسان (آنها) بویژه در موارد زیر عمل نمایند:
- الف- حق کار بمثابة حق جدا ناپذیری تمام افراد بشر
- ب- حق (برخورداری از) فرصت ها و امکانات شغلی یکسان که شامل درخواست ضوابط (معیار) یکسان در مورد انتخاب شغل است.
- ج- حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقاء (مقام)، امنیت شغلی و تمام مزایا و شرایط خدمتی و حق استفاده از (دوره های) آموزشی حرفه ای و بازآموزی که شامل کارآموزی ها، دوره های آموزشی پیشرفته حرفه ای و آموزشی مجدد میباشد.
- د- حق (دریافت) پاداش یکسان (دستمزد مساوی) از جمله مزایا و (برخورداری از) رفتار برابر نسبت به ارزیابی کیفیت کار و کارهایی که ارزش یکسان دارند.
- ه - حق (برخورداری از) امنیت اجتماعی، بویژه در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، ناتوانی، دوران پیری و دیگر موارد از کارافتادگی و همچنین حق (برخورداری از) مرخصی استحقاقی.
- و- حق (برخورداری از) حفاظت ها و مراقبتهای بهداشتی و امنیت در شرایط کاری از جمله حمایت و تامین دوران بارداری (زایمان)
- 2-دولتهای عضو اقدامات مقتضی و لازم زیر را به منظور جلوگیری از تبعیض علیه زنان به دلیل ازدواج یا مادری (بارداری) و تضمین حق موثر آنان جهت کار، بعمل خواهند آورد:
- الف: ممنوعیت (اخراج) تحت وضعیت تخلف کاری که مجازات قانونی در پی دارد، (ممنوعیت) اخراج بخاطر حاملگی یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج بر مبنای وضعیت زناشویی.

چکیده

ب: دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت (حقوق) یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی، رتبه یا مزایای اجتماعی.

ج: تشویق جهت ارائه خدمات اجتماعی و حمایت های لازم بنحوی که والدین را قادر سازد تا تعهدات خانوادگی را با مسئولیتهای شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ نمایند، بویژه از طریق تشویق به تاسیس و توسعه یک شبکه تسهیلاتی مراقبت از کودکان.

د: ارائه حمایتی ویژه از زنان در دوران بارداری در انواع مشاغلی که اثبات شده است برای آنها زیان آور است.

(3-وضع) قوانین حمایت کننده در رابطه با موضوعاتی که در این ماده مطرح شده است و متناوبا در پرتو پیشرفتهای علمی و تکنیکی مورد بازنگری قرار میگیرد و در صورت ضرورت، تجدید نظر (اصلاح) یا لغو و یا تمدید میگردد.

ماده دوازدهم

1-دولتهای عضو کلیه اقدامات لازم و مقتضی را جهت حذف تبعیض علیه زنان در زمینه های مراقبتهای بهداشتی بعمل خواهند آورد. (این اقدامات) بر پایه تساوی (حقوق) مردان و زنان جهت دسترسی به خدمات بهداشتی و خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط میشود، تضمین خواهد شد.

(2-دولتهای عضو) بنابر قوانین بند 1 این ماده، خدمات مقتضی و لازم را در ارتباط با بارداری و زایمان و پس از زایمان و اعطاء خدمات رایگان در صورت لزوم و همچنین تغذیه کافی در دوران بارداری و شیردهی را تضمین خواهند کرد.

ماده سیزدهم

دولتهای عضو اقدامات مقتضی و لازم را جهت حذف تبعیض علیه زنان در دیگر مراحل زندگی از نظر اقتصادی و اجتماعی بعمل خواهند آورد. همچنین بر مبنای تساوی (حقوق) مردان و زنان، حقوق یکسان را برای آنها (زنان) بویژه در موارد زیر تامین می نمایند:

الف- حق استفاده از مزایای خانوادگی

ب- حق استفاده از وامهای بانکی، رهن ها و دیگر اشکال اعتبارات مالی

ج- حق شرکت در فعالیتهای تفریحی، ورزشها و تمام زمینه های حیات فرهنگی

ماده چهاردهم

1-دولتهای عضو، مشکلات ویژه ای که زنان روستایی با آن روبرو هستند را در نظر خواهند گرفت و به نقش مهمی که این زنان در حیات اقتصادی خانواده های خود که شامل کار در بخشهای اقتصادی غیر مالی است، توجه خواهند کرد و اقدامات لازم و مقتضی را جهت تضمین اجرای قوانین کنوانسیون حاضر در مورد زنان نواحی روستایی بعمل خواهند آورد.

2-دولتهای عضو، اقدامات لازم و مقتضی را جهت حذف تبعیض علیه زنان در مناطق روستایی بعمل خواهند آورد. (این اقدامات) به منظور و بر پایه تساوی (حقوق) مردان و

زنان در شرکت و استفاده آنان از توسعه روستایی است. (همچنین دولتهای عضو) بویژه اطمینان حاصل خواهند کرد که زنان از حقوق زیر برخوردار باشند:

الف- شرکت در تدوین و اجرای برنامه های توسعه (عمرانی) در کلیه سطوح

ب- راهیابی و دسترسی به امکانات مراقبتهای بهداشتی مناسب و کافی از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظیم خانواده

ج- (حق) استفاده مستقیم از برنامه های تامین اجتماعی

د- (حق) برخورداری از تمام دوره های کارآموزی و آموزشی، رسمی یا غیررسمی که شامل سوادآموزی عملی و موارد دیگر (مانند) استفاده از تمام خدمات محلی و جامع بمنظور بالا بردن (کارایی) فنی حرفه ای میباشد.

ه- (حق) سازماندهی گروههای خودیاری و تعاونیها بمنظور دستیابی به حق مساوی از فرصتهای اقتصادی از طریق اشتغال یا خود اشتغالی

و- (حق) شرکت در تمامی فعالیتهای محلی

ز- (حق) دستیابی به وامها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب و رفتار یکسان در (برخورداری) از زمین و اصلاحات ارضی همچنین حق (استفاده از) طرحهای مجدد استقرار در زمین

ح- (حق) بهرمندی از شرایط زندگی مناسب بویژه در ارتباط با مسکن، بهداشت، امکانات آب و برق، حمل و نقل و ارتباطات

قسمت چهارم

ماده پانزدهم

1- دولتهای عضو تساوی (حقوق) زنان با مردان را در برابر قانون خواهند پذیرفت.

2- دولتهای عضو امور مدنی، اختیارات قانونی که برای مردان وجود دارد و فرصتهای عملی این اختیارات را بطور یکسان برای زنان خواهند پذیرفت، بویژه آنها به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قراردادها و اداره اموال در تمام مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم بطور یکسان اعطاء خواهند نمود.

3- دولتهای عضو خواهند پذیرفت که کلیه قراردادها و انواع اسناد خصوصی دیگر که به منظور محدود کردن اختیارات قانونی زنان تنظیم شده است را باطل و بلااثر تلقی نمایند.

4- دولتهای عضو، حقوق یکسان مردان و زنان را در برابر قانون و در مورد تردد (مسافرت) افراد، آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه خواهند پذیرفت.

ماده شانزدهم

1- دولتهای عضو، اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در تمام مواردی که مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی است، بعمل خواهند آورد و بویژه امور زیر را بر مبنای برابری حقوق مردان و زنان تضمین خواهند نمود:

الف- داشتن حق یکسان برای (انعقاد) ازدواج

چکیده

ب- داشتن حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر و (انعقاد) ازدواج بر پایه رضایت آزاد و کامل دو طرف

ج- داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن (جدایی)
د- داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان به عنوان والدین در موضوعات مربوط به فرزندان، صرفنظر از وضعیت زناشویی آنها. در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.
ه- داشتن حقوق یکسان جهت تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دستیابی به اطلاعات، آموزش و وسائلی که آنها را برای اجرای این حقوق قادر میسازد.

و- داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان در رابطه با حضانت (سرپرستی)، قیمومت کودکان و فرزند خواندگی یا رسم های مشابه با این مفاهیم که در قوانین داخلی وجود دارد. در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.

ز- داشتن حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل.

ح- داشتن حقوق یکسان برای هر یک از زوجها در رابطه با مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره برداری و اختیار اموال خواه رایگان باشد و یا هزینه ای در برداشته باشد.

2- نامزدی و ازدواج کودکان غیر قانونی است و کلیه اقدامات از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در یک دفتر رسمی باید ضروری است.

قسمت پنجم

ماده هفدهم

1- بمنظور بررسی پیشرفتهای حاصل از اجرای کنوانسیون حاضر کمیته رفع تبعیض علیه زنان (که از این به بعد کمیته خوانده میشود) تشکیل خواهد شد. این کمیته در هنگام لازم الاجرا شدن کنوانسیون از 18 (نفر کارشناس) و پس از تصویب یا پیوستن سی امین دولت عضو، از 23 نفر کارشناس که دارای شهرت اخلاقی و صلاحیت در زمینه مربوط به کنوانسیون هستند، تشکیل میگردد. کارشناسان بوسیله دولتهای عضو از میان اتباع کشورشان انتخاب خواهند شد. (انتخاب شدگان) با صلاحیت شخصی خود خدمت خواهند کرد (نه به عنوان نماینده دولت متبوعشان. مترجم). در انتخاب کارشناسان به توزیع عادلانه جغرافیایی و نمایندگی از شکل‌های گوناگون تمدن و نظامهای عمده حقوقی، توجه میشود.

2- اعضاء کمیته از طریق رای مخفی و از فهرست افرادی که بوسیله دولتهای عضو نامزد شده اند، انتخاب خواهند شد. هر دولت عضو میتواند یک فرد را از میان اتباع خود نامزد نماید.

3- نخستین انتخابات 6 ماه پس از تاریخی که کنوانسیون حاضر قدرت اجرایی پیدا کرد، برگزار خواهد شد. حداقل 3 ماه قبل از تاریخ هر انتخاب، دبیر کل سازمان ملل متحد طی نامه ای به دولتهای عضو از آنها دعوت خواهد کرد که نامزدهای خودشانرا ظرف 2 ماه

چکیده

- معرفی کنند. دبیر کل فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر دولتهای عضو نامزدکننده تهیه میکند و (آنرا) برای دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.
- 4- انتخاب اعضای کمیته در جلسه دولتهای عضو مربوطه و به ریاست دبیر کل سازمان ملل متحد و در مقر سازمان ملل برگزار خواهد شد. در این جلسه که حد نصاب تشکیل آن حضور (نمایندگان) دولتهای عضو میباشد، افراد انتخاب شده برای (عضویت) در کمیته آن دسته از نامزدهائی خواهند بود که بیشترین تعداد آراء و اکثریت مطلق آرای نمایندگان دولتهای عضو حاضر و رای دهنده در جلسه را بدست آورند.
- 5- اعضای کمیته برای یک دوره چهارساله انتخاب خواهند شد. لیکن، دوره عضویت 9 نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات، در پایان دو سال به پایان می رسد. بیدرنگ پس از اولین انتخاب، نامهای این 9 نفر با قید قرعه و بوسیله رئیس کمیته انتخاب خواهند شد.
- 6- انتخاب پنج عضو اضافی کمیته، بنابر مقررات بند 2 و 3 و 4 این ماده و بدنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت. دوره (عضویت) 2 نفر از اعضای اضافی در پایان دو سال پایان خواهد پذیرفت و نامهای این دو نفر به قید قرعه بوسیله رئیس کمیته انتخاب خواهند شد.
- 7- برای پر نمودن شغلهای خالی، دولت عضوی که مدت دوره وظیفه کارشناسی آن بمتابه عضو کمیته متوقف شده است، کارشناس دیگری از میان اتباع خود (برای عضویت) با تأیید کمیته منصوب خواهد کرد.
- 8- اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی، حقوق (مقرری) از صندوق مالی سازمان ملل با در نظر گرفتن شرایطی که مجمع تصمیم میگیرد و اهمیت مسئولیت کمیته، دریافت خواهند کرد.
- 9- دبیر کل سازمان ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور انجام موثر وظائف (اعضاء) کمیته بنابر (مقررات) کنوانسیون حاضر، تأمین خواهد کرد.
- ماده هیجدهم
- 1- دولتهای عضو متعهد میشوند که گزارشی در مورد اقدامات قانونی، قضائی، اداری یا دیگر اقداماتی که پذیرفته اند تا مقررات کنوانسیون به نحو موثری انجام گیرد و (نیز) پیشرفتهای حاصل در این موارد را جهت رسیدگی در کمیته به دبیر کل سازمان ملل ارائه دهند. (این گزارش به ترتیب زیر است):
- الف- (هر دولت ابتدا) یک سال پس از لازم الاجرا شدن (کنوانسیون) برای آن دولت (گزارش خود را تقدیم نماید).
- ب- پس از آن، هر چهار سال یکبار و هر زمان که کمیته درخواست گزارش نماید (گزارش خود را تقدیم نماید).
- 2- گزارشات نشان دهنده عوامل و مشکلاتی است که بر میزان انجام تعهدات (دولتهای عضو) طبق کنوانسیون حاضر، اثر میگذارد.

چکیده

ماده نوزدهم

- 1- کمیته آئین نامه داخلی و اجرائی را خود، تصویب خواهد کرد.
- 2- کمیته کارکنان خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده بیستم

- 1- کمیته بمنظور بررسی گزارشات ارائه شده مطابق ماده 18 این کنوانسیون معمولاً هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند، تشکیل جلسه خواهد داد.
- 2- جلسات کمیته بطور معمول در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسبی که خود کمیته تعیین کند، برگزار خواهد شد.

ماده بیست و یکم

- 1- کمیته از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی (سازمان ملل) گزارش سالانه فعالیتها و پیشنهادات و توصیه های کلی که بر مبنای رسیدگی به گزارش های دولتهای عضو بدست آورده است، ارائه خواهد کرد. این پیشنهادات و توصیه های کلی از جمله گزارش کمیته همراه با نظرات هر یک از دولتهای عضو منعکس میشود.
- 2- دبیر کل سازمان ملل گزارشهای کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون (بررسی) وضعیت زنان ارسال خواهد داشت.

ماده بیست و دوم

موسسات تخصصی از طریق نمایندگانشان اجازه رسیدگی به اجرای بعضی از مقررات کنوانسیون حاضر که اهمیت آنها از بین رفته است را در حوزه فعالیتها خود خواهند داشت. کمیته ممکن است از موسسات تخصصی دعوت نماید تا گزارشهایی را در مورد نحوه اجرا کنوانسیون و در ناحیه و مواردی که اهمیتش را از دست داده است و (مربوط) به حوزه فعالیت آنها میشود، ارائه دهند.

قسمت ششم

ماده بیست و سوم

هیچ چیزی در کنوانسیون حاضر بر مقرراتی که بیشتر موجب دستیابی به تساوی (حقوق) بین مردان و زنان میشود، تاثیر نخواهد گذاشت (این مقررات) شامل موارد زیر است:
الف- در قوانین دولت عضو
ب- در هر کنوانسیون، پیمان نامه یا موافقت نامه بین المللی دیگری که برای آن دولت لازم الاجرا میباشد.

ماده بیست و چهارم

دولتهای عضو متعهد میشوند که اقدامات لازم را در سطح ملی بمنظور دستیابی و تحقق کامل حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر بعمل آورند.

ماده بیست و پنجم

- 1- کنوانسیون حاضر برای امضاء تمام کشورها مفتوح خواهد بود.

چکیده

2- دبیر کل سازمان ملل متحد بعنوان امانت دار کنوانسیون حاضر تعیین شده است.
3- کنوانسیون حاضر تابع تصویب است. (تصویب در مقاوله نامه های بین المللی بمعنی آن است که مفاد کنوانسیون میبایست طبق قانون اساسی کشوری که آنرا امضاء کرده است به تصویب رسد. مترجم) اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد.

4- کنوانسیون حاضر جهت الحاق تمام دولتها مفتوح خواهد بود. الحاق (زمانی) موثر واقع خواهد شد که آن بعنوان سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده شود.
ماده بیست و ششم

1- تقاضا برای تجدید نظر کنوانسیون حاضر که ممکن است در هر زمان بوسیله دولت عضوی صورت گیرد (میبایست) بوسیله نامه و خطاب به دبیر کل سازمان ملل انجام پذیرد .
2- مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اقدام نسبت به چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

ماده بیست و هفتم

1- کنوانسیون حاضر سی روز پس از تاریخی که بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذارده شد، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
2- برای هر دولتی که کنوانسیون حاضر را تصویب میکند و یا به آن ملحق میشود، پس از سپردن بیستمین سند تصویب و یا الحاق، کنوانسیون از سی امین روز تاریخی که سند تصویب یا الحاق به امانت گذارده شده است، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
ماده بیست و هشتم

1- دبیر کل سازمان ملل متحد متن حق شرطی که توسط دولتها در زمان تصویب یا الحاق گذاشته شده است را دریافت خواهد کرد و آنرا به تمام دولتها توزیع خواهد نمود.
2- حق شرطی که ناسازگار با منظور و هدف کنوانسیون حاضر باشد، پذیرفته نخواهد شد .
3- حق شرط در هر زمان بوسیله نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد قابل پس گرفتن است. (دبیر کل سازمان ملل) تمام دولتها را (از این موضوع) مطلع خواهد کرد. این نامه (پس گرفتن حق شرط) از روزی که دریافت شود، موثر واقع خواهد گردید.
ماده بیست و نهم

1- هر گونه اختلافی بین دو یا چند دولت عضو در ارتباط با تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر پیش آید و (آن اختلاف) با مذاکره حل نشود، با درخواست یکی از آنها به داوری ارجاع داده میشود. اگر در ظرف شش ماه از درخواست داوری، طرفین قادر نشوند که یک داوری سازماندهی شده را بپذیرند، هر یک از طرفین میتواند مساله مورد اختلاف را به دیوان دادگستری بین المللی با درخواستی که مطابق اساسنامه دیوان است، ارجاع دهد.
2- هر دولت عضو میتواند در زمان امضاء کردن یا تصویب کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به (اجرای) بند یک این ماده نمیداند. دیگر کشورهای

عضو در مورد آن بند که در ارتباط با دولت عضوي است که حق شرطي قائل شده است، ملزم به اجراي بند یک نخواهند بود.

3- هر دولت عضوي که حق شرطي طبق بند دوم اين ماده قائل شده است، ميتواند در هر زمان آن حق شرط را بوسيله نامه اي که به دبیر کل سازمان ملل مینویسد، پس بگیرد.

ماده سي ام

متنهای عربي، چيني، انگلیسي، فرانسه، روسي و اسپانیایی کنوانسیون حاضر از اعتبار یکسانی برخوردار بوده و در بایگانی سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهد شد

آسمان بی‌ستاره زنان بی‌خانمان در گرمخانه‌ها

بی‌خانمان‌ها در ایران وضع خوبی ندارند و وضع زنان بی‌خانمان بدتر است. آمارشان در حال افزایش است اما فکری برای آنها نشده است.

طبق گزارشی که در ایران منتشر شده، تناسب آماری بین مردان و زنان بی‌خانمان در حال تغییر است و بررسی آمار افراد بی‌سرپرست جمع‌آوری شده در شهر تهران، نشان می‌دهد امسال زنان بیشتری بی‌خانمان شده‌اند.

رضا جاگیری، معاون سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران گفته است: «در باره این‌که تعداد دقیق بی‌خانمان‌های پایتخت چقدر است آمار

چکیده

دقیقی نمی‌توان داد، چون این اعداد و ارقام متغیر است و در فصول مختلف، در شهری همچون تهران شناور است.»
هم‌اکنون در هر شبانه‌روز، سازمان رفاه و خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، به ۱۶۰۰ بی‌خانمان خدمات‌رسانی می‌کند که به گفته معاون این سازمان، ۷۰ تا ۷۵ درصد آن‌ها را معتادان پرخطر تشکیل می‌دهند.



امسال، تعداد واحدهای گشتی جمع‌آوری افراد بی‌خانمان را ۵۰ درصد بیشتر کرده‌اند؛ به همین دلیل، تعداد دستگیری‌ها هم بیشتر شده و آمار زنان بی‌خانمان بیشتر به نظر رسیده است. اعتیاد و افزایش مهاجرت بی‌خانمان‌ها از شهرستان‌ها هم دلایل دیگر بالارفتن این آمار است. شرایط آب و هوا هم موجب تغییر تعداد بی‌خانمان‌ها می‌شود. با شروع فصل پاییز و زمستان، ورود افراد به گرمخانه‌ها ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.

بیش از ۹۰ درصد آن‌ها افرادی هستند که داوطلبانه به گرمخانه‌ها مراجعه می‌کنند. اگر در بررسی‌های اولیه معلوم شود این افراد اعتیاد دارند، به مراکز ترک اعتیاد معرفی می‌شوند و شهرداری بخش قابل توجهی از هزینه‌شان را می‌پردازد. افرادی هم که نیاز به اقامت تمام وقت داشته باشند به سامان‌سراها منتقل می‌شوند. زن‌ها را تا وقتی تکلیفشان مشخص شود، از مرکز اسلام‌شهر به مرکز لویزان منتقل می‌کنند. یک مامور نیروی انتظامی، مدیر کشیک و شاهدان صورت جلسه می‌کنند.

چکیده

وسایلشان را بررسی می‌کنند، چیزهایی را که خطرناک نباشند برمی‌گردانند و بقیه را نابود می‌کنند.

بعد نوبت حمام است و گندزدایی و گرفتن ناخن‌ها. زیرپوش و لباس تمیز می‌پوشند و تحویلشان می‌دهند به مسوول آسایشگاه. پزشک عمومی ویزیت می‌کند، مشاور ویزیت می‌کند و بعد با خانواده‌اش تماس می‌گیرند. اولویت مرکز، تحویل زن بی‌خانمان به خانواده است و اگر نشانی، تلفن، هویت و اطلاعاتی نداشت، گزارش مشاوره، مدارک شناسایی و اطلاعات تکمیلی را برای قاضی می‌فرستند.

کدام زن‌ها بی‌خانمان می‌شوند؟

مرکز نگهداری لویزان، از اوایل سال ۱۳۹۰ به صورت ویژه برای نگهداری از زنان بی‌خانمان تهرانی معرفی شده است.

گروه هدف این مجموعه، زنان متکدی، بی‌خانمان، در راه مانده و کارتن‌خواب هستند. این مرکز زیر نظر سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، ۲۴ ساعته فعال است.

در مرکز نگهداری لویزان، ۲۵ نفر کار می‌کنند و از حدود ۱۰۰ نفر نگهداری می‌شود. مددجوها مدام تغییر می‌کنند. رییس مرکز نگهداری لویزان گفته که ۹۰ درصد زنان در این مرکز معتادند و میانگین سنی آن‌ها بین ۲۰ تا ۳۵ سال است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی بی‌خانمان شدن زنان، اعتیاد است. ۵۰ تا ۵۵ درصد از زنان بی‌خانمان اعتیاد دارند.

زنان معتاد که اغلب درگیر مسائل دیگری هم هستند، در خانواده‌ها جایی ندارند. بیشتر آن‌ها طلاق گرفته‌اند یا همسران و پدران معتاد و زندانی دارند. بعضی هم از خانه فرار کرده‌اند. به دلیل استفاده از روش‌های تزریقی، در بین بی‌خانمانان بیماری‌های پرخطر شایع‌تر است.

در مراکز نگهداری تلاش می‌شود مشکلات مددکاری، بهداشتی-درمانی و روان شناسی افراد آسیب‌دیده بررسی شود، اما از آنجا که آسیب اجتماعی یک فرآیند است، در مدت کوتاه نگهداری زنان در این مراکز، کار زیادی نمی‌توان برای آنان کرد. از سوی دیگر، مدت زمان استقرار زنان بی‌خانمان در این مراکز، گاه مشکلات دیگری هم برایشان می‌آفریند.

مدیران مرکز لویزان و مددجویانش می‌گویند برای بیش از ۵۰ درصد افراد حتی حکم قضایی صادر شده و باید به سازمان بهزیستی تحویل داده شوند اما بهزیستی آن‌ها را

تحویل نگرفته است.

به گفته یکی از مسوولان، سازمان بهزیستی مددجویان را انتخاب می‌کند، در حالی که دادگاه رای بر تحویل مددجو به بهزیستی داده است. بعضی از افراد ساکن در این مرکز، ماه‌ها در نوبت بهزیستی مانده‌اند.

در این مدت برخی که اعتیاد ندارند یا به بیماری خاصی مبتلا نیستند، از گروه‌های سنی مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و زمینه برای آسیب‌های بیشتر فراهم می‌شود.

پاسخگو؛ همه‌کس و هیچ‌کس

در ایران، در موضوع آسیب‌های اجتماعی، بیش از ۱۰ دستگاه مسوولیت دارند، با این حال یکی از چالش‌های حوزه اجتماعی در این کشور این است که متولی خاصی وجود ندارد و سازمان مشخصی مسوول و پاسخگو نیست.

سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی، سازمانی جدید در شهرداری تهران است. این سازمان بر اساس مصوبه شورای شهر تهران تشکیل شد و از ادغام چند نهاد در شهرداری تهران شکل گرفت.

رویکرد این سازمان جلب توجه و مشارکت مردم و تشکل‌های مردمی درباره موضوعات اجتماعی است.

شهرداری می‌گوید که بر اساس قانون، مسوولیت نگهداری افراد آسیب‌دیده را ندارد و باید دستگاه‌های مربوط در این زمینه اقدام کنند اما در عمل نقش اصلی را در رابطه با این موضوع بر عهده گرفته است.

از نظر قانون ایران، کارتن‌خوابی جرم محسوب نمی‌شود؛ چون دولت باید بتواند امنیت، بهداشت و فرهنگ افراد جامعه را تامین کند.

با این حال در نیروی انتظامی و قوه قضاییه، افراد کارتن‌خواب و متکدی در معرض تصمیم قاضی قرار می‌گیرند و بر اساس آن به مراکز مرتبط تحویل داده می‌شوند.

گرمخانه زنانه، برای شب‌های بی‌سرپناهی

سازمان رفاه شهرداری تهران اعلام کرده که در هر شبانه‌روز به ۲۰ زن بی‌سرپرست سرویس می‌دهد و به طور متوسط روزانه ۵ تا ۱۰ زن در شهر تهران جمع‌آوری می‌شوند.

با وجود این آمارها، گرمخانه ویژه زنان در شهر تهران وجود ندارد اما مقامات در شهرداری تهران اعلام کرده‌اند که می‌خواهند گرمخانه ویژه بانوان ایجاد کنند.

سرمای تهران امسال کم‌سابقه بوده است، اما شهرداری تهران می‌گوید که امسال هیچ

بی‌خانمانی به دلیل سرما از بین نرفته است و اگر مرگی در زمستان امسال برای بی‌خانمان‌ها اتفاق افتاده، بر اثر مصرف بیش از حد مواد مخدر بوده است. رضا جایگیری، معاون سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران اعلام کرده که ظرفیت اسکان

بی‌خانمان‌ها در پایتخت کافی نیست و شهرداری می‌خواهد ۴ گرم‌خانه دیگر در تهران بسازد و دست‌کم ۳ مرکز شبانه‌روزی دیگر هم راه‌اندازی کند تا افراد براساس شرایطشان، از جمله سالمندی، ابتلا به بیماری‌های خاص و معلولیت ذهنی و حرکتی، از هم تفکیک شوند.

هرچند زنان هم جزو گروه‌هایی هستند که به گرم‌خانه ویژه نیاز دارند اما اختصاص یک مکان ویژه برای آن‌ها همیشه با مشکل روبه‌رو بوده است.

معاون سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران در این‌باره می‌گوید: «هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی در مورد گرم‌خانه نیست.

تنها یافتن مکانی که هم از نظر امنیت و هم از نظر جانمایی مناسب باشد، کار را سخت کرده است.»

با این حال، او خبر داده که گرم‌خانه بانوان به زودی در شهر تهران احداث می‌شود. به گفته او، در حال حاضر ۳ نقطه در شهر تهران برای احداث گرم‌خانه ویژه زنان در نظر گرفته شده اما در همه مناطق شهر برای احداث گرم‌خانه ویژه زنان مشکل وجود دارد.

مردم مناطق مختلف معتقدند چنین مکانی باعث شلوغی و از بین رفتن امنیت و آرامش منطقه می‌شود و معضلات اجتماعی جدیدی ایجاد می‌کند.

خبرنگار اجتماعی یکی از روزنامه‌های تهران که تجربه رفتن به یکی از این محل‌های نگهداری را دارد، درباره این موضوع به مردمک می‌گوید:

«مرکزی که من از آن گزارش تهیه کردم در جنوب تهران قرار داشت و به وسیله آن جی. اوها راه افتاده بود.

مردم چند بار به آن مرکز حمله کرده بودند و زنان ساکن را با سنگ زده بودند. آن‌ها می‌خواستند آن محل را خراب کنند چون می‌گفتند دوست ندارند خانه‌شان نزدیک محل زندگی چنین افرادی باشد.»

این خبرنگار اجتماعی که در مواجهه با زنان بی‌خانمان، خود با خشونت از سمت آن‌ها مواجه شده و زنان بی‌خانمان او را بین خود نپذیرفته‌اند، آن‌ها را معلول شرایط

اجتماع می‌داند و می‌گوید: «آن‌ها بیمار، عصبی و خشمگین هستند و خشونت زندگی و اعتیاد، اغلب آن‌ها را دچار توهم و بدبینی شدید هم کرده است.» او معتقد است یکی از اصلیت‌ترین مشکلات درباره زنان بی‌خانمان مسائل فرهنگی است و تا زمانی که جامعه آن‌ها را نپذیرد نمی‌توان توقع حل این مشکل را داشت: «معمولاً برای بازسازی و بازگشت این افراد به جامعه اقدام موثری انجام نمی‌شود. آن‌ها اغلب پس از مدتی دوباره به خیابان‌ها برمی‌گردند. درون آن‌ها پر از عقده‌های حل نشده و کینه نسبت به اجتماع است. خیلی‌ها تنها مدت کوتاهی به این مکان‌ها پناه می‌آورند تا مثلاً با کم کردن شدت اعتیادشان، مدت دیگری دوام بیاورند.

اما این‌که راه‌حلی اساسی برایشان پیدا شود، به یک رویا شبیه است.» نهاد‌های دولتی در ایران، چندان از فعالیت‌های خودجوش و اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه استقبال نمی‌کنند. در کنار کمبود برنامه‌های بازتوانی مددجویان بی‌خانمان، مشکل بزرگ دیگر، نبود برنامه‌های تبلیغی و آموزشی برای مردم عادی است تا از طریق آن‌ها، شیوه برخورد با بی‌خانمان‌ها یا اعضای در معرض خطر خانواده را بیاموزند.

در سرمای زمستان‌های تهران، شاید زنی از زنان بی‌خانمان از سرما یخ نزنند اما همیشه این احتمال وجود دارد که سنگ بی‌مهری یکی از اهالی شهر، بر پیشانی‌اش بنشیند.

کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات

از کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد
کشورهای طرف عهدنامه حاضر،

با توجه به نقش اساسی معاهدات در تاریخ روابط بین‌المللی با تشخیص اهمیت روزافزون معاهدات به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل و به عنوان وسیله‌ای برای توسعه همکاری مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها و قطع نظر از نظام اجتماعی و سیستم حکومتی آنها، با درک این که اصل رضایت آزادانه و اصل حسن نیت و قاعده الزام‌آور بودن تعهدات بصورت جهانی مورد قبول قرار گرفته‌است، با تأیید اینکه اختلافات مربوط به معاهدات، مانند دیگر اختلافات بین‌المللی، باید به طریق مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل و فصل

شود، با بخاطر آوردن تصمیم ملت‌های عضو سازمان ملل برای ایجاد شرایطی که تحت آن بتوان عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات را حفظ کرد، با در نظر داشتن اصول حقوق بین‌الملل منعکس در منشور ملل متحد، مانند اصل تساوی حقوق ملت‌ها و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت کشورها و استقلال آنها، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اصل ممنوعیت تهدید به اعمال زور یا اعمال زور و اصل احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همه افراد، با اعتقاد به اینکه تدوین و توسعه مترقیانه حقوق معاهدات که در این عهدنامه تحقق پذیرفته است، در نیل به مقاصد سازمان ملل به نحوی که در منشور ملل متحد بیان شده یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. توسعه روابط دوستانه و دست یابی به همکاری بین ملت‌ها، کمک خواهد کرد، و با تأیید این نکته که قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مسائلی که مشمول مفاد این عهدنامه نمی‌شود، همچنان جاری خواهد بود، به شرح زیر توافق کرده‌اند:

بخش اول

مقدمه

ماده ۱ قلمرو عهدنامه حاضر

عهدنامه حاضر ناظر بر معاهدات منعقد شده بین کشورها است.

ماده ۲

کاربرد اصطلاحات

یک- از نظر عهدنامه حاضر:

الف. «معاهده» عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها بصورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد؛

ب. «تنفیذ»، «قبول»، «تصویب» و «الحاق» به معنای آن اقدام بین‌المللی است که به حسب موارد واجد یکی از عناوین مزبور بوده و به وسیله آن، کشوری در عرصه بین‌المللی رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده ابراز می‌کند؛

ج. «اختیارات تام» به معنای سندی است که بوسیله مرجع صالح یک کشور صادر می‌شود و طبق آن شخص یا اشخاصی برای نمایندگی آن کشور جهت مذاکره، قبول، یا تأیید اعتبار متن یک معاهده، یا جهت اعلام رضایت آن دولت به التزام در قبال یک معاهده، و یا جهت انجام هر اقدام دیگری در مورد یک معاهده تعیین می‌گردد؛

د. «تحدید تعهد» عبارت است از بیانیه یک‌جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تنفیذ، قبول، تصویب یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهدات نسبت به خود بیان می‌دارد؛

ه. «کشور مذاکره کننده» عبارت است از کشوری که در تنظیم و پذیرفته شدن متن معاهده شرکت نموده باشد؛ و. «کشور متعهد» عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده اعلام نموده باشد، اعم از اینکه معاهده لازم‌الاجرا شده باشد یا خیر؛

ز. «طرف» معاهده عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده اعلام نموده و معاهده در ارتباط با او لازم‌الاجرا باشد؛

ح. «کشور ثالث» عبارت است از کشوری که طرف معاهده نباشد؛

ط. «سازمان بین‌المللی» عبارت است از یک سازمان بین دول؛

دو. مفاد بند یک راجع به کاربرد اصطلاحات در این عهدنامه، تأثیری در استفاده از آن اصطلاحات، یا در معانی آنها در حقوق داخلی هر کشور ندارد.

ماده ۳ توافق‌های بین‌المللی که داخل در قلمرو عهدنامه حاضر نیستند.

این واقعیت که عهدنامه حاضر ناظر بر توافق‌های بین‌المللی منعقد بین کشورها و سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل، یا توافق‌های فی‌مابین همان سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل و یا توافق‌های بین‌المللی غیر کتبی نیست، تأثیری در موارد ذیل نخواهد داشت:

الف. ارزش حقوقی توافق‌های مذکور؛

ب. شمول هر یک از قواعد منعکس در عهدنامه حاضر بر توافق‌های مذکور، در مواردی که توافق‌های مورد بحث به موجب حقوق بین‌الملل و فارغ از این عهدنامه مشمول آن قواعد باشند؛

ج. شمول این عهدنامه بر آن دسته از روابط کشورها که به موجب توافق‌های بین‌المللی بین آنها ایجاد شده و سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل نیز طرف آن توافق‌ها هستند.

ماده ۴ عطف به ماسبق شدن عهدنامه حاضر

بدون تأثیر بر آن دسته از قواعد مندرج در عهدنامه حاضر که معاهدات موجود، به موجب حقوق بین‌الملل و مستقل از این عهدنامه مشمول آنها خواهند بود، عهدنامه حاضر فقط شامل معاهداتی می‌شود که به وسیله کشورها پس از لازم‌الاجرا شدن این عهدنامه نسبت به آنها منعقد شده باشد.

ماده ۵ معاهدات تشکیل دهنده سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات پذیرفته شده در چهارچوب

یک سازمان بین‌المللی

این عهدنامه بر هر معاهده‌ای که سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی باشد و هر معاهده‌ای که در چارچوب یک سازمان بین‌المللی پذیرفته شود، اعمال خواهد شد. بی‌آنکه به هیچ کدام از مقررات مربوط به آن سازمان لطمه‌ای وارد کند.

بخش دوم

انعقاد معاهدات و لازم الاجرا شدن آن‌ها

فصل اول: انعقاد معاهدات

ماده ۶ اهلیت کشورها برای انعقاد معاهدات

هر کشوری اهلیت انعقاد معاهدات را دارد.

ماده ۷ اختیارات تام

۱. یک شخص در صورتی نماینده یک کشور به منظور پذیرفتن یا اعتبار بخشیدن به متن یک معاهده یا به منظور اعلام رضایت آن کشور به التزام در قبال یک معاهده شمرده می‌شود که: الف. مدارک مناسب و مقتضی در مورد تام‌الاختیار بودن خود ارائه کند؛ و یا ب. از نحوه عمل کشورهای ذینفع یا اوضاع و احوال دیگر معلوم شود که قصد آنها این بوده است تا آن شخص را برای مقاصد مذکور نماینده آن کشور تلقی نموده و از لزوم ارائه مدارک اختیارات تام صرف‌نظر نمایند. ۲. اشخاص مذکور در ذیل بر حسب سمت هائی که دارند و بی‌آنکه لازم باشد مدارکی دال بر تام‌الاختیار بودن ارائه دهند، نماینده کشور خویش محسوب می‌شوند: الف. رؤسای کشورها، رؤسای دولت‌ها و وزرای امور خارجه، به منظور انجام تمام اعمال مربوط به انعقاد یک معاهده؛ ب. رؤسای هیأت‌های سیاسی به منظور پذیرفتن متن یک معاهده بین‌کشوری که به آنها استوارنامه داده و کشوری که استوارنامه آن‌ها را پذیرفته است؛ ج. نمایندگان که کشورها به یک کنفرانس بین‌المللی، یا یک سازمان بین‌المللی، یا یکی از ارگان‌های آن‌ها به منظور پذیرفتن متن یک معاهده در آن کنفرانس یا سازمان یا ارگان معرفی کرده باشند.

ماده ۸ تأیید بعدی اقدامی که بدون مجوز صورت گرفته باشد. اقدام مربوط به انعقاد یک معاهده بوسیله شخصی که به موجب ماده ۷ نماینده کشور مربوطه برای این منظور محسوب نمی‌شود، اثر حقوقی نخواهد داشت. مگر آنکه متعاقباً بوسیله آن کشور مورد تأیید قرار گیرد. ماده ۹ پذیرش متن ۱. به استثنای آنچه که در بند ۲ مقرر شده است، پذیرش متن یک معاهده با رضایت همه دولت‌هایی که در تنظیم آن شرکت کرده‌اند تحقق می‌یابد. ۲. پذیرش متن یک معاهده در یک کنفرانس بین‌المللی با رأی دو سوم کشورهای حاضر و رأی دهنده صورت

چکیده

می‌گیرد، مگر آنکه آن‌ها با همین اکثریت برای اعمال قاعده دیگری اتخاذ تصمیم نمایند. ماده ۱۰ اعتبار بخشیدن به متن متن یک معاهده به طرق ذیل قانوناً معتبر و قطعی شمرده می‌شود: الف. به شیوه‌ای که در متن معاهده مقرر شده و یا مورد موافقت کشورهای است که در تنظیم آن شرکت کرده‌اند، یا ب. در غیاب چنین شیوه‌ای، از طریق امضای همزمان با کسب تکلیف یا پاراف متن معاهده، یا قطعنامه نهائی کنفرانسی که در بر گیرنده متن معاهده باشد توسط نمایندگان آن کشورها.

ماده ۱۱ روش‌های اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده، از طریق امضاء، مبادله اسناد تشکیل دهنده یک معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق، یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می‌شود. ماده ۱۲ اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق امضاء ۱. رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق امضای نماینده آن کشور، در صورتی ابراز می‌شود که: الف. معاهده مقرر کرده باشد که امضاء واجد چنین اثری خواهد بود؛

ب. به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره کننده در خصوص اینکه امضاء می‌باید چنین اثری داشته باشد، توافق کرده‌اند؛ یا ج. قصد کشور برای اعطای این اثر به امضاء از اختیارات تام نماینده آن معلوم شود، یا در حین مذاکرات بیان شده باشد. ۲. به منظور اجرای مفاد بند ۱: الف. در صورت ثبوت و توافق کشورهای مذاکره کننده در این خصوص، پاراف متن به منزله امضای معاهده محسوب می‌شود؛ ب. امضای همزمان با کسب تکلیف بوسیله یک نماینده در صورتی که بوسیله کشور مربوطه تأیید شود، امضای قطعی معاهده محسوب خواهد شد.

ماده ۱۳ اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق مبادله اسناد تشکیل دهنده آن رضایت کشورها به التزام در قبال معاهده‌ای که بوسیله مبادله اسناد بوجود می‌آید، از طریق همان مبادله بصورت زیر اعلام می‌شود: الف. اسناد معاهده مقرر کرده باشد که مبادله آنها چنین اثری خواهد داشت؛ یا ب. به نحو دیگر ثابت شود که آن کشورها در آن خصوص که مبادله اسناد معاهده می‌باید چنین اثری داشته باشد، توافق کرده باشند؛

ماده ۱۴ رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق تنفیذ، قبولی یا تصویب ۱. رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق تنفیذ، قبولی یا تصویب، به صورت زیر اعلام می‌گردد:

الف. معاهده اعلام چنین رضایتی را از طریق تنفیذ پیش بینی نموده باشد؛
ب. به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره کننده در خصوص لزوم تنفیذ توافق

کرده‌اند؛

ج. نماینده کشور مربوطه معاهده را بشرط تنفیذ امضاء کرده باشد، یا
د. قصد کشور مربوطه دایر بر امضای معاهده به شرط تنفیذ از اختیارات تام نماینده آن کشور معلوم شود یا در حین مذاکره بیان شده باشد.

۲. اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق قبولی یا تصویب تحت همان شرایط ناظر بر مورد تنفیذ، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۵ رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق الحاق رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق الحاق بصورت زیر اعلام می‌گردد:

الف. معاهده اعلام رضایت آن کشور به وسیله الحاق به معاهده را پیش‌بینی نموده باشد؛

ب. به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره کننده در خصوص اعلام رضایت آن کشور از طریق الحاق به معاهده توافق کرده‌اند؛

یا ج. همه طرف‌های معاهده بعداً توافق کرده باشند که رضایت آن کشور ممکن است با الحاق به معاهده اعلام گردد.

ماده ۱۶ مبادله یا تودیع اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به جز در مواردی که معاهده روش دیگری را مقرر کرده باشد، اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق در صورتی به منزله اعلام رضایت کشور به التزام در قبال یک معاهده محسوب می‌شود که:

الف. اسناد میان کشورهای متعاهد مبادله شود؛

ب. اسناد نزد امین تودیع گردد؛

یا ج. در صورتی که در این موارد توافق شده باشد، اسناد به کشورهای متعاهد یا امین ابلاغ گردد.

ماده ۱۷ رضایت به التزام در قبال قسمتی از معاهده یا انتخاب مقررات مختلف آن ۱. با حفظ مفاد ماده‌های ۱۹ تا ۳، رضایت یک کشور به التزام در قبال قسمتی از یک معاهده فقط در صورتی مؤثر است که معاهده چنین اجازه‌ای را بدهد، یا سایر کشورهای متعاهد در این مورد موافقت نمایند. ۲. رضایت یک کشور به التزام در قبال معاهده‌ای که حق انتخاب بین مقررات مختلف آنرا مجاز می‌داند فقط در صورتی مؤثر است که تصریح شود رضایت مزبور در خصوص کدامیک از مقررات معاهده ابراز شده است.

ماده ۱۸ الزام به خودداری از لطمه زدن به هدف و منظور یک معاهده قبل از لازم‌الاجرا شدن آن یک کشور ملزم است از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می‌کند خودداری ورزد، هرگاه:

چکیده

الف. معاهده را به شرط تنفیذ، قبولی، یا تصویب امضاء نموده و یا اسناد تشکیل دهنده معاهده را مبادله کرده باشد؛ تا زمانی که قصدش را دایر بر عدم الحاق به معاهده تصریح نماید؛ یا

ب. رضایت خود را به التزام در قبال معاهده را تصریحاً موقوف به لازم‌الاجرا شدن معاهده کرده باشد، مشروط بر اینکه لازم‌الاجرا شدن آن به طور نامعقول به تأخیر نیفتد.

فصل دوم: تحدید تعهد

ماده ۱۹ تنظیم تحدید تعهد یک کشور هنگام امضاء، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند مگر در صورتی که:

الف. معاهده تحدید تعهد را ممنوع کرده باشد؛

ب. معاهده مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست، مجاز است؛ یا

ج. در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.

ماده ۲۰ قبول یا مخالفت با تحدید تعهد

۱. تحدید تعهدی که صریحاً در یک معاهده مجاز شمرده شده باشد، موافقت بعدی سایر کشورهای متعاقد را لازم ندارد مگر آنکه لزوم آن در معاهده قید شده باشد.

۲. در موردی که از تعداد محدود کشورهای مذاکره‌کننده و نیز از هدف و منظور معاهده معلوم شود که جاری بودن معاهده در کلیت آن نسبت به تمام کشورهای طرف معاهده شرط ضروری رضایت هریک از آنها به التزام در قبال معاهده است، تحدید تعهد باید مورد قبول همه طرفهای معاهده قرار گیرد.

۳. در موردی که معاهده سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی باشد، تحدید تعهد منوط به قبول ارگان ذیصلاحیت آن سازمان است، مگر اینکه معاهده ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد.

۴. در مواردی که مشمول بندهای مذکور در فوق نبوده و در معاهده به نحو دیگری مقرر نشده باشد:

الف. قبول تحدید تعهد یک کشور بوسیله یک کشور دیگر متعاقد موجب می‌گردد آن دو کشور در صورت یا از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده نسبت به آنها، در مقابل یکدیگر طرف معاهده محسوب شوند؛ ب. مخالفت یک کشور متعاقد با تحدید تعهد یک کشور مانع از لازم‌الاجرا شدن معاهده بین کشور مخالفت‌کننده و کشوری که تعهد خود را محدود نموده است، نمی‌شود مگر آنکه کشور مخالفت‌کننده قطعاً منظور مخالف آن را ابراز نموده باشد؛ ج.

اقدامی که رضایت یک دولت را دایر بر التزام در قبال یک معاهده منعکس نموده و مضافاً متضمن تحدید تعهدی باشد، به محض آنکه حداقل یک کشور دیگر متعاقد تحدید تعهد را بپذیرد، اثر قانونی خواهد داشت. ۵. به منظور اجرای بندهای ۲ و ۴ چنانچه معاهده به نحو دیگری مقرر نکرده باشد، تحدید تعهد یک کشور وقتی از جانب کشور دیگر قبول شده تلقی میشود که کشور اخیر تا پایان دوره دوازده ماه پس از تاریخ آگاهی از تحدید تعهد یا تا زمان اعلام رضایت خود به التزام در قبال معاهده، هرکدام که مؤخر باشد، مخالفتی نسبت به تحدید تعهد ابراز نکرده باشد.

ماده ۲۱ آثار حقوق تحدید تعهد و مخالفت با آن ۱. تحدید تعهدی که نسبت به طرف دیگر معاهده طبق مواد ۱۹، ۲۰ و ۲۳ صورت گرفته باشد: الف. برای کشوری که به تحدید تعهد اقدام نموده آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده را که موضوع تحدید تعهد قرار گرفته است در رابطه وی با طرف دیگر، تعدیل مینماید؛ و ب. برای طرف دیگر معاهده، همان قسمت از مقررات معاهده را تا همان میزان در قبال کشوری که از تحدید تعهد استفاده میکند، تعدیل مینماید. ۲. تحدید تعهد به خودی خود مقررات معاهده را برای سایر طرفهای معاهده تعدیل مینماید. ۳. اگر کشوری مه با تحدید تعهد مخالفت کرده، با لازم الاجرا شدن معاهده بین خود و کشوری که به تحدید تعهد اقدام نموده مخالفت نکند، آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده که موضوع تحدید تعهد واقع شده است، بین آنها اعمال نخواهد شد. ماده ۲۲ انصراف از تحدید تعهد و از مخالفت با آن ۱. بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید، تحدید تعهد را میتوان در هر زمان مسترد داشت و رضایت کشوری که تحدید را پذیرفته است برای آن انصراف ضرورت ندارد. ۲. بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید، مخالفت با تحدید تعهد میتوان در هر زمان مسترد داشت. ۳. بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا روی نحوه دیگری توافق شده باشد: الف. انصراف از تحدید تعهد تنها وقتی در مورد کشور دیگر متعاقد واجد اثر حقوقی است که این امر به آن کشور دیگر ابلاغ شده باشد؛ ب. انصراف از مخالفت نسبت به تحدید تعهد اقدام نموده است، ابلاغ شده باشد.

ماده ۲۳ روش تحدید تعهد ۱. تحدید تعهد، پذیرش صریح، و یا مخالفت نسبت به آن باید کتباً تنظیم شود و به کشورهای متعاقد و سایر کشورهای که حق پیوستن به آن معاهده را دارند ابلاغ گردد. ۲. در صورتیکه تحدید تعهد در هنگام امضای مشروط به تنفیذ یا قبول یا تصویب صورت گرفته باشد، لازم است کشوری که به تحدید تعهد اقدام میکند، هنگام اعلام رضایت به التزام در قبال معاهده، اقدام خود را رسماً تأیید نماید. در چنین موردی، تاریخ

تحدید تعهد همان تاریخ تأیید در نظر گرفته خواهد شد. ۳. اگر قبولی تصریح یا مخالفت با تحدید تعهد قبل از تأیید تحدید تعهد بعمل آمده باشد، احتیاجی به تأیید مجدد آن قبولی یا مخالفت نیست. ۴. انصراف از تحدید تعهد با مخالفت با آن باید کتباً تنظیم شود.

فصل سوّم: لازم الاجرا شدن و اجرای موقت معاهدات

ماده ۲۴ لازم الاجرا شدن معاهدات ۱. یک معاهده به صورت و تاریخی که در معاهده مقرر شده است و یا به طریقی که کشورهای مذاکره کننده توافق کرده باشند، لازم الاجرا میگردد. ۲. در صورتیکه معاهده این امر را مقرر نکرده یا توافقی در این مورد نشده باشد، معاهده به محض آنکه تمام کشورهای مذاکره کننده رضایت خود به التزام در قبال آن را اعلام کنند، لازم الاجرا میگردد. ۳. در صورتیکه اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده در تاریخی بعد از تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده صورت گیرد، معاهده برای آن کشور از زمان تاریخ مؤخر لازم الاجرا خواهد بود مگر در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر کرده باشد. ۴. مقررات معاهده ناظر بر تأیید اعتبار متن آن، ثبوت رضایت کشورها به التزام نسبت به معاهده، نحوه و تاریخ لازم الاجرا شدن، تحدید تعهد، وظایف امین و سایر موضوعاتی که لزوماً قبل از لازم الاجرا شدن معاهده مطرح میشود، از زمان پذیرفتن متن معاهده لازم الرعایه خواهند بود.

ماده ۲۵ اجرای موقت ۱. یک معاهده یا قسمتی از آن در صورتی قبل از لازم الاجرا شدن آن موقتاً اجرا خواهد شد که: الف. معاهده خود چنین امری را مقرر نماید؛ یا ب. کشورهای مذاکره کننده به طریق دیگری در این مورد توافق کرده باشند. ۲. بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا کشورهای مذاکره کننده به نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورتیکه کشوری به کشورهای دیگری که ما بین آنها معاهده موقتاً اجرا میشود اطلاع بدهد که قصد پیوستن به معاهده را ندارد، اجرای موقت معاهده یا قسمتی از آن در ارتباط با کشور مذکور متوقف خواهد شد.

بخش سوّم: رعایت، اجرا و تفسیر معاهدات

فصل اوّل رعایت معاهدات ماده ۲۶ الزام آور بودن معاهدات - ۱- هر معاهده لازم الاجرائی برای طرفهای آن تعهدآور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا گردد.

ماده ۲۷ حقوق داخلی و رعایت معاهدات یک طرف معاهده نمیتواند به حقوق داخلی خود به عنوان توجیهی برای قصور خود در اجرای معاهده استناد نماید. این قاعده تأثیری بر ماده ۴۶ نخواهد داشت.

فصل دوّم اجرای معاهدات ماده ۲۸ عطف یا ماسبق نشدن معاهدات به استثنای مواردی که از

چکیده

معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط شود، مقررات یک معاهده برای یک طرف در ارتباط با عمل حقوقی یا واقعهای که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده صورت گرفته یا وضعیتی که قبل از لازم الاجرا شدن معاهده خاتمه یافته باشد، تعهد آور نیست.

ماده ۲۹ قلمرو سرزمینی معاهدات به استثنای مواردی که از معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط شود، معاهده برای هر طرف در تمامی قلمرو وی تعهد آور است.

ماده ۳۰ اجرای معاهدات متعاقب یکدیگر که ناظر بر موضوع واحد باشند ۱. با رعایت ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، حقوق و تعهدات کشورهای طرف معاهداتی که متعاقب یکدیگر و در خصوص موضوع واحدی منعقد میگردند طبق بندهای زیر تعیین خواهد شد. ۲. در موردی که معاهده ای تصریح کند که مشمول یک ماده قبلی یا بعدی است و یا آنکه نباید مغایر با معاهده قبلی یا بعدی محسوب شود، مقررات آن معاهده دیگر {قبلی یا بعدی} ملاک خواهد بود. ۳. در موردی که همه طرفهای معاهده قبلی طرفهای معاهده بعدی نیز باشند ولی معاهده قبلی فسخ نشده و یا اجرای آن موجب ماده ۵۹ معلق نشده باشد، معاهده قبلی فقط تا حدودی اجرا میشود که مفاد آن معاهده بعدی منطبق باشد. ۴. در موردی که طرفهای معاهده بعدی شامل همه طرفهای معاهده قبلی نباشند: الف. بین کشورهای طرف هر دو معاهده، قاعده مذکور در بند ۳ رعایت خواهد شد؛ ب. بین کشوری که طرف هر دو معاهده است و کشوری که فقط طرف یکی از آنها است، معاهده ای که هر دو کشور طرف آن هستند، حاکم بر حقوق و تعهدات مشترک آنها خواهد بود. ۵. بند ۴ فوق تأثیری بر ماده ۴۱، یا بر هر مسئله مربوط به فسخ یا تعلیق اجرای یک معاهده طبق ماده ۶۰ و یا بر هر مسئله مربوط به مسئولیت که ممکن است برای یک کشور به سبب انعقاد یا اجرای معاهده ای که مقررات آن مغایر تعهدات آن کشور در قبال یک کشور دیگر در چهارچوب معاهده ای دیگر باشد، پیش آید، نخواهد داشت.

فصل سوم: تفسیر معاهدات ماده ۳۱ قاعده کلی تفسیر ۱. یک معاهده به حسن نیت و منطبق با معنای معمولیای که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد. ۲. به منظور تفسیر یک معاهده، سیاق عبارت، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمائم نیز میشود، مشتمل است بر:

الف. هرگونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرفهای معاهده در ارتباط با انعقاد آن حاصل شده است؛

ب. هر نوع سندی که توسط یک یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرفهای دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است. ۳. همراه با سیاق

عبارت، به موارد زیر نیز توجه خواهد شد: الف. هرگونه توافق آتی بین طرفهای معاهده در خصوص تفسیر معاهده یا اجرای مقررات آن؛ ب. هر نوع رویه بعدی در اجرای معاهده که مؤید توافق طرفهای معاهده در خصوص تفسیر آن باشد؛

ج. هر قاعده مرتبط حقوق بین الملل که در روابط بین طرفهای معاهده قابل اجرا باشد. ۴. در صورتی که ثابت شود قصد طرفهای معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده خواهد شد.

ماده ۳۲ و سائل تکمیلی تفسیر از وسائل تکمیلی تفسیر، من جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده میتوان به منظور تأیید معنای متخذ از اجرای ماده ۳۱، و یا تعیین معنای معاهده در صورتی که تفسیر آن طبق ماده ۳۱، الف. معانی مبهم یا بی مفهوم القا کند؛ یا ب. منجر به نتیجهای شود که آشکارا بی مفهوم یا نا معقول باشد، استفاده نمود.

ماده ۳۳ تفسیر معاهداتی که به دو یا چند زبان اعتبار دارند ۱. و عتی که اعتبار معاهده ای به دو یا چند زبان تصدیق شده باشد، متن آن در هر یک از زبانها به نحو یکسان معتبر خواهد بود مگر آنکه معاهده مقرر نماید، یا طرفهای معاهده توافق کنند که در صورت اختلاف، متن معینی ملاک خواهد بود. ۲. متن معاهده به زبانی غیر از زبانهایی که اعتبار معاهده به آنها تصدیق شده است تنها در صورتی معتبر محسوب خواهد شد که معاهده آن را پیشبینی کرده باشد، یا طرفهای متعاهد آنگونه که توافق کرده باشند. ۳. اصل بر این است که اصطلاحات یک معاهده در تمامی آن، دارای معنای واحدی هستند. ۴. بجز مواردی که متن خواصی به موجب بند ۱ ملاک قرار میگیرد، چنانچه مقایسه متون معتبر معاهده اختلافی را در معنی نشان دهد که از طریق اعمال مواد ۳۱ و ۳۲ قابل رفع نباشد، معنایی برگزیده خواهد شد که نظر به موضوع و هدف معاهده بهترین توفیق را بین متون مزبور بر قرار میسازد.

فصل چهارم: معاهدات و کشورهای ثالث

ماده ۳۴ قاعده کلی در ارتباط با کشورهای ثالث یک معاهده برای کشور ثالث بدون رضایت وی تعهدات یا حقوقی ایجاد نمیکند.

ماده ۳۵ معاهداتی که برای کشورهای ثالث تعهداتی ایجاد نمیکند مقررات یک معاهده در صورتی برای یک کشور ثالث ایجاد تعهد مینماید که قصد طرفهای معاهده ایجاد تعهد برای آن کشور از طریق مقررات مزبور باشد و کشور ثالث کتباً و بطور صریح آنرا بپذیرد.

ماده ۳۶ معاهداتی که برای کشورهای ثالث حقوقی ایجاد مینمایند ۱. مقررات یک معاهده در صورتی برای یک کشور ثالث ایجاد حق مینماید که قصد طرفهای معاهده از مقررات مزبور اعطای آن حق به کشور ثالث، یا به گروهی از کشورها که کشور ثالث بدان تعلق دارد، یا به

چکیده

همه کشورها باشد و خود کشور ثالث نیز با آن موافقت نماید. تا زمانی که خلاف آن احراز نشود، اصل، رضایت کشور ثالث است مگر آنکه معاهده ترتیب دیگری مقرر نماید. ۲. کشوری که در اجرای بند ۱ حقی را اعمال میکند باید در این خصوص شرایط پیش بینی شده در معاهده یا شرایطی را که در انطباق با معاهده ثابت است، رعایت کند.

ماده ۳۷ رجوع یا جرح و تعدیل تعهدات یا حقوق کشورهای ثالث ۱. در موردی که به موجب ماده ۳۵ تعهدی برای کشور ثالث قابل رجوع یا جرح و تعدیل خواهد بود مگر آنکه ثابت شود آنها در خصوص ترتیب دیگری توافق کرده اند. ۲. در موردی که طبق ماده ۳۶ حقی برای یک کشور ثالث ایجاد شده باشد، چنانچه ثابت شود که مقصود این بوده است که از آن حق رجوع نشود و یا بدون رضایت کشور ثالث جرح یا تعدیل نشود، طرفهای معاهده نمیتوانند از آن حق رجوع و یا در آن جرح و تعدیل نمایند.

ماده ۳۸ قواعدی در معاهده که بر اساس عرف بین المللی برای کشور ثالث الزام آور میشوند. هیچکدام از ترتیبات مواد ۳۴ تا ۴۷ مانع از آن نیست که یک قاعده مندرج در یک معاهده که به عنوان یک قاعده عرفی در حقوق بین الملل شناخته شده است، برای کشوری ثالث الزام آور گردد.

بخش چهارم

اصلاح و جرح و تعدیل معاهدات

ماده ۳۹ قاعده کلی مربوط به اصلاح معاهدات یک معاهده با موافقت طرفهای معاهده قابل اصلاح میباشد. جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را معین کرده باشد، قواعد بخش دوم در خصوص چنین موافقتی مجری خواهد بود.

ماده ۴۰ اصلاح معاهدات چند جانبه ۱. جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را معین نموده باشد، اصلاح معاهدات چند جانبه تابع مقررات بندهای زیر است. ۲. هر نوع پیشنهاد اصلاح معاهده چند جانبه بین تمامی طرفهای معاهده باید به همه کشورهای متعاقد ابلاغ شود و هر کدام از آنها حق خواهد داشت در امور زیر شرکت کند:

الف. اتخاذ تصمیم در خصوص اقدامی که میباید در ارتباط با پیشنهاد صورت گیرد؛ ب. مذاکره و انعقاد هر نوع موافقتنامه‌هایی برای اصلاح معاهده ۳. هر کشوری که حق الحاق به معاهده ای را داشته باشد، حق الحاق به معاهده اصلاح شده را نیز خواهد داشت. ۴. موافقتنامه مربوط به اصلاح، که کشوری را که قبلاً طرف معاهده بوده ولی به موافقتنامه مزبور ملحق نمیشود، متحد نمیکند. بند ۴

«ب» ماده ۳۰ در مورد اینچنین کشوری مجری خواهد بود. ۵. هر کشوری که پس از لازم

الاجرا شدن موافقتنامه اصلاحی، به معاهده ملحق شود، در صورتیکه خلاف آن اظهار نکند: الف. طرف معاهده اصلاح شده محسوب خواهد شد؛ و ب. در قبال هر طرف معاهده ای که تعهدی در قبال موافقتنامه اصلاحی ندارد، طرف معاهده اصلاح نشده محسوب خواهد شد. ماده ۴۱ موافقتنامه‌های جرح و تعدیل معاهدات چند جانبه که فقط بین بعضی از طرفها متعهد می‌گردد. ۱. دو یا چند طرف یک معاهده چند جانبه فقط در صورتی میتوانند موافقتنامه‌های برای جرح تعدیل معاهده بین خود منعقد کنند که:

الف. امکان چنین جرح و تعدیلی توسط معاهده پیش بینی شده باشد؛ یا
ب. معاهده، جرح و تعدیل مزبور را ممنوع ننموده باشد مشروط بر اینکه: (۱) جرح و تعدیل تأثیری در استفاده از حقوق سایر طرفهای معاهده، طبق معاهده، و یا در انجام تعهدات آنان نداشته باشد؛ و (۲) جرح و تعدیل مزبور به ترتیبی از معاهده مربوط نشود که تخلف از آنها با اجرای مؤثر موضوع و هدف معاهده در کلیت آن، مابینت داشته باشد. ۲. در خصوص مورد مشمول بند ۱ «الف»، جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را مقرر نماید طرفهای مورد بحث باید قصد خود مبنی بر انعقاد موافقتنامه و همچنین جرح و تعدیلات ناشی از موافقتنامه را به سایر طرفهای معاهده ابلاغ نماید.
بخش پنجم: بی اعتباری، فسخ و تعلیق اجرای معاهدات

فصل اول: ترتیبات کلی

ماده ۴۲ اعتبار و ادامه نفوذ معاهدات ۱. اعتبار یک معاهده یا رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده تنها از طریق اعمال عهدنامه حاضر قابل اعتراض میباشد. ۲. فسخ یا رد یک معاهده، یا خروج یک طرف از آن تنها بر اساس اعمال مقررات همان معاهده یا عهدنامه حاضر صورت می‌گیرد. همین قاعده در مورد تعلیق اجرای یک معاهده مجری است.
ماده ۴۳ تعهدات ناشی از حقوق بین الملل و مستقل از یک معاهده بی اعتباری، فسخ، یا رد یک معاهده و نیز خروج یکی از طرفهای معاهده یا تعلیق اجرای آن که ناشی از اعمال عهدنامه حاضر یا مقررات خود معاهده باشد، به هیچ وجه تأثیری، در وظیفه یک کشور در انجام تعهدات مندرج در معاهده که طبق حقوق بین الملل مستقل از معاهده مزبور ملزم به رعایت آنها است، نخواهد داشت.

ماده ۴۴ تفکیک پذیری مقررات معاهده ۱. هر طرف میتواند حق خود را دایر و رد، یا خروج از یک معاهده، یا تعلیق اجرای آن که ناشی از مقررات معاهده یا ماده ۵۶ عهدنامه حاضر باشد، تنها در خصوص تمامی معاهده اعمال کند مگر آنکه معاهده مزبور ترتیب دیگری را مقرر نماید یا طرفهای معاهده به نحو دیگری توافق کنند. ۲. استناد به مبنای بی

اعتباری، فسخ، یا خروج از یک معاهده و یا تعلیق اجرای آن که طبق عهدنامه حاضر پذیرفته شده باشد، جز در شرایط پیشبینی شده در بندهای ذیل یا ماده ۶۰، فقط میتواند نسبت به تمامی معاهده انجام گیرد. ۳. اگر مبنای مورد بحث فقط به مواد مشخصی مرتبط باشد، تنها در خصوص همان مواد میتوان به آن استناد کرد منوط به اینکه: الف. مواد مزبور از حیث اجرا از بقیه معاهده قابل تفکیک باشند؛ ب. از معاهده بتوان استنباط کرد یا به نحو دیگری ثابت شود که پذیرش مواد مورد بحث مبنای اساسی رضایت طرف یا طرفهای دیگر به التزام نسبت به کل معاهده نبوده است؛ و ج. ادامه اجرای بقیه ترتیبات معاهده غیر عادلانه نباشد. ۴. در موارد مشمول مواد ۴۹ و ۵۰، کشوری که حق استناد به تقلب یا ارتشاء را دارد میتواند حق مزبور را چه نسبت به تمامی معاهده و چه با در نظر گرفته بند ۳ نسبت به تنها بعضی از مواد مشخص اعمال کند. ۵. در موارد مشمول مواد ۵۱، ۵۲ و ۵۳، تفکیک مقررات معاهده مجاز نیست.

ماده ۴۵ از دست دادن حق استناد به مبانی بی اعتباری، فسخ، یا خروج از یک معاهده یا تعلیق اجرای آن یک کشور نمیتواند بر مبنایی برای بی اعتباری، فسخ یا خروج از یک معاهده، با تعلیق اجرای آن، به موجب مواد ۴۶ تا ۵۰ یا مواد ۶۰ و ۶۲ استناد نماید اگر پس از آگاهی از واقعیات: الف. صریحاً قبول کرده باشد که، حسب مورد، معاهده معتبر یا لازم الاجرا بوده و اجرای آن میتواند ادامه یابد؛ یا ب. به دلیل نحوه رفتارش باید آن کشور را، حسب مورد، موافق با اعتبار یا ادامه نفوذ یا اجرای معاهده، محسوب داشت.

فصل دوم: بی اعتباری معاهدات ماده ۴۶ مقررات حقوق داخلی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات ۱. یک کشور نمیتواند با تکیه بر این واقعیت که اعلام رضایت وی به التزام در قبال یک معاهده تجاوزی نسبت به مقررات حقوق داخلی وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به بی اعتباری رضایت خود استناد نماید مگر آنکه تجاوز مزبور بارز بوده و به قاعدهای از حقوق داخلی مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است. ۲. تجاوز وقتی بارز است که بر کشوری که بر طبق رویه معمول و حسن نیت در این مورد عمل کرده است، بطور عینی روشن باشد.

ماده ۴۷ محدودیتهای خاص در اختیارات لازم برای اعلام رضایت یک کشور اگر اختیار یک نماینده برای اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال معاهدهای معین موضوع محدودیت خاص واقع شود، عدم رعایت این محدودیت توسط نماینده مزبور نمیتواند به عنوان بی اعتباری رضایت ابراز شده مورد استناد واقع شود مگر آنکه پیش از اعلام رضایت، این محدودیت به آگاهی دیگر دولتهای طرف مذاکره رسیده باشد.

چکیده

ماده ۴۸ اشتباه ۱. در صورتیکه اشتباه به واقعیت یا وضعیتی مربوط باشد که در زمان انعقاد معاهده موجود بوده است و این امر مبنای اساسی رضایت وی به التزام نسبت به معاهده را تشکیل داده باشد، آن کشور میتواند به عنوان بیاعتبار بودن رضایت خود به التزام نسبت به معاهده، به اشتباه استناد کند. ۲. چنانچه کشور مزبور با رفتار خود به بروز اشتباه کمک کرده باشد یا اوضاع و احوال به گونهای باشد که وی میباید از امکان اشتباه آگاهی میبود، بند ۱ ناظر بر موضوع نخواهد بود. ۳. اشتباهی که منحصراً مربوط به عبارت متن معاهده میشود، تأثیری در اعتبار آن ندارد و در آن صورت مفاد ماده ۷۹ حاکم خواهد بود.

ماده ۴۹ تقلب هرگاه کشوری بر اثر رفتار متقابلانه کشور دیگر طرف مذاکره معاهده ای منعقد سازد، میتواند به عنوان بی اعتبار بودن رضایت خود به التزام در قبال معاهده به تقلب استناد نماید.

ماده ۵۰ ارتشای - ۱ - نماینده یک کشور هرگاه اعلام رضایت کشوری به التزام در قبال یک معاهده از طریق رشوه به نماینده وی، خواه بطور مستقیم یا بطور غیر مستقیم و توسط کشور دیگر طرف مذاکره، تحصیل شده باشد کشور مزبور میتواند به عنوان بی اعتبار بودن رضایت خود در التزام در قبال معاهده به تقلب استناد نماید.

ماده ۵۱ اجبار نماینده یک کشور اگر اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده بر اثر اجبار نماینده آن کشور از طریق اقدامات یا تهدیدات علیه او تحصیل شده باشد دارای هیچگونه اثر حقوقی نیست.

ماده ۵۲ اجبار یک کشور به وسیله تهدید یا اعمال زور معاهده ای که انعقاد آن بوسیله تهدید یا اعمال زور و در نقش اصول حقوق بین الملل مندرج در منشور ملل متحد تحصیل شده باشد، باطل خواهد بود.

ماده ۵۳ معاهدات متعارض با یک عاقده امره حقوق بین الملل عام (قواعد امره) - ۱ - معاهده ای که در زمان انعقاد با یک عاقده امره حقوق بین الملل عام در تعارض باشد، باطل است. به منظور عهدنامه حاضر، قاعده امره حقوق بین الملل عام قاعدهای است که به وسیله اجماع جامعه بین المللی کشورها به عنوان قاعده تخلف ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل میباشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.

فصل سوم: فسخ و تعلیق اجرای معاهدات

ماده ۵۴ فسخ یک معاهده یا خروج از آن بموجب مقررات معاهده معاهده یا با رضایت طرفهای معاهده فسخ معاهده یا خروج یک طرف از آن به طرق ذیل ممکن خواهد بود: الف. به موجب مقررات معاهده؛ یا ب. در هر زمان، با رضایت کلیه طرفها پس از مشاوره با

دیگر کشورهای متعاهد

ماده ۵۵ کاهش تعداد کشورهای طرف یک معاهده چند جانبه به کمتر از تعداد لازم جهات لازم الاجرا شدن آن جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را مقرر نماید، یک معاهده چند جانبه تنها به این دلیل که تعداد طرفهای آن به کمتر از تعدادی که برای لازم الاجرا شدن آن ضرورت دارد، تقلیل یافته است، خاتمه نمییابد.

ماده ۵۶ رد یا خروج از معاهده ای که حاوی مقرراتی در خصوص فسخ، رد یا خروج از آن نیست ۱. معاهده ای که در آن مقررات مربوط به فسخ وجود ندارد و رد یا خروج از آن پیشبینی نشده است، قابل رد نیست و نمیتوان از آن خارج شد مگر آنکه: الف. مسلم شود که طرفهای معاهده قصد داشتهاند امکان رد یا خروج از آن را نپذیرند؛ یا ب. ماهیت معاهده به گونهای باشد که بتوان حق رد یا خروج از آن را استنباط کرد. ۲. قصد رد معاهده یا خروج از آن طبق بند ۱، باید لاقلاً دوازده ماه پیش از رد یا خروج ابلاغ شود.

ماده ۵۷ تعلیق اجرای یک معاهده طبق مقررات معاهده یا بموجب رضایت طرفهای آن اجرای یک معاهده را در قبال همه طرفهای معاهده یا یک طرف خاص معاهده میتوان در موارد ذیل معلق کرد: الف. طبق مقررات خود معاهده؛ یا ب. در هر زمان، با رضایت کلیه طرفهای معاهده پس از مشاوره با دیگر کشورهای متعاهد.

ماده ۵۸ تعلیق یک معاهده چندجانبه بموجب توافق فقط بعضی از طرفهای معاهده ۱. دو یا چند طرف یک معاهده چند جانبه میتوانند موافقتنامه ای منعقد ساخته و اجرای مقررات عهدنامه را موقتاً و تنها بین خود به حال تعلیق درآورند اگر: الف. امکان چنین تعلیقی در خود معاهده پیشبینی شده باشد؛ یا ب. تعلیق مورد بحث بموجب معاهده ممنوع نگردیده باشد، مشروط براینکه: (۱) تعلیق اجرای معاهده به استفاده حقوق دیگر طرفهای معاهده، طبق معاهده، آسیب نرسانده و مانع از انجام تعهدات آنان نگردد؛ و (۲) با موضوع و هدف معاهده مابینت نداشته باشد. ۲. در موارد مشمول بند یک «الف»، چنانچه معاهده ترتیب دیگری معین نکرده باشد، طرفهای مورد بحث باید دیگر طرفهای معاهده را از قصد خود مبنی بر انعقاد موافقتنامه و از آن دسته از مقررات معاهده که قصد تعلیق اجرای آنها را دارند مطلع نمایند.

ماده ۵۹ فسخ یا تعلیق تلویحی اجرای یک معاهده به سبب انعقاد معاهده مؤخر ۱. وقتی که کلیه طرفهای یک معاهده به انعقاد معاهده مؤخری در خصوص موضوع واحد مبادرت میورزند، معاهده مقدم فسخ شده محسوب خواهد شد اگر: الف. اگر از معاهده مؤخر استنباط شود یا به نحوه دیگری مسلم شود که قصد طرفها این بوده است که موضوع تابع مقررات

چکیده

معاهده مؤخر باشد؛ یا ب. مقررات معاهده مؤخر به گونهای با مقررات معاهده مقدم غیرقابل انطباق باشد که اجرای همزمان هر دو معاهده غیر ممکن باشد. ۲. اگر از مفاد معاهده مؤخر استنباط شود، یا به نحوه دیگری ثابت شود که قصد دول متعاقد تنها تعلیق معاهده مقدم بوده است، فقط اجرای معاهده مزبور معلق تلقی خواهد گردید.

ماده ۶۰ فسخ یک معاهده یا تعلیق اجرای آن در نتیجه نقض ۱. نقض اساسی یک معاهده دو جانبه از سوی یکی از طرفین، طرف دیگر معاهده را مجاز میدارد تا به نقض مزبور به عنوان مبنای فسخ، یا تعلیق کامل یا بخشی از آن استناد نماید. ۲. نقض اساسی یک معاهده چند جانبه توسط یکی از طرفهای معاهده: الف. به دیگر طرفهای معاهده حق میدهد تا با موافقت جمعی به تعلیق اجرای تمام یا بخشی از معاهده اقدام کننده، و یا نسبت به فسخ آن: (۱) خواه در روابط بین خود از سوئی و کشور متخلف از سوی دیگر؛ و یا (۲) در روابط بین تمامی کشورهای امضاء کننده مبادرت نمایند؛ ب. به طرفی که بویژه از نقض معاهده زیان دیده است حق میدهد تا با استناد به آن، تمام یا بخشی از اجرای معاهده را در روابط بین خود و کشور متخلف به حال تعلیق در آورد؛ ج. به هر یک از طرفهای معاهده به استثنای کشور متخلف حق میدهد تا با استناد به آن، اجرای تمام یا بخشی از معاهده را در ارتباط با خود معلق نماید، به شرط آنکه ماهیت معاهده به گونهای باشد که نقض اساسی مقررات آن توسط یک طرف، وضعیت هر کدام از طرفهای دیگر را در اجرای بعدی تعهدات وی که از معاهده ناشی میشوند، از پایه دگرگون سازد. ۳. بمنظور ماده حاضر، نقض اساسی یک معاهده تشکیل میشود از: الف. اعراض از معاهده به طریقی که مورد تأیید عهدنامه حاضر نباشد؛ یا ب. تخلف از مقرراتی که برای تحقق موضوع یا هدف معاهده اساسی باشد. ۴. بندهای اخیر به اعتبار هیچ یک از مقررات معاهده که در صورت نقض معاهده نیز مجری خواهند بود، آسیب نمیرسانند. ۵. بندهای ۱ تا ۳ فوق، بر مقررات مربوط به حمایت از افراد انسان که در معاهداتی که جنبه بشر دوستانه گنجانیده میشود، خصوصاً مقرراتی که ناظر بر منع اقداماتی تلافی جویانه علیه اشخاص مورد حمایت معاهدات مزبور است، جاری نمیشوند.

ماده ۶۱ حدوث شرایطی که اجرای معاهده را غیر ممکن میکنند ۱. اگر عدم امکان اجرای معاهده ناشی از محو یا اندام دائمی موضوعی باشد که برای اجرای معاهده اجتناب ناپذیر باشد، هر طرف معاهده میتواند به عدم امکان اجرای معاهده به عنوان مبنای فسخ معاهده یا خروج از آن استناد نماید. چنانچه عدم امکان اجرا موقت باشد، تنها میتوان برای تعلیق اجرای معاهده به آن استناد کرد. ۲. عدم امکان اجرای معاهده نمیتواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از یک معاهده و یا تعلیق اجرای آن مورد استناد یا طرف قرار گیرد هرگاه عدم

چکیده

امکان، خود ناشی از نقض تعهدات معاهده یا نقض هر تعهد دیگر بین المللی در قبال طرفهای دیگر معاهده، از سوی طرف متخلف باشد.

ماده ۶۲ تغییر اساسی اوضاع و احوال ۱. تغییر اساسی در اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده که حدوث آن توسط طرفهای معاهده پیشبینی نشده باشد، نمیتواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد قرار گیرد مگر آنکه: الف. وجود اوضاع و احوال مزبور مبنای اساسی رضایت طرفهای معاهده به التزام نسبت به معاهده باشد؛ و ب. اثر این تغییر، دگرگونی اساسی در ابعاد تعهداتی باشد که بموجب معاهده هنوز میباید اجرا شوند. ۲. در موارد ذیل، تغییر اساسی اوضاع و احوال نمیتواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد واقع شود: الف. اگر معاهده ای باشد که مرز را تعیین مینماید؛ یا ب. اگر تغییر اساسی ناشی از نقض تعهدات معاهده، یا نقض هر تعهد دیگر بین المللی در قبال طرفهای دیگر معاهده، از سوی طرفی باشد که به آن تغییر استناد میکند. ۳. اگر بموجب یکی از بندهای اخیرالذکر، یکی از طرفهای معاهده حق داشته باشد که به تغییر اساسی اوضاع و احوال به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده استناد نماید، مضافاً حق خواهد داشت تا به آن تغییر به عنوان مبنای تعلیق اجرای معاهده نیز استناد کند.

ماده ۶۳ قطع رابطه دیپلماتیک یا کنسولی جز در مواردی که وجود روابط دیپلماتیک یا کنسولی برای اجرای معاهده اجتناب ناپذیر باشد، قطع رابطه دیپلماتیک یا کنسولی بین طرفهای معاهده تأثیری در روابط حقوقی آنها که بموجب معاهده برقرار شده است، نمیگذارد.

ماده ۶۴ تأسیس یک قاعده آمره جدید حقوق بین الملل عام (قواعد آمره) اگر یک قاعده آمره جدید حقوق بین الملل عام تأسیس گردد، هر معاهده موجودی که در تعارض با قاعده مزبور باشد، باطل منفسخ میگردد.

فصل چهارم: روشها

ماده ۶۵ روشی که باید در موارد بی اعتباری، فسخ، یا خروج از یک معاهده و یا تعلیق آن تبعیت گردد. ۱. طرفی که بر اساس مقررات عهدنامه حاضر به عیبی در اعلام قصد خود دایر بر التزام نسبت به یک معاهده یا به مبنای دیگری برای نفی اعتبار معاهده استناد کند تا آن را فسخ نماید، یا خروج خود از آن را اعلام داشته و یا اجرائش را معلق گردان، باید دیگر طرفهای معاهده را از ادعایش آگاه کند. در این اخطار، اقداماتی که به پیشنهاد وی میباید انجام گیرد و دلایل آنها باید مشخص گردند. ۲. اگر پس از انقضای مهلتی که به استثنای موارد فوری خاص کمتر از سه ماه از زمان دریافت اخطار مزبور نخواهد بود، هیچیک از

طرفهای معاهده اعتراضی نکند، طرفی که اقدام به اخطار کرده است میتواند به نحوی که در ماده ۶۷ مقرر شده در مورد عمل به پیشنهاداتش اقدام نماید. ۳. اگر از جانب دیگر هر یک از طرفهای معاهده اعتراضی مطرح سازد.

اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران 10.12.2011 در فرانکفورت آلمان

اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران 10.12.2011 به مناسبت روز جهانی حقوق بشر

گردهمایی این هفته در روز شنبه 10.12.2011 که مصادف با روز جهانی حقوق بشر بود همانند هر هفته همراه و همصدا با مادران و خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی به نقض حقوق بشر و جنایات 32 سال اخیر در ایران معترضیم و خواهان لغو فوری اعدام ، آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی و همینطور خواهان شناسایی و مجازات آمرین و عاملین این جنایات د دادگاهی عادل و مورد اعتماد مردم هستیم. در این روز با روشن کردن شمع و گذاشتن گلهای رُز بر روی عکس چند تن از جانبختگان یادشان را گرامی داشتیم

اطلاع رسانی ما به مردم شهر در مورد جانبختگان و زندانیان سیاسی بود و همچنین جمع آوری امضا علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی بود

چکیده

به امید آزادی همه زندانیان سیاسی
حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت





مادران پارک لاله: برجسبها

حمایت از مادران پارک لاله (در فرانکفورت) حمایت

17.12.2011 حمایت از مادران و زندانیان سیاسی



چکیده



از مادران و زندانیان سیاسی 17.12.2011

گزارش آماری نقض حقوق شهروندان دینی و مذهبی در آذر ماه 1390

حجت ترابی

ارزیابی عمومی اخبار نقض حقوق بشر آذرماه

در آذرماه سال ۱۳۹۰، همچون بازه‌های زمانی پیشین، شاهد تداوم نقض حقوق بشر در ایران و به طور گسترده در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف بوده‌ایم. نقض حقوق بشر در یک جامعه جدا از اینکه با رفتار طبقه‌ی حاکم و قوانین مصوب موجود رابطه‌ی مستقیم دارد، عموماً به برخی باورها و بینش‌های نادرست موجود که ریشه در فرهنگ و سنت آن جامعه دوانده‌اند؛ نیز مربوط می‌شود.

برخی مستندات حقوقی و قانونی پیرامون موارد گزارش آذرماه

در بخش پیش رو برخی گزارش‌های نقض حقوق بشر به اختصار از لحاظ حقوقی بررسی می‌شوند. این امر می‌تواند تا حدی خلاء آموزش در کنار اطلاع رسانی را پر نماید و طیف‌های مختلف را نسبت به حقوق خودشان آگاه‌تر سازد.

پیرامون عدم مرخصی در مواقع ضروری، بخش دوم ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق زندانیان اشاره می‌دارد که زندانی می‌بایست بلافاصله از مرگ خویشاوندان، نزدیکان و دوستانش و

چکیده

یا بیماری جدی یکی از آنها مطلع شود و در صورت بیماری مهم از یکی از بستگان نزدیک و یا مرگ خویشاوندان نزدیک زندانی باید مجاز باشد هر زمان که شرایط اجازه می‌دهد برای رفتن به بالین و مراسم او از مرخصی استفاده کند و تحت اسکورت یا به تنهایی حضور یابد.

در خصوص عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیماری که نیاز مبرم به مراقبت‌های ویژه دارند بایستی اشاره کرد که ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق زندانیان بر لزوم انتقال زندانیان بیمار نیازمند به معالجات ویژه و تخصصی به موسسات تخصصی یا بیمارستان‌های غیرنظامی در خارج از زندان دلالت می‌کند. بیمارستان مورد اشاره باید تجهیزات لازم، تخت کافی، لوازم دارویی مناسب و پزشک متخصص و آموزش دیده برای مراقبت‌های پزشکی و درمانی از زندانی بیمار را داشته باشد. در این زمینه هم چنین ماده ۱۰۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی جمهوری اسلامی نیز تاکید می‌کند که در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. بایستی اشاره کرد این ماده که مربوط به قوانین داخلی نظام جمهوری اسلامی و زندان‌های کشور است، در بسیاری از موارد با مخالفت دادستانی و ماموران اطلاعاتی نقض می‌شود.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی آذر ماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۷۵ گزارش از سوی حداقل ۳۶ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

اقلیت‌های مذهبی:

در ماه آذر ۱۳۹۰ از مجموع ۱۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۸ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۸ تن از شهروندان بهایی، اهل سنت و اهل حق بوده است هم چنین ۸ تن از اقلیت‌های مذهبی به ۲۵۲ ماه حبس تعزیری، ۹۰ ضربه شلاق و ۱۸۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند.

ممانعت از فعالیت اقتصادی ۳ شهروند بهایی و احضار یک تن دیگر و جلوگیری از اجرای مراسم مذهبی اهل حق از جمله موارد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در طی ماه جاری بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۲۲٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۶٪ را شاهد بوده‌ایم."

بررسی آمار

نمودارها

چکیده

نمودار زیر مقایسه گزارش ماهانه بر اساس گستره رسته‌ها در آذر ماه ۱۳۹۰ است، در ادامه می‌توانید نمودار دایره‌ای مربوط به مقایسه استان‌ها و حجم گزارشات ثبت شده که رابطه مستقیمی با توان گزارشگران حقوق بشر در ایران دارد را مشاهده نمائید.

سهم نقض حقوق اقلیتهای دینی مذهبی مذهبی در پایان برای مقایسه آماری آذر ماه ۹۰ با ماه مشابه سال قبل و آبان ماه سالجاری، به نمودار ذیل توجه کنید.

در ضمن اخبار تفضیلی مربوط به مهرماه 1390 به شرح ذیل به انتخاب کمیته دفاع از حقوق پیروان ادیان ارائه میگردد. شما میتوانید اخبار به روز در مورد نقض حقوق شهروندان مذهبی را در وبلاگ کمیته دفاع از حقوق پیروان ادیان مطالعه فرمائید.

[/http://religionkomitee.blogspot.com](http://religionkomitee.blogspot.com)

تعلیق حکم از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در دادگاه تجدید نظر
یورش گسترده‌ی ماموران اطلاعات به منازل شهروندان بهایی سنندج
برگزاری دادگاه کامران رحیمیان و انتقال وی به زندان رجایی‌شهر
محکومیت یک شهروند بهایی در سمنان به هفت سال حبس
اخراج پویا محمدی دانشجوی بهائی
دستور به لغو اعتبار جواز اداره مؤسسه هنری متعلق به هنرمند بهائی سعید میرزازاده
انتقال آقای انور مسلمی به زندان ساری برای آغاز دوران محکومیت
ممنوع الخروج شدن آقای امرالله منوچهری از شهر
غیبت در نتیجه اخراج دلیل رسمی اخراج آقای روح الله تشکر از دانشگاه عنوان می شود
دستگیری آقای میعاد مهدی زاده و آزادی او با قرار وثیقه
انتقال دو زندانی بهائی به زندان پیربنو
مهلت سه روزه مسئولان قضایی به شعله طائف شهروند بهایی جهت اجرای حکم تبعید
نادر کسایی، شهروند بهایی ساکن سمنان بازداشت شد
ممانعت از خاکسپاری یک بهائی

اخطار به پسر و عروس یک شهید بهائی در زمینه مراقبت از گور پدر
دستگیری آقای میعاد مهدی زاده و آزادی او با قرار وثیقه
یورش به خانه های آقایان کمال اکبری و ذات الله دارابی توسط ۱۲ مأمور و ضبط وسایل ۲
صدور حکم یک سال زندان برای خانم شراره کاشانی نژاد و تعلیق آن برای پنج سال
افزایش فشار بر بهاییان شیراز / بازداشت کیوان کرمی، شهروند بهایی ساکن شیراز
آغاز دوران محکومیت سه شهروند بهایی
بازداشت یک شهروند بهایی در اصفهان
تشدید فشارهای اقتصادی بر شهروندان بهایی کرمان و رفسنجان
بازداشت سیمین گرجی شهروند بهایی ساکن قائم شهر

بازداشت یکی از زنان معترض در ایران

یکی از زنان حامی گروه مادران عزادار ایران که در اعتراض به قتل یا بازداشت فرزندانشان در جریان اعتراضهای پس از انتخابات ریاست جمهوری در پارک لاله تهران بست می نشستند، بازداشت شده است.

ژیلا کرم زاده مکوندی بهمن سال ۱۳۸۸ نیز بازداشت شده و حدود یک ماه زندانی بود. او فروردین ماه امسال در دادگاه بدوی به چهار سال زندان محکوم شد.

بنا به گزارشها، خانم کرمزاده، زمانی که دیروز سه شنبه ششم دی (۲۷ دسامبر) برای گرفتن گذرنامه به اداره گذرنامه رفته بود بازداشت شده و برای اجرای دوره محکومیتش به زندان اوین منتقل شد.

خدیجه مقدم، فعال حقوق زنان، به تلویزیون فارسی بی بی سی گفت که خانم کرم زاده مکوندی "یک شاعر جوان دلسوزی است که ازدواج نکرده و خودش مادر نیست، ولی بقدری متعهد است که همه فرزندان ایران را بچه های خودش می داند و کاری جز همدردی با مادران عزادار نکرده است، آن هم از طریق گفتن شعر یا افروختن شمعی در پارک لاله."

دادگاه تجدید نظر مدت محکومیت ژيلا کرم زاده و یک فعال دیگر به نام لیلا سیف الهی را به دو سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی تغییر داده است.

فعالان حقوق زنان می گویند که فشار دستگاه های امنیتی ایران به گروه مادران عزادار و حامیان آنها افزایش یافته است.

"مادران عزادار" بعد از کشته شدن شماری از جوانان در اعتراضهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری جنجال برانگیز ایران، به ویژه در درگیری های روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد، شکل گرفت.

اتحادیه اروپا اعمال تحریم های جدید علیه ایران را پیگیری می کند

به رغم تهدید ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز در صورت تحریم نفتی تهران، یک سخنگوی کاترین اشتون می گوید که اتحادیه اروپا طرح خود برای اعمال تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی را دنبال می کند. همزمان فرانسه از ایران خواسته است تا به تعهدات بین المللی خود درباره تنگه هرمز پایبند باشد.

مایکل مان، سخنگوی کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به خبرگزاری فرانسه گفته است: «اتحادیه اروپا دور تازه ای از تحریم ها علیه ایران را مدنظر دارد و ما اعمال این تحریم ها را دنبال می کنیم.»

وی با اشاره به نشست آتی وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا اظهار داشت: «انتظار می رود که این تصمیم در نشست بعدی شورای امور خارجی اتحادیه در روز ۳۰ ژانویه اتخاذ شود.»

اظهارات این مقام اروپایی یک روز پس از تهدید محمدرضا رحیمی، معاون اول رییس جمهوری اسلامی ایران، بیان می شود که گفته بود در صورت تحریم نفتی ایران، حتی یک قطره نفت از تنگه هرمز عبور نخواهد کرد.

حبیب الله سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیز در جریان یک رزمایش دریایی ده روزه در دریای عمان اظهار عقیده کرده که بستن تنگه هرمز «کاری آسان» خواهد بود ولی «بزرگان نظام» باید در این زمینه تصمیم گیری کنند. اظهارات مقام ها و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران بازارهای سهام و نفت را با

چکیده

اندکی تلاطم روبرو کرده و قیمت نفت روز چهارشنبه به ۱۰۱ دلار برای هر بشکه افزایش یافت.

آمریکا و اتحادیه اروپا اعلام کرده اند که برای وادار کردن ایران به رعایت معاهدات بین المللی در زمینه فعالیت های هسته ای خود تحریم های جدیدی علیه تهران را در دستور کار دارند.

آذرماه گذشته، رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا از شورای وزیران امور خارجه این اتحادیه خواستند تا تحریم های تازه علیه ایران را به مثابه «الویت» در نظر گرفته و تا پیش از پایان ژانویه ۲۰۱۲ برابر با ۱۰ بهمن ماه آن را تصویب کنند.

وزیران امور خارجه این اتحادیه در نشست ماه گذشته خود بیش از ۲۰۰ شخصیت و شرکت ایران را در فهرست تازه تحریم های خود قرار دادند ولی بر سر تحریم نفت و بانک مرکزی ایران به نتیجه ای نرسیدند.

در همین حال یک مقام ارشد عربستان در وزارت نفت این کشور به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس آماده اند تا در صورت عدم صادرات نفت ایران، کمبودهای ناشی از آن را جبران کنند.

این مقام عربستانی که نخواست نامش فاش شود اشاره نکرده که در صورت عملی شدن تهدید ایران به بسته شدن تنگه هرمز، نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار است از چه مسیری به بازارهای جهانی فرستاده شود.

حدود ۴۰ درصد نفت جهان از طریق تنگه هرمز وارد بازارهای جهانی می شود. ایران در حاضر حدود ۵,۸ درصد از نفت مورد نیاز کشورهای اروپایی را تامین می کند و پس از روسیه، نروژ، لیبی و عربستان در رده پنجم صادرکننده نفت به اتحادیه اروپا است. اسپانیا ۱۴,۶ درصد، یونان ۱۴ درصد و ایتالیا ۱۳,۱ درصد از نفت صادراتی ایران به اتحادیه اروپا را خریداری می کنند.

در واکنش به تهدید اخیر مقام های ایران درباره تنگه هرمز، برنارد والرو، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه از تهران خواست تا به تعهدات بین المللی خود در قبال تنگه هرمز احترام بگذارد.

وی اظهار داشت: «تنگه هرمز یک تنگه بین المللی است. در نتیجه، فارغ از اینکه کشتی ها متعلق به چه کشوری هستند، بر اساس کنوانسیون سال ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره مقررات دریاها و رفت و آمد دریایی، آنها باید حق عبور و مرور داشته باشند»

به بهانه ی زاد روز بانوی شعر، فروغ

عاشقانه

ای شب از رویای تو رنگین شده سینه از عطر تو هم سنگین شده
ای به روی چشم من گسترده خیش، شادیم بخشیده از اندوه بیش
همچو بارانی که شوید جسم خاک، هستیم از آلوده گیها کرده پاک
ای تپشهای تن سوزان من آتشی بر سایه ی مژگان من
ای ز گندمزارها سرشارتر، ای ز زرین شاخه ها پر بار تر
ای در بگشوده بر خورشیدها در هجوم ظلمت تردیدها
با توام دیگر ز دردم بیم نیست، هست اگر جز دارد خوشبختیم نیست
این دل تنگ من و این بر نور، های و هوی زندگی در قعرگور
ای دو چشمانت چمنزاران من، داغ چشمت خورده بر مژگان من
پیش از اینت گر که در خودداشتم، هر کسی را تو نمی انگشتم
دارد تاریکیست درد خواستن، رفتن و بیهوده خودرا کاستن
سر نهادن بر سه دل سینه ها، سینه آلودن به چرک کینه ها

در نوازش نیش ماران یافتن ، زهر در لبخند یاران یافتن
زار نهادن در کف طرار ها ، گم شدن در پهنه ی بازارها
اه ، ای با جان من آمیخته ، ای مرا از گور من انگیخته
چون ستاره با دو بال زر نشان آماده از دور دست آسمان
جوی خشک سینه ام را آب تو ، بستر رگهام را سیلاب تو
در جهانی اینچنین سرد و سیاه ، با قدم هایت ، قدمهایم به راه
اه ای روشن طلوبی غروب ، آفتاب سرزمینهای جنوب
اه ، اه ، ای از سحهار شادابتر ، از بهاران تازه تر ، سیراب تر
عشق دیگر نیست این ، این خیره گیست ، چلچراغی در سکوت و تیرگیست
عشق در سینه ام چون بیدار شد ، از طلب پا تا سرم ایثار شد
این دگر من نیستم ، من نیستم ، حیف از آن عمری که با من زیستن
اه ، میخاهم که بشکافم ز هم ، شادیم یکدم بیالاید به غم
اه میخاهم که برخیزم ز جای ، همچو ابری اشک ریزم های های
این دل تنگ من و این دود عود ، در شبستان زخمه های چنگ و رود
این فضای خالی و پرواز ها ، این شب خاموش و این آوازاها
ای نگاهت لای لایی ، سحر بار ، گاهوار ، کودکان بیقرار
ای نفسهایت ، نسیم نیمخواب ، شسته از من لرزه های اضطراب
خفته در لبخند فردا های من ، رفته تا اعماق دنیا های من
ای مرا با شور شعر آمیخته ، این همه آتش به شعر م ریخته
چون تب عشقم چنین افروختی لاجرم شعرم به آتش سوختی

ابراهیم یزدی به هشت سال زندان محکوم شد

وکیل مدافع ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران به بی‌بی‌سی فارسی گفت موکل او در دادگاه بدوی به هشت سال زندان محکوم شده است.

به گفته محمدعلی دادخواه، آقای یزدی در دادگاه انقلاب اسلامی به مواردی مانند اقدام علیه امنیت کشور، نشر اکاذیب و همکاری با نهضت آزادی ایران متهم شده بود. آقای دادخواه گفت که موکلش صلاحیت دادگاه در رسیدگی به اتهامات خود را قبول ندارد و به همین دلیل "از ابتدا به دفاع از خود نپرداخته است."

وکیل آقای یزدی گفت موکلش به این دلیل صلاحیت دادگاه را رد کرده که "بنابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی، محاکمات سیاسی و مطبوعاتی باید در دادگاه عمومی و با حضور هیئت منصفه و به طور علنی برگزار شود که هیچ‌کدام از این‌ها در این دادگاه رعایت نشده بود." ابراهیم یزدی که هشتاد سال دارد، در جلسه قبلی دادگاه خود نیز با تسلیم لایحه‌ای، ضمن برشمردن نواقص دادگاه و مغایرت شرایط رسیدگی به این پرونده با قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی، گفته بود که "مراتب شرعی و تصریحات قانونی" رعایت نشده و در نتیجه هر تصمیم و هر نظری که در این دادگاه اعلام و صادر شود "فاقد وجاهت قانونی است."

آقای دادخواه گفت موکلش از او خواسته که با توجه به "عدم صلاحیت دادگاه در رسیدگی به این پرونده" از ارائه دفاعیه خودداری کند.

'درخواست تشکیل دادگاه صالح'

ابراهیم یزدی، در مهر ماه ۱۳۸۹ دستگیر و در ۲۹ اسفند همان سال آزاد شد و هم‌زمان،

خبرگزاری‌های نزدیک به حکومت ایران نامه‌ای را به نقل از وی منتشر کردند که از استعفای او از دبیر کلی این تشکل سیاسی حکایت داشت. منتقدان دولت در آن زمان اعتبار این نامه را زیر سوال بردند.

آخرین جلسه محاکمه ابراهیم یزدی، روز یازدهم آبان امسال و چند روز بعد از انتشار نامه او به راشد غنوشی، رهبر حزب اسلام‌گرای نهضت در تونس برگزار شد. آقای یزدی در آن نامه نوشته بود که مسلمانان تجربه کافی را در ارتباط با دموکراسی ندارند و افزوده بود: "نتیجه آن است که ما مسلمانان مستبدین را سرنگون می‌کنیم و به زودی ناظر جایگزین‌های جدیدی می‌شویم."

وکیل آقای یزدی به بی‌بی‌سی فارسی گفت که یکی دیگر از دلایل رد صلاحیت دادگاه از سوی موکلش این است که در مستندات دادگاه به قانون احزاب ارجاع شده، در صورتی که "این قانون بعد از انقلاب تصویب شده، اما نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ تشکیل شده است و ماده چهار قانون مدنی صراحتاً می‌گوید که قانون، نسبت به ماقبل اثر ندارد."

آقای دادخواه گفت که درخواست تجدید نظر در حکم دادگاه بدوی را مطرح خواهد کرد و ابراز امیدواری کرد که "دادگاه تجدید نظر در یک نگرش عادلانه و منصفانه به این ایرادات توجه کند و دادگاهی صالح برای رسیدگی به این پرونده تعیین کند."

وکیل آقای یزدی همچنین با اشاره به وضعیت سلامت موکلش گفت که او به "بیماری‌های متعددی" دچار است و پزشکان گفته‌اند که باید تحت مراقبت‌های ویژه قرار بگیرد.

بهمنی:

تحریم آمریکا علیه بانک مرکزی ایران غیر استاندارد است

یک روز پس از امضای لایحه تحریم بانک مرکزی ایران توسط باراک اوباما، مقام های ایران نسبت به آن واکنش نشان دادند. رییس بانک مرکزی ایران این اقدام را «غیراستاندارد» نامید و گفت که «دنیا به آمریکا به دلیل تحریم بانک مرکزی ایران می‌خندد». روز یکشنبه همچنین وزیر اقتصاد ایران، تحریم بانک مرکزی را «یک گزینه ناکام» توصیف کرد و در همین حال وزیر صنعت جمهوری اسلامی از این تحریم به عنوان «آخرین حربه استعمارگران غربی» نام برد. محمد نهاوندیان، رییس اتاق بازرگانی نیز این تحریم جدید را «اقدامی ناشایست» توصیف کرد.

باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا روز شنبه با امضای لایحه‌ای که از سوی کنگره آمریکا تصویب شده بود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را که کانال اصلی ورود درآمدهای نفتی ایران است مشمول تحریم‌های جدید آمریکا کرد. این لایحه شرکت‌های خارجی را وادار می‌کند میان همکاری با بخش نفتی، مالی و بانک مرکزی ایران یا بخش مالی آمریکا، یکی را انتخاب کنند و به موجب این قانون، بانک‌های مرکزی کشورهای دیگر در صورت معامله با بانک مرکزی ایران در ارتباط با انتقال درآمدهای نفتی ایران، شامل تحریم‌های مشابه خواهند شد. هدف از این مصوبه مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران است؛ فعالیتی که غرب و آمریکا مظنونند که دارای بعدی نظامی است. ایران همواره این ادعا را رد کرده‌است.

محمود بهمنی، رییس‌کل بانک مرکزی ایران تحریم این بانک را «یک مانور سیاسی» خواند و گفت: «برخی غربی‌ها بحث سیاسی به راه می‌اندازند و استقلال بانک مرکزی را نادیده می‌گیرند، در حالی که بانک مرکزی مستقل است و در تمام دنیا نیز بانک‌های مرکزی وابسته به دولت‌ها نیستند، بنابراین تحریم بانک مرکزی غیر اصولی و غیرمنطقی است.»

رییس بانک مرکزی ایران تحریم این بانک را برابر با تحریم «ملت‌ها» دانست و گفت که «اگر این کار انجام شود، مغرضانه است و بحث غیراستاندارد و غیراصولی به شمار می‌رود که دنیا آن را مورد شماتت قرار می‌دهد.»

وی افزود که «دنیا به آمریکا به دلیل تحریم بانک مرکزی ایران می‌خندد.»

شمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران نیز روز یکشنبه در واکنش به خبر تحریم بانک مرکزی گفت: «کشورهایی که به دنبال تحریم ایران هستند حتی نتوانسته‌اند نظر شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل را جلب کنند و باید گفت تحریم بانک مرکزی برای آنها یک گزینه ناکام است و ایران خود را برای شیطنت‌های آنها آماده کرده است.»

اظهارات وزیر اقتصاد ایران در مورد ناکام بودن گزینه تحریم در حالی بیان می‌شود که پیش از این به علت دشواری‌های موجود در پرداخت پول ایران، شماری از خریداران عمده نفت ایران از جمله پالایشگاه هندی «بهارات»، به دیگر تولیدکنندگان نفت مراجعه کرده‌اند.

همچنین مهدی غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران تحریم بانک مرکزی را «آخرین حربه استعمارگران غربی علیه اقتصاد ایران» قلمداد کرد و اظهار داشت: «عده‌ای فکر می‌کنند تحریم‌ها به نقطه ضربه‌زننده خود رسیده و اگر تحریم‌ها شامل بانک مرکزی شود، کار ایران یک‌سره می‌شود؛ در حالی که برخلاف آنها فکر می‌کنیم، زیرا این آخرین حربه و آزمون آنها است و بعد از این نیز تحریم معنایی ندارد.»

محمد نهاوندیان، رییس اتاق بازرگانی ایران نیز در واکنش به تحریم بانک مرکزی گفت: «یکی از استثنائات تحریم این است که هرچقدر تحریم‌ها بیشتر و شدیدتر شده و به منافع ذی‌نفعان بیشتری، لطمه وارد شود، امکان تحقق و اعمال و دستیابی به اهداف تحریم کمتر می‌شود.»

وی تحریم بانک مرکزی ایران را «اقدامی ناشایست از سوی دولتمردان آمریکایی» دانست و افزود: «با تمام این محدودیت‌ها، اقتصاد ایران پویا است و تجارت ایران رو به بهبود است.»

گرچه محمد نهاوندیان معتقد است که «هرچقدر تحریم‌ها بیشتر و شدیدتر شده و به منافع ذی‌نفعان بیشتری، لطمه وارد می‌شود» اما مقام‌های ارشد آمریکایی گفته‌اند که راهنمای تحریم‌های جدید را به گونه‌ای تنظیم خواهند کرد که از اقتصاد جهانی حفاظت شده و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا صدمه نبیند، در عین حال که فشار بر ایران افزایش یابد.

در واکنش به تحریم بانک مرکزی، حمیدرضا ترقی، معاون بین‌الملل حزب مؤتلفه اسلامی، به خبرگزاری مهر گفته است که به اعتقاد او، «اقدام آمریکا در تحریم بانک مرکزی ایران تاثیری جز تاثیر روانی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت» اما در ادامه افزود که «آثار روانی

این تحریم‌ها معمولاً منجر به تورم‌های مقطعی می‌شود.»
پیش از این رستم قاسمی، وزیر نفت ایران، گفته بود: «قانونی در دنیا وجود دارد که براساس آن، حتی کشورهای در حال جنگ هم مجاز نیستند بانک مرکزی کشوری را تحریم کنند. این یک قانون بین‌المللی است. به همین دلیل هست که تا الان بانک مرکزی را تحریم نکرده‌اند و حتماً هم تحریم نمی‌کنند.»

اتحادیه اروپا اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را پیگیری می‌کند

به رغم تهدید ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز در صورت تحریم نفتی تهران، یک سخنگوی کاترین اشتون می‌گوید که اتحادیه اروپا طرح خود برای اعمال تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند. همزمان فرانسه از ایران خواسته است تا به تعهدات بین‌المللی خود درباره تنگه هرمز پایبند باشد.

مایکل مان، سخنگوی کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به خبرگزاری فرانسه گفته است: «اتحادیه اروپا دور تازه‌ای از تحریم‌ها علیه ایران را مدنظر دارد و ما اعمال این تحریم‌ها را دنبال می‌کنیم.»

وی با اشاره به نشست آتی وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا اظهار داشت: «انتظار می‌رود که این تصمیم در نشست بعدی شورای امور خارجی اتحادیه در روز ۳۰ ژانویه اتخاذ شود.»

اظهارات این مقام اروپایی یک روز پس از تهدید محمدرضا رحیمی، معاون اول رییس جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌شود که گفته بود در صورت تحریم نفتی ایران، حتی یک

چکیده

قطره نفت از تنگه هرمز عبور نخواهد کرد. حبیب الله سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیز در جریان یک رزمایش دریایی ده روزه در دریای عمان اظهار عقیده کرده که بستن تنگه هرمز «کاری آسان» خواهد بود ولی «بزرگان نظام» باید در این زمینه تصمیم گیری کنند. اظهارات مقام ها و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران بازارهای سهام و نفت را با اندکی تلاطم روبرو کرده و قیمت نفت روز چهارشنبه به ۱۰۱ دلار برای هر بشکه افزایش یافت.

آمریکا و اتحادیه اروپا اعلام کرده اند که برای وادار کردن ایران به رعایت معاهدات بین المللی در زمینه فعالیت های هسته ای خود تحریم های جدیدی علیه تهران را در دستور کار دارند.

آذرماه گذشته، رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا از شورای وزیران امور خارجه این اتحادیه خواستند تا تحریم های تازه علیه ایران را به مثابه «الویت» در نظر گرفته و تا پیش از پایان ژانویه ۲۰۱۲ برابر با ۱۰ بهمن ماه آن را تصویب کنند.

وزیران امور خارجه این اتحادیه در نشست ماه گذشته خود بیش از ۲۰۰ شخصیت و شرکت ایران را در فهرست تازه تحریم های خود قرار دادند ولی بر سر تحریم نفت و بانک مرکزی ایران به نتیجه ای نرسیدند.

در همین حال یک مقام ارشد عربستان در وزارت نفت این کشور به خبرگزاری آسوشیندپرس گفته است که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس آماده اند تا در صورت عدم صادرات نفت ایران، کمبودهای ناشی از آن را جبران کنند.

این مقام عربستانی که نخواست نامش فاش شود اشاره نکرده که در صورت عملی شدن تهدید ایران به بسته شدن تنگه هرمز، نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار است از چه مسیری به بازارهای جهانی فرستاده شود.

حدود ۴۰ درصد نفت جهان از طریق تنگه هرمز وارد بازارهای جهانی می شود. ایران در حاضر حدود ۵,۸ درصد از نفت مورد نیاز کشورهای اروپایی را تامین می کند و پس از روسیه، نروژ، لیبی و عربستان در رده پنجم صادرکننده نفت به اتحادیه اروپا است. اسپانیا ۱۴,۶ درصد، یونان ۱۴ درصد و ایتالیا ۱۳,۱ درصد از نفت صادراتی ایران به اتحادیه اروپا را خریداری می کنند.

در واکنش به تهدید اخیر مقام های ایران درباره تنگه هرمز، برنارد والرو، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه از تهران خواست تا به تعهدات بین المللی خود در قبال تنگه هرمز احترام بگذارد.

وی اظهار داشت: «تنگه هرمز یک تنگه بین المللی است. در نتیجه، فارغ از اینکه کشتی ها متعلق به چه کشوری هستند، بر اساس کنوانسیون سال ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره مقررات دریاها و رفت و آمد دریایی، آنها باید حق عبور و مرور داشته باشند.»

دولت آمریکا خواستار آزادی فوری امیر میرزا حکمتی شده است

دولت آمریکا روز دوشنبه ایران را ترغیب کرد "بدون معطلی" یک شهروند آمریکایی ایرانی تبار را که به اتهام جاسوسی در آن کشور دستگیر شده آزاد کند. ویکتوریا نولاند سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که این کشور خواستار دسترسی به امیر میرزا حکمتی از طریق سفارت سوئیس شده است. در غیاب روابط دیپلماتیک میان ایران و آمریکا، سوئیس به امور دیپلماتیک و اشنگتن رسیدگی می کند. او گفت: "ما از دولت ایران می خواهیم به سوئیس که حافظ منافع ماست اجازه دسترسی فوری به او را بدهد و بدون معطلی او را آزاد کند." خانم نولاند گفت که خانواده حکمتی ابتدا بازداشت او را در ماه سپتامبر گزارش کردند و وزارت خارجه به بستگان او کمک کنسولی ارائه کرده است. تلویزیون دولتی ایران روز یکشنبه آنچه را که گفت "اعترافات" امیر میرزا حکمتی است پخش کرد. این مرد که خبر دستگیری او روز شنبه از سوی ایران اعلام شده بود به جاسوسی برای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا متهم شده است. در گزارش تلویزیون ایران آمده بود که آقای حکمتی در سال ۲۰۰۱ به ارتش آمریکا پیوست و پیش از ورود به ایران آموزش های ویژه دریافت کرد. تلویزیون ایران گفت که امیر میرزا حکمتی قصد داشت با نفوذ به وزارت اطلاعات ایران، اطلاعات غلط در اختیار مقام های ایران قرار دهد.

چکیده

در خبری دیگر در همین زمینه، صبح روز سه شنبه، 29 آذر (20 دسامبر)، خبرگزاری مهر گزارش کرد که محمد خزاعی، نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، ایالات متحده را به خاطر ورود هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی به حریم هوایی ایران و "اعزام جاسوس" به این کشور مورد انتقاد قرار داده است.

براساس این گزارش، آقای خزاعی که در جلسه ویژه شورای امنیت درباره شرایط افغانستان سخن می گفت، "توجهان را به دو حادثه تجاوز هواپیماهای جاسوسی فقه فضای کشورمان و همچنین دستگیری یک جاسوس آمریکایی در ایران که در پایگاه بگرام افغانستان آموزش دیده و سپس وارد ایران شده است جلب کرد."

در گزارش تلویزیون ایران حاوی "اعترافات" آقای حکمتی، آمده بود که او در پایگاه آمریکایی بگرام در افغانستان بود و از طریق دومی به ایران آمد.

در جمهوری اسلامی، پخش تلویزیونی اعترافات افراد بازداشت شده علیه خود این افراد امری متداول بوده است.

علی حکمتی، پدر امیر میرزا حکمتی روز دوشنبه در گفتگو با رسانه ها اتهامات علیه پسرش را رد کرد.

آقای حکمتی که ۶۱ سال دارد به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که پسرش سرگرم بازدید از مادر بزرگش در تهران بود که دستگیر شد و هرگز برای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا کار نکرده است.

آقای حکمتی که استاد رشته میکروبیولوژی در کالج مات در فلینت واقع در دیترویت است گفت: "او جاسوس نیست. اینها یک مشت دروغ است که در مورد پسر خوب من می گویند."

سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در این مورد اظهار نظر نکرده اما پیشتر، یک مقام دولتی آمریکا هر گونه ارتباط آقای حکمتی با سازمان سیا را تکذیب کرده بود.

علی حکمتی گفت پسرش قبلاً مترجم زبان عربی در سپاه تفنگداران دریایی آمریکا بود و حدود چهار ماه قبل وارد ایران شد.

آقای حکمتی گفت پسرش در آن زمان به عنوان پیمانکار برای شرکتی که "به تفنگداران دریایی خدمات می داد" کار می کرد، اما جزئیات بیشتری ارائه نکرد.

علی حکمتی در مورد سفر پسرش به ایران گفت: "همسرم سعی کرد او را منصرف کند. دو هفته اول در تهران اتفاقی برایش نیافتاد. هفته سوم در تهران، عده ای به بازدید او آمدند و او را با خود بردند. در سه ماه بعدی کسی چیزی از او نشنید."

او گفت: "مطلقاً نمی دانم قصد دارند با پسرم چه کار کنند. دارم از نگرانی می میرم. عاشق پسرم هستم. خیلی متأسفم در چنین مخمصه ای افتاده."

علی حکمتی گفت در حال صحبت با وکلایی در تهران است تا آزادی پسرش را به دست آورد.

او گفت امیر حکمتی در آریزونا متولد شده است و پس از گرفتن دیپلم از دبیرستانی در فیلنت به تفنگداران دریایی ملحق شد.

علی حکمتی نگفت پسرش برای چه شرکتی کار می کرد اما گفت به عنوان یک تفنگدار دریایی سابق "کاملاً در شغل تازه جا افتاده بود."

به گزارش آسوشیتدپرس برایان رورکاس سخنگوی شرکت "بی ای ای سیستمز" گفت که امیر میرزا حکمتی از مارس تا اوت ۲۰۱۰ برای این شرکت کار می کرد.

در بیانیه وزارت اطلاعات ایران آمده بود که امیر میرزا حکمتی در خاک ایران دستگیر شده، اما ماموران اطلاعاتی ایران او را از زمانی که برای انجام ماموریتش وارد افغانستان شده بود، زیر نظر داشته اند.

وزارت اطلاعات ایران گفت که شخص دستگیر شده از "تحلیلگران" سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا است و سابقه فعالیت در واحدهای اطلاعاتی ارتش آمریکا و حضور در پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان و عراق را دارد.

ایران می گوید که این فرد قرار بوده "اطلاعات فریب" به وزارت اطلاعات ایران بدهد و زمینه جاسوسی را فراهم کند.

منبع: بی بی سی

بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۳۵/۴۷ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

- با تاکید مجدد بر یکی از اهداف بیان شده در چارتر سازمان ملل متحد پیشبرد و حمایت احترام به حقوق انسانی و آزادیهای اساسی همه افراد بشر بدون در نظر گرفتن تفاوت های نژادی جنسی زبانی و یا دینی آنان؛ و با تاکید مجدد اعتقاد به حقوق اساسی انسان به کرامت و ارزش ذاتی هر انسان به حقوق برابر زن و مرد و حقوق ملل اعم از ملل کوچک و یا بزرگ؛

- با آرزوی پیشبرد و تحقق اصول مندرج در چارتر (منشور) سازمان ملل متحد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدام برای نابودی نژادی، کنوانسیون بین المللی ستردن تمام انواع ستم های نژادی کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه امحاء همه نوع عدم تحمل و ستم مبتنی بر اختلاف عقیده و مذهب و کنوانسیون حقوق کودکان و همچنین دیگر

چکیده

راهکارهای مربوطه بین المللی که در سطح جهانی و یا منطقه‌یی و یا بین هر یک از کشور های عضو سازمان ملل متحد تصویب و منعقد گردیده است ؛

- با توجه به مفاد ماده ۲۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر حقوق افراد متعلق به اقلیتهای قومی دینی و زبانی ؛

- با ملاحظه اینکه تامین و حفظ حقوق افراد متعلق به ملتها و اقوام ادیان و زبانهای اقلیت ها منجر به ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهایی که در آن بسر میبرند میشود ؛

- با توضیح این حقیقت که تامین و حفظ مستمر حقوق افراد اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی یکی از شرایط لازم پیشرفت اجتماعی و بطور عام ودر چهارچوب یک دموکراسی مبتنی بر حکومت قانون باعث تقویت مودت و همکاری ساکنین آن کشورها میباشد؛

- با توجه به نقش مهمی که سازمان ملل متحد در حفظ اقلیتها بعهده دارد ؛

- با یادآوری کاریکه در مجموعه سازمان ملل متحد علل الخصوص در کمیسیون حقوق بشر سو (زیر) کمیسیون جلوگیری از ستم به اقلیتها و حفظ آنان و ضمیمه هایالحاقی کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر و دیگر ساز و کارهای مناسب اعلامیه جهانی حقوق بشر برای حفظ و پیشبرد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی و مذهبی و زبانی باید انجام گیرد ؛

- با تکیه بر کار های مهمی که بوسیله حکومتها و موسسات غیر وابسته به حکومتها برای حفظ اقلیتها و پیشبرد و حفظ حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی باید انجام پذیرد ؛ با برسمیت شناختن احتیاج افراد به اطمینان به کارآیی تمهیدات پیشبرد حقوق بشر بین المللی در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی ؛ این بیانیه را در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی یا نژادی دینی و زبانی اعلام میدارد:

ماده ۱

1- ملل عضو موجودیت و هویت اقلیتهای ملی و قومی فرهنگی مذهبی و زبانی را در محدوده مرزهای این اقلیتها حفظ و شرایط حمایت از حفظ هویت آنانرا فراهم خواهند نمود.

2- ملل متبوع کلیه تمهیدات لازم قانونی و تصمیمات ضروری را در جهت نیل به این هدف اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۲

۱- افراد متعلق به اقلیتهای ملی و قومی مذهبی و زبانی (که از این پس اقلیتها خوانده میشوند) در حوزه شخصی و اجتماعی حق دارند که آزادانه بدون هیچ نوع اعمال تبعیض یا مزاحمت از فرهنگ خود برخوردار شده مذهب خود را علنا ابراز داشته و مراسم آنرا انجام دهند و زبان خود را بکار گیرند.

۲- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بگونه‌یی موثر در حوزه های فرهنگی مذهبی اقتصادی، اجتماعی فعال بوده و در زندگانی عمومی شرکت جویند .

چکیده

۳- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بطور موثر در تصمیمات ملی شرکت داشته و در سطح محلی در اقلیتی که به آن تعلق دارند ویا در محلی که در آن زندگی میکنند در تصمیمات (تا آنجائیکه با قوانین ملی در تضاد نباشد) شرکت کنند.

۴- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که انجمنهای مخصوص به خود را ایجاد و راه اندازی نمایند.

۵- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بدون هیچ تبعیض و اجحافی تماسهای آزادانه و صلح آمیز خود را با اعضاء دیگر گروه خود و با افراد دیگری که به اقلیت آنان تعلق دارند برقرار نموده و ادامه دهند و هم چنین با اتباع ملل هم مرز که با آنان قرابت ملی قومی ویا مذهبی و زبانی دارند تماس داشته باشند.

ماده ۳

۱- افراد متعلق به اقلیتها منفردا یا با دیگر افراد گروه به حالت اجتماع میتوانند بدون هیچگونه اعمال تبعیض و اجحاف کلیه حقوق خود را منجمله آنچه که در این بیانیه اعلام شده است اعمال نمایند.

۲- اعمال ویا عدم اعمال حقوق اعلام شده در این بیانیه دارای هیچ نتیجه منفی برای افراد متعلق به اقلیتها نمی باشد.

ماده ۴

۱- ملل متبوع کلیه اقدامات لازم را هر جا که ضروری باشد برای اطمینان افراد متعلق به اقلیتها در تامین به اعمال موثر حقوق انسانی و آزادیهای اساسی آنان و برابری در مقابل قانون بدون هیچگونه اجحاف و تبعیض اعمال خواهند داشت .

۲- ملل متبوع اقدامات لازم را برای خلق شرائط مناسب در مورد افراد متعلق به اقلیتها در جهت ابراز ویژه گیهای آنان و ترویج فرهنگ زبان مذهب سنن ولباسهای آنان اعمال خواهند داشت مگر آنجا که انجام آن مورد خاص باقوانین ملی یا استانداردهای بین المللی مغایرت داشته باشد .

۳- ملل متبوع در صورت امکان باید اقدامات لازم را در اینکه افراد متعلق به اقلیتها فرصتهای مناسبی برای یادگیری زبان مادری ویا دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری خود داشته باشند ایجاد نماید.

۴- ملل متبوع در صورت امکان تمهیدات لازم را در زمینه تحصیل به زبان مادری و تشویق در کسب معلومات تاریخی سنتها زبان و فرهنگی که در درون مرزهای آن اقلیتها وجود دارد اعمال خواهند نمود.

۵- ملل متبوع باید اقدامات لازم را برای شرکت کامل افراد متعلق به اقلیتها در توسعه اقتصادی و پیشرفت ملی در کشورشان بنمایند .

چکیده

ماده ۵

- ۱- سیاستها و برنامه های ملی باید در جهت تحقق بخشیدن به منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند.
 - ۲- برنامه های تعاون و همکاری بین ایالات باید در تحقق بخشیدن به منافع مشروع افراد متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند.
-

ماده ۶

ایالات باید در مسائل مربوط به افراد متعلق به اقلیتها با در نظر گرفتن دیگر مسائل باید در زمینه تبادل اطلاعات و تجارب برای تشویق متقابل و کسب تفاهم و اطمینان در بین آنان نیز کوشا باشند.

ماده ۷

ملل متبوع باید در جهت تحقق حقوق مشروحه در این اعلامیه برای اقلیتها کوشا باشند.

ماده ۸

- ۱- هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید مانع تحقق تعهدات بین المللی ملل متبوع در رابطه با افراد متعلق به اقلیتها باشد. خصوصا ملل متبوع با اعتقاد کامل تعهدات و الزاماتی را که در معاهدات و موافقت نامه های بین المللی پذیرفته اند انجام خواهند داد.
 - ۲- تحقق عملی حقوق مندرج در این اعلامیه نباید مانع بهره وری افراد از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنان شود.
 - ۳- اقدامات انجام شده بوسیله ملل متبوع برای تحقق موثر برخورداری از حقوق اعلام شده در این بیانیه نباید در درجه نخست طوری تفسیر شود که در تخالف با اصل برابری افراد متخذ از اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گیرد.
 - ۴- هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید بنیان هیچ فعالیتی در مخالفت با اهداف و اصول سازمان ملل متحد قرار گیرد علی الخصوص حق ملل در برابری در حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ملل را خدشه دار نماید.
-

ماده ۹

آژانسهای تخصصی و ارگانهای دیگر سازمان ملل متحد باید در تحقق کامل حقوق و اصول مندرج در این بیانیه در حیطه صلاحیت های مربوطه خودشان شرکت نمایند.

پنتاگون: ناو آمریکایی به خلیج فارس باز خواهد گشت

پنتاگون می‌گوید تردد کشتی‌های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس با وجود هشدار ایران ادامه خواهد یافت. پیش‌تر یک فرمانده ارشد نظامی ایران نسبت به بازگشتن ناو هواپیمابری که هفته گذشته از خلیج فارس خارج شد، هشدار داده بود.

سرلشکر عطاالله صالحی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی، روز سه‌شنبه (۱۳ دی / ۳ ژانویه) گفت: «در ابتدای رزمایش [مانور ولایت ۹۰] دیدیم که ناو هواپیمابر آمریکایی از خلیج فارس خارج و با گذر از تنگه هرمز در دریای عمان مستقر شد. به آنها توصیه، هشدار و تذکر می‌دهیم که این ناو به منطقه سابق خود در خلیج فارس برنگردد».

وی تصریح کرد: «ما عادت نداریم تذکر را تکرار کنیم و فقط یکبار تذکر می‌دهیم.» رزمایش "ولایت ۹۰" توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان از سوم دی ماه آغاز شد و روز، سه‌شنبه (۱۳ دی) به پایان رسید.

حضور در خلیج فارس ادامه خواهد یافت

جورج لیتل، سخنگوی مطبوعاتی پنتاگون، در واکنش به سخنان صالحی اعلام کرد: «ایالات متحده آمریکا به حضور نیروی دریایی‌اش در خلیج فارس که بر اساس قوانین بین‌المللی است، ادامه خواهد داد.» وی افزود: «این اقدام برای حفظ امنیت و ثبات و حصول اطمینان از جریان آزاد تجارت دریایی صورت می‌گیرد.» جورج لیتل، سخنگوی مطبوعاتی پنتاگون جورج لیتل در عین حال تاکید کرد که تلاشی برای

چکیده

رویارویی با ایران بر سر تنگه هرمز صورت نمی‌گیرد: «ما علاقه‌مند به آبراهی امن و ایمن برای کشتی‌هایی هستیم که از تنگه هرمز عبور می‌کنند و تمام تلاش‌مان را برای تحقق این امر به کار می‌بندیم». او افزود که «هیچ کس در این دولت [دولت باراک اوباما] قصد ایجاد رویارویی بر سر تنگه هرمز را ندارد. در شرایط کنونی مهم است که از تنش‌ها بکاهیم».

هفته گذشته ناو هواپیمابر "جان سی استنیس" با عبور از تنگه هرمز، از خلیج فارس خارج شد. مقام‌های نظامی ایالات متحده آمریکا اعلام کردند علت جابه‌جایی این ناو انجام ماموریت حمایتی از نظامیان مستقر در افغانستان است. این مقام‌های نظامی می‌گویند این ماموریت سه ماه طول خواهد کشید و پس از آن بار دیگر این ناو هواپیمابر به خلیج فارس باز خواهد گشت.

در همین حال رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه (۱۳ دی/۳ ژانویه) در حاشیه رژه یگان‌های حاضر در رزمایش "ولایت ۹۰" در مورد تهدید ایران هشدار داد، «هر کس با ملت ایران روبرو شود باید هزینه سنگینی بپردازد». سرلشگر حسن فیروزآبادی با تأکید بر «رشد فناوری نظامی و پیشرفت علمی» ایران گفت، «در آینده نزدیک نیز سپاه پاسداران رزمایش ویژه نیروی دریایی برگزار می‌کند».

«تهدیدهای ایران نشانه ضعف است»

ایالات متحده تهدیدهای اخیر ایران را به ضعف این کشور تعبیر می‌کند. جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید، روز سه‌شنبه (۱۳ دی) به وقت محلی گفت که تهران تلاش می‌کند توجه‌ها را از مشکلات داخلی‌اش منحرف کند.

او افزود که تهدیدها نشان می‌دهند که فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی کارساز بوده و ایران در صحنه بین‌المللی منزوی‌تر شده است.

MI/PB

حصول توافق بر سر اصل تحریم نفت ایران در اتحادیه اروپا

به گفته منابع دیپلماتیک در بروکسل، از ماه دسامبر به این سو پیشرفت زیادی در این ارتباط حاصل شده و در مورد تحریم نفتی ایران اجماعی به وجود آمده است. منابع آگاه می گویند مذاکرات در حال حاضر به چگونگی و زمان اجرای تحریم نفتی مربوط می شود. بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا بر سر تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی ایران به «توافقی اصولی» دست یافته اند. خبرگزاری فرانسه از بروکسل، مقر اتحادیه اروپا، به نقل از منابع دیپلماتیک می نویسد در مورد گام زدن در راستای تحریم نفتی جمهوری اسلامی توافقی بر سر اصل مسأله وجود دارد. این منابع افزودند با وجود حصول این توافق اصولی، برای تحقق این امر کار زیادی باید انجام شود. قرار است این مسأله در نشست وزیران امور خارجه کشورهای اتحادیه اروپا، در سی ام ژانویه جاری در بروکسل به بحث گذاشته شود.

به گفته این منابع از ماه دسامبر به این سو پیشرفت زیادی در این ارتباط حاصل شده و در مورد تحریم نفتی ایران اجماعی بوجود آمده است. رویترز نیز به نوبه خود در گزارشی از بروکسل به نقل از منابع اروپایی می نویسد تا پایان ماه جاری این توافق پس از تعیین چند و چون اجرا و تاریخ آغاز آن نهائی خواهد شد. به گفته منابع آگاه مذاکرات در حال حاضر به چگونگی و زمان اجرای تحریم نفتی مربوط می شود. قرار است در روز پنجشنبه جلسه ای با شرکت کارشناسان فنی برای بحث در مورد مسائل تکنیکی این تحریم در بروکسل برگزار شود. در پی انتشار آخرین گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت های هسته ای ایران و ابراز نگرانی آژانس از ابعاد نظامی این فعالیت ها، تحریم نفتی ایران در دستور کار آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

متن کامل کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر

کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران) امروز سه شنبه 13 آبانماه سال 82 با حضور رییس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران، وزیر جمهوری آذربایجان و معاونین وزرای محیط زیست جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان در پایتخت کشورمان امضا شد.

به گزارش خبرنگار محیط زیست خبرگزاری دانشجویان ایران طرفهای متعاقد (جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان) با آگاهی از تخریب محیط زیست دریای خزر در اثر آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیتهای انسانی از جمله تخلیه مواد مضر، خطرناک، مواد زائد و سایر آلودگیهای ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی، با تصمیم راسخ در حفظ منابع زنده دریای خزر برای نسلهای حاضر و آینده، با آگاهی به ضرورت تضمین عدم مضر بودن فعالیتهای مستقر در خشکی برای محیط زیست دریای خزر، با توجه به خطرات ناشی از نوسانات سطح آب که محیط زیست دریای خزر و خصوصیات اکولوژیکی و آب نگاری منحصر به فرد آن را تهدید می کند، با تاکید بر اهمیت حفاظت از محیط زیست دریای خزر و با تصدیق اهمیت

چکیده

همکاری میان دولتهای ساحلی خزر و با سازمانهای بین‌المللی مربوطه، با هدف حفاظت و نگهداری محیط زیست دریایی دریای خزر کنوانسیون تهران را امضا کردند.

بخش اول «مفاد کلی»

ماده 1 «تعاریف»

برای مقاصد این کنوانسیون :

*منظور از «برنامه عملکرد»، برنامه عملکرد برای حفاظت و توسعه پایدار محیط زیست دریای خزر می‌باشد.

*منظور از «طرف متعاقد»، دولت ساحلی خزر می‌باشد که رضایت داده بوسیله این کنوانسیون محدود شود.

*منظور از «تخلیه مواد زاید»، عبارت است از :

- هرگونه انتقال یا دفع عمدی مواد زاید یا سایر مواد ناشی از شناوردها، وسایط نقلیه هوایی، سکوها یا دیگر سازه‌های ساخت بشر

- هرگونه رهاسازی عمدی لاشه شناورها، وسایط نقلیه هوایی، سکوهای بلااستفاده یا دیگر سازه‌های ساخت بشر در دریای خزر

*منظور از «مواد خطرناک»، هرگونه موادی است که ایجاد مسمومیت، سرطان، تغییرات ژنتیکی یا معلولیت ارثی می‌نمایند به ویژه در صورتی که مقاومت باشند.

*منظور از «مرجع ملی»، مرجعی است که هر طرف متعاقد به عنوان مسوول هماهنگ ساختن اقدامات ملی برای اجرای این کنوانسیون و پروتکل‌های آن تعیین نموده است.

[منظور از «سازمان»، سازمان همکاری دولتهای ساحلی دریای خزر برای هماهنگی و اجرای این کنوانسیون و پروتکل‌های آن می‌باشد که در فوریه 1992 در تهران، کشورهای ساحلی دریای خزر با تشکیل آن موافقت نموده‌اند.]

*منظور از «آلودگی ناشی از منابع واقع در خشکی»، آلودگی دریا ناشی از هر نوع منبع مشخص یا نامشخص است که از خشکی، از طریق آب یا هوا یا مستقیماً از ساحل به محیط زیست دریایی وارد می‌شود. این شامل آلودگی ناشی از دفع عمدی از خشکی به بستر دریا از طریق تونل، خطوط لوله یا دیگر وسایل می‌شود.

*منظور از «وضعیت اضطراری زیست محیطی»، یعنی وضعیتی یا تهدید قریب‌الوقوعی که موجب آلودگی جدی یا زیانهای دیگری به محیط زیست دریای خزر شود و آنچه از علل طبیعی مانند: سیلاب یا سایر فعالیت‌های انسانی مانند حوادث صنعتی ناشی شود.

*منظور از «حادثه صنعتی»، حادثه‌ای است که از يك توسعه کنترل نشده در روند هر

چکیده

فعالیتی که مواد خطرناکی را در بردارد ناشی شود؛ خواه در زمان تاسیس، به عنوان مثال در طول ساخت، استفاده، ذخیره، تبادل یا دسترسی، خواه در طول انتقال. «شناور»، به هرگونه شناوری اطلاق می‌گردد که در محیط دریایی فعالیت می‌کند و شامل هاورکرفت، قایق‌های تندرو، زیردریایی‌ها، قایق‌هایی که یدک کشیده می‌شوند، قایق‌های خودرو همچنین سکوها و سایر سازه‌های دریایی انسان ساخت می‌باشد. «گونه‌های غیربومی مهاجم»، یعنی گونه‌های غیربومی که استقرار و انتشار آنها اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌ها یا گونه‌ها را تهدید می‌نماید و آسیب اقتصادی یا زیست محیطی به وجود می‌آورد.

ماده 2 «هدف»

هدف این کنوانسیون، که طبق مفاد مربوطه آن دنبال می‌شود، حفاظت از محیط زیست دریایی خزر از کلیه منابع آلوده کننده و حفاظت، نگهداری، احیا و استفاده منطقی و پایدار از منابع زنده آن می‌باشد.

ماده 3 «دامنه شمول»

این کنوانسیون در مورد محیط زیست دریایی خزر با در نظر گرفتن نوسان سطح آب آن و اراضی متأثر از نزدیکی به دریا اعمال می‌شود.

بخش دوم «تعهدات کلی»

ماده 4 «تعهدات کلی»

طرف‌های متعاقد:

(الف) به صورت فردی یا مشترک کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی خزر اتخاذ خواهند نمود؛

(ب) به صورت فردی یا مشترک، کلیه اقدامات مناسب را برای حفاظت، نگهداری و احیای محیط زیست دریایی خزر اتخاذ خواهند نمود؛

(ج) استفاده از منابع دریایی خزر به شکلی که موجب آسیب به محیط زیست دریایی خزر نشود؛

(د) همکاری با یکدیگر و با سازمان‌های ذیصلاح بین‌المللی به منظور نیل به اهداف این کنوانسیون.

ماده 5 «اصول»

طرف‌های متعاقد در اقدامات خود به منظور رسیدن به اهداف این کنوانسیون و اجرای مفاد آن، از طریق اصول ذیل راهنمایی خواهند شد.

الف) اصل پیشگیرانه، به موجب آن در جایی که یک تهدید جدی یا خسارت جبران‌ناپذیر به محیط زیست دریایی خزر اتفاق افتد، فقدان اطمینان علمی جامع نمی‌تواند به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقداماتی که توجیه اقتصادی دارند، محسوب شود؛

ب) اصل پرداخت آلوده‌کننده، به موجب آن آلوده‌کننده هزینه‌های آلودگی شامل جلوگیری، کنترل و کاهش را بر عهده دارد؛

ج) اصل دسترسی به اطلاعات مربوط به آلودگی محیط زیست دریایی خزر، که طبق آن طرف‌های متعاقد یکدیگر را با حداکثر اطلاعات ممکن در این زمینه تجهیز می‌کنند.

ماده 6 «تعهد به همکاری»

طرف‌های متعاقد به صورت دو یا چند جانبه برای توسعه پروتکل‌های این کنوانسیون که شامل اقدامات، خط‌مشی‌ها و استانداردهای اضافی به منظور اجرای این کنوانسیون است، با یکدیگر همکاری خواهند نمود.

بخش سوم «جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی»

ماده 7 «آلودگی ناشی از منابع واقعی در خشکی»

1- طرف‌های متعاقد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریاز خزر ناشی از منابع واقعی در خشکی به عمل خواهند آورد.

2- طرف‌های متعاقد در توسعه پروتکل‌های این کنوانسیون که شامل اقدامات بیشتری برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی خزر ناشی از منابع واقعی در خشکی می‌باشد همکاری خواهند نمود. چنین پروتکل‌هایی می‌توانند شامل اقدامات ذیل باشد:

الف) جلوگیری، کنترل و کاهش خروج آلاینده‌ها از منابع آلوده‌کننده از طریق بکارگیری تکنولوژی‌هایی که تولید مواد زاید در آنها صفر یا کم می‌باشد؛

ب) جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی ناشی از منابع واقعی در خشکی از طریق صدور مجوز تخلیه آب‌های زاید توسط مراجع ملی ذیصلاح طرف‌های متعاقد؛

ج) اجازه تخلیه آب‌های زاید بر اساس تشویق به استفاده از تکنولوژی‌های ایمن محیط زیستی؛

د) تحمیل توصیه‌های شدیدتر از آنچه که قسمت‌های «ب» و «ج» این ماده آمده، مطابق پروتکل‌های اضافی به این کنوانسیون، در صورتی که کیفیت آب‌های دریایی یا اکوسیستم متاثر از آن در دریایی خطر ایجاد کند؛

ه) بکارگیری انواع تصفیه برای آب‌های زاید شهری در صورت لزوم به صورت مرحله‌ای؛

و) اقدامات مناسب برای کاهش ورود مواد آلی از منابع شهری و صنعتی، نظیر بکارگیری بهترین تکنولوژی ممکن از لحاظ زیست محیطی؛

ز) اقدامات مناسب برای توسعه بهترین رویه‌های زیست‌محیطی برای کاهش ورود مواد آلی و خطرناک از منابع نامعلوم از جمله کشاورزی؛
ح) اقدامات لازم برای حفظ پایداری و تصفیه کامل منابع آلوده کننده ساحلی که ادامه آن تأثیرات منفی بر دریای خزر دارد؛

3- چنانچه تخلیه از آبراهی که در سرزمین‌های دو یا چند طرف متعاهد جریان دارد یا مرز بین آنها را تشکیل می‌دهد احتمال دارد باعث آلودگی دریای خزر شود، طرف‌های متعاهد اقدامات مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل چنین آلودگی انجام خواهند داد و در شرایط مناسب با تاسیس ارگانهای مشترک مسوول در تعیین و حل مسایل بالقوه آلودگی، همکاری خواهند نمود.

ماده 8 «آلودگی ناشی از فعالیت‌های بستر»

طرف‌های متعاهد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی دریای خزر ناشی فعالیت‌هایی که در بستر دریا صورت می‌گیرند، انجام خواهند داد و همکاری آنها در گسترش پروتکل‌های این کنوانسیون در این زمینه تشویق می‌گردد.

ماده 9 «آلودگی ناشی از شناورها»

طرف‌های متعاهد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خطر ناشی از شناورها انجام خواهند داد و در گسترش پروتکل‌ها و موفقیت‌نامه‌های این کنوانسیون که شامل اقدامات توافقی، خط‌مشی‌ها و استانداردهای موثر می‌باشد، با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی مربوطه همکاری خواهند نمود.

ماده 10 «آلودگی ناشی از مواد زائد»

1- طرف‌های متعاهد کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری، ممانعت، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر ناشی از تخلیه مواد زائد شناورها و وسایط نقلیه هوایی که در سرزمین خود ثبت شده یا با پرچم آن پرواز می‌کنند، به عمل خواهند آورد.

2- طرف‌های متعاهد در توسعه پروتکل‌های این کنوانسیون و اقدامات توافق شده، آیین کار و استانداردهایی که برای آن موثر است همکاری خواهند نمود.

3- زمانی که امنیت کشتی یا هواپیما در دریا در اثر تخریب یا از دست دادن کامل کشتی یا هواپیما در حال تهدید است یا در مواردی که خطری انسان یا حیات دریایی را تهدید کند، چنانچه تخلیه مواد زائد تنها راه دفع تهدید است و اگر احتمال دارد که عواقب خسارت این تخلیه، کمتر از حوادث دیگر است، مفاد این ماده به کار گرفته نخواهد شد. چنین تخلیه‌هایی باید طوری هدایت شوند که احتمال آسیب رساندن به انسان یا حیات دریایی را به حداقل

چکیده

رساند یا موجب کاهش محدودیت‌های استفاده معقول از دریا باشد؛ این تخلیه‌ها باید گزارش شوند و در مورد آنها طبق مفاد پروتکل‌هایی که در پاراگراف دوم این ماده به آنها اشاره شده عمل شود.

ماده 11 «آلودگی ناشی از سایر فعالیت‌های انسان»

1- طرف‌های متعاقد کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی خزر ناشی از سایر فعالیت‌های انسانی که در موارد 7 تا 10 مورد اشاره قرار نگرفته‌اند، از جمله احیای اراضی و لایروبی سواحل و سدسازی به عمل خواهند آورد.

2- طرف‌های متعاقد کلیه اقدامات مناسب را برای کاهش تأثیرات منفی احتمالی اقداماتی که منشأ انسانی دارند را به منظور کم کردن عواقب نواسان سطح دریا بر اکوسیستم دریایی خزر انجام خواهند داد.

ماده 12 جلوگیری از ورود، کنترل و از بین بردن گونه‌های غیربومی مهاجم»

طرف‌های متعاقد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری از ورود گونه‌های غیربومی مهاجم به دریایی خزر و کنترل و مبارزه با آنها که تهدیدی برای اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌ها و گونه‌ها می‌باشند، به عمل خواهند آورد.

ماده 13 «موارد اضطراری زیست محیطی»

1- طرف‌های متعاقد ضمن انجام کلیه اقدامات مناسب، برای حفاظت از انسان و محیط زیست دریایی در مقابل عواقب موارد اضطراری طبیعی یا انسانی همکاری خواهند نمود. به همین منظور، اقدامات پیشگیرانه، آمادگی و متقابل از جمله اقدامات احیا کننده خواهند بود.

2- به منظور اقدامات جلوگیری کننده و ایجاد اقدامات آمادگی، طرف متعاقد اصلی، فعالیت‌های خطرناکی را که قادر به ایجاد شرایط اضطراری زیست محیطی هستند در درون قلمرو خویش مشخص خواهد کرد و همچنین تضمین می‌نماید که سایر طرف‌های متعاقد از چنین پیشنهادها یا فعالیت‌های موجود آگاهی پیدا کنند.

طرف‌های متعاقد موافقت می‌نمایند که ارزیابی تأثیرات محیط زیستی فعالیت‌های خطرناک و اقدامات مربوط به کاهش خطرپذیری را انجام دهند.

3- طرف‌های متعاقد برای ایجاد سیستم‌های هشدار دهنده حوادث صنعتی و وضعیت‌های اضطراری محیط زیستی همکاری خواهند نمود. در صورت بروز یک حادثه اضطراری زیست محیطی یا تهدید قریب‌الوقوع یک حادثه، طرف متعاقد اصلی تضمین می‌کند که طرف‌های متعاقدی که احتمالاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد را بدون تأخیر در سطوح مناسب مطلع گرداند.

4- طرف‌های متعاقد کلیه اقدامات لازم را برای تاسیس و نگهداری تمهیدات لازم برای مواقع اضطراری از جمله فراهم آوردن تجهیزات کافی و پرسنل کارآمد و آماده در هنگام بروز شرایط اضطراری، به عمل خواهند آورد.

بخش چهارم «حفاظت، نگهداری و احیای محیط زیست دریایی»

ماده 14 «حفاظت، نگهداری و احیای منابع زنده دریایی»

1- طرف‌های متعاقد توجه ویژه‌ای نسبت به حفاظت، نگهداری، احیا و استفاده منطقی از منابع زنده دریایی خواهند داشت و تمامی اقدامات لازم را بر اساس علمی‌ترین مدارک قابل دسترس در موارد ذیل به عمل خواهند آورد:

الف) توسعه و افزایش بالقوه منابع زنده جهت نگهداری، احیا و استفاده منطقی از موازنه زیست محیطی با در نظر گرفتن نیازهای انسانی در مورد تغذیه و برآوردن اهداف اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حفظ و احیای جمعیت گونه‌های دریایی در سطحی که بتواند حداکثر محصول پایدار و با کیفیت مطلوب را توسط عوامل زیست محیطی و اقتصادی مربوطه و با در نظر گرفتن روابط بین گونه‌ها تولید کند؛

ج) تضمین اینکه گونه‌های دریایی بوسیله بهره‌برداری بیشتر در معرض خطر نیستند، در بردارند؛

د) ترویج توسعه و استفاده از تورهای ماهیگیری انتخابی و شیوه‌هایی که حداقل تلفات را در صید گونه‌های مورد هدف و گونه‌هایی که مورد هدف نیستند، در بردارند؛

ه) حفاظت، نگهداری و احیا گونه‌های کمیاب، بومی و در معرض خطر؛

ی) حفاظت از تنوع گونه‌ای و زیستگاه‌های گونه‌های کمیاب بومی و گونه‌های در معرض خطر مانند اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر؛

2- طرف‌های متعاقد در توسعه پروتکل‌ها به منظور به عهده گرفتن اقدامات لازم برای حفاظت، نگهداری و احیای منابع زنده دریایی همکاری خواهند نمود.

ماده 15 «مدیریت مناطق ساحلی»

طرف‌های متعاقد سعی خواهند نمود تمامی اقدامات لازم را جهت توسعه و اجرای برنامه‌ها و راهبردهای ملی برای مدیریت و برنامه‌ریزی اراضی متأثر از نزدیکی‌شان به دریا، به عمل آورند.

ماده 16 «نوسان سطح آب دریایی خزر»

طرف‌های متعاقد در زمینه توسعه پروتکل‌های این کنوانسیون مبنی بر به عهده گرفتن تحقیقات

علمی مورد نیاز تا آنجا که عملی است و اقدامات و رویه‌های توافق شده جهت ارزیابی تأثیرات نوسان سطح آب دریای خزر همکاری خواهند نمود.

بخش پنجم «خط مشی‌ها»

ماده 17 «ارزیابی اثرات زیست محیطی»

1- هر يك از طرف‌هاي متعاقد كليه اقدامات لازم را براي شروع و به كارگيري خط مشي‌هاي ارزيابي اثرات زيست محيطي هر نوع فعاليتي كه احتمالا تاثير زيان آور مهمي بر محيط زيست دريائي خزر دارد، به عمل خواهند آورد.

2- هر يك از طرف‌هاي متعاقد كليه اقدامات لازم را جهت انتشار نتايج ارزيابي‌هاي زيست محيطي كه طبق پاراگراف يك اين ماده انجام شده، براي ساير طرف‌هاي متعاقد انجام خواهند داد.

3- طرف‌هاي متعاقد در گسترش پروتكل‌هايي كه خط مشي ارزيابي اثرات محيط زيستي دريائي خزر را در چارچوب فرامرزي تعيين مي‌كند، همكاري خواهند نمود.

ماده 18 «همكاري بين طرف‌هاي متعاقد»

1- طرف‌هاي متعاقد با توجه به نيازها و با توجه به رويه‌هاي بين‌المللي رايج جهت جلوگيري کاهش و كنترل آلودگي و حفاظت، نگهداري و احياي محيط زيست دريائي خزر در تدوين، تكميل و تطبيق قوانين، استانداردها، رويه‌هاي توصيه شده و خط مشي‌هاي سازگار با اين كنوانسيون همكاري خواهند نمود.

2- طرف‌هاي متعاقد در تنظيم يك برنامه عملياتي جهت حفاظت محيط زيست دريائي خزر، به منظور جلوگيري، کاهش و كنترل آلودگي و حفاظت، نگهداري و احياي محيط زيست دريائي همكاري خواهند نمود.

3- طرف‌هاي متعاقد به صورت انفرادي يا مشترك در اجراي تعهدات خود كه در پاراگراف‌هاي 1 و 2 اين ماده شرح داده شده اقدام خواهند كرد، از جمله:

الف) جمع‌آوري، گردآوري و ارزيابي اطلاعات براي تشخيص منابعي كه باعث آلودگي دريائي خزر مي‌شوند يا احتمال دارد موجب آلودگي در دريائي خزر شوند و تبادل اطلاعات ميان طرف‌هاي متعاقد به طور مناسب؛

ب) توسعه برنامه‌ها جهت پايش كيفيت و كميت آب؛

ج) توسعه برنامه‌هاي فوق‌العاده براي موارد اضطراري آلودگي؛

د) تشریح محدودیت‌های خروج، نشر و تخلیه مواد زاید و ارزیابی تأثیر برنامه‌های کنترل؛

ه) تشریح اهداف مربوط به کیفیت آب و پیشنهاد اقدامات مرتبط برای حفظ و در صورت

چکیده

لزوم بهبود کیفیت آبهای موجود؛

و) توسعه برنامه‌های عملیاتی هماهنگ شده برای کاهش بار آلودگی ناشی از مناطق شهری و صنعتی و منابع انتشار آلودگی از جمله پسابهای کشاورزی، شهری و سایر پسابها؛

ماده 19 «پایش»

1- طرف‌های متعاقد برای ایجاد و اجرای برنامه‌های انفرادی و یا مشترک به منظور پایش شرایط زیست محیطی دریای خزر تلاش خواهند نمود.

2- طرف‌های متعاقد نسبت به تهیه فهرستی از عوامل آلاینده که در درون دریای خزر تخلیه و متمرکز می‌شوند و به طور منظم قابل پایش می‌باشند، توافق خواهند کرد.

3- طرف‌های متعاقد در فواصل منظم، ارزیابی‌های انفرادی یا مشترکی از شرایط محیط زیستی دریای خزر انجام خواهند داد و تاثیر اقدامات مربوط به جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی محیط زیست دریاز خزر را بررسی خواهند کرد.

4- به همین منظور، طرف‌های متعاقد در هماهنگ کردن قوانین جهت ایجاد و اجرای برنامه‌های پایش، سیستم‌های اندازه‌گیری، روش‌های تجزیه، پردازش اطلاعات و ارزش گذاری خطر مشی‌ها در کیفیت اطلاعات، تلاش خواهند نمود.

5- طرف‌های متعاقد یک پایگاه اطلاعات متمرکز و یک سیستم مدیریت اطلاعات را با کارکردی به عنوان مخزن کلیه اطلاعات مربوطه، پایه‌ای برای تصمیم‌گیری و یک منبع کلی از اطلاعات و آموزش برای متخصصان، مدیران و عموم مردم، توسعه خواهند داد.

ماده 20 «تحقیق و توسعه»

طرف‌های متعاقد در هدایت تحقیق و توسعه روش‌های موثر برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر همکاری خواهند کرد؛ بدین منظور طرف‌های متعاقد در تلاش برای راه‌اندازی یا تقویت برنامه‌های تحقیقاتی ویژه همکاری خواهند نمود از جمله در:

الف) توسعه روش‌های ارزیابی سمیت مواد مضر و تحقیق درباره نحوه تاثیر آنها بر محیط زیست دریای خزر؛

ب) توسعه و بکارگیری تکنولوژی‌های ایمن و بی‌خطر از لحاظ زیست محیطی؛

ج) از بین بردن تدریجی یا جانشین کردن سایر مواد با موادی که احتمالاً باعث آلودگی می‌شوند؛

د) توسعه روش‌های ایمن و بی‌خطر از لحاظ زیست محیطی در انتقال مواد خطرناک؛

ه) توسعه روش‌های ایمن و بی‌خطر از لحاظ زیست محیطی در امور مربوط به سازه‌های آبی و مهار آب؛

و) ارزیابی خسارات مالی و فیزیکی ناشی از آلودگی‌ها؛
ز) بهبود دانش به رژیم هیدرولوژیکی و پویایی اکوسیستم دریای خزر شامل نوسان سطح دریا و تاثیرات چنین نوساناتی بر اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی؛
ح) مطالعه میزان تشعشع و سطوح رادیواکتیویته در دریای خزر.

ماده 21 «تبادل و دسترسی به اطلاعات»

1- طرف‌های متعاقد طبق مفاد این کنوانسیون به طور مستقیم یا از طریق دبیرخانه، به تبادل منظم اطلاعات پایه خواهند پرداخت.

2- طرف‌های متعاقد بر طبق مقررات ملی خود و با توجه به مفاد موافقتنامه‌های بین‌المللی موجود در ارتباط با دسترسی عموم به اطلاعات زیست‌محیطی، جهت تامین دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به شرایط زیست‌محیطی دریای خزر و اقدامات یا برنامه‌های انجام شده در جهت جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی این دریا، تلاش خواهند نمود.

بخش ششم «ترتیبات سازمانی»

ماده 22 «اجلاس طرف‌های متعاقد»

- 1- اجلاس طرف‌های متعاقد بدینوسیله ایجاد می‌شود.
- 2- اجلاس طرف‌های متعاقد شامل یک نماینده از هر کدام از طرفین متعاقد می‌باشد که حق یک رای را دارد و هر نماینده می‌تواند توسط یک یا چند مشاور همراهی شود.
- 3- اولین جلسه اجلاس طرف‌های متعاقد باید حداکثر تا دوازده ماه پس تاریخ اجرای این کنوانسیون تشکیل شود. پس از آن اجلاس طرف‌های متعاقد در فواصل منظم، مطابق آنچه که در اولین جلسه تعیین می‌شود، برگزار خواهد شد.
- 4- جلسات اجلاس طرف‌های متعاقد در مواردی که از نظر اجلاس طرف‌های متعاقد ضروری باشد یا براساس درخواست کتبی یکی از طرف‌ها در صورتی که توسط حداقل دو طرف متعاقد دیگر حمایت شود، برگزار خواهد شد.
- 5- جلسات اجلاس طرف‌های متعاقد می‌بایست به صورت دوره‌ای و بر اساس نام کشورهای متعاقد به ترتیب حروف الفبای انگلیسی، در هر کشور یا در مکان دبیرخانه برگزار گردد.
- 6- ریاست اجلاس طرف‌های متعاقد می‌بایست به نوبت و بر اساس نام کشورهای متعاقد به ترتیب حروف الفبای انگلیسی به ایشان واگذار گردد. در صورت خالی ماندن مسند ریاست، طرف متعهده‌ای که ریاست اجلاس را بر عهده دارد، می‌بایست جانشینی را تا پایان دوره ریاست آن طرف متعاقد مشخص نماید.
- 7- {زبانهای کاری اجلاس طرف‌های متعاقد انگلیسی، فارسی و روسی خواهد بود.}

چکیده

- 8- تمامی تصمیمات اجلاس طرف‌های متعاقد بر اساس اتفاق آرا اتخاذ خواهد شد.
- 9- اجلاس طرف‌های متعاقد در اولین جلسه خود درباره این موارد تصمیم می‌گیرند:
- الف) تاسیس سایر نهادهای کنوانسیون در صورت لزوم؛
- ب) توافق درباره امور مربوط به دبیرخانه دائمی اجلاس، از جمله محل و کارکنان آن؛
- ج) مقررات آیین کار و مقررات مالی خود و ارگانهای فرعی؛
- 10- وظایف اجلاس طرف‌های متعاقد شامل موارد ذیل می‌باشد:
- الف) نظارت بر اجرای کنوانسیون و پروتکل‌های آن؛
- ب) نظارت بر محتویات کنوانسیون و پروتکل‌های آن؛
- ج) بررسی و تصویب پروتکل‌های الحاقی یا هرگونه اصلاحیه به کنوانسیون یا پروتکل‌های آن و تصویب و اصلاح ضمایم این کنوانسیون و پروتکل‌های آن؛
- د) دریافت و بررسی گزارش‌هایی که توسط طرف‌های متعاقد ارائه شده و بررسی و ارزیابی وضعیت محیط زیست دریایی بویژه وضعیت آلودگی و اثرات آن بر اساس گزارش‌هایی که توسط طرف‌های متعاقد و سازمانها صلاحیت‌دار منطقه‌ای یا بین‌المللی تهیه شده؛
- ه) بررسی گزارش‌هایی که توسط دبیرخانه راجع به موضوعات مربوط به این کنوانسیون تهیه شده؛
- و) در صورت لزوم جستجوی خدمات مالی و فنی ارگانهای بین‌المللی مربوطه و نهادهای علمی برای پیگیری اهداف این کنوانسیون؛
- ز) ایجاد ارگانهای فرعی برای اجرای کنوانسیون و پروتکل‌های آن در صورتی که لازم باشد؛
- ح) انتخاب دبیر اجرایی و سایر پرسنل در صورت نیاز، با توجه به عادلانه بودن تعداد نمایندگان طرف‌های متعاقد؛
- انجام سایر کارهایی که برای رسیدن به اهداف کنوانسیون لازم است.**
- ماده 23 «دبیرخانه کنوانسیون»**
- 1- دبیرخانه کنوانسیون بدینوسیله ایجاد می‌شود.
- 2- دبیرخانه می‌بایست شامل دبیر اجرایی کنوانسیون و پرسنل لازم برای انجام وظایفی که از این پس مشخص می‌گردند، می‌باشند.
- 3- دبیر اجرایی، ریاست امور اداری دبیرخانه کنوانسیون و انجام وظایف مربوطه را که توسط اجلاس طرف‌های متعاقد و بر اساس قوانین اجرایی و مالی مورد تایید آن تعیین شده،

چکیده

بر عهده خواهد داشت .

4- وظایف دبیرخانه شامل:

الف) ترتیب دادن و فراهم نمودن تدارکات جلسات اجلاس طرفهای متعاقد و ارگانهای فرعی آن؛

ب) تهیه و ارسال اعلامیه‌ها، گزارشها و سایر اطلاعات دریافت شده به طرفهای متعاقد؛

ج) بررسی درخواستها و اطلاعات دریافتی از طرفهای متعاقد و مشورت با آنها در خصوص موضوعات مربوط به اجرای کنوانسیون و پروتکل‌های آن؛

د) تهیه و ارسال گزارش موضوعات مربوط به اجرای کنوانسیون و پروتکل‌های آن؛

ه) تاسیس و نگهداری پایگاه اطلاعات و انتشار قوانین ملی طرفهای متعاقد و حقوق بین‌الملل مربوط به حفاظت از دریای خزر؛

و) ایجاد ترتیب لازم برای تامین کمک‌ها و توصیه‌های فنی برای اجرای موثر کنوانسیون و پروتکل‌های آن، در صورت تقاضای هر یک از طرفهای متعاقد؛

ز) اجرای وظایفی که ممکن است طبق پروتکل‌های این کنوانسیون تعیین شود؛

ح) همکاری مناسب با سازمانها و برنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛

ی) انجام سایر وظایفی که ممکن است توسط کنفرانس طرفها تعیین گردد؛

بخش هفتم «پروتکلها و ضمایم»

ماده 24 «تصویب پروتکل‌ها»

1- هر یک از طرف‌ها متعاقد می‌توانند پروتکل‌هایی را برای این کنوانسیون پیشنهاد نمایند. این پروتکل‌ها به اتفاق آرا در جلسه‌ای از جلسات اجلاس طرفهای متعاقد به تصویب خواهد رسید. چنانچه در متن پروتکل‌ها برای تصویب، روش دیگری ابداع نشده باشد، پس آن که تمامی طرفهای متعاقد طبق مفاد قانون اساسی خود، آنها را تصویب یا با آنها موافقت نمایند، لازم‌الاجرا خواهد شد. پروتکل‌ها جز لاینفک کنوانسیون خواهند بود.

2- حداقل شش ماه قبل از تشکیل جلسه طرف‌های متعاقد برای طرح یا تصویب هر پروتکل، متن آن توسط دبیرخانه به اطلاع طرف‌های متعاقد خواهد رسید .

ماده 25 «تصویب ضمایم و اصلاحات»

1- ضمایم این کنوانسیون یا هر یک از پروتکل‌های آن جز لاینفک کنوانسیون یا پروتکل می‌باشد مگر آنکه صریحا روش دیگری پیش‌بینی شده باشد. اشاره به این کنوانسیون یا پروتکل‌های آن در عین حال اشاره به ضمایم مربوطه می‌باشد. چنین ضمایمی محدود به آیین‌نامه‌ها و موضوعات علمی، فنی و اداری خواهد بود.

2- ضمائیم این کنوانسیون یا هر يك از پروتكل‌هاي آن بر طبق آيين‌نامه وضع شده در ماده 24 پيشنهاد و تصويب خواهد شد .

3- پيشنهاد، تصويب و لازم‌الاجرا شدن اصلاحيه‌هاي ضمايم این کنوانسیون یا هر يك از پروتكل‌ها تابع آيين‌نامه‌اي خواهد بود که جهت پيشنهاد، تصويب و لازم‌الاجرا شدن ضمايم این کنوانسیون یا ضمايم پروتكل‌ها در نظر گرفته شده است.

4- هر ضميمه یا اصلاحيه آن که مربوط به اصلاح این کنوانسیون یا هر يك از پروتكل‌ها باشد ضميمه یا اصلاحيه لازم‌الاجرا نخواهد شد مگر زماني که اصلاحيه کنوانسیون یا پروتكل مربوطه لازم‌الاجرا شود.

بخش هشتم «اجرا و قبول»

ماده 26 «اجراي کنوانسیون»

1- هر يك از طرفهاي متعاقد براي همکاري در اجراي مفاد این کنوانسیون در سرزمين خود و تحت اختيار خود، يك مرجع ملي در نظر مي‌گيرد.

2- مفاد این کنوانسیون تأثيري بر حقوق طرفهاي متعاقد به صورت انفرادي یا مشترک در تصويب و اجراي اقدامات صريح تر از آنچه در این کنوانسين آورده شده است، نخواهد داشت.

ماده 27 «گزارشها»

هر مرجع ملي گزارشهاي مربوط به اقدامات انجام گرفته در خصوص اجراي مفاد این کنوانسیون و پروتكل‌هاي آن را در فواصل منظمي که توسط کنفرانس طرفها تعيين مي‌شود ارايه خواهد نمود. دبیرخانه گزارشهاي رسیده براي تمامی طرفهاي متعاقد منتشر خواهد کرد.

ماده 28 «اجرا و قبول»

طرفهاي متعاقد جهت اطمینان از اجراي مفاد این کنوانسیون یا پروتكل‌هاي آن، در گسترش خط مشي‌ها همکاري خواهند کرد.

ماده 29 «مسئولیت و جبران خسارت»

هر يك از طرفهاي متعاقد با در نظر گرفتن اصول مربوطه و ضوابط حقوق بين‌الملل، متعهد به گسترش قوانين و آيين کار مناسب در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارات وارده به محيط زيست درياي خزر ناشي از نقض مفاد این کنوانسیون و پروتكل‌هاي آن خواهند بود.

ماده 30 «حل اختلاف»

1- در صورت بروز اختلاف بين طرفهاي متعاقد در ارتباط با اجرا یا تفسير کنوانسیون یا

پروتکل‌های آن، طرف‌های کنوانسیون از طریق مذاکره یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز به انتخاب خود برای رفع اختلاف اقدام خواهند کرد.

بخش نهم «مواد نهایی»

ماده 31 «امضاء، تصویب، پذیرش، موافقت و الحاق»

1- کنوانسیون برای امضای دولتهای ساحلی خزر از تاریخ 4 نوامبر 2003 تا 3 نوامبر 2004 مفتوح خواهد بود.

2- کنوانسیون به تصویب، پذیرش یا موافقت دولتهای ساحلی خزر خواهد رسید. کنوانسیون برای الحاق هر یک از دولتهای ساحلی خزر طبق قوانین ملی آن کشور از تاریخی که کنوانسیون برای امضا بسته شده، مفتوح خواهد بود.

3- اسناد تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق در نزد امین به امانت گذاشته می‌شود.

ماده 32 «حق شرط»

این کنوانسیون هیچ حق شرطی ندارد.

ماده 33 «لازم‌الاجرا شدن»

کنوانسیون 90 روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق توسط تمامی دولتهای ساحلی خزر لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده 34 «اصلاح کنوانسیون و پروتکلها»

1- هر یک از طرف‌های متعهد می‌توانند جهت اصلاح این کنوانسیون یا هر یک از پروتکلها پیشنهاد دهد. این اصلاحات باید در جلسه اجلاس طرف‌های متعهد از طریق اتفاق آراء به تصویب رسد.

2- متن پیشنهادی اصلاحیه کنوانسیون یا هر پروتکلی به دبیرخانه ارائه خواهد شد و دبیرخانه حداقل 90 روز قبل از جلسه تصویب اصلاحیه پیشنهاد شده، آن را به اطلاع تمامی طرف‌های متعهد خواهد رساند.

ماده 35 «امین کنوانسیون»

جمهوری اسلامی ایران وظایف امین را خواهد پذیرفت.

ماده 36 «متون معتبر»

این کنوانسیون به زبانهای فارسی، آذری، روسی، قزاقی، ترکمنی و انگلیسی بوده و تمامی متون دارای اعتبار یکسان می‌باشند و نزد امین به امانت گذاشته خواهند شد.

در صورت بروز اختلاف در تغییر یا کاربری این کنوانسیون یا پروتکل‌های آن، متن انگلیسی به عنوان متن اصل قلمداد خواهد شد.

ماده 37 «در رابطه با مذاکرات وضعیت حقوقی دریای خزر» هیچ گونه تفسیری از این کنوانسیون برای پیش قضاوت در مورد نتایج مذاکرات مربوط به وضعیت نهایی رژیم حقوقی دریای خزر جایز نیست.

طنین صدای ما را رساتر کنید



http://www.mpliran.com/2012/01/blog-post_04.html

امنیت ملی را چه کسانی به خطر می اندازند ؟
مادران یا حاکمان ؟

اقلیت حاکم بر ایران، روز به روز حلقه فشار و سرکوب را بر گروهها، سازمانها، احزاب، فعالان اجتماعی و حتا مردم عادی تنگتر و تنگتر کرده و دیکتاتوری و استبداد خود را به

چکیده

شکلی وحشیانه تر اعمال میکند. در حالی که مردم حق نفس کشیدن ندارند و بسیاری از آزادی خواهان تنها به جرم حقتلایی؛ زندانی، مفقود، مجروح و کشته می شوند و خانواده‌هایشان حق هیچ گونه شکایت و پیگیری واقعی را ندارند.

در حالی که شکنجه‌گران و قاتلان، آزادانه به جنایتهای خود ادامه میدهند، زنان و مادرانی که برای رسیدن به حداقل حقوق انسانی و اجتماعی خود و یا برای دفاع از حقوق قانونی خود و فرزندان‌شان حاضر به سکوت نشده اند، بارها مورد آزار و تهدید قرار می گیرند؛ یا به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، مورد محاکمه قرار گرفته و با اتهامات بی اساس و مجازات های سنگین در بیدادگاه ها مجرم قلمداد می شوند؛ هم اکنون نیز دو نفر از آنان در زندان به سر می برند .

ژیلا مهدویان مادر حسام ترمسی به جرم دادخواهی از وضعیت فرزندش و همدردی با مادران عزادار به پنج سال زندان، سه سال تعزیری و دو سال تعلیقی و دخترش مریم نجفی نیز به دو سال حبس، یک سال و نیم تعلیقی و شش ماه تعزیری محکوم شده است. حسام پسرش، جوانی است که برای همراهی با جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ یک سال زندان را تحمل کرد و پس از آزادی با وضعیتی مشکوک بیمار شد و هنوز هیچ کس نمی داند که علت بیماری او پس از آزادی از زندان چه بوده است.

ژیلا کرم زاده مکوندی ، شاعر و از حامیان مادران عزادار، به جرم همدردی و سرودن شعر برای مادران و جان باختگان به چهار سال حبس، دو سال تعزیری و دو سال تعلیقی محکوم شده و در تاریخ ۶ دی ماه برای اجرای حکم ، بازداشت و روانه زندان شده است. لیلا سیف الهی، پزشک و از حامیان مادران عزادار، نیز به چهار سال حبس، دو سال تعزیری و دو سال تعلیقی محکوم شده است.

اکرم نقابی، مادر سعید زینالی به جرم پیگیری وضعیت فرزندش به مدت دو ماه زندانی شده و محاکمه شده است. سعید دانشجویی بود که در ۲۳ تیر ۱۳۷۸ مقابل چشمان خانواده اش در منزل بازداشت و رپوده شد و تا به حال هیچ مقام مسئولی پاسخی مبنی بر زنده بودن یا کشته شدن او نداده است .

پروین مخترع، مادر کوهیار گودرزی به جرم پیگیری وضعیت فرزندش به ۲۳ ماه حبس تعزیری محکوم و زندانی شده است. کوهیار دانشجو و فعال حقوق بشر است که هم اکنون در زندان به سر می برد .

منصوره بهکیش، از خانواده های جان باختگان دهه ۶۰ است که شش تن از خانواده اش کشته شده اند. او نیز به جرم دادخواهی و همدردی با مادران عزادار و حضور در خاوران و بهشت زهرا، بارها احضار و مورد اذیت و آزار قرار گرفته است و در آخرین بازداشت یک ماه را در حبس گذرانده است و نهایتاً در ۴ دی ماه ، توسط قاضی صلواتی محاکمه و در انتظار حکم نهایی است.

چکیده

نادر احسنی، یکی دیگر از حامیان مادران پارک لاله، پس از تحمل یک سال زندان و پس از آزادی، دوباره به دادگاه احضار و به دو سال حبس تعزیری محکوم شده است. تعدادی دیگر از مادران و خانواده های جان باختگان و حامیان، بارها احضار، بازداشت و محاکمه شده و در وضعیتی بلا تکلیف بسر می برند و تعدادی دیگر از آنها نیز بارها مورد بازخواست قرار گرفته یا تهدید شده اند.

هم چنین خانم "فاطمه الوندی" مادر مهدی محمودیان، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج نیز ۱۳ دی ماه، توسط ماموران امنیتی بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفته و سپس آزاد شده است. نامبرده طی دو سال گذشته بارها از طریق دادستانی پیگیر مرخصی استعلاجی برای فرزند بیمارش بوده است.

می پرسیم: کدامیک از خواسته ها و حرکت های مادران و حامیان، غیرقانونی بوده که امنیت ملی کشور به خطر افتاده است؟

جز اینکه پیگیری وضعیت فرزند در هر دین و آیین و قانونی، حق هر مادری و همراهی و حمایت از مادران، وظیفه ی تک تک فرزندان جامعه جهانی است.

حاکمان، امنیت ملی را امنیت اوباش، قاتلان و شکنجهگران می دانند و به همین دلیل این چنین از حرکت مادران به وحشت افتاده اند و به اشکال مختلف آنها را مورد اذیت و آزار قرار می دهند.

ما مادران پارک لاله و حامیان در سرتاسر دنیا، ضمن پافشاری بر سه خواسته اصلی خود مبنی بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی - عقیدتی، لغو مجازات اعدام و محاکمه عادلانه و علنی آمران و عاملان کشتارهای سی و سه سال گذشته؛ از مردم آزادیخواه و نهادهای حقوق بشری می خواهیم برای آزادی پروین مخترع و ژیلدا کرم زاده مکوندی و توقف فشار بر مادران دادخواه و حامیانشان در ایران، ما را همراهی و طنین صدای ما را رساتر کنند. مادران پارک لاله و حامیان در داخل و خارج از کشور

تایید حکم پنج سال حبس مهدی معتمدی مهر، عضو نهضت آزادی ایران

حکم بدوی پنج سال حبس تعزیری مهدی معتمدی مهر مسوول کمیته آموزش و پژوهش نهضت آزادی ایران، از سوی شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر دادگاه انقلاب تهران تایید و قطعی شد.

بنا به گزارش‌های رسیده به جرس، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی مقیسه ۲۸ بهمن ماه گذشته پس از برگزاری دادگاهی یک ساعته، مهدی معتمدی مهر را به اتهام عضویت در نهضت آزادی ایران، شرکت در تجمع روز عاشورای ۸۸ و نوشتن مقالات انتقادی، به پنج سال حبس تعزیری محکوم کرده بود که این حکم، پس از اعتراض جهت تجدید نظر به شعبه ۵۴ دادگاه یاد شده ارسال و پس از مدتی، ضمن تایید و قطعیت حکم صادره بدوی، پرونده به اجرای احکام زندان اوین ارجاع شده است.

این عضو کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، نخستین بار در فروردین ۸۸ به بهانه نقش داشتن در تنظیم و انتشار بیانیه درخواست نظارت بین‌المللی در انتخابات دهم ریاست جمهوری بازداشت و پس از ۴۵ روز حبس انفرادی به قید کفالت آزاد شد و بار دوم، پس از

وقایع عاشورای ۸۸ به اتهام شرکت در این تجمع، بازداشت و پس از حدود دو ماه در دهم اسفند همان سال آزاد شد. اخیراً این عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران اقدام به انتشار علنی نامه‌ای به وزیر اطلاعات نمود که ضمن اشاره صریح به ضرب و شتم وی در دوران بازداشت، حکایت از استمرار رفتار غیرقانونی بازجویان آن وزارتخانه پس از آزادی و اعمال فشارهای روانی در برخورد با ایشان و سایر اعضای نهضت آزادی ایران دارد. ورود به حوزه خصوصی زندگی فردی، توهین، افتراء، تهدید به مرگ از جمله موارد فشارهای روانی است که معتمدی مهر در این نامه افشا کرده و از «بازتولید خط سعید امامی و رویکردی در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی» خبر داده بود. در حال حاضر، محمد توسلی - رییس دفتر سیاسی - محسن محقق، امیر خرم و محمد فرید طاهری اعضای شورای مرکزی و عماد بهاور رییس شاخه جوانان نهضت آزادی ایران با اتهاماتی مشابه در زندان اوین به سر می‌برند. همچنین دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران، چندی پیش به هشت سال زندان محکوم گردید.

ساعاتی پس از ترور مصطفی احمدی‌روشن معاون بازرگانی مرکز اتمی نطنز،

سخنگوی وزارت خارجه ایران ضمن متهم کردن اسرائیل به دست داشتن در ترور معاون بازرگانی سایت نطنز، از پیگیری این حادثه در سازمان‌های بین‌المللی خبر داد. دبیر ستاد حقوق بشر هم به کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نامه نوشته است. ساعاتی پس از ترور مصطفی احمدی‌روشن معاون بازرگانی مرکز اتمی نطنز، سخنگوی وزارت خارجه ایران خواستار موضع‌گیری روشن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد این حادثه شد. رامین مهمانپرست در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا گفت: «هر ارگان یا سازمان بین‌المللی، بویژه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی موضعی صریح و شفاف (...) نداشته باشد و حرکت جدی در مقابله با این روش‌های تروریستی اتخاذ نکند، با سکوت خود با این اقدام همراهی می‌کند و باید در مقابل ملت‌های جهان پاسخگو باشد». همکاری با پروژه‌های تحقیقاتی غنی‌سازی اورانیوم مصطفی احمدی‌روشن که از سوی مقامات و رسانه‌های ایرانی «دانشمند هسته‌ای» و «استاد

چکیده

دانشگاه شریف» معرفی شده ۳۲ ساله، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف و معاون بازرگانی سایت نطنز بوده است.



مصطفی احمدی روشن، مجید شهریاری، داریوش رضایی و مسعود علی‌محمدی در دو سال گذشته ترور شدند

دانشگاه شریف تایید کرده که مصطفی احمدی روشن در سال ۱۳۸۰ در پروژه ساخت غشاهای پلیمری برای جدا سازی گازها که برای اولین بار در کشور انجام می‌شد همکاری داشته است. سایت الف در این مورد نوشته است: «برای غنی سازی اورانیوم از غشاهای پلیمری استفاده می‌شود، بطوری‌که ابتدا اورانیم به صورت "گاز هگزافلورید اورانیم" درآورده می‌شود و سپس این گاز از یک غشای پلیمری مخصوص عبور داده می‌شود. با این کار اورانیوم ۲۳۵ زودتر از ۲۳۸ از غشای پلیمری عبور می‌کند. و به این شیوه اورانیوم غنی سازی می‌شود.»

دانشمندان ترور در لیست تحریم سازمان ملل

خبرگزاری مهر به نقل از "رسانه‌ها" نوشته است: «نام دانشمندان هسته‌ای ایران که در ماه‌های گذشته به شهادت رسیده اند در لیست تحریم شورای امنیت سازمان ملل بوده است.» این خبرگزاری در ادامه مدعی شده است: «انتشار این فهرست توسط منابع غربی بهترین رانت اطلاعاتی به گروه‌های تروریستی برای شناسایی و ردیابی دانشمندان ایرانی است.» مهر همچنین نوشته است که "بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً با شهید احمدی

روشن ملاقات داشته‌اند" خبرگزاری مهر این دیدار را با ترور احمدی‌روشن مرتبط دانسته است. رامین مهمانپرست سخنگوی وزرات خارجه ایران شیوه ترور مصطفی احمدی‌روشن را مانند روش‌هایی دانسته که "در ترور دانشمندان هسته‌یی قبلی بکار گرفته شد". وی ضمن متهم کردن اسرائیل به دست داشتن در این حادثه افزود: «این مساله حتما توسط کشور ما از طریق مراجع قانونی و سازمان‌های بین‌المللی پی‌گیری خواهد شد».

صفرعلی براتلو دبیر شورای تأمین استان تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس تأکید کرده بود که بمب‌های استفاده شده در ترور مصطفی احمدی‌روشن "از نوع بمب‌هایی بوده که قبلاً نیز در ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شده‌اند".



هر ۴ پژوهشگران ترور شده در پی انفجار بمب کشته شدند درگذشت راننده مجروح در بیمارستان

به گزارش خبرگزاری‌های ایران دو فرد دیگر نیز در این حادثه مجروح شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد بود: «دو مجروح این انفجار نیز به بیمارستان‌های ایرانمهر و رسالت منتقل شده‌اند».

خبرگزاری فارس ساعاتی پس از این حادثه از درگذشت یکی از مجروحان این حادثه در بیمارستان رسالت تهران خبر داد. این خبرگزاری نام این فرد را "رضا قشقایی"، متولد ۱۳۵۷ و راننده مصطفی احمدی‌روشن اعلام کرد.

مجروح دیگر که هویت او هنوز روشن نشده به گزارش خبرآنلاین به دلیل اصابت ترکش از ناحیه دست مجروح شده و تحت عمل جراحی قرار گرفته است.

نامه به کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل

همزمان با واکنش گسترده مقامات ایرانی به ترور مصطفی احمدی‌روشن، دبیر ستاد حقوق بشر ایران نامه‌ای به کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نوشت. محمد جواد لاریجانی در این نامه "از انفعال و سکوت مجامع جهانی در قبال ترور دانشمندان ایرانی" انتقاد کرد و

خواستار تعیین "گزارشگر ویژه برای بررسی ترورها" شد. این درخواست در حالی مطرح شده است که ایران از هر گونه همکاری با گزارشگر ویژه این سازمان برای بررسی مسائل حقوق بشر در ایران خودداری می‌کند. مقامات ایرانی حتی با صدور ویزای ورود به ایران برای گزارشگر ویژه حقوق بشر مخالفت کرده‌اند.

بازداشت مجدد حمید موذنی، عضو سازمان ادوار تحکیم و روزنامه نگار

با ادامه فشار های دستگاه های امنیتی طی هفته های اخیر و تبدیل شدن قرار وثیقه به قرار بازداشت، حمید موذنی، روزنامه نگار و نویسنده بوشهری و عضو شعبه بوشهر سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) بازداشت و راهی زندان شد. به گزارش ادوارنیوز، این روزنامه نگار پنجم مهرماه امسال در محل شورای شهر استان بوشهر توسط ماموران اداره اطلاعات استان بوشهر بازداشت و پس از تحمل ۱۵ روز حبس به قید وثیقه ۱۰۰ میلیونی آزاد شده بود.

حمید موذنی در انتخابات گذشته در ستاد مهدی کروبی، نامزد دوره دهم ریاست جمهوری فعالیت می کرد و سابقه همکاری با اکثر نشریات مستقل استان بوشهر و همچنین سردبیری هفته نامه های محلی همچون «بیرمی» و «آواب بهارستان»، «دریای جنوب» و «سلام جنوب» را در پرونده فعالیت مطبوعاتی خویش دارد.

بازداشت روح الله قاسمی، دانشجوی سابق دانشگاه شیراز

روح الله قاسمی، دانشجوی سابق دانشگاه شیراز و فارغ التحصیل رشته جامعه‌شناسی این دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد، پس از احضار به اداره اطلاعات شهر شیراز بازداشت شده و از سرنوشت وی و دلایل بازداشتش هیچ خبری در دسترس نیست.

به گزارش دانشجوییوز، بازداشت این دانشجوی سابق دانشگاه شیراز و فارغ التحصیل رشته جامعه‌شناسی این دانشگاه روز یکشنبه صورت گرفته است.

گفته می‌شود روح الله قاسمی در پی احضار از سوی اداره اطلاعات شیراز، به این اداره مراجعه و بازداشت شده است. وی که هم اکنون معلم علوم دوره راهنمایی مدارس روستایی شهرستان قائمیه می‌باشد در طول دوران تحصیل در دانشگاه شیراز چندین بار به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شده بود. تا کنون خبری از محل نگهداری و اتهامات روح الله قاسمی در دست نیست اما به نظر می‌رسد وی در بازداشتگاه مرکزی اداره اطلاعات شیراز موسوم به پلاک ۱۰۰ به سر می‌برد.

لازم به ذکر است که وی از بیماری‌های جسمانی رنج می‌برد. بازداشت وی از سوی آشنایانش بی‌دلیل و غیر منتظره عنوان شده و بر نگرانی‌های آن‌ها افزوده است.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.

بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقابندش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.

نامه دانشجویان دانشگاه تهران به‌احمد شهید، نماینده ویژه حقوق بشر

در حالی که مسئولان ایرانی حاضر به همکاری با احمد شهید، نماینده ویژه حقوق بشر نشدند، دانشجویان دانشگاه تهران برای او نامه نوشتند.

به گزارش کلمه، دانشجویان دانشگاه تهران با امضای طوماری خطاب به احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر، با انتقاد از وی بخاطر گزارش یکطرفه اش، از وی خواستند با واقعیت‌های جامعه ایران از نزدیک و بدور از آنچه آنا "القائات ضدانقلاب" خوانده است، لمس کند. در این طومار که با صدها امضا در محوطه اصلی دانشگاه تهران نصب شده، از احمد شهید خواسته شده که بازچه دست دشمنان مسلمین نشود. این دانشجویان از احمد شهید پرسیده اند که آیا اعمال ریگی و شهادت دکتر مسعود علیمحمدی نقض حقوق بشر نیست؟ این طومار همزمان با برگزاری مراسم گرامیداشت دومین سالگرد شهادت دکتر علیمحمدی در دانشگاه تهران نصب شده تا دانشجویان آن را امضا کنند.

احمد شهید، وزیر خارجه سابق کشور مالدیو و گزارشگر ویژه کنونی امور حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران است. سال گذشته وی توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل، به عنوان گزارشگر ویژه در امور ایران انتخاب شد. هر چند از او درخواست شده تا به ایران سفر کند و وضعیت حقوق بشر، زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان را بررسی کند اما تا کنون ایران از دادن اجازه ورود به وی خودداری کرده است.

احمد شهید در گزارشی در شش فصل به بررسی حقوق بشر در ایران پرداخته و با نگرانی از وضعیت رهبران جنبش سبز در حبس و از زبان یکی از شاهدان می نویسد: آقای موسوی و خانم رهنورد بدون تفهیم هر گونه اتهامی از بهمن ماه سال گذشته در خانه هایشان حبس شده اند. شرایطی که هر دو آن را زندانیان حکومت می خوانند.

او بار دیگر با ابراز نگرانی از وضعیت زندانیان سیاسی، از مقام های جمهوری اسلامی خواسته است اجازه دهند او به ایران سفر کند. تاکنون فعالان سیاسی و خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی برای احمد شهید نامه نوشته و خواستار رسیدگی به حقوقشان شده اند.

هر چند دولتمردان گزارش های وضعیت حقوق بشر در کشور را متاثر از نفوذ امریکا در سازمانهای بین المللی می دانند، اما تقریباً همه ساله قطعنامه ای علیه نقض حقوق بشر در ایران منتشر می شود.

تصمیم جدی اروپا برای تحریم گام به گام نفت ایران اعضای اتحادیه اروپا به توافق‌هایی در زمینه‌ی تحریم

اتحادیه اروپا در چارچوب دور تازه تحریم‌ها علیه ایران در نظر دارد به شرکت‌های اروپایی فعال در صنعت نفت ۶ ماه فرصت دهد تا روابط تجاری خود را با شرکای ایرانی قطع کنند. پس از ۶ ماه واردات نفت از ایران ممنوع خواهد بود.

اتحادیه اروپا یک گام دیگر به اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران نزدیک‌تر شده است. تازه‌ترین گزارش‌ها حاکی از آن هستند که اعضای این اتحادیه به توافق‌هایی در زمینه‌ی تحریم واردات نفت و فرآورده‌هایی شیمیایی از ایران، پیش از نشست بروکسل در روز ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) دست یافته‌اند.

خبرگزاری رویترز به نقل از یکی از دیپلمات‌های اروپایی نوشته است، طبق اتفاق نظر اعضای این اتحادیه ممنوعیت واردات نفت از ایران "پس از ۶ ماه" به اجرا در خواهد آمد و ممنوعیت واردات فرآورده‌های شیمیایی از این کشور نیز "پس از ۳ ماه" به اجرا گذاشته خواهد شد.

چکیده

به این ترتیب به شرکت‌های اروپایی فعال در زمینه‌ی صنعت نفت ۶ ماه فرصت داده خواهد شد تا روابط تجاری خود را با شرکای ایرانی قطع کنند. با این حال این منبع اروپایی تأکید کرده است که همچنان به انجام گفت‌وگوهای بیشتر در این زمینه، پیش از نهایی شدن این تصمیم نیاز است.

کشورهای یونان، اسپانیا و ایتالیا که از ضعیف‌ترین اقتصادهای اتحادیه اروپا به شمار می‌آیند، از جمله اعضای این اتحادیه هستند که به شدت به نفت خام ایران وابستگی دارند. از همین رو نیز این کشورها خواهان فرصت بیشتری برای این دوره‌ی گذار شده‌اند تا به این ترتیب بتوانند جایگزین مناسبی را برای تأمین نیازهای نفتی خود بیابند.

تسویه بدهی‌ها با نفت خام به جای پول نقد

بر اساس گزارش محافل دیپلماتیک در بروکسل، یکی دیگر از گزینه‌های تحریمی علیه ایران مجاز شدن شرکت‌های اروپایی به دریافت نفت خام از سوی ایران به جای پول نقد، برای تسویه بدهی‌هایشان است.

اتحادیه اروپا امیدوار است که از این طریق شرکت‌های ایرانی ذخیره نفتی کمتری را برای فروش در بازارهای جهانی داشته باشند و بدین وسیله ایران برای تأمین هزینه‌های برنامه‌ی اتمی خود با مشکل مالی مواجه شود.

به گفته‌ی یکی از دیپلمات‌های اروپایی برخی از شرکت‌های ایرانی بدهی‌های قابل توجهی در اروپا دارند و با اعمال تحریم‌های جدید از این پس می‌توانند از نفت خام به جای پول نقد در بازپرداخت این بدهی‌ها استفاده کنند.

جمهوری اسلامی سال‌هاست که بدهی‌های خود را با شماری از شرکت‌های اروپایی نظیر گروه نفت و گاز "انی" از طریق پرداخت نفت خام تسویه می‌کند. به گفته‌ی مدیر عامل این شرکت ایتالیایی، ایران هنوز نزدیک به دو میلیارد دلار به این شرکت بدهی دارد.

اتحادیه اروپا همچنین در حال برنامه‌ریزی برای اعمال تحریم‌های جدید بر بخش‌های مالی ایران از جمله بانک مرکزی این کشور است. دیپلمات‌های اروپایی اظهار داشته‌اند که آلمان با این ایده مخالفت کرده است، اما یکی از دیپلمات‌های آلمانی با تکذیب این امر به خبرگزاری رویترز گفته است که کشورش "فعالانه در گفت‌وگوها در مورد اجرای اقدامات تحریمی علیه بانک مرکزی ایران شرکت دارد."

در همین حال گیدو وستروله، وزیر امور خارجه آلمان روز پنجشنبه (۱۲ ژانویه/۲۲ دی) بار دیگر به جمهوری اسلامی در مورد رفتارهای تحریک‌آمیز این کشور بر سر برنامه‌های هسته‌ای هشدار داد و گفت که این اقدامات ایران "بدون پیامد" نخواهند بود.

آقای وستروله اعلام کرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا قصد دارند بسته تحریمی شدیدی را علیه ایران به تصویب برسانند که "قلب برنامه‌های هسته‌ای این کشور را هدف گرفته است".

همراه اول و ایرانسل فیلترینگ اس‌ام‌اس‌ها را تکذیب می‌کنند

با تشدید بحران اقتصادی ایران، کاربران ایرانی گزارش داده‌اند که در نتیجه فیلترینگ کلماتی نظیر «دلار» و «ارز» اس‌ام‌اس‌های حاوی این کلیدواژه‌ها به مقصد نمی‌رسند. اپراتورهای تلفن همراه در ایران اما سانسور را تکذیب می‌کنند.

در روزهای اخیر، تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که قرار است توسط قدرت‌های غربی بر ضد جمهوری اسلامی اعمال شود تنش و تلاطم گسترده‌ای را در اقتصاد ایران ایجاد کرده است. همزمان، خبری در وبسایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخید که حیرت بسیاری از کاربران ایرانی را برانگیخت.

در پی افزایش شدید بهای دلار، پوند و یورو، برخی از کاربران شبکه تلفن همراه در ایران گزارش دادند که اس‌ام‌اس‌های حاوی کلمه «دلار» و «ارز» ارسال نمی‌شوند. در چنین شرایطی، بدیهی است که عامل جلوگیری از ارسال، موتورهای سانسور تعبیه شده بر سر راه

پیام‌ها توسط اپراتور تلفن همراه است.

راه‌های کنترل و سانسور پیامک‌ها

اپراتور می‌تواند برای این تجهیزات سانسور، کلمات و کلیدواژه‌های مشخصی را تعریف کند و به همین سادگی مانع از آن شود که پیام‌هایی که حاوی آن کلمات باشند، به مقصد برسند. پیش‌تر بسیاری از کاربران گزارش داده بودند که این اتفاق برای کلمه «تحریم» هم رخ داده. کمی قبل‌تر از آن، در بحبوحه آغاز سهیمه‌بندی بنزین، کلمه «بنزین» هم در لیست سیاه اپراتورها قرار گرفته بود. از دیگر کلماتی که سیستم سانسور اس‌ام‌اس‌ها به آن حساس است، می‌توان به «سبز»، «هاله»، «سحابی»، «استانداری»، «نماینده مجلس» و حتی «تاریخ» اشاره کرد.



پیش‌تر هم اپراتورهای ایرانی در موسم اعتراضات بارها اس‌ام‌اس‌ها را فیلتر کرده‌اند. دو اپراتور همراه اول و ایرانسل، انحصار شبکه‌های تلفن همراه در ایران را در اختیار دارند. پیش‌تر سازمان ارتباطات سیار ایران، اعمال فیلترینگ بر روی پیامک‌ها را تکذیب کرده بود و حالا در ادامه، نوبت به اپراتور ایرانسل رسیده. روابط عمومی ایرانسل در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا اعلام کرده که «به‌هیچ‌وجه فیلتری روی پیامک‌ها انجام نمی‌دهیم و نظارتی روی محتوای آن‌ها نداریم».

اما گزارش‌های کاربران، عکس گزاره‌های اعلام شده را نشان می‌دهد. وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات هم مدت‌ها پیش از پذیرش مسئولیت سانسورها خودداری کرده و به گفته یکی از نمایندگان مجلس، وزیر در گفت‌وگو با او گفته که «این موضوع دست ما نیست».

راه‌های خلاقانه عبور از سانسور

حالا برخی از کاربران به راه‌های خلاقانه‌ای برای گزارش قیمت دلار از طریق اس‌ام‌اس هم

رسیده‌اند: «هر شاخه گل محمدی: ۱۷۶۰ تومان.» کاربران ایرانی تدابیر دولت برای دور زدن تحریم‌ها را «مضحک» می‌دانند و این اقدامات را به این ترتیب به طنز می‌کشند. آن‌ها تاکید می‌کنند که «دلار ۱۷۰۰ تومانی و سقوط ارزش ریال، با فیلترینگ مهار نمی‌شود».

سانسور و تلاش برای جلوگیری از انتشار خبرهای مرتبط با افزایش قیمت دلار، از فیلتر کردن سایت «مقال» که لحظه به لحظه تحولات بازار ارز را گزارش می‌کرد آغاز شد. با توجه به تصمیم قاطع قدرت‌های غربی برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی تا متقاعد کردن ایران به توقف برنامه بحث‌برانگیز هسته‌ای، پیش‌بینی می‌شود اقداماتی از این دست هم در فضای سایبر و هم در ارتباطات مبتنی بر تلفن همراه، تکرار شود و توسعه یابد. دولت ایران همواره تلاش کرده تا تحریم‌ها را کم‌اثر یا گاه بی‌تاثیر جلوه دهد. حتی برخی از مقامات تا جایی پیش رفته‌اند که تحریم‌ها را عامل رشد اقتصادی کشور خوانده‌اند. اما در پشت پرده، خبرهای دیگری است. شورای عالی امنیت ملی با ارسال نامه به رسانه‌ها به آن‌ها درباره انتشار خبرهای نگران‌کننده که ردی از گذراندگی تحریم‌ها داشته باشند، هشدار می‌دهد. بدیهی است که در صورت بی‌اعتنایی به این دستورات، نشریات و رسانه‌های متخلف به جرم «تشویش اذهان عمومی» یا «تبلیغ علیه نظام» و سرپیچی از دستورات این شورا، توقیف خواهند شد.

درصدی که مالیات نمی پردازند، «نهادهای زیرنظر رهبری هستند»

مریم دهقانپور

سخنگوی کارگروه تحولات اقتصادی روز شنبه اعلام کرد که ۴۱ درصد بدنه اقتصاد کشور ایران از پرداخت مالیات معاف است. محمدرضا فرزین بدون اشاره به جزییات این موضوع گفت: در حال حاضر، نه تنها معافیت مالیاتی وجود دارد، بلکه از دسترسی به اطلاعات اقتصادی بخش قابل توجهی از فعالان اقتصادی جامعه نیز محروم هستیم. حسن منصور، اقتصاددان در بریتانیا، که در این مورد تحقیقاتی انجام داده است، در گفت و گو با رادیو فردا در مورد سخنان سخنگوی کارگروه تحولات اقتصادی می گوید: حسن منصور: جالب است اگر بدانیم جزییات بخشهایی که این ۴۱ درصد را از روی آن محاسبه کرده اند چیست، ولی معمولاً دولت این مسایل را اعلام نمی کند. این آمار و اطلاعات چیز جدیدی نیست و ما ۱۰ سال پیش بر مبنای اطلاعات دیوان محاسبات و دیگر منابع رسمی دولتی تخمین زدیم که ۴۰ درصد از اقتصاد ایران از پرداخت مالیات معاف است و این ۴۰ درصد بخشهایی است که زیر نظر رهبری قرار

چکیده

دارد از جمله بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، آستانه قدس رضوی و دهها شرکت بزرگ و کوچک دیگر. به طور قطع امروز آمار از ۴۰ درصد هم بسیار بالاتر است. گفت و گو با حسن منصور، اقتصاددان در بریتانیا درباره معافیت مالیاتی نهادهای زیر نظر رهبری در ایران

به نظر شما آیا بخش‌های دیگری هم در اقتصاد ایران وجود دارد که مالیات نمی‌پردازد؟ آن بخش که به لحاظ قانونی از مالیات معافیت دارد نهادهای زیر نظر رهبری است که تشکیل دهنده آن ۴۰ درصد برآورد ما بوده است. ولی قطعاً گریز از مالیات در بسیاری از بخش‌ها نیز وجود دارد که دولت تحت فشارهای معین سیاسی-اجتماعی نمی‌تواند مالیات از آنها وصول کند و آدم‌های ذی نفوذ هم از زیر پرداختن مالیات درمی‌روند.

ولی نهادهای زیر نظر رهبری که از پرداخت مالیات معاف هستند، نه بیلان به دولت ارائه می‌دهند و نه حساب سود و زیان اعلام می‌کنند و نه مشمول مالیات هستند.

در کنار این دو مسئله یعنی فرار مالیاتی و نهادهایی که از پرداخت مالیات معافیت دارند، باید اضافه کرد که حدود ۲۰ درصد از تولید ملی ایران اقتصاد زیرزمینی است یعنی قاچاق. به عنوان مثال چند ده اسکله‌ای که زیر نظر سپاه پاسداران است و واردات کشور از آن طریق انجام می‌گیرد جزو همین اقلام است و اخیراً مجلس رقم واردات کالای قاچاق را ۱۹ میلیارد دلار برآورد کرده است که قاچاق انسان، مواد مخدر، اسلحه و کالاهای دیگر در ذیل آن قرار می‌گیرد.

معافیت حداقل ۴۰ درصد از بدنه اقتصاد کشور که آقای فرزین اعلام کرده است، چه تاثیری بر اقتصاد ایران دارد؟

دولت بنابر تعریف، باید تمام هزینه‌هایش را با اجازه و نیابت از ملت انجام دهد. مثلاً تامین بهداشت مجانی، آموزش اجباری، راهسازی و کارهایی که دولت باید انجام دهد باید از طریق درآمدها انجام شود.

هزینه‌های دولت باید با درآمدهایی که از وصول مالیات به دست می‌آورد پوشش داده شود اما در ایران چنین چیزی نیست و مالیات رقم بسیار ناچیزی از هزینه‌های دولت است.

این مالیات هم از کسانی وصول می‌شود که حقوق بگیر هستند و در نتیجه زمان پرداخت حقوق می‌توان مالیات شان را کم کرد. به جز اینها عده ای هم با چانه زدن و رشوه پرداختن، مالیات معینی می‌پردازند و یا شرکت‌هایی که بیلان عرضه می‌کنند و دولت می‌تواند بر اساس آن مالیات از آنها بگیرد.

پسران مفقود شده ما کجا هستند؟

این سئوالی است که کشمیری ها همچنان به دنبال پاسخ آن اند!



The Association of Parents of Disappeared Persons in India's Jammu and Kashmir.

Credit: Courtesy of Parvona Ahanger/IFT

پروینا آهنگر، زنی که از لحظه مفقود شدن پسرش تاکنون، رنگ آرامش بر خود ندیده است، اما همچنان همراه با سایر پدران و مادران کشمیری-هندی بدنبال یافتن سر نخ از فرزندان مفقود شده خود و شناخت آمرین و عاملین جنایت های سازمان یافته در این رابطه است!

ترجمه گزارش حُمر اقریشی، خبرنگار وی نیوز :

در شمال هندوستان، زنی گروهی را رهبری می کند که سالهاست از ناپدید شدن قهری فرزندان خود در کشمیر در رنج اند. گرچه حمایت از این گروه رو به فزونی است ولی تا کنون نتیجه مشخصی از فعالیت ها و مبارزات اعضای این گروه به دست نیامده است .

پروینا آهنگر مادری است که سال هاست رنگ آرامش بر خود ندیده است. وی می گوید: " قادر نیستم بگویم روز و شب ام چگونه می گذرد. برای کنترل اعصابم روزها ناچارم دارو مصرف کنم، و شب ها خواب به چشم ندارم و همچنان بیدارم ". به گفته خانم آهنگر، از 21

سال پیش که پسرش ناپدید شد، او در چنین وضعیتی بسر برده است. او می گوید: " پسر نوجوان من جاوید، در سال 1990 توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. آنها به منزل ما در ناحیه "باتمالو" آمدند و ادعا کردند که او را برای بازجویی می برند.

ما به آنها التماس کردیم که او خطایی مرتکب نشده و به تازگی از دانشگاه پذیرش گرفته است. آن ها بی آن که به التماس های ما توجهی کنند او را به محل بازجویی در "پری محل" بردند و از آن لحظه به بعد، ما دیگر هرگز او را ندیدیم." شوهر آهنگر پس از ناپدید شدن پسرشان بیمار شد و دست از کار کشید و امروز نیز در شرایط جسمی نامناسبی به سر می برد.

آهنگر در شمال کشور در ایالت جامو و کشمیر زندگی می کند. این منطقه توسط دولت هندوستان اداره می شود و نزدیک مرز پاکستان و چین می باشد. ناحیه ای که در چند دهه اخیر دچار کشمکش های ارضی بوده است. او کشمیر را برای گرفتن خبری از پسرش زیر پا گذاشته و یک به یک زندان ها را جستجو کرده است. او از بسیاری از مقامات دولتی و سیاستمداران وابسته به احزاب مختلف در هند درخواست رسیدگی به مفقود شدن فرزندش کرده، و از سازمان ملل نیز تقاضای کمک کرده است.

بسیاری از دیگر زنان در کشمیر، داستانی مشابه پروانه دارند. آن ها می گویند که زمین، خانه و جواهرات شان را فروخته اند و هر آن چه در بضاعت شان بوده انجام داده اند تا شاید نشانی از فرزندان شان بیابند.

هرگز از پای نخواهیم نشست!

پروینا آهنگر که یکی از بنیانگذاران "انجمن اولیای مفقود شدگان" در سال 1996 بوده، و هدایت و رهبری آن را نیز به عهده دارد می گوید: "من مصمم هستم که تا آخرین نفس برای یافتن عزیزان مان از طریق مسالمت آمیز، به مبارزات خودمان ادامه بدهم."

این انجمن در وب سایت خود، در مورد مسئله مفقودالاثر شدن های سازمان یافته در هند، این گونه توضیح می دهد که در سال 1989 گروهی از مردان جوان برای خود مختاری کشمیر دست به مبارزه مسلحانه علیه دولت هندوستان زدند. خواست استقلال کشمیر پایه مردمی وسیعی داشت و در ادامه مبارزاتی صورت می گرفت که در سال 1947 منجر به جدا شدن پاکستان از هندوستان شده بود.

این وب سایت توضیح می دهد که دستگاه های وسیع امنیتی تحت عنوان امنیت ملی و مصالح کشور، با اختیاراتی که بر اساس قوانین اضطراری توسط دولت وضع شده بود با معافیت از پیگرد قانونی عمل کرده اند. آهنگر این انجمن را با گروهی کوچک از والدینی آغاز کرد که همانند او فرزندان شان را از آن ها گرفته و پس از آن ناپدید شده بودند.

حمایت از این انجمن از زمان شکل گیری رو به فزونی بوده است. در سال 2011 پروین آهنگر نامزد جایزه مدافعان حقوق بشر فرانت لاین شد و بسیاری از مبارزان حقوق مدنی هندوستان به حمایت از این گروه برخاستند. او ما چاکراواراتی، یکی از دانشگاهیان سرشناس، نیز گروهی را برای حمایت از این انجمن در دهلی نو، تشکیل داده است. این انجمن که در زمان بنیان گذاری بیش از چند عضو بیشتر نداشت، اکنون تقریباً در تمام حوزه های کشمیر دفتر دارد و پروانه می گوید که رقم دقیقی از حمایت کنندگان این انجمن نمی توان داد. در حال حاضر این گروه سعی بر این دارد که نیروهای امنیتی که در مفقود شدن فرزندان این خانواده ها دست داشته اند تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. ظفر شاه، یکی از حقوقدانان سرشناس داوطلب شده است که این پرونده را به دادگاه عالی ببرد. آهنگر می گوید من توانایی مالی تقاضای چنین وکیلی را نداشته ام. خوشبختانه ظفر برای اینکار هیچ پولی از من دریافت نمی کند. در واقع بسیاری از وکلا که دفاع از این ناپدید شدگان را به عهده گرفته اند هیچ مبلغی از خانواده های آنان تقاضا نمی کنند. آنها متوجه هستند که ما در چنان شرایط مالی نیستیم که بتوانیم به آنان حق وکالت بپردازیم و در ضمن خود باور دارند که این مسئله ای است که باید پیگیری شود. این یک بی عدالتی محض است که ما والدین این چنین رنج می بریم ولی آن هایی که مرتکب این جنایت شده اند هرگز به محاکمه کشیده نشده اند و در آزادی به زندگی روزمره شان ادامه می دهند.

این دادخواهی همچنان ادامه دارد!

اعضای این انجمن با بسیاری از سیاستمداران سرشناس کشمیر ملاقات نموده اند ولی متأسفانه تاکنون هیچ پاسخ روشنی دریافت نکرده اند. خانم آهنگر می گوید ما در ملاقات های خود مکرراً از آنان پرسیده ایم که اگر پسران جوان خودشان، یک باره دستگیر و مفقود می شدند، چه حال و حسی داشتند؟ سئوالی که همیشه بی جواب مانده است. حتی وقتی رادها کومار، که از طرف دولت مأمور رسیدگی به این پرونده ها شده و به دفتر این انجمن در سرنیاگار رفت، آهنگر از او خواست که وی همان سئوال را از زنان سیاستمدار بلندیایه در دهلی نو، بپرسد. اگر فرزندان بی گناه آن ها دستگیر و توسط نیروهای امنیتی شکنجه و ناپدید شده بودند، آنها چگونه عکس العمل نشان می دادند؟ این انجمن اظهار میدارد که قریب 8000 جوان در طول این سالیان در کشمیر ناپدید شده اند. کمیسیون حقوق بشر جامو و کشمیر گزارشی را اخیراً منتشر نموده که وجود 2000 قبر، بدون نام و نشان، در 38 منطقه این ایالت را تأیید می کند. در این مرحله دولت ایالتی پیشنهاد

داده است تا برای شناسایی این اجساد آزمایش ژنتیکی دی. ان. ای انجام دهد .
اما خانم آهنگر معتقد است مسئله شناسایی قبرهای بی نشان نباید ما را از واقعیت ناپدید شدن هزاران جوان منحرف سازد. وی تصریح می کند "من می دانم که مسئله قبرهای بی نام بسیار جدی است اما اصرار دارم که نباید اجازه دهیم این مسئله اذهان عمومی را از واقعیت ناپدید شدگانی که حکومت مسئول آن است منحرف ساخته و آنرا تضعیف کند .
این، همان، خواست مسئولین دولتی است. آنان نمی خواهند که مسئله فرزندان مفقود الاثرمان کانون توجه این جریان باشد." خانم آهنگر به این مسئله اشاره می کند که در تمام این سالها اطلاعات نادرستی در اختیار عموم قرار داده شده و حقیقت همیشه پنهان مانده است. او می گوید تا وقتی که این مسایل حل نشود هیچ عضوی از این انجمن دست از پیگیری برنخواهد داشت. " فقط دعا می کنم که خداوند این توانایی و شجاعت را به من بدهد که این راه را ادامه بدهم "

حمایت از مادران و زندانیان سیاسی 14.01.2012



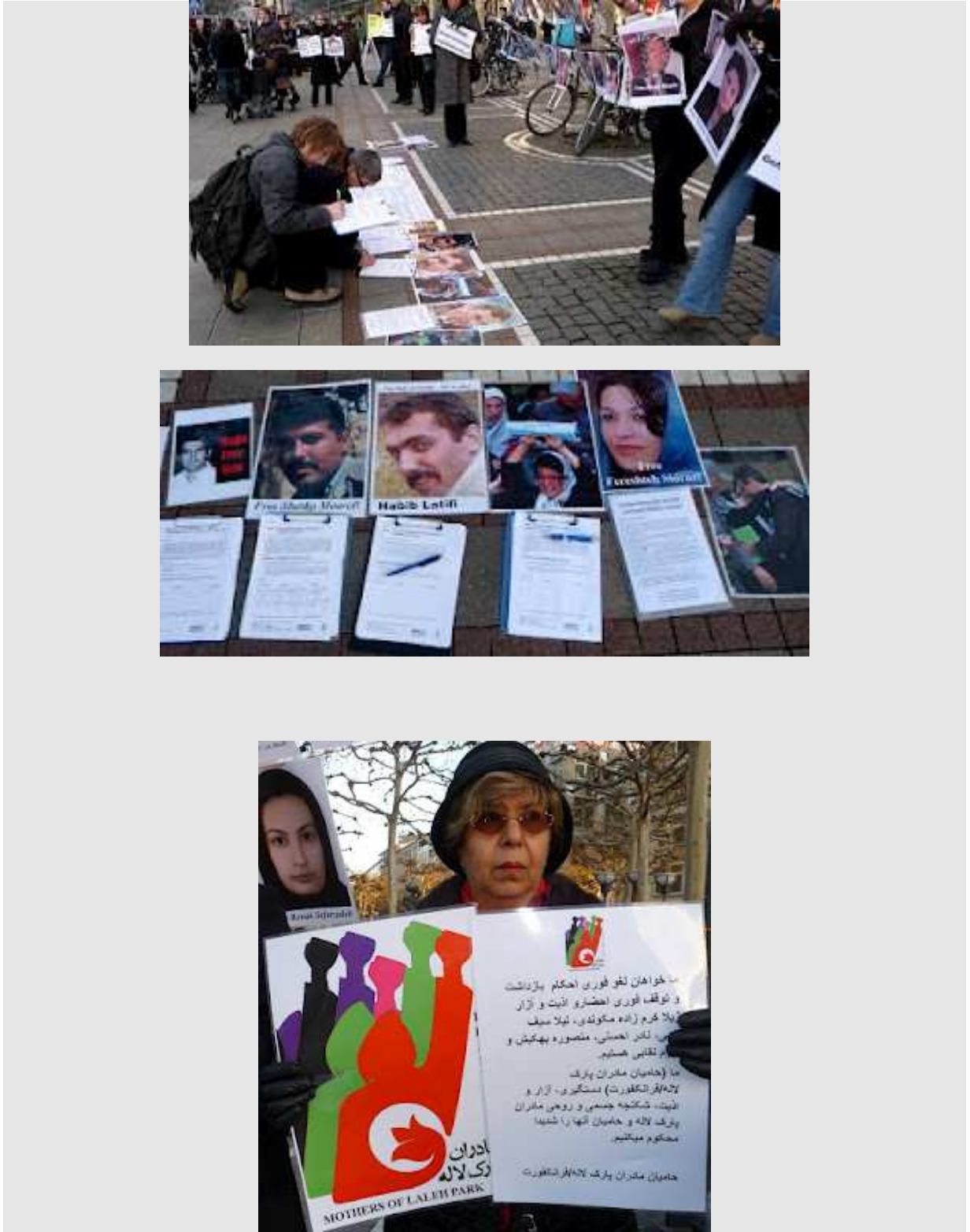
Solidaritätsgruppe mit den Lalepark Mütter im Iran/Frankfurt
14.01.2012

Wir setzen uns für die Einhaltung der Menschenrechte im Iran ein und fordern deshalb: • Eine sofortige Einstellung der Hinrichtungen, Gewalt und Repressalien im Iran! • Sofortige und bedingungslose Freilassung aller politischen Gefangenen • Die Befehlshaber der brutalen Taten müssen vor ein unabhängiges und vertrauenswürdiges Gericht gestellt werden
Solidaritätsgruppe mit den „Lalehpark Mütter“ im Iran

مادران پارک لاله پافشاری میکنیم و خواهان آزادی فوری و همچنان بر سه خواسته 14.01.2012 سیاسی/عقیدتی ، لغو فوری احکام اعدام ، قصاص و سنگسار هستیم و بی قید و شرط همه زندانیان محاکمه همه آمران و عاملان جنایات 32 سال گذشته در دادگاههای علنی ، عادل همچنین شناسایی و اعتماد مردم هستیم و تا رسیدن به این سه خواسته ایستاده ایم و قابل حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت

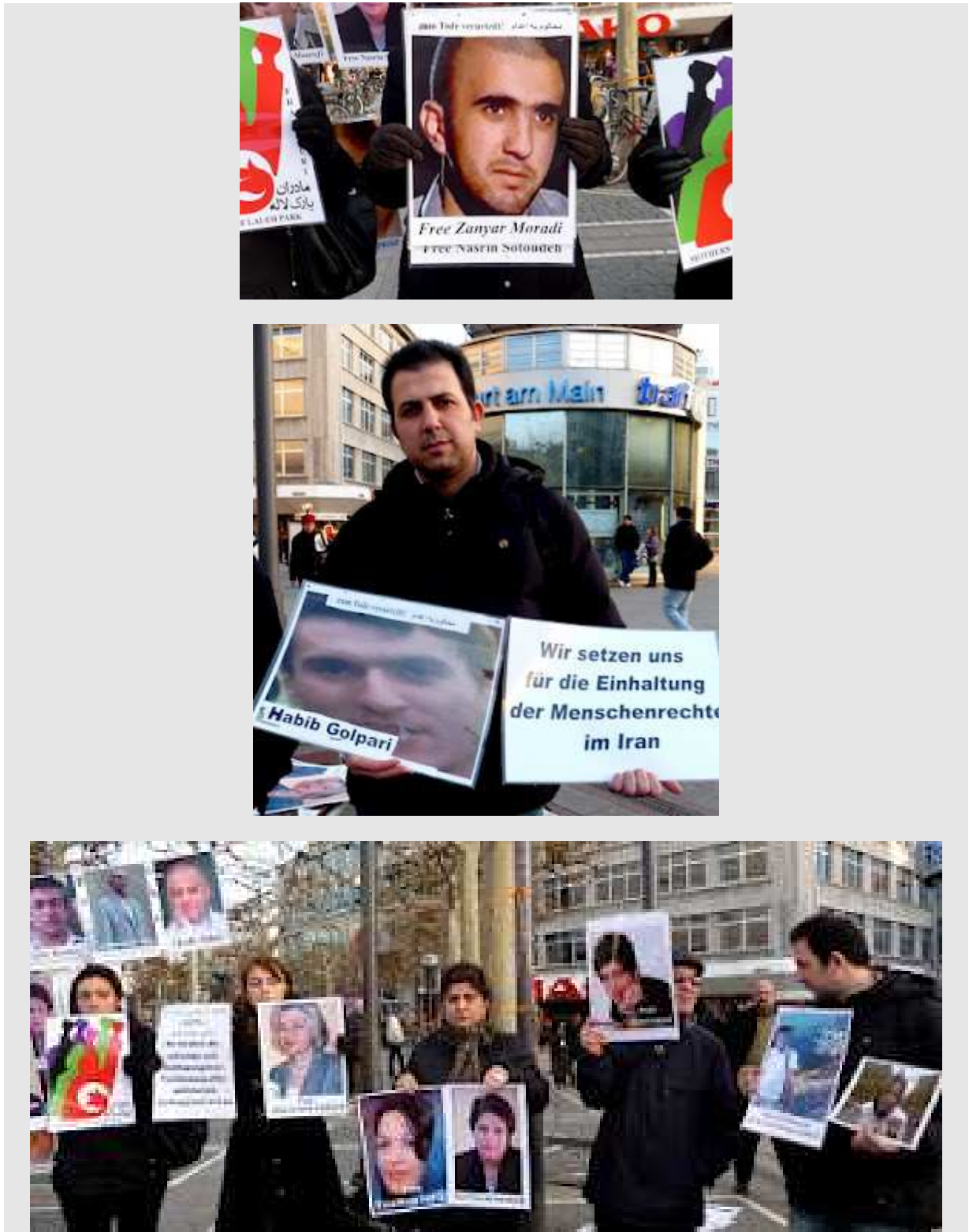


چکیده



چکیده





چکیده



ارسال شده توسط حامیان "مادران پارک لاله" در فرانکفورت در ۲۰:۳۴

حمایت در فرانکفورت از مادران و زندانیان سیاسی 21.01.2012

<http://madaran-frankfurt.blogspot.com/2012/01/21012012.html>



در گردهمایی این هفته به دعوت ما خبرنگار و عکاس روزنامه معتبر و پر خواننده "فرانکفوتر رونشاو"

Frankfurter Rundschau برای گرفتن گزارش حضور داشتند. ما یک گزارش کامل از مادران پارک لاله در ایران و همینطور حامیان آنها در سراسر دنیا دادیم. از وضعیت بد زندانیان سیاسی، از مادران و خانواده های زندانیان و جانبازان که در زیر فشار و اذیت و آزار حاکمان در ایران زندگی بسیار سختی را میگذرانند. در مورد نسرین ستوده که بیش از 500 روز در شرایط سخت فقط به دلیل دفاع از زندانیان به سر میبرد و از دو فرزندش که دوری مادر را باید تحمل کنند و از وکیل ایشان آقای سلطانی که در بیدادگاه جمهوری اسلامی حاضر به دفاع از خود نشد. همینطور از کوهیار گودرزی فعال حقوق بشر که ربوده شد و مادرش پروین مخترع که جرمش پیگیری پرونده فرزندش بوده، صحبت کردیم. از زینب جلالیان و شکنجه ها و اذیت و آزارش و نگرانی از وضعیت جسمانی او، از یار و همراهان ژیلما مکوندی از حامیان مادران پارک لاله که هم اکنون فقط به دلیل همدردی با مادران و خانواده های زندانیان و جانبازان در زندان بسر میبرد. از یار و همراه دیگرمان منصوره بهکیش که 5 خواهر و برادرو همسر خواهرش را در دهه شصت به قتل رساندند و تا بحال هم خودش را چندین بار فقط به دلیل همدردی با مادران و خانواده ها دستگیر یا احضار کرده اند. از سعید ملک پور، زانیار و لقمان مرادی که در خطر اعدام بسر میبرند. و کلا در مورد ظلم و ستمی که به مردم ایران می‌رود گزارش دادیم و همینطور از این خبرنگاران خواستم که بنویسند ما به هیچ عنوان خواهان جنگ نیستیم و برای مردم و مملکتمان آرزوی صلح و آزادی داریم. ما تا آخر ایستاده ایم و صدای دادخواهی مادران خانواده ها را به گوش دنیا خواهیم رساند

هستیم، ایستاده، بیدار، امیدوار

نامه جواد علیخانی، دانشجوی دربند، از زندان اوین به مادرش:

پنجشنبه، ۰۶ بهمن ۱۳۹۰

جواد علیخانی، فعال دانشجویی، در نامه ای از زندان اوین خطاب به مادرش نوشته است: "افسوس میخورم که فقط هفته ای دوبار می توانیم هم را ببینیم. آن هم از پشت دیوار های شیشه ای سرد اوین که با میله ها آذین شده. در آن لحظه ملاقات که چشمان بارانی ات را می بینم، آتش به خرمن هستی ام می زند و تنها نفس های گرم وجودت است که مرا به وجد می آورد".

به گزارش دانشجوییوز، جواد علیخانی، دانشجوی رشته دامپزشکی دانشگاه چمران اهواز، برای دومین بار، در دوم خرداد ۱۳۸۹ بازداشت شد. این فعال دانشجویی پیش از این نیز در مهر ماه سال ۸۶ بازداشت و پس از ۱۱ ماه حبس در شهر اهواز، با قید وثیقه از زندان آزاد شده بود. وی در پاییز سال ۱۳۸۷ در دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به سه سال زندان کاهش یافت. وی که ماه های نخست محکومیت خود را در زندان های اهواز سپری کرده بود، پس از انتقال به تهران، هم اکنون در زندان اوین دوران محکومیت خود را می گذراند.



متن کامل نامه جواد علیخانی خطاب به مادرش در ادامه آمده است:

مادرم! مهربانترین مهربانان!

درمانده ام که سخن را چگونه آغاز کنم و چه بگویم که شرمسار نباشم، و آنگونه که شایسته و بایسته باشد بتوانم حق مطلب را ادا کنم؛ چرا که بر این باورم "کلام آغاز نمی شود تا ندیدنت." با این وجود می خواهم مطلع سختم را با ذکر خاطره ای از دوران کودکی آغاز کنم. به خاطر داری در یک روز سرد زمستانی که برف می بارید و من نیز پشت پنجره ایستاده بودم و با حسرت و اندوه دانه های بلورین برف را به نظاره نشسته بودم که به آهنگی دلنشین چگونه می رقصیدند و بر زمین می نشستند؛ و سنگفرشهای کوچکی و خیابان را از پلیدی ها و زشتی ها پنهان میکردند و پاکي و طراوت را برای زمین به ارمغان می آوردند. نیک به یاد می آورم که چگونه حسرت بازی های کودکی را در چشمانم خواندی و پاسخم دادی و شال و کلاهم کردی تا سرگرم برف بازی شوم ... و آه که چه لذت بخش بود لحظه ای که دانه های برف روی دستانم می نشست و من نیز با حسرت تماشا می کردم که چطور بر روی دستانم آب می شوند و خود را فنا کرده تا مایه ی حیات را به ما آدمیان ارزانی دارند ... در لحظاتی که از شدت سرما می لرزیدم و توان سخن گفتن و حرکت کردن نداشتم که می آمدی و در آغوشم می کشیدی و گرمای وجودت به من هدیه میدادی. حال از آن روزها سالها میگذرد و با مرور خاطرات بیشمار دوران کودکی پی می برم که چگونه در این سالهای طولانی مهر مادری را بر من ارزانی داشتی و درس عشق، مهر، صلح و آزادی را به من

آموختی.

گاهی اوقات پیش می آید که در زندان ، حتی برای لحظاتی کوتاه ، چشمانم را می بندم و از معبر زمان عبور می کنم تا به آن روزگار دوران خوش کودکی بازگردم و آن خاطرات را از نو تجربه کنم تا همیشه بودندت را در کنارم احساس کنم . ولی افسوس پس از چند لحظه که چشمان را باز میکنم ، تو را نمیبینم و به یاد می آورم که در این قفس محصورم . در این لحظه است که غم تمام وجودم را فرا میگیرد و سکوتی تلخ بر من حکمفرما می شود و این دیوارهای سرد و بی روح را در مقابل چشمانم میبینم که نه حرف می زنند و نه احساسی دارند و هرچه هست ، سراسر رعب است و هراس ... و ازینکه در کنارت نیستم خود را در قعر عجز و عسرت احساس میکنم.

هرچه هست سایه ی شوم و هولناک قدرت است که بالای سرم خیمه زده است و من تمام توان خود را به کار می بندم ، پنجه در دیوار افکنده تا شاید روزنه ای از امید بیابم و خود را دوباره در آغوشت ببینم و آرام گیرم.

مادر ! ای زلال تر از باران!

حال که از بیم هایم سخن گفتم و از ناتوانی هایم هراس هایم ، شاید بهتر باشد تا جانب انصاف را گرفته و از امیدهیم نیز سخن بگویم . چرا که معتقدم این بینش و زاویه نگاه هر کس است که غم و شادی و نشاط و اندوه و نیز بیم و امید را رقم میزند.

علی رغم سپری شدن روزها و شبهایی به دور از آزادی و نیز گذر ایام جوانی ام در پس دیوارهای سرد سپیدار و کارون و اینک نیز اوین ، خوشحال و خرسندم از اینکه زندگانی و حیاتم معنایی جدید یافته و تجربه ای نو بدست آورده ام.

علی رغم تمام تلخی های حاصب از محدودیت ها و دوری از خانه و کاشانه و جامعه ، بزرگترین موهبت زیست در زندان این بود که در سایه سارِ دوستان با طراوت تر از گل زیسته ام و همگی با مشقت های گره کرده مشق زندگی کرده ایم به سرسبزی جنبش سبز.

بنابراین با این بینش به خود و جامعه بوده است که سرشار از حیات گشته ایم و با اینکه در بندی با دیوارهای بلند و زمخت و بی روح محصوریم ، همه دست در دست هم داده ایم تا این ترانه ها را با عشق به وطن زمزمه کنیم " :هستیم ، ایستاده ، بیدار ، امیدوار. " ...

امیدوار به آینده ای برای ایرانی آباد و آزاد ، امیدوار به "بودن" برای "طرحی نو در انداختن" ، امیدوار به آینده ای که به باور من زود خواهد آمد و در آن ایام دیگر نشانه ای از ظلمت شب نخواهد بود . آری با این طرز فکر است که میتوانیم با تکیه بر امید و نیز با همدلی و همراهی یکایک همبندیان ، روحی تازه بر کالبد سخت و سرد زندان دمیده تا زندان

چکیده

را دانشگاهی برای آموختن و تجربه کردن برای خود تبدیل کنیم و نیز پیوندي عمیق و عاطفی با مردمان ایرانزمین ، حیاتی سبز را در رگهای متصلب جامعه مان جاری کنیم ، تا همگان بدانند که با صبر و استقامت و اراده ای راسخ و زلال میتوان اساس زندگی بشری که همانا "آزادی" می نامندش را برای جامعه مان که به راستی شایسته آن است ، به ارمغان آورد.

معنای هستی ام

به عشق تو و امید به دیداری نو ، تحمل روزهای تلخ زندان حقیقتاً برایم سهل و آسان گشته است . در یکی از همین روزهای آغازین زمستان بود که در حیاط قدم میزدم و تنها باد مهمان تنهاییم بود و در اندیشه ایام نه چندان دور به سر می بردم . روزهایی که بیرون از زندان بودم ولی در حسرت چشیدن طعم آزادی . و دنیای پیرامونم رفته رفته از زندگی تهی می شد و زمین نیز از زیستن خسته بود و من نیز در این وضعیت ، هر کجا قدم می گذاشتم ، شب با سرعتی تصور ناپذیر پشت سرم فرا می رسید . گویی همه جا سیاهی شب در پی من بود و هر کجا که میرسیدم ظلمت و تباهی فرود می آمد و گورستانی سرشار از سکوت در ذهنم نقش می بست و چون پتکی کالبدم را فرو می ریخت و گرچه این را با چشمانم نمی دیدم ولی به راستی با تمام وجود و با تگ تگ ذرات بدنم احساس می کردم.

مادر عزیزم

در تمام سالهای حضورم در دانشگاه و در طول مسیر خوابگاه تا دانشگاه ، این حس با من همراه بود و من نیز به ناچار به راهم ادامه می دادم و مسیرم را پیش می گرفتم و سایه ظلمت و خفقان و استبداد سر به سرم می گذاشت ، آزارم می داد ، عذابم میداد . سایه ای که وجودم را در هاله ای از ابهام قرار داده ، سایه ی شوم استبداد که هستی را به نیستی مبدل کرده بود . در این لحظه بود که قاصدکی که سکوت شب را نشانه رفته بود مهمانم شد و دلتنگی هایم را از بین برد و خستگی هایم را شکست . تصمیم گرفتم به نبردی نابرابر با نیستی تن در دهم و تکلیف خویشتن را روشن کنم ، لذا از بین دو گزینه دانشگاه ، اخذ مدرک ، تحصیلات عالیه ... و رفتم به زندان و معنایی دوباره به زندگی بخشیدن و فریاد برآوردن و سیاهی شب را نشانه رفتن ، گزینه دوم را انتخاب کردم و در مسیری پا نهادم که حیاتم معنایی دوباره یافت . این گونه شد که کیف و کتاب و خاطرات شیرین دانشگاه را رها کردم و میله های سرد و پولادین سلولهای انفرادی و دیوارهای بلند و زمخت و بی روح زندان را در آغوش کشیدم تا رهایی بزرگتری بدست آورم.

مادرم ، بهانه هستی ام و فلسفه وجودی ام

چکیده

شاید که تصمیم در ابتدا خودخواهانه می نمود . چرا که شما با تمام رنج ها و سختی های زندگی آرزویی دگر برایم داشتید و آینده ای دیگر برایم ترسیم نموده بودید . به دور از زندان و حبس ، خواسته شما را اجابت نکردم و عصیانگری نمودم و آرزوهای شما را برآورده نساختم و از این حیث به شما و خانواده بدهکارم و امید آن می رود که تا در آینده ای نه چندان دور بتوانم قدرتان زحماتتان باشم . خوب به یاد می آورم روزهایی در مهر 86 که در یکی از خیابانهای اهواز ربوده شدم . چه مدت که از من بی خبر بودی و چه سختی ها که تحمل نکردی و دائم در رفت و آمد از کرج به اهواز تا بلکه خبری از من بگیری و دریغ که هیچ پاسخت نمیدادند.

مگر من میتوان آن لحظات را درك کنم که مادری چه کشید از بیخبری مطلق از فرزندش . و حقیقتاً نمیتوانم بفهمم که چه دشواری ها و دردها کشیدی ولی باز هم در سینه حبس کردی و تاکنون نیز برایم بازگو ننمودی.

عزیزترینم

به وجودت افتخار میکنم که چه زود توانستی واقعیت را بپذیری که به هر حال این سالها را در زندان خواهم بود و مهم تر اینکه خود را با شرایط سخت و دشوار من هم آغوش دیدی و سهم بیشتری از سختی ها و تلخی هارا بر دوش کشیدی و دلتنگی هایم را سهم شدی و به وضوح دیدم که چه عاشقانه با دلتنگی های دیگر خانواده های زندانیان همراه و هم درد گشتی.

این روزها به اندازه تمام عمرم دلتنگ تو ام و آرزوی آن دارم تا در آغوشت بگیرم و روی چون ماهت را که تمثالی از عشق و صبر و ایستادگی ست را غرق در بوسه کنم . بدان که به داشتن مادری چون تو افتخار می کنم که اینچنین همراه و همدل من بودی و هستی . افسوس میخورم که فقط هفته ای دوبار می توانیم هم را ببینیم .

آنهم از پشت دیوار های شیشه ای سرد اوین که با میله ها آذین شده . در آن لحظه ملاقات که چشمان بارانی ات را می بینم ، آتش به خرمن هستی ام می زند و تنها نفسهای گرم وجودت است که مرا به وجد می آورد .

به هستی ام معنا می بخشد و سخنت موسیقی ای دلنشین روحی تازه بر کالبدم می دمد . و انرژی ام مضاعف می گردد با دیدنت ، با شنیدن صدایت ، با خنده هایت ... چرا که خواسته ای تا قرص و محکم بایستم و باکی نداشته باشم و مضمون حرفهایت همیشه این جمله بوده است که : " تاریخ ترین ساعت شب ، درست ساعات قبل از طلوع خورشید است ، پس همیشه امید داشته باش . " پس به من نیز حق بده تا خواسته ای داشته باشم و آن اینکه کوچکترین

چکیده

نگرانی از نبود من نداشته باشی و دلواپسی از بودن من در زندان به خود راه ندهی و همیشه در کنارم بایستی ، همانطور که تاکنون همراهم بوده ای. مادر عزیزم

روزهای دوشنبه که می شود با اینکه می دانم چه سختی هایی را متحمل می شوی و با کهولت سن رنج های مسیر کرج تا اوین را به جان می خری و در سرما و گرما و به هر وسیله خودت را به زندان می رسانی ، لحظه شماری میکنم و چشم انتظار حضورت هستم. افسوس که تنها ۲۰ دقیقه رویت را می بینم.

دقایقی که يك عمر برایم ارزش دارد و حضورت به من معنا می بخشد و لحظات پایانی ملاقات را به یاد می آورم که وجود نازنینت ققنوس وار می سوزد تا از خاکسترش ققنوسی جوان و باطراوت چون فرزندش برآید.

اینگونه میشود که با دیدن این عشق در چشمانت احساس غرور می کنم و مهر مادری را در تڪ تڪ ذراتم حس میکنم و اینکه نگاهت سرشار از رازهایی ست که در دل داری و نمیگویی و من تنها می توانم به تفسیر و تاویل روی بیاورم که مضمون کلام و نگاهت می تواند این سخنان آهنگین باشد:

کوچه ها منتظر بانگ قدم های تو اند / تو از این برف فرود آمده دلگیر مشو

درخواستها برای آزادی موسوی، کروبی، و رهنورد در اولین سالگرد حصر خانگی آنان افزایش می یابند

(۶ بهمن ۱۳۹۰) شیرین عبادی، برندهٔ جایزهٔ صلح سال ۲۰۰۳، امروز خواستار یک کمپین پایدار بین المللی برای آزادی سه رهبر مخالفان که نزدیک به یک سال است در حصر خانگی به سر می برند شد.

در بیانیه ای که امروز منتشر شد، عبادی گفت: “با اعلام حمایت از فراخوان زندانیان سیاسی از تمامی آزادی خواهان سرا سر دنیا دعوت می کنم که از هیچ کوششی برای پی گیری آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران به ویژه خانم زهرا رهنورد و آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی دریغ نوزند.”

با اشاره به انتخابات مجلس پیش روی، عبادی گفت: “از هم وطنان گرامی دعوت می کنم تا با تحریم انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی که در دوازدهم اسفند ماه سال جاری برگزار می شود، یک بار دیگر عدم مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی ایران را به جهانیان نشان دهند.”

بیانیهٔ شیرین عبادی به دنبال فراخوان مشابهی که توسط ۳۹ زندانی سیاسی ایران امضاء شده و روز ۵ بهمن ۱۳۹۰ در وبسایت کلمه منتشر شده بود، انتشار یافت. این فراخوان اعلام میدارد: “از تمامی هموطنان آزاده و آگاه خویش در هرکجای جهان که هستند، می خواهیم در کنار آگاهی بخشی در مورد انتخابات دروغین و مهندسی شده و فرمایشی اسفندماه، از هیچ کوششی برای پیگیری آزادی رهبران محبوس جنبش سبز در بهمن ماه جاری دریغ نکنند.”

چکیده

کمیسیون بین المللی حقوق بشر در ایران حمایت کامل خود را از فراخوان شیرین عبادی و زندانیان سیاسی برای آزادی فوری رهنورد، موسوی، و کروبی اعلام میدارد. پس از اینکه در ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ موسوی، کروبی، و رهنورد از مردم برای یک راهپیمایی در همبستگی با جنبش های مردمی در تونس و مصر دعوت کردند، مقامات ایرانی آنان را عملاً تحت حصر خانگی قرار دادند. مقامات همچنین به تقاضای آنان برای مجوز راهپیمایی واقعی نگذاشتند. با این وجود، هزاران نفر از مردم در ۲۵ بهمن ۱۳۹۰ به صورت مسالمت جویانه به خیابانها رفتند اما با سرکوب وحشیانه مقامات روبرو شدند. از آن زمان تا کنون، موسوی، کروبی، و رهنورد بدون کمترین دسترسی به ارتباطات، و با تماسهای غیر متناوب با خانواده های خود در منازل خود نگهداری شده اند. مقامات ایرانی مکرراً گفته اند که موسوی، کروبی، و رهنورد تحت بررسی قضایی قرار ندارند و هرگز هیچ اتهامی به صورت رسمی علیه آنان اعلام نشده است. سخنگوی کمپین، هادی قائمی گفت: “پس از یک سال بدون کیفرخواست و یا محاکمه، دیگر نمیتوان آنچه را که ظرف سال گذشته بر سر موسوی، کروبی، و رهنورد آمده است حصر خانگی بدون طی مراحل رسمی خواند. این دیگر آدم ربایی است.” زندانیانی که فراخوان ۵ بهمن را امضا کرده اند افراد زیر می باشند: بهمن احمدی امویی، حسن اسدی زید آبادی، جواد امام، محسن امین زاده، مسعود باستانی، عماد بهاور، سید علیرضا بهشتی شیرازی، سیدمصطفی تاجزاده، سعید جلالی فر، علی جمالی، امیر خرم، بابک داشاب، محمد داوری، مجید دری، امیر خسرو دلیر ثانی، علیرضا رجایی، حسین زرینی، عیسی سحر خیز، داوود سلیمانی، محمد سیف زاده، قاسم شعله سعدی، کیوان صمیمی، فریدون صیدی راد، جلیل طاهری، محمد فرید طاهری قزوینی، فیض الله عرب سرخی، سیامک قادری، ابوالفضل قدیانی، فرشاد قربان پور، سعید متین پور، محسن محقق، مهدی محمودیان، محمد رضا معتمد نیا، علی ملیحی، عبدالله مومنی، محسن میردامادی، بهزاد نبوی، ضیا نبوی، ابوالفضل عابدینی

دیده‌بان حقوق بشر: روزنامه‌نگاران بازداشتی را فوراً آزاد کنید!

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در جدیدترین گزارش خود درباره ایران، از ۱۰ روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویسی نام برد که از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون بازداشت شده‌اند. این سازمان از جمهوری اسلامی خواست که این افراد را فوراً آزاد کند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی که روز پنجشنبه (۲۵ ژانویه / ۵ بهمن) منتشر شده، از جمهوری اسلامی خواست تا هرچه زودتر ۱۰ روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویسی را که از آغاز سال جاری میلادی تا کنون بازداشت شده‌اند، آزاد کند.

سایت رسمی دیده‌بان حقوق بشر به نقل از "جو استورک"، معاون بخش خاورمیانه این سازمان غیردولتی، نوشته است: «موج جدید دستگیری‌های روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان، تلاش بی‌شرمانه مقامات جمهوری اسلامی برای اعمال سلطه مطلق بر جریان آزاد اطلاعات است. مسئولین باید تمام روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسانی را که در حال حاضر بدون صدور اتهامات رسمی، وجود شواهد محکم علیه آنان و یا به دلیل استفاده از حق آزادی بیان، در زندان‌های ایران گرفتار شده‌اند، آزاد کنند.»

در این گزارش با نام بردن از روزنامه‌نگارانی چون پرستو دوکوهکی، مرضیه رسولی، سهام‌الدین بورقانی و شهرام محمودی که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند، خاطر نشان شده که مقامات رسمی تا کنون از ارائه دلیل بازداشت این افراد خودداری کرده‌اند. تنها پرستو دوکوهکی طی تماسی که با خانواده‌اش داشته گفته است که اتهام "تبلیغ علیه نظام" به او تفهیم شده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر همچنین از دستگیرشدگان دیگری نام برده از جمله سعید مدنی، استاد دانشگاه، محمد سلیمانی‌نیا، مترجم، فاطمه خردمند و احسان هوشمند، که هر دو روزنامه‌نگار هستند. به گزارش این سازمان، همچنین تعدادی از اعضای سایت "مجدوبان نور" که متعلق به درویش گنابادی است نیز از ابتدای سال جاری میلادی دستگیر شده‌اند. این دستگیری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که روز سه‌شنبه (۴ بهمن / ۲۴ ژانویه) حیدر

مصلحی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، اعلام کرد که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی افرادی را دستگیر کرده‌اند که قصد اخلاص در جریان انتخابات آینده مجلس را داشتند و از طریق شبکه‌های اجتماعی «به دنبال اجرای طرح‌ها و برنامه‌های آمریکا» بودند. هنوز ارتباط دستگیری‌های اخیر با این سخنان وزیر اطلاعات مشخص نشده و معلوم نیست که اتهامات این افراد در رابطه با انتخابات آینده مجلس در اسفندماه باشد. در آخرین روزهای سال ۲۰۱۱ "کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران" در گزارش خود از وضعیت روزنامه‌نگاران در دنیا در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که ایران برای دومین سال متوالی عنوان «بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران جهان» را از آن خود کرده است.

اعتصاب غذا جعفر اقدامی (شاهین) زندانی سیاسی

خبرگزاری هرانا - جعفر اقدامی (شاهین) زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج در اعتراض به عدم تحویل داروهایش در زندان از روز شنبه دست به اعتصاب غذا می‌زند.



بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این زندانی سیاسی در اعتراض به معطل نگه داشتن خانواده زندانیان و بی احترامی به ایشان در هنگام ملاقات و تحویل ندادن داروها از روز شنبه تا دوشنبه به مدت سه روز اعتصاب غذا خواهد کرد.

یاسین مشهدی نویسنده "فریاد بم به دادگاه احضار شد"

خبرگزاری هرانا - یاسین مشهدی نویسنده "فریاد بم" که به دلیل انتشار مطالب انتقادی از مسئولین شهری و کشوری در خصوص روند کند بازسازی شهر بم در مهر ماه و دی ماه سال جاری بازداشت شده بود به دادگاه احضار شد.



بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از کرمان، این نویسنده منتقد در پی انتشار مطالبی و اشاره به اختلاس های میلیاردی بودجه اختصاصی جهت بازسازی شهر بم و انتقاد از مسئولین، اولین بار توسط نیروهای امنیتی در مهر ماه سال جاری بازداشت شد .

گردهمایی این هفته به دعوت ما خبرنگار و عکاس روزنامه معتبر و پیر خواننده "فرانکفوتر رونشاو"

در گردهمایی این هفته به دعوت ما خبرنگار و عکاس روزنامه معتبر و پیر خواننده "فرانکفوتر رونشاو"

Frankfurter Rundschau برای گرفتن گزارش حضور داشتند. ما یک گزارش کامل از مادران پارک لاله در ایران و همینطور حامیان آنها در سراسر دنیا دادیم. از وضعیت بد زندانیان سیاسی، از مادران و خانواده های زندانیان و جانبازگان که در زیر فشار و اذیت و آزار حاکمان در ایران زندگی بسیار سختی را میگذرانند. در مورد نسرین ستوده که بیش از 500 روز در شرایط سخت فقط به دلیل دفاع از زندانیان به سر میبرد و از دو فرزندش

چکیده

که دوری مادر را باید تحمل کنند و از وکیل ایشان آقای سلطانی که در بیدادگاه جمهوری اسلامی حاضر به دفاع از خود نشد. همینطور از کوهیار گودرزی فعال حقوق بشر که ربوده شد و مادرش پروین مخترع که جرمش پیگیری پرونده فرزندش بوده، صحبت کردیم. از زینب جلالیان و شکنجه ها و اذیت و آزارش و نگرانی از وضعیت جسمانی او، از یار و همراهان ژیلما مکوندی از حامیان مادران پارک لاله که هم اکنون فقط به دلیل همدردی با مادران و خانواده های زندانیان و جانبازگان در زندان بسر میبرد. از یار و همراه دیگرمان منصوره بهکیش که 5 خواهر و برادرو همسر خواهرش را در دهه شصت به قتل رساندند و تا بحال هم خودش را چندین بار فقط به دلیل همدردی با مادران و خانواده ها دستگیر یا احضار کرده اند. از سعید ملک پور، زانیار و لقمان مرادی که در خطر اعدام بسر میبرند. و کلا در مورد ظلم و ستمی که به مردم ایران میروود گزارش دادیم و همینطور از این خبرنگاران خواستم که بنویسند ما به هیچ عنوان خواهان جنگ نیستیم و برای مردم و مملکتمان آرزوی صلح و آزادی داریم. ما تا آخر ایستاده ایم و صدای دادخواهی مادران و خانواده ها را به گوش دنیا خواهیم رساند

حقوق بشر و زندانیان غیر سیاسی

استوار ابراهیم محمدیان، افسر نگهبان؛ یاد شده حسب محتویات پرونده، در مورخ ۱۹/۴/۱۳۸۸ بازداشت‌شدگان را در هنگام پذیرش عریان نموده و آنان را مورد ضرب و جرح قرار داده است. وی در تحقیقات به عمل آمده صراحتاً به ایراد ضرب و جرح اعتراف نموده و مدعی است این اقدامات را حسب روش جاری بازداشتگاه انجام داده است.



کیفرخواست دادستان نظامی تهران علیه متهمان کهریزک؛ صفحه ۱۷

درباره ضرورت پرداختن مداوم به وضعیت زندانیان سیاسی و ستمی نظام‌مندی که علیه آنان روا داشته می‌شود نباید تردید کرد. از آنجا که اکثر زندانیان سیاسی در نظام‌های غیر دموکراتیک و «دموکراسی‌های هدایت شده» مخالفان و منتقدان نظام هستند، سیستم آگاهانه از آن‌ها انتقام می‌گیرد و این امر آن‌ها را در معرض رنج‌های بی‌پایان قرار می‌دهد.

این حقیقت اما نباید چشم ما را بر روی شرایط اسفبار خیل عظیمی از انسان‌هایی ببندد که رنج می‌کشند بی‌آنکه اندیشیدن به آرمانی درد آن‌ها را قدری التیام بخشد و یا فریادهای خاموششان شنیده شود. شوربختانه روزگار صدها هزار زندانی غیر سیاسی در ایران آزمونی است که بیشتر فعالان و دغدغه‌مندان حقوق بشر در آن مردود شده‌اند. حقوق بشر همانگونه که از نامش پیدا است حقوق تک تک مصادیق نوع بشر است و هیچ اتهام یا جرمی نمی‌تواند این حقوق را از کسی سلب کند. سکوت گورستانی موجود درباره وضعیت این «دوزخیان زمین» از سوی ما اما چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟ آیا کسی می‌تواند مدعی بی‌خبری باشد؟ شواهد هولناک و متعدد موجود قابل نادیده گرفته شدن نیستند. به طور مثال در یکی از تاریخی‌ترین اسناد منتشر شده در تاریخ جمهوری اسلامی یعنی کیفرخواست متهمان بازداشتگاه کهریزک، در بخش «نتیجه تحقیق از متهمان» جایی که در فرآیند دادرسی از متهمان درباره شکنجه‌ها و رفتاری که منجر به فوت برخی بازداشت‌شدگان شده‌است پرسیده می‌شود، آن‌ها این رفتار را روش جاری بازداشتگاه می‌دانند. عجیب است که آنچه تنها مدتی بر سر عزیزان و همفکران ما آمد و منجر به شهادت ۴ تن و وارد آمدن آسیب‌های روحی و جسمی جبران‌ناپذیر به بسیاری دیگر از آنان شد و این چنین ما را به خشم آورد سال‌ها هر روز بر سر انسان‌ها می‌آمده و صدا از کمتر کسی برمی‌خواست است. مهدی محمودیان در سال ۸۶ نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای می‌نویسد و در آن «از کشته شدن ده‌ها نفر در هنگام نگهداری در بازداشتگاه کهریزک و از مجبور کردن زندانیان به برهنه شدن و کابل زدن بر بدن یکدیگر، از جادادن بیش از ۴۰ نفر در یک کانتینر ۳۰ متر مربعی به مدت چندین هفته، از شکستن دست و پاهای زندانیان» و... می‌گوید. اگر این نامه را هم کسی نخوانده باشد کمتر کسی است که در همان دوران عکس‌های شکنجه‌های و شلاق خوردن‌های افرادی را که تحت عنوان ارادل و اوباش بازداشت شده بودند ندیده باشد. در واقع همه ما بخشی از این واقعیت هولناک را می‌دانستیم و سکوت کردیم تا روزی که این فجایع بر سر عزیزان خود ما آمد.

از دیگر متونی که در این رابطه انتشار یافت می‌توان به نامه ضیا نبوی از زندان کارون اهواز که در آن زندگی در این زندان را مرز زندگی حیوانی و انسانی می‌داند و به دومین نامه مهدی محمودیان به آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۹ که در آن صراحتاً از رواج برده‌داری جنسی در زندان‌های مختلف ایران پرده برداشته شده است، اشاره کرد. مهدی محمودیان در جایی از این نامه که به وضعیت زندان‌های کچوئی، رجائی شهر و اوین پرداخته می‌نویسد:

من از وضعیتی می گویم که در این زندان هر کسی که کمی زیبایی در چهره داشته باشد و احیاناً زوری در بازو نداشته باشد و یا پول خوبی در حسابش نداشته باشد که باج بدهد به دیگران، به زور در سالنهای مختلف و هر شب در یک اتاق گردانده می شود و هر مفعولی صاحبی دارد و از این بابت پولی بدست می آورد و بعد از چند وقت هم او را به دیگری می فروشد.

بر اساس گفته رئیس سازمان زندانها چیزی حدود ۳۰۰.۰۰۰ زندانی در ایران وجود دارد و این بدین معنا است که چیزی حدود یک هزارم زندانیان ایرانی، زندانی سیاسی هستند در صورتی که اگر کسی تنها مبتنی بر محتوای سایت‌های حقوق بشری پر بازدید فارسی قضاوت کند تصور خواهد کرد که تنها زندانیان سیاسی و عقیدتی قربانیان جهنمی هستند که حکومت ایران برای زندانیان ساخته است. جهنمی که برای ارائه تصویری از آن حتی نیازی به استناد به مصاحبه‌ها و نامه‌های زندانیان نیز نیست.

مسئولین حکومت نیز گاه از فرط شوری آش مجبور شده‌اند به سخن بیایند. محمدباقر ذوالقدر، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه طی سخنانی در اولین نشست هماهنگی کارگروه‌های آموزش مدیریت پیشگیری از جرم شهرستان‌های استان خراسان رضوی اعتراف می‌کند تعداد زندانیان در ایران سه برابر ظرفیت زندان‌ها است و وضعیت نگهداری نامناسب است یا مثلاً یونس موسوی نماینده فیروزآباد می‌گوید آن قدر در زندان‌ها مشکل هست که به هر دو نفر یک پتو می رسد. دیگر اظهارنظرهای مسئولین حکومتی از نرخ اعتیاد هفتاد درصدی، شیوع بیماری‌های همچون ایدز و هپاتیت و مشکلات شدید بهداشتی و تغذیه‌ای در زندان‌ها حکایت دارد.

علاوه بر نقض مداوم مفاد اعلامیه حقوق بشر در مورد زندانیان هم چون منع شکنجه و رفتار ظالمانه، حق شناخته شدن شخصیت حقوقی درباره قانون و بیگناه محسوب شدن متهمین تا زمان مجرم شناخته شدن در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و نقض مفاد قانون اساسی همچون منع شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع، منع هتک حرمت و حیثیت و حق انتخاب وکیل و نقض بندهای متعدد قوانین موضوعه درباره زندانیان، حتی حقوق مصرح در آیین‌نامه زندان‌های ایران نیز به هیچ وجه رعایت نمی‌شود. مهرانگیز کار در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق زندانیان» به ده‌ها ماده و تبصره از این آیین‌نامه که مکرراً نقض می‌شود می‌پردازد اما جالب است که حتی او نیز با اینکه مقاله را تحت عنوان «حقوق زندانیان» و نه مثلاً «حقوق زندانیان سیاسی و عقیدتی» تدوین کرده در جای جای متن تنها به وضعیت این زندانیان می‌پردازد. فعالان حقوق بشر با مسأله شکنجه برای گرفتن اقرار نیز به گونه‌ای برخورد کرده‌اند که گویی این سلاح غیر انسانی تنها علیه زندانیان سیاسی به کار گرفته می‌شود و انگار همه فراموش کرده‌اند که شکنجه و ضرب و جرح برای اخذ اقرار حتی تا حدی که گاهی منجر به فوت فرد بازداشتی می‌شود دهه‌هاست که در ایران رویه ثابت ضابطان و مأمورین قضایی است و مداوماً علیه

متهمین به قتل و سرقت به کار می‌رود. با این تفاوت که این افراد هنگام ضرب و جرح این متهمین اطمینان دارند که صدای متهمین به هیچ جا نخواهد رسید و حتی برخلاف زندانیان سیاسی امکان ایجاد فضای خبری نیز در این باره وجود ندارد. این وقاحت در دستگاه قضایی و انتظامی ایران به حدی است که مسئولین میانی در مصاحبه با رسانه‌ها به تلویح و مثلاً با عنوان «شیوه‌های فنی-پلیسی» از شکنجه متهمین با افتخار یاد می‌کنند و ریشه این وضعیت تا حد زیادی سکوت رضایت‌آمیز ما است.

البته در انتقاد از این سکوت باید محدود افرادی همچون عمادالدین باقی را مستثنا کرد. او در انجمن دفاع از حقوق زندانیان سال‌ها بدون کوچکترین تبعیضی حقوق از دست رفته زندانیان سیاسی و غیرسیاسی را پی گرفته است و هزینه‌های این پیگیری را با جان و تن خویش پرداخته است. قابل نیز با افشای اعدام‌های غیرقانونی و گروهی زندانیان مواد مخدر در زندان وکیل‌آباد مشهد دین خود را به انسانیت پرداخته است.

سکوت و عدم اعتراض به وضعیت عموم زندانیان غیرسیاسی و عقیدتی از دو منظر به طور جدی قابل نقد است نخست اینکه حتی بر فرض اگر کسی صرفاً دغدغه سیاسی داشته باشد و وضعیت زندانیان سیاسی برایش اولویت داشته باشد هم نباید اعتراض و فعالیت خود را صرفاً معطوف به این زندانیان کند زیرا بخش مهمی از آنچه بر سر زندانیان سیاسی می‌آید سرنوشت مشترک تمامی زندانیان است و تا زمان عدم بهبود شرایط عمومی زندگی در زندان و عدم وجود تضمین‌های لازم برای رعایت حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر، قانون اساسی ایران و آیین‌نامه زندان‌ها، هیچ یک از زندانیان از آن بهره‌مند نخواهند شد. علاوه بر این پرداختن به حقوق عموم زندانیان بدون هیچ قیدی این مزیت را هم دارد که می‌توان در رسانه داخلی ایران که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیز اداره می‌شوند صورت گیرد و امکان به وجود آوردن یک فضای رسانه‌ای اثرگذار بر سیاست‌های حکومت درباره زندان‌ها از جمله افزایش بودجه و امکان نظارت در مورد آن وجود دارد. امکانی که به خاطر سرکوب شدید با انحصار بحث به زندانیان سیاسی غیرممکن است. تغییر این سیاست‌های کلی مستقیماً باعث بهبود زندگی زندانیان سیاسی نیز می‌شود.

رویکرد دیگر نیز رویکرد حقوق بشری و اخلاقی به مسأله است. چگونه کسی می‌تواند مدعی باورمندی به حقوق بشر باشد اما این حقوق را صرفاً برای عده‌ای خاص با عقاید و جهت‌گیری خاصی بخواهد و از آن حقوق در مورد صدها هزار انسان دیگر صرف‌نظر کند؟ آیا این همان آزمونی نیست که می‌تواند نشان دهد ما تا چه حد به واقع به حقوق بشر اعتقاد داریم و تا چه اندازه از آن به عنوان یک ابزار استفاده می‌کنیم؟

نویسنده: رضا قاضی نوری

خواندن قرآن مادر بزرگ و سؤال نوه



- بچه:** مامان بزرگ این چه کتابیه تو چند ماهه داری میخونی و تموم نمیشه؟
- مامان بزرگ:** این قرآنه عزیزم، تموم شده من هی دوباره میخونمش...
- بچه:** کی امتحانشو داری؟
- مامان بزرگ:** با لبخند ، چند سال دیگه عزیزم...
- بچه:** فهمیدنش خیلی سخته؟
- مامان بزرگ:** نه!
- بچه:** پس چرا اینقدر هی دوباره میخونیش؟
- مامان بزرگ:** آخه من قصه هاشو خیلی دوست دارم...
- بچه:** مامان بزرگ مگه قصه ها رو از شما امتحان میگیرن؟
- مامان بزرگ:** نه عزیزم! این کتاب خداست و من باهاش دعا میکنم...
- بچه:** مامان بزرگ تو با کتاب قصه دعا میکنی؟
- مامان بزرگ:** عزیزم این قصه های کتاب خداست...
- بچه:** مامان بزرگ کتاب خدا یعنی چی؟

چکیده

مامان بزرگ: یعنی کتابی که خدا حرف هاشو به پیغمبر خودش میگه که به ما بگه...
بچه: چرا خدا خودش به ما نمیگه؟!
مامان بزرگ: خدا که حرف نمیزنه عزیزم؟!
بچه: پس چیجوری با پیغمبر خودش حرف میزنه؟!
مامان بزرگ: با اونم حرف نمیزنه بهش وحی میفرسته...
بچه: وحی چیه مامان بزرگ؟!
مامان بزرگ: دستورهایی خداست که با یک فرشته ای به پیغمبرش میگه
بچه: فرشته مگه حرف میزنه؟!
مامان بزرگ: آره اما فقط با پیغمبر خدا
بچه: منم میتونم پیغمبر بشم؟!
مامان بزرگ: نه!!
بچه: چرا؟!
مامان بزرگ: آخه خدا پیغمبرها رو از اول خودش انتخاب میکنه...
بچه: مگه اونا با ما فرق دارن؟ مامان بزرگ؟
مامان بزرگ: نه عزیزدلم...
بچه: اگه فرق ندارن پس چرا خدا منو انتخاب نمیکنه؟!
مامان بزرگ: آخه دیگه خدا پیغمبر انتخاب نمیکنه، همه حرفاشو گفته!
بچه: آها پس دیگه خدا قصه بهتری بلد نیست بگه؟!
مامان بزرگ با لبخند: نه عزیزم! این بهترین قصه هاش بوده دیگه!
بچه: مامان بزرگ میشه من کتاب رو ببینم؟
مامان بزرگ: آره عزیزم؛ اما تو دستهای کثیفه و گناه داره، خودم نشونت میدم!
بچه: مامان بزرگ اینکه داستانهاش عکس نداره...؟!
مامان بزرگ با لبخند: نه نداره عزیزم!
بچه: مامان بزرگ این چرا اینجوری نوشته؟!
مامان بزرگ: این به زبون عربی نوشته عزیزم!...
بچه: مامان بزرگ مگه تو عربی بلدی؟!
مامان بزرگ بعد از چند ثانیه سکوت: نه عزیزم!...
بچه: آها پس تازه فهمیدم چرا اینقدر میخونیش؟
مامان بزرگ: سکوت

با آغاز دهه مثلاً فجر دولتمردان ولایت چند خواهش کوچک از مردم دارد



مرتضی تمدن استاندار تهران اعلام کرده که مالکان خودروهایی که در جریان اعتراضات بعد از انتخابات ریاست جمهوری، "با سوء استفاده از فضا و بوق زدن های ممتد و ایجاد راه بندان های غیر اصولی مردم را اذیت کرده اند، احضار می شوند".

بوق نزنید
گریه نکنید
حرف نزنید
شکایت نکنید
اعتراض نکنید
الله اکبر نگویند
لباس سبز نپوشید
حق رای نخواهید
شلوار تنگ نپوشید
موهایتان را بلند نکنید
از تورم چیزی نگویند
از گرانی شکایت نکنید
ریشتان را سه تیغ نزنید
از بی عدالتی گلایه نکنید
مرگ بر دیکتاتور نگویند
از بی کاری شکایت نکنید
پیراهن آستین کوتاه نپوشید
دنبال جنازه عزیزانتان نگردید

وقتی عزیزتان را ترور کردند یا در تظاهرات کشتند حق ندارید برای او مراسم بگیرید یا

جنازه اش را تشیع کنید !!!
با پای راست به مستراح نروید
دست زنتان را در خیابان نگیرید
از تجاوز در زندانها صحبت نکنید
برای گرفتن حقتان تظاهرات نکنید
صحبت از 18 میلیارد گم شده نکنید
از کشتار مردم بی دفاع اعتراض نکنید
سر خاک عزیزان کشته شده گریه نکنید
به بخشیدن پول نفت به عربها دخالت نکنید
حرف 1 میلیارد دلار ثروت آقا مجتبی رو نزنید
از باز سازی لبنان با پول نفت ایران حرفی نزنید
از دادن حق دریای خزر به روسها شکایت نکنید
فقط خفه بشید و بگذارید که ما هر کاری خواستیم بکنیم!!!!!!؟؟؟؟

با تشکر از شما

مسئولین جمهوری اسلامی

اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی و سرگذشت یک زندگی تکان دهنده

حتماً بخوانید تعدادی از عکسها ممکن است ناراحت کننده باشد!



چکیده

سرگذشت یک زندگی تکان دهنده رضا دیگر نمی‌خندند، یاری‌اش کنیم به نقل از سلامت نیوز؛ دنیای غربی است آقا... در این مملکت عده ای 3000 میلیارد اختلاس می‌کنند و کمی آنطرف تر "رضا" در عنفوان جوانی بخاطر بی پولی از درد به خود می‌پیچد. آقای رئیس جمهور در ابتدای مهرماه از دانش آموزان پرسیده :

اگر بجای رئیس جمهور بودید چه می‌کردید؟ ...

و دختر رضا در جواب این پرسش نوشته است :

اگر بجای آقای رئیس جمهور بودم، اولین کارم این بود که دست و پای پدرم را به او پس می‌دادم! دخترک امروز از من پرسید: یعنی نامه ام را می‌خواند؟ ... !

و من نتوانستم جوابش را بدهم. رضا 39 سال سن دارد. دو سال قبل بر اثر سانحه برق گرفتگی (11000 ولت) به فلاکتی گرفتار آمد که در عکس می‌بینید... همه چیز از آخرین روز از اولین ماه سال 88 شروع شد، رضا کیکاج نژاد، کارگر شرکت سامان محیط که کار تولید آسفالت و اجرای رویه جاده‌ها را به کارفرمایی سینا گلزاری برعهده داشت .



هنگامی که در حال تخلیه آسفالت‌ها در محل مورد نظر بود به علت شکم دادگی سیم‌های برق 33 هزار ولت کنار جاده ناگهان اتاقت کامیون به برق فشار قوی کنار جاده اتصالی می‌کند، لرزشی سخت او را در بر می‌گیرد و بر اثر شدت فشار برق گرفتگی به میان جاده پرتاب می‌شود.

چکیده



چشمانش را در بیمارستان اندیمشک باز می‌کند، آنجا ماندگار نمی‌شود و به بیمارستان طالقانی اهواز منتقلش می‌کنند و بعد از سه روز او را با پزشک و پرستار و با هواپیما به بیمارستان سوانح سوختگی امام موسی کاظم (ع) اصفهان منتقل می‌شود. رضا کیکاج نژاد بارها و بارها در بیمارستان تحت عمل‌های مختلف جراحی قرار گرفت، در این اعمال جراحی که برای قطع اندام‌ها و ترمیم حفره‌های عمیقی که درست به شکل قرینه در زیر بغل‌ها، پهلوه‌ها، زیر زانو‌ها و سمت کلیه‌ها او ایجاد شده بود حداقل ده بار بیهوشی عمومی را تجربه کرد و بعد از آن نیز برای شستشو و کنترل عفونت اندام‌های تحتانی یک بیهوشی دیگر را نیز تجربه کرد، ساعد دستان راست و چپش و پای راست و چپ او قطع شد تا او زنده بماند. اما کاش این ماجرای تلخ به همین جا ختم می‌شود، غم سنگین چشم‌های رضا کیکاج نه از نداشتن دست و پا که از نامهربانی‌های عدالت است. دل او که در کوچه پس کوچه‌های انتهای خیابان سینای اندیمشک به همراه همسر مهربان و دو فرزندش زندگی مستاجری را می‌گذارند در آن ایام سخت، خوش بود به دیه‌ای که قرار بود بر طبق حکم دادگاه که اداره برق و رضا کیکاج نژاد را هر کدام به میزان سی درصد و کارفرما را به میزان 40 درصد مقصر این حادثه اعلام کرده بود به او و خانواده‌اش تعلق بگیرد. اما شرکتی که رضا سلامتی‌اش را در آن از دست داد به حکم اعتراض کرد و با پیگیری‌های فراوانی که کرد، بعد از دو سال از گذشت حادثه و زمانی که هر دو طرف، یعنی کارفرما و همچنین اداره برق نواقص خود را برطرف نموده‌اند، رضا کیکاج 100 درصد مقصر شناخته شد. بله، شرکتی که رضا در استخدامش بوده توانسته خود را از پرداخت خسارت به او رها سازد... آنها راهمایی را بلد بوده اند که (رضا) هنوز هم به درک آن نرسیده ... است .

در این دو سال چه بر خانواده رضا رفت ؟ ... وقتی که 11 عمل جراحی را شاهد بودند ... بخدا سوختند. همه شان سوختند ... مثل رضا پدرش که کارگر بازنشسته راه آهن است تنها

چکیده

مایملک اش از این دنیا که در يك خانه دو اطافه خلاصه شده بود را فروخت و خرج فرزندش کرد و خودش به فلاکتی باور نکردنی به اجاره نشینی در دورترین نقطه شهر رفت. پیرمرد، حالا مجبور است در خیابان های شاهین شهر و با اتومبیلی که همشهریان از سر دلسوزی در اختیارش می گذارند بدنبال مسافر بدود بلکه از پس مخارج درمان دردهای فرزندش که زیر گوشش ناله های جگرخراش می کند برآید ... اما نمی آید. کلیه های (رضا) دارد عفونت می کند .

عروق اش تاب گردش خون از دست می دهند. استخوانهایش مرتب رشد می کنند و از زیر پوست بیرون می زنند ... آنوقت وقتی در روزنامه می خوانم که در این مملکت افرادی 3000 میلیارد تومان اختلاس می کنند درحالیکه (رضا) پول خرید 4 دانه کپسول ضد چرک را ندارد، جان به سر می شوم.



باری ... دولت فخمه در ارتفاعات و قلل گام می زند و از مدیریت جهان سخن می گوید اما (رضا) در پست ترین نقطه عمیق زندگی، پایی ندارد تا زندگی ساده خود را گام بزند و زندگی محقرش را مدیریت کند. آقا ... کجا داریم می رویم؟

دانشکده توانبخشی تهران برای پروتز دست و پای رضا فاکتور صد میلیونی صادر کرده و مدیر بهزیستی قول داده اگر مسئولان بالاتر قبول کنند 2 میلیون تومان آنهم پس از طی مراحل قانونی و بلند و کوتاه شدن آدمی مثل رضا که پا ندارد (شاید) به او کمک نماید. بسیار خوب، این از کرامت دولت کریمه، دولتی که می گویند رئیس جمهور محترمش برای رفاه مردم شبها خواب ندارد .

به آمریکا می رود تا حقوق امثال رضا را از شکم استکبار جهانی استیفاء نماید... اما می پرسم ما - مردم - در کجای این قصه قرار داریم؟ مایی که مسلمانیم و درد و رنج آدمیان را با عینک نوع دوستی قواره می کنیم.

چکیده

همسر رضای 31 ساله فرهنگی است، او فداکارانه در این دو سال هم پرستار همسرش بود و هم نان آور خانواده، این همسر مهربان می‌گوید برای خودم هیچ نمی‌خواهم تنها امیدم و تلامش این است که همسرم روی پای خود بایستد .

تلاش همسر و پدر رضا تهیه هزینه پروتزهایی است که شاید با وجود آنها بتوانند بار دیگر لبخند را بر لبان همسر و فرزند خود ببینند، اما افسوس... هنگامی که خواستم از رضا کیکاج عکس بگیرم به جای مسئولین خجالت کشیدم و در دل هزار بار آرزو کردم که روزی این همسر و پدر را با لبانی خندان و ایستاده بر دو پا هرچند مصنوعی باشد ببینم، مگر نمی‌شود من و شما هر کدام به سهم خود کمی کنیم برای التیام این زخم عمیق که هزینه ای بالغ بر 100 میلیون تومان دارد، شاید دوباره رضا بخندند با همت هموطنان ما...



با شما هستم : حاج آقا... حاج خانم ... آیا می‌توانید يك گل لبخند به دختر بچه ای که پدرش دست و پا ندارد هدیه کنید؟ رضا می‌گوید : بنویس من از کسی پول نمی‌خواهم... اگر کسی قصد کمک دارد هزینه پروتز دست و پایم را بپردازد تا وقتی دخترم در عالم بچگی می‌پرسد : پس کی دست و پایت برمی‌گردند تا مرا مثل بچه های دیگر به پارک ببری؟... جوابی داشته باشم. این روزها، رضا، در آغوش کشیدن فرزندش را يك (رویا) می‌داند. بیائید به رویای ساده (رضا) جامه عمل بپوشانیم. به قدر مسلمانی خود...

این وضعیت یک کارگر است و در حالی که چند نفر براحتی ۳۰۰۰ میلیارد دزدی کرده و تازه رهبرش می‌گوید راجع به آن حرفی نزنید واقعاً که چه دولتی، چه رهبری، چه عدالتی دارد این جمهوری اسلامی ایران

گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه دیماه ۱۳۹۰ نمود.

نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر اساس برنامه ماهانه خود که بیش از ۲۲ ماه از آغاز آن می‌گذرد، اقدام به انتشار گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه دیماه ۱۳۹۰ نمود.

در این نوشتار ۲۴۱ گزارش حقوق بشری منتشره دیماه در ۱۱ رسته حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. و علاوه بر تلاش برای ارتقای دقت گزارشات تلاش شده است جنبه‌های آموزشی نیز در گزارش تقویت شود. بررسی حقوقی اخبار و گزارشات مهم و پرداختن به گزارشاتی که بیشترین و کمترین توجه را به خود را اختصاص داده است در کنار استفاده از محاسبات آماری و نموداری را باید از دیگر نکات برجسته این گزارش دانست. متن کامل این گزارش به شرح زیر است، هم چنین برای دریافت نسخه PDF آن [اینجا](#) کلیک کنید.

ارزیابی عمومی اخبار نقض حقوق بشر دی ماه

در دی ماه ۱۳۹۰ نیز نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران تداوم یافت. این روند که همچون گذشته مربوط به حوزه‌ها و بخش‌های مختلف بود، علاوه بر اینکه ریشه در رفتار

چکیده

طبقه‌ی حاکم دارد، بی‌تردید بخش نه‌چندان کوچکی از آن نیز با معضلات فرهنگی جامعه‌ی ایرانی رابطه‌ی مستقیم دارد.

در طول ماه گذشته و علاوه بر اینکه دستکم ۵۶ تن از آغاز سال جدید میلادی (کمتر از بیست روز) توسط دستگاه قضایی-امنیتی در نقاط مختلف کشور از راه حلق آویز اعدام شدند، قاضی صلواتی، رئیس شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، خود به تنهایی سه حکم مرگ صادر کرده است. بر همین اساس جواد لاری، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین که دیوان عالی پرونده‌ی ایشان را به علت نقص به این شعبه بازگردانده بود، مجدداً از سوی وی محارب شناخته شده و به اعدام محکوم شد. هم‌چنین امیر میرزایی حکمتی، شهروند آمریکایی ایرانی تبار نیز به اتهام جاسوسی به اعدام محکوم شد. از سوی دیگر نیز حکم اعدام وحید اصغری، فعال سایبری با گذشت یک ماه از برگزاری دادگاه به وی ابلاغ گردید. مضاف بر این علی و حبیب افشاری، دو شهروند اهل مهاباد به اتهام محاربه از طریق فعالیت تبلیغی و عضویت در یک حزب مخالف نظام، از سوی دادگاه انقلاب این شهر به اعدام محکوم شدند.

در رابطه با صدور احکام اعدام برای فعالین سایبری (معروف به پرونده‌ی مضلین)، خانواده‌ی سعید ملک‌پور هم، از تایید حکم اعدام او در شعبه‌ی ۳۲ دیوان عالی کشور خبر داده و اعلام کردند جان این زندانی در خطر است.

از سوی دیگر شورای فرهنگ عمومی کشور، بنا به گزارش‌های مسئولان ارشاد در مورد وضعیت "خانه سینما" داوری کرد و در نهایت این نهاد صنفی را غیر قانونی دانست پس از آن نیز شورای عالی سینما با رأی حداکثری تصمیم به انحلال خانه سینما گرفت.

این اقدام واکنش‌های متعددی را در پی داشت. منجمله اینکه اعضای هیئت مدیره‌ی این نهاد صنفی شکایتی را در دیوان عدالت اداری کشور مطرح کردند که برای رسیدگی به یکی از شعب ارجاع شد. خواسته‌ی شاکی در پرونده، صدور دستور موقت عدم اجرای این تصمیم وزارت ارشاد و سپس ابطال آن بود که دیوان عدالت اداری این خواسته را موجه ندانسته و آن را رد کرد و در ادامه نیز بحث رسیدگی به ماهیت امر که همان ابطال تصمیم وزارت ارشاد است در دستور کار قرار گرفت. بسیاری از اهالی این حوزه نیز به‌طریق گوناگون به این اقدام اعتراض کرده که تنها برای نمونه می‌توان به اقدام اعتراضی بهمن فرمان‌آرا، کارگران نامی، با پس فرستادن سه سیمرغ بلورینی که از جشنواره فیلم فجر دریافت کرده بود به دفتر این جشنواره، اشاره داشت. خانه سینما از سال ۱۳۷۲، با عضویت تعدادی از خود هنرمندان در هیات مدیره‌ی آن و با در اختیار گرفتن مکانی در محدوده‌ی خیابان "بهار"

در تهران؛ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. در آستانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی هم، بازداشت روزنامه نگاران و فعالان سیاسی- مدنی شدت گرفته است و در این خصوص بایستی به بازداشت سهام‌الدین بورقانی، مرضیه رسولی، پرستو دوکوهی، آرش صادقی، محمد سلیمانی‌نیا، بیمان پاکمهر، مهدی خزعلی، سعید مدنی، فاطمه خردمند، محمود دردکشان، احسان هوشمند و بازداشت و احضار بسیاری دیگر اشاره کرد.

بازتاب ویژه‌ی برخی اخبار در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

قسمت پیش رو، به گزارش‌های حقوق بشری‌ای می‌پردازد که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب ویژه‌ای یافته‌اند. این توجه ویژه در حالیکه این گزارش‌ها بعضاً ممکن است حجم کمتری از نقض حقوق بشر نسبت به سایر اخبار منتشر شده در ماه را به خود اختصاص داده باشند.

در این خصوص و همزمان با اختلالات مکرر اینترنت در کشور و قطعی وی‌پی‌ان‌ها، سخنگوی انجمن نظام صنفی رایانه‌ای اعلام کرد که به‌زودی شبکه‌ی اینترنت ملی (اینترانت) در ایران راه‌اندازی می‌شود و با افتتاح اینترنت ملی، ارتباطات اینترنتی ایران با اینترنت جهانی قطع خواهد شد که این موضوع با توجه به نگرانی کاربران اینترنت از قطعی ارتباطشان با اقصی نقاط جهان، با حساسیت ویژه‌ای دنبال شد.

همچنین جمعی از هنر دوستان که به مناسبت ۸ دی ماه زادروز فروغ فرخزاد جهت گرامی داشت این شاعر شهیر به گورستان ظهیرالدوله مراجعه نمودند، با در بسته و ممانعت نیروهای نظامی مواجه شدند. نیروهای امنیتی خطاب به خیل دوستداران فروغ فرخزاد تاکید کردند که قبرستان ظهیرالدوله تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌باشد.

از سوی دیگر آزادی بهروز جاوید تهرانی زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر که سرانجام پس از هفت سال حبس عصر روز ششم دی ماه مصادف با سالروز تولد خود از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد نیز، مورد توجه افکار عمومی واقع شد. وی از سن ۱۹ سالگی همواره در بازداشتگاه‌های مختلف کشور حضور داشته است در مجموع ۱۱ سال از عمر خود را در زندان‌های جمهوری اسلامی بدون مرخصی سپری کرده است.

عدم توجه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به برخی گزارش‌های حقوق بشری

در بسیاری از مواقع سیاست‌گذاری نابرابر رسانه‌ای و همچنین ذائقه‌ی عمومی موجب می‌شود که برخی از اخبار مورد کم توجهی و حتی بی توجهی واقع شوند؛ این بخش که به نوعی در تقابل با بخش قبل قرار می‌گیرد، به این دسته از گزارشات حقوق بشر اختصاص

چکیده

دارد. واضح است که این نوع رفتار گزینشی اهالی رسانه و فعالین شبکه‌های اجتماعی همسویی خواسته یا ناخواسته‌ای با رفتار طبقه‌ی حاکم و رسانه‌های حامی دولت نیز برقرار کرده است.

در این خصوص پیش از هر چیز بایستی به آتش سوزی در مرکز نگهداری کودکان معلول بوشهر که ۳ کشته و ۱۸ مجروح برجای گذاشته است، اشاره داشت. در این مرکز چهل کودک نگهداری می‌شوند. این چندمین حادثه‌ی آتش سوزی در کشور، طی سال‌های اخیر است که کودکان را قربانی می‌کند. پیش‌تر و در پی آتش سوزی در مدرسه‌ی رحیمی روستای "دروذن" مرودشت از توابع شیراز، تمامی کودکان حاضر در یک کلاس درس آسیب جدی دیده بودند.

هم چنین نیروهای امنیتی و انتظامی ایران بیش از ۶۰ تن از شهروندان کُرد را که در اعتراض به کشته شدن غیرنظامیان کُرد در ترکیه به موجب حمله‌ی هوایی ارتش این کشور، در مقابل کنسولگری ترکیه در شهر ارومیه دست به تجمع زده بودند؛ بازداشت کرده است؛ در پی حمله‌ی هوایی ارتش ترکیه به کاروان غیرنظامیان در روستای کردنشین اولودره در استان شیرناک ۳۵ تن کشته شده بودند.

خانواده رضا شهابی، فعال کارگری زندانی نیز، می‌گویند که مقام‌های قضایی با وجود پایان اعتصاب غذای او به وعده‌هایشان برای رسیدگی به پرونده عمل نکرده اند. آقای شهابی که از خردادماه سال ۱۳۸۹ به صورت بلاتکلیف در زندان اوین به سر می‌برد، در اعتراض به شرایط خود دست به اعتصاب غذا زده بود و پس از چند روز و به علت وخامت حالش به بیمارستان منتقل شد.

در ماه گذشته همینطور شاهد اعتصابات و تجمعات کارگری پرشماری بودیم. این اعتراضات در حالی صورت می‌گیرد که کارشناسان ضمن اشاره به افزایش بی‌رویه‌ی نرخ خط فقر اعلام کرده اند که بیش از ۸۰ درصد از کارگران سراسر کشور زیر خط فقر گذران زندگی می‌کنند.

از سوی دیگر و در شرایطی که برخی مسئولان از بالارفتن سن ازدواج در کشور گلهمند هستند، آمارها حاکی از این است که ۸۰۰ هزار نفر در سن کمتر از ۱۸ سال در ایران متاهل شدند. همچنین در ماه گذشته مدیر کل ثبت احوال هرمزگان از ازدواج پنج دختر زیر ۱۰ سال در استان هرمزگان خبر داد. این رقم مربوط به سه واقعه در شهرستان میناب، یک واقعه در شهرستان بندرلنگه و یک مورد در شهرستان بندرعباس است.

یک رویداد مثبت

در میان اخبار پرشمار نقض حقوق بشر ندرتاً اتفاقات مثبتی نیز در این حوزه به وقوع می‌پیوندد. در این خصوص و در ماه گذشته با بخشش اولیای دم، یک نوجوان بزهکار به نام فرشید (در کرمان) که ۱۸ ماه پیش هنگام بازی، دوست خود را به قتل رسانده بود، از اعدام نجات یافت.

جا دارد که از این تصمیم بشر دوستانه‌ی اولیای دم که اقدامی موثر در جهت منسوخ شدن مجازات مرگ، خصوصاً برای افراد زیر ۱۸ سال، است؛ تجلیل نمود.

بررسی حقوقی برخی از گزارش‌ها

امروزه خلاء "آموزش" در حوزه‌ی حقوق بشر در کشور به شدت احساس می‌شود و این در حالیست که بحث "اطلاع رسانی" در این حوزه روندی روبه جلو و نسبتاً قابل دفاع دارد. در این بخش و با هدف شناساندن این خلاء، برخی از گزارش‌های نقض حقوق بشر ماه گذشته، از لحاظ حقوقی مختصراً بررسی می‌شوند.

طبق ماده‌ی ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده‌ی ۶ اعلامیه حقوق مدنی-سیاسی، حق زندگی، از حقوق ذاتی هر انسان به حساب می‌آید و این حق بایستی به موجب قانون نیز حمایت شود. بند ۲ ماده‌ی ۱ دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی به منظور الغای مجازات مرگ هم اقدامات لازم را در جهت منسوخ کردن مجازات مرگ در قلمرو قضائی را، به کشورها گوشزد می‌کند. حال آنکه طی کمتر از بیست روز بیش از ۵۳ تن در ایران اعدام شده، و دستکم ۶ نفر به اتهامات سیاسی-امنیتی با حکم مرگ مواجه شده‌اند. علاوه بر این بایستی اجرای احکام در ملاءعام را که موجب هتک حرمت و حیثیت اعدامیان و بازتولید خشونت در جامعه می‌شود؛ به طور خاص مدنظر قرار داد.

از سوی دیگر ثبت قانونی ازدواج کودکان، در نظر نگرفتن حق رضایت آزاد و کامل در ازدواج محسوب می‌شود که در بند ۲ ماده‌ی ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان حقی مسلم به رسمیت شناخته شده است. البته ازدواج در سنین پایین آسیب‌های جدی اجتناب ناپذیر دیگری نیز منجمله اینکه کودکان را از تحصیل محروم می‌کند، به بار می‌آورد.

جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات و نقض حق آزادی بیان که دولت ایران از طرق مختلف و با جدیت تمام آن را دنبال می‌کند، نقض ماده‌ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. همچنین بخشی از بند ۲۵ اعلامیه هزاره نیز به تضمین آزادی رسانه‌ها برای اجرای نقش اساسی آن‌ها و نیز حق مردم برای دسترسی به اطلاعات، تاکید دارد.

ممانعت از فعالیت "خانه سینما" و تصمیم بر انحلال این تشکل صنفی هم نقض بند ۱ ماده‌ی

چکیده

۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر آزادی مجامع و انجمن‌های مسالمت آمیز تاکید می‌ورزد، است. در این خصوص بخش الف ماده‌ی ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شرکت در زندگی فرهنگی را برای عموم، به رسمیت شناخته است و بند ۱ ماده‌ی ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق فعالیت آزادانه‌ی اشخاص در زندگی فرهنگی اجتماع تاکید می‌نماید.

علاوه بر این با بالارفتن خط فقر که بیش از هر چیز دامن طبقه‌ی کارگری در هر کشور را می‌گیرد، مواجه هستیم. عدم تامین نیازی‌های حداقلی کارگران نقض صریح بند ۱ ماده‌ی ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بخش الف ماده‌ی ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر تامین یک زندگی حداقلی برای این طبقه تاکید می‌ورزد، است.

همچنین نیروهای امنیتی- اطلاعاتی در شرایطی برخی زندانیان را برای مدتی طولانی و نامحدود در بلاتکلیفی قرار می‌دهند (برای نمونه همان طور که پیش‌تر هم گفته شده بود، بایستی به آقای رضا شهابی، فعال کارگری اشاره داشت که قریب به ۲ سال است در شرایط بلاتکلیف در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می‌برد) که طبق اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی و بند ۲ و ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دستگیرشدگان بایستی حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی‌شان تشکیل و در اسرع وقت به محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر شوند.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی دیمه سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۴۱ گزارش از سوی حداقل ۵۳ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

در بررسی موردی ۲۴۱ گزارش دیمه، تعداد ۴۴۰۳ مورد نقض حقوق که ۱۴۳۹ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضور آمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۲۹۶۴ مورد آن نقض حقوقی است که در عین وجود معاهدات بین‌المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود؛ ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق و یا بیکاری کارگران پس از تعطیلی کارخانه رخ داده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. در موضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانه‌های خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۳۱ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۶ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۳ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی را ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

"در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۳٪ افزایش و نسبت به ماه قبل نیز ۲۳٪ افزایش داشته است".

مشروح آمار

کارگری:

در آبان ماه سال جاری ۴۶ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۳۶ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است. مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۲۹۸۶ مورد است.

بر اساس این گزارش‌ها ۳۲۰ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۴۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۱۶ ماهه پرداخت حقوق کارگران نساجی مازندران بوده است.

بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۱۱ کارگر جان خود را از دست دادن و ۸ تن نیز زخمی شدند و از سوی دیگر دستگاه امنیتی کشور ۸ تن از فعالان کارگری را بازداشت و ۱۳ تن از فعالین کارگری نیز از سوی دستگاه قضایی به ۵۸۳ ماه حبس و ۶۳ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۴۲٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز شاهد افزایش ۵۲٪ بوده ایم".

اقلیت‌های مذهبی:

چکیده

در ماه گذشته از مجموع ۱۴ گزارش ثبت شده، تعداد ۷۲ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۲۳ تن از شهروندان بهایی، اهل سنت، اهل حق و مسیحی بوده است هم چنین ۷ تن از اقلیت‌های مذهبی به ۳۰۰ ماه حبس تعزیری، ۶۰ ماه حبس تعلیقی محکوم شدند.

احضار ۳۵ شهروند به دادگاه انقلاب و تخریب و یا پلمپ اماکن بهائیان از جمله موارد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در طی ماه جاری بوده است. "طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۴۶٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است".

اقلیت‌های قومی-ملی:

در ماه گذشته از مجموع ۸ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۵۳ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. از این تعداد می‌توان به بازداشت ۷۹ شهروند و محکومیت ۷۴ از سوی دستگاه قضایی یک تن از اقلیت‌های قومی را به ۶۳۹ ماه حبس تعزیری، ۶ ماه حبس تعلیقی و ۱۰۷۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های قومی ۵۰٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۲٪ را شاهد بوده‌ایم".

اصناف:

در ماه گذشته از مجموع ۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۰۱ مورد نقض حقوق اصناف در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. پلیس اماکن ۸۹ لباس فروشی را پلمپ و دادگاه انقلاب یک معلم را احضار و ۹ تن دیگر را به ۴۲ ماه حبس تعلیقی محکوم کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اصناف ۴۴٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۸۰٪ را شاهد بوده‌ایم".

فرهنگی:

در ماه گذشته از مجموع ۶ گزارش ثبت شده، تعداد ۷ مورد نقض حقوق فرهنگی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

چکیده

در این حوزه بایستی به بازداشت دو فعال فرهنگی، ممانعت از نشر دو اثر فرهنگی هنری و ممانعت از اجرای ۲ برنامه فرهنگی اشاره داشت.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق فرهنگی ۳۰٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۲۸٪ را شاهد بوده ایم".

زنان:

در ماه گذشته از مجموع ۴ گزارش ثبت شده، تعداد ۵ مورد نقض حقوق زنان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در این رشته حقوقی می بایست به بازداشت یک فعال حقوق زنان و محکومیت یک تن دیگر به ۳۶ ماه حبس تعزیری اشاره کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زنان ۳۳٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است".

کودکان:

در ماه گذشته از مجموع ۴ گزارش ثبت شده، تعداد ۸ مورد نقض حقوق کودکان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

محکومیت یک نوجوان بزهکار به اعدام در شیراز و ازدواج پنج کودک زیر ۱۰ سال و قتل دو کودک توسط والدینشان از جمله موارد نقض حقوق کودکان در ماه گذشته بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کودکان ۵۰٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۷۵٪ را شاهد بوده ایم".

اعدام:

در ماه گذشته از مجموع ۳۰ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۱۵ مورد صدور و اجرای حکم اعدام در زندان ها و یا در ملاء عام توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در دی ماه سال جاری، حسب گزارشات به ثبت رسیده، ۳۰ شهروند به اتهام های مواد مخدر، قتل، محاربه و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۷۵ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر، تجاوز و سرقت اعدام شدند.

۱۲ تن از محکومین نیز به اتهام های چون قتل، تجاوز، سرقت مسلحانه و ... در ملاء عام اعدام شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل صدور و اجرای حکم اعدام ۲۷٪

چکیده

نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۴۰٪ را شاهد بوده‌ایم."

دانشجویان:

در ماه گذشته از مجموع ۱۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۱ مورد نقض حقوق دانشجویان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. این گزارش‌ها بازداشت ۷ دانشجو و محکومیت ۲ دانشجو به ۶ ماه حبس تعزیری و ۳۶ ماه حبس تعلیقی محکوم شدند و از سوی دیگر نیز ۴ تن از دانشجویان نیز از حق تحصیل در دانشگاه محروم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق آکادمیک ۳۵٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۱٪ را شاهد بوده ایم."

زندانیان:

در ماه گذشته از مجموع ۴۳ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۳۸ مورد نقض حقوق زندانیان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. این تعداد گزارش مربوط به ۱۶ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۱۷ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۲۱ مورد اعمال محدودیت مضاعف، ۳۶ مورد نقل و انتقال اجباری و ۱ مورد اعمال فشار و تهدید زندانیان بود.

هم چنین ۱۱ مورد بلاتکلیفی و ۴ مورد اعتصاب غذا نیز از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان لحاظ شده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زندانیان ۲۹٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۹٪ را شاهد بوده‌ایم."

اندیشه و بیان:

در ماه گذشته از مجموع ۶۶ گزارش ثبت شده، تعداد ۹۹ مورد نقض حقوق در حوزه اندیشه و بیان توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بر اساس این آمار ۲۳ تن از فعالین در این حوزه بازداشت، ۹ تن احضار به اطلاعات و دادگاه انقلاب و ۱۰ نفر دیگر نیز در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتند. همینطور ۲۵ تن از فعالین نیز جمعا به ۱۰۵۱ ماه حبس تعزیری، ۱۰۴ ماه حبس تعلیقی و ۱۴۴ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اندیشه و بیان ۲۵٪ نسبت

به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۳۲٪ را شاهد بوده‌ایم."

یک میلیون پوند غرامت دولت بریتانیا به چهل نوجوان پناهجو



تا پیش از سال ۲۰۰۵، قضاوت در مورد زیر هجده سال داشتن پناهجویان، توسط ماموران اداره مهاجرت بریتانیا صورت می‌گرفت
وزارت کشور بریتانیا به چهل نوجوان پناهجو که در زندان بزرگسالان نگهداری می‌شدند، در مجموع یک میلیون پوند غرامت پرداخت کرده است.
روند رسیدگی قضایی به "بازداشت غیرقانونی" این نوجوانان که گمان می‌شود سن بعضی از آنها بیش از ۱۴ سال نباشد، از سال ۲۰۰۵ میلادی آغاز شد.
تا پیش از این ماموران اداره مهاجرت بریتانیا می‌توانستند ادعای پناهجویان مبنی بر داشتن سن زیر هجده سال را در صورت مشکوک دانستن، رد کرده و با آنها مانند بزرگسالان برخورد کنند.
دولت بریتانیا اکنون با پذیرفتن اینکه سیاستش در این زمینه غیرقانونی بوده، نسبت به تغییر

چکیده

این مقررات اقدام کرده است. به گزارش روزنامه گاردین چاپ بریتانیا، این غرامت بعلاوه یک میلیون پوند دیگر برای هزینه‌های مربوطه، به پسران و دختران نوجوانی از کشورهای ایران، افغانستان، سومالی و چین پرداخت شده است. اگرچه این مبالغ در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی پرداخت شده است، اما موضوع پرداخت آن تازه مطرح شده است. این نوجوانان در سال ۲۰۰۵ میلادی به دادگستری بریتانیا مراجعه کردند و خواهان بازنگری در سیاست‌های وزارت کشور شدند. مارک اسکات، که وکالت این نوجوانان را بر عهده داشته گفت: "واضح است که کودکان بی‌پناه که تنها درخواست کمک کرده اند، نباید توسط دولت زندانی شوند."

تشخیص سن پناهجویان

تا پیش از سال ۲۰۰۵ میلادی، قضاوت در مورد زیر هجده سال داشتن پناهجویان، توسط یکی از ماموران اداره مهاجرت بریتانیا صورت می‌گرفت. در صورتی که این مامور تشخیص می‌داد، مهاجران غیرقانونی بالای هجده سال سن دارند، آنها را به بازداشتگاه بزرگسالان اعزام می‌کرد. وزارت کشور بریتانیا سرانجام در ژانویه سال ۲۰۰۷ میلادی پذیرفت که این سیاست غیرقانونی است.

وزارت کشور اذعان کرده است که با اتخاذ آن سیاست‌ها "نمی‌توان میان اجرای سفت و سخت قانون و کنترل منصفانه مهاجرت از یک سو و اهمیت اجتناب از بازداشت کودکان و نوجوانان فاقد همراه از سوی دیگر تعادل برقرار کرد."

یک سخنگوی اداره مهاجرت بریتانیا گفت: "اگر در مورد سن یک فرد خاص تردیدهایی وجود داشت، او بازداشت نخواهند شد مگر آن که یک ارزیابی مستقل در مورد برآورد سن افراد، تشخیص دهد که سن آن فرد از هجده سال بیشتر است. این ارزیابی توسط مددکاران اجتماعی متبخر انجام می‌شود."

به گفته این سخنگو، "تمامی ماموران اداره مهاجرت که در خط اول برخورد با مهاجران قرار دارند، آموزش‌های ویژه ای دیده اند تا در هر مرحله‌ای رفاه و آسایش افراد جوان را مدنظر قرار دهند."

شورای پناهجویان نیز می‌گوید که تداوم بازداشت افراد زیر هجده سال فاقد خانواده، "غیرقابل قبول" است.

دونا کاوی، مدیر اجرایی این شورا گفت که از دو سال قبل به این طرف، دولت گام‌هایی را برای پایان دادن به بازداشت افراد زیر هجده سال برداشته است. وی همچنین گفت: "کودکانی که به تنهایی در این کشور حضور دارند و بسیاری از آنها تجارب وحشتناکی در کشور خود داشته‌اند، هنوز به دلیل نقض در سیستم موجود در بازداشت به سر می‌برند." وی افزود: "از تجربه کار با جوانان بازداشتی دریافته‌ایم که بازداشت آنها می‌تواند به سلامتی جسمی و روحی آنها به شدت آسیب بزند."

رهبری گفتند که دخالت خبرگان در جزئیات را نمی‌پذیرند



طبق قانون اساسی، مجلس خبرگان می‌تواند در صورت عدم انجام "وظایف قانونی" رهبر یا پی‌بردن به فقدان شرایط رهبری در وی، او را از سمت خود برکنار کند. یک روحانی نزدیک به محمدتقی مصباح یزدی، عضو بانفوذ مجلس خبرگان رهبری در ایران گفت که آیت الله خامنه‌ای به طور "مکتوب" به اعضای این مجلس اعلام کرده است که اجازه دخالت آنان در مورد جزئیات عملکرد خود را نمی‌دهد.

به گفته عباس نبوی، رئیس موسسه تمدن و توسعه اسلامی و عضو هیات علمی موسسه امام خمینی تحت ریاست آقای مصباح یزدی، مقام اول حکومت ایران در نامه ای به "کمیسون نظارت بر رهبری" مجلس خبرگان تاکید کرده است که نظارت این مجلس، صرفا به معنی بررسی شرایط کلی رهبری است.

آقای نبوی، این اظهارات را در سخنرانی خود در جمع اعضای گروه "انصار حزب الله" بیان کرده که متن آن در شماره جدید نشریه یالثرات ارگان رسمی این تشکل منتشر شده است.

وی گفته است که آیت الله خامنه ای این اظهارات را "در اواخر همین دوره" مجلس خبرگان بیان کرده، که با توجه به شروع دوره حاضر این مجلس در سال گذشته، ممکن است به معنی اواخر دوره قبلی خبرگان باشد که هنوز اکبر هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس را به عهده داشت و جای خود را به محمدرضا مهدوی کنی نداده بود.

عباس نبوی در سخنرانی خود، جمله ای از رهبر ایران را نقل کرده که حکایت دارد: "اگر بر شرایط [رهبری] خدشهای وارد شد، بیایید مشخص کنید و معلوم شود آنهایی که مدعی هستند راه انحراف می‌روند یا اینکه به شرایط رهبری خدشهای وارد شده است."

وی در ادامه نقل قول خود از نامه آیت‌الله خامنه ای خطاب به مجلس خبرگان آورده است: "اگر [شرایط رهبری] باقی هست آن وقت در مورد خرده‌ریزها نمی‌پذیریم که شما وارد جزئیات شوید... اینکه بگویید شرایط هست و کاملا وجود دارد، اما ما می‌خواهیم درباره این موارد که مثلا چرا این آقا را به فلان سمت برگزیدید و چرا به فلانی اجازه داده‌اید [بررسی کنیم]، نمی‌شود."

اظهارات آقای نبوی در حالی در نشریه گروه انصار حزب الله منتشر می‌شود که پیشتر، دفتر آیت‌الله خامنه ای از رسانه‌ها خواسته است تنها اظهاراتی از وی را معتبر تلقی کنند که در سایت رسمی رهبر جمهوری اسلامی منتشر شده باشد.

سابقه بحث نظارت خبرگان بر رهبری

در تیر ماه سال گذشته، محسن کدیور اسلام شناس مقیم آمریکا نیز در نامه ای به اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس سابق مجلس خبرگان، به ذکر مستنداتی در مورد نحوه مقاومت آیت‌الله خامنه ای در مقابل نظارت این مجلس پرداخت.

آقای کدیور در نامه خود به مطالبی استناد کرد که در "مجله حکومت اسلامی"، به صاحب امتیازی دبیرخانه مجلس خبرگان، منتشر شده و حاوی گفتگو با اعضای بلندپایه این مجلس بود.

آقای کدیور در نامه خود با تصریح بر اینکه "مجلس خبرگان قائل به نظارت استصوابی بر عملکرد رهبری، دفتر رهبری و کلیه نهادهای منصوب رهبری بوده و مصوباتی نیز در این زمینه داشته است"، مستنداتی را ارائه می‌کرد که نشان می‌داد: "زمانی که مجلس خبرگان نظارت خود را بر برخی نهادهای منصوب رهبری آغاز می‌کند و مسئول آن نهادها را

جهت دادن گزارش به مجلس خبرگان دعوت می کند، این مساله با مخالفت دفتر رهبری مواجه می شود و مشخص می شود از نظر مقام رهبری، نظارت بر مجموعه تحت امر ایشان جزء وظائف خبرگان نیست.

شماره تابستان ۱۳۸۵ مجله حکومت اسلامی، در همین زمینه از اکبر هاشمی رفسنجانی نقل کرده است: "مجلس خبرگان فرضش بر این بود که هر چیزی که به رهبری مربوط می شود را پیگیری کند، مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیما، نیروهای مسلح و هر چه که تحت امر رهبری است. اینها به مجلس خبرگان فراخوانده شوند و گزارش کارهای خودشان را به خبرگان بدهند و خبرگان هم سؤال کنند و آنها هم توضیح بدهند و احیاناً اگر اشکال و ایرادی هم بود، در همان جلسه مطرح شود تا همه در جریان قرار بگیرند، این به صورت قانون در آمد."

در ادامه این نقل قول آمده است: "اما وقتی بعضی از این نهادها دعوت شدند که در جلسه خبرگان حضور پیدا کنند تا گزارش عملکردهای خودشان را بدهند، دفتر رهبری مانع حضور آنها در خبرگان شد و اظهار داشتند که رهبری نظرشان این است که این موضوع جزء وظایف خبرگان نیست."

به نوشته شماره پاییز ۱۳۸۵ مجله حکومت اسلامی، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان نیز در زمینه مخالفت رهبر با نظارت بر زیر مجموعه های خود گفته است: "نظر عده زیادی از اعضای خبرگان بر این بود که باید هیأت تحقیق در نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری تحقیق و بررسی کند که آیا درست اداره می شوند یا نه؟... نظر اکثریت بر این بود. تا این که موضوع را با مقام معظم رهبری در میان گذاشتیم. چندین جلسه صحبت شد، ایشان با این نظر موافق نبودند."

آقای جنتی ادامه داده است: "در مورد نیروهای مسلح فرمودند: اصلاً حرفش را نزنید، برای این که در نیروهای مسلح امکان این که کسی تحقیق و سؤال کند، نیست. نیروهای مسلح جای این حرف ها نیست. مگر می شود کسی در میان نیروهای مسلح وارد شود و راجع به مسائلی ایجاد شبهه کند؟ در این صورت فرمانده نمی تواند کار کند. به هر حال طی دو - سه جلسه ای که با ایشان داشتیم و بحث های زیادی شد، با این موضوع مخالفت کردند."

مجلس خبرگان، طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی ایران، وظیفه "تعیین رهبر" جمهوری اسلامی را بر عهده دارد و طبق اصل ۱۱۱ می تواند در صورت عدم انجام "وظایف قانونی" رهبر ایران یا پی بردن به فقدان شرایط رهبری در وی، او را از سمت خود برکنار کند.

شرایط رهبری در ایران، طبق اصل ۱۰۹ شامل "صلاحیت علمی" (فقهی)، "عدالت و تقوای لازم" و "بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی" می شود.

برای اطلاع و مقایسه عملکرد دولت های سرکوب (ایران) و مردمی (آلمان)

مریم دهقانپور

در ایران پس از اختلاس 3000 میلیاردی رهبرش اعلام کرد که زیاد راجع به این موضوع ننویسید و سر زبان ها نیاندازید و عملا در حال سرپوش گذاشتن به دزدی بی نظیر است. همانطور که در دزدی 123 میلیاردی برادر رفیق دوست گذاشت. ولی در آلمان رئیس جمهور فقط وام با بهره کمتر گرفته به بینید چگونه پاسخگوست و در امریکا هم 4 سناتور وام کم بهره دریافت کرده اند را هم زیر سؤال برده اند. توضیح رئیس جمهور آلمان در مورد اتهامات مالی کریستیان وولف که به اتهام فساد مالی از همه سو مورد انتقاد قرار گرفته بود، از مردم آلمان پوزش خواست و تقاضا کرد، «اعتماد خود را نسبت به او همچنان حفظ کنند».

وی همچنین اعلام کرد که قصد استعفا از مقام خود را ندارد. کریستیان وولف، رئیس جمهور آلمان، سرانجام در مورد اتهامات مخالفان خود که تا کنون از سوی سخنگوی وی پاسخ داده می شد، موضع گرفت. وی روز پنجشنبه (۲۲ دسامبر) در برلین گفت:



مایلم شخصاً در باره‌ی این اتهامات توضیح بدهم.» احزاب اپوزیسیون، کریستیان وولف را متهم به پنهان نگه‌داشتن وام مسکن کم‌بهره‌ای بالغ بر ۵۰۰ هزار یورو کرده‌اند. وولف این وام را در سال ۲۰۰۸ برای ساختن بنای مسکونی خود دریافت کرده است. وی در توضیحات خود گفت که تمام مدارک مربوط به وام مسکن و سفرهای تفریحی خود را که گویا از سوی شرکت‌های خصوصی تأمین شده بوده، در اختیار روزنامه‌نگاران گذاشته و به "۲۵۰ پرسش آنان، صادقانه و روشن" پاسخ گفته است.

تمایل وولف به ادامه انجام وظایف رییس‌جمهور آلمان، در این موضع‌گیری به اشتباهات خود در خصوص اطلاع‌دهی درباره‌ی وام مسکن کم‌بهره‌ای که به عنوان نخست‌وزیر ایالت نیدرزاکسن از همسر رییس یکی از شرکت‌های بزرگ آلمانی دریافت کرده بود، اعتراف کرد و گفت، از این که "جریان وام‌گیری به درستی و سادگی برگزار نشده، متأسف است." وی ولی تأکید کرد که با این‌حال، "از این جهت، سودی نصیب فرد ثالثی نشده است." گفته می‌شود وام مسکن وولف، با بهره‌ای کمتر از بهره‌ی معمول آن زمان، در اختیار او قرار گرفته است.

رییس‌جمهور آلمان در پایان اظهارات خود، یادآور شد که مایلمست همچنان در این مقام انجام وظیفه کند و از «مردم خواست اعتماد خود را نسبت به او حفظ کنند.» احزاب اپوزیسیون در پارلمان آلمان، پیش از این از کریستیان وولف خواسته بودند، شخصاً درباره‌ی اتهامات وارده موضع‌گیری کند. مخالفان به وولف انتقاد می‌کردند که "به پرسش‌های به‌حق مردم، از طریق وکلای خود پاسخ داده است." هیچ‌یک از احزاب آلمان، رسماً از رییس‌جمهور آلمان،

درخواست استعفا از مقام خود را نکرده است.



برکناری سخنگوی رئیس جمهور کریستیان وولف، پیش از اعلام موضع‌گیری خود، اولاف گلزکر، سخنگوی مقام ریاست جمهوری را از کار برکنار کرد. قرار است پترا دیروول، معاون اولاف گلزکر، وظایف او را به‌عهده بگیرد. دلایل این برکناری، هنوز عنوان نشده است. گفته می‌شود که گلزکر خود تقاضای استعفا داده است. گویا در جریان رسیدگی به مدارک مربوط به وام مسکن و سفرهای تفریحی کریستیان وولف، مسائل زندگی خصوصی گلزکر هم مطرح شده است. بنا به گمانه‌زنی کارشناسان سیاسی، گلزکر برای حفظ روابط خانوادگی خود، استعفا داده است.

واکنش رسانه‌های آلمان اغلب رسانه‌های آلمان، موضع‌گیری رییس‌جمهور این کشور را "مثبت و ناکافی" ارزیابی می‌کنند. روزنامه‌ی "نویه وستفلیشه" در مقاله‌ای با عنوان "ولف، به خاطر اشتباهات خود عذرخواهی کرد" نوشت: رییس‌جمهور در اظهارات خود عذرخواهی کرد. نه بیش و نه کم.

حالا آیا این معذرت پذیرفته می‌شود یا نه، بستگی به این موضوع دارد که آیا تمام واقعیات درباره‌ی وام مسکن جنجال‌برانگیزی که او دریافت کرده، گفته شده یا هنوز چیزی پنهان نگاه‌داشته شده است. روزنامه‌ی "نویه راین تسایتونگ" در تفسیر خود بر اظهارات کریستیان وولف، ضمن اشاره به این که "عذرخواهی" وی سه روز پیش از پخش پیام سال

چکیده

۲۰۱۲ این رییس‌جمهور عنوان شده، می‌نویسد که وولف در گفتن حقیقت درباره‌ی وام مسکن خود، اطلاعات لازم را "خرده خرده" در اختیار افکار عمومی گذاشته است و این نشان می‌دهد که رییس‌جمهور، "مثل اغلب انسان‌ها" مسائلی که به پول مربوط می‌شوند، چندان جدی نمی‌گیرد.

مفسر این روزنامه، سپس می‌نویسد: «رییس‌جمهور ما، آینده‌ی تمام‌نمای جامعه است. ولی وظیفه‌ی او این نیست. وظیفه‌ی او نمونه بودن است.» مفسر "وست‌دویچه تسایتونگ" موضع‌گیری وولف را مثبت ارزیابی کرده و می‌نویسد: «این خوب است که رییس‌جمهور سرانجام با مردم صحبت کرد. متأسفانه ولی هنوز نکات ناروشتنی در گفته‌های وی وجود دارد.» این مفسر ضمن توضیح روابط حاکم بر پارلمان آلمان و موضع احزاب اپوزیسیون در رابطه با انجام وظایف ریاست‌جمهوری از سوی وولف، به این نتیجه می‌رسد: «هرچند عذرخواهی رییس‌جمهور چندان قانع‌کننده نیست و توضیحاتش ناکافی به‌نظر می‌رسد، با این حال باید به همین موضع‌گیری بسنده کرد.»

دادگاه اختلاس و اتهامات مرد چند میلیارد دلاری

کاو امیدوار



شش ماه بعد از آنکه ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی علنی شد، قوه قضائیه جمهوری اسلامی، اولین جلسه دادگاه این اختلاس را در دادگاه انقلاب تهران برگزار کرده

است. این اختلاس که تا کنون، بزرگترین اختلاس در تاریخ ایران به حساب می آید، پای دولت و بانکهای دولتی و غیر دولتی را به میان کشیده و مه آفرید خسروی و برادرانش که تا چند سال پیش با وامی اندک توانسته بودند یک گاوداری در شمال کشور راه اندازی کنند، با استفاده از روابط خود توانستند به صورت غیرقانونی صاحب بیشتر از ۴۰ شرکت شوند. روابط آنها چنان گسترده بود که حتی دولت، نیز بخشی از کارخانجات خود را به آنها واگذار کرد و اختلاس نیز از یکی از همین کارخانجات شروع شد. گروه امیر منصور آریا بعد از تصاحب یکی از این کارخانجات، با بانک صادراتی که در محل کارخانه وجود داشت، کلید این اختلاس را زد.

اتهامات مه آفرید خسروی متهم ردیف اول

- ۱- ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری و جعل اسناد
- ۲- شرکت در پولشویی از طریق مصارف حاصل از جرم
- ۳- ۱۳۶ فقره گشایش اعتبارات اسنادی در بانک صادرات از تاریخ ۱۰ تیر سال ۸۸ تا ۹ مرداد سال ۹۰ به تقاضای شرکت فولاد ایران به مبلغ ۲۸ تریلیون و ۵۴۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال
- ۴- استفاده از مبلغ اختلاس در تاسیس بانک آریا
- ۵- خروج بخشی از سرمایه به خارج از کشور
- ۶- پرداخت رشوه که ۳۰ فقره رشوه آن را متهم اعتراف کرده و برای ۱۶ مورد پرداخت رشوه قرار مجرمیت صادر شده که یکی از آنها رشوه به مدیر عامل بانک ملی بوده است.
- همچنین مبلغ ۲۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال رشوه به رئیس شعبه بانک صادرات اهواز، رشوه به کارکنان شعبه مرکزی، بانک مرکزی کیش
- ۲۰ میلیون ریال رشوه به خانم "میم"
- ۷۰ میلیون ریال رشوه به آقای "ز"
- ۵۰ میلیون ریال رشوه به خانم "الف"
- ۲۰ میلیون ریال رشوه به آقای "س"
- ۱۰ میلیون ریال رشوه به آقای "ک"
- ۹ میلیارد ریال رشوه به آقای "الف" از مسئولان عالی وزارت صنایع
- ۵۵۰ میلیارد ریال رشوه به یکی از مسئولان شعب بانک پارسیان که هم اکنون رئیس یکی از شعب بانک تات است
- ۲۶۶ هزار دلار و ۳۵۰ میلیون ریال رشوه به آقای "ز" از مسئولان وزارت راه و

چکیده

ترابری، ۱۱۳ هزار یورو

- رشوه به آقای "پ"، ۲۳۰ هزار یورو و ۸۰۰ میلیون ریال
- رشوه به آقای "الف" از مدیران وزارت راه، ۱۶۸ هزار یورو به آقای "الف" که از مدیران راه و ترابری لارستان بوده است.

این گروه ال سی های ریالی (اعتبار اسنادی) با ارقام بالا از بانک صادرات مستقر در شرکت فولاد می گرفت و پیش از سر رسید، آنها را در یک شعبه بانک ملی که روابطی با مدیران آن شعبه داشت به بهایی کمتر از قیمت واقعی می فروخت. بنابراین گزارشها روشی که گروه امیر منصور آریا در پیش گرفته بود حتی پیش از خریدن آن کارخانه نیز از سوی مدیران دولتی آنجا کمابیش استفاده می شد ولی این گروه خیلی زود و در مدت کوتاهی با استفاده از ال سی های بانک صادرات پول های هنگفتی را از بانک ملی بیرون کشید.

اسنادی که این گروه در قبال این ال سی ها (اعتبار اسنادی) ارائه می کرد یا ارزش چندانی نداشتند یا خریدار و فروشنده آنها یکی از شرکت های وابسته همین گروه بودند. بعد از رو شدن اختلاس، ابتدا مدیران عامل بانک های صادرات به عنوان صادرکننده ال سی های ریالی و بانک اصلی خریدار (تنزیل کننده) یعنی بانک ملی از سمت های خود کنار گذاشته شدند.

محمد جهرمی مدیر عامل بانک صادرات در همان روزهای اول فاش شدن اختلاس خود را بی تقصیر می دانست و می گفت که باید به بانک صادرات بابت کشف چنین اختلاس بزرگی جایزه داده شود.

محمود خاوری مدیر بانک ملی در چشم به هم زدنی، وقتی هنوز هیچ چیز به درستی روشن نبود بار و بنه خود را به قصد یک کار اداری جمع کرد و ابتدا به لندن و بعد به تورنتوی کانادا رفت که پیش از این اقامت آن کشور را به دست آورده بود.

سر و صدا از هر گوشه ای بلند بود و هر روز کسی یا گروهی از مقامات حکومتی متهم می شد که در این اختلاس بزرگ دست داشته است.

بیشتر از همه دولت محمود احمدی نژاد در مظان اتهام قرار داشت ولی آقای احمدی نژاد گفت که دولتش پاکترین دولت تاریخ ایران است و نقشی در این اختلاس نداشته است. در حالی که قوه قضائیه مشغول بررسی این پرونده بود، برخی، اعضای دفتر آقای احمدی نژاد را که به گروه انحرافی شهرت پیدا کرده اند، به عنوان متهم مطرح کردند. مدیران و اعضای هیات مدیره چند بانک دولتی و خصوصی برکنار شدند و فشار بر محمود

چکیده

بهمنی رئیس بانک مرکزی و شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد شدت گرفت.



گروهی از نمایندگان مجلس نامه شکایتی را علیه آقای احمدی نژاد تنظیم کردند اما با واکنش آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران پا پس کشیدند.

آقای خامنه ای گفت که رسانه ها بیش از این نباید به جنجال و هیاهو درباره این ماجرا ادامه دهند بخصوص اگر عده ای به دنبال استفاده های دیگر از این مسائل باشند.

اما فضای حاکم بر کشور، نمایندگان را واداشت که طرح استیضاح وزیر اقتصاد را در صحن علنی مطرح کنند بلکه با کنار گذاشته شدن او، جو متشنج حاکم بر کشور کمتر شود. همه چیز مهیا شد و در روز استیضاح وزیر اقتصاد، نمایندگان مجلس عزم خود را برای کنار گذاشتن شمس الدین حسینی جزم کرده بودند و با نطق های آتشین خود این تصور را بوجود آوردند که وزیر اقتصاد لحظات آخر وزارت را در مجلس سپری می کند. اما وقتی نمایندگان از نهار و نماز برگشتند همه چیز تغییر کرده بود و نمایندگان دوباره به او رای اعتماد دادند. در این میان پای قائم مقام محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی گیر بود و حمید پورمحمدی از سوی قوه قضائیه دستگیر و به زندان منتقل شد. دستگیری معاون رئیس کل بانک مرکزی با اعتراض محمود احمدی نژاد و محمود بهمنی رو به رو شد اما قوه قضائیه در مقابل فشار دولت کوتاه نیامد. او بعدها با وثیقه ای سنگین آزاد شد اما به نظر می رسد پرونده وی سنگین تر از آن است که مقامات دولتی بتوانند او را تبرئه کنند.

دادگاه بزرگ

پرسش های نماینده دادستان از متهم ردیف اول

"مهرگان امیرخسروی کجاست؟، آقای خاوری کجاست؟ آقای حسن- س کجاست؟ آقای

عباس- ش کجاست؟ آقای بهروز- ب کجاست؟ همه اینها فراری هستند. معلوم است که اقداماتشان شبکه‌ای بوده است. حتی یکی از همکاران وی به نام ایرج- ش گفته است آقای خسروی به من گفت از کشور فرار کن و تمام اتهامات را گردن بگیر." حالا که آنها از آسیاب افتاده و تب روزهای اول فرو کش کرده است، دادگاهی برای رسیدگی به پرونده اختلاس تشکیل شده است که ۳۲ نفر به عنوان متهم در آن حضور دارند. از همین حالا دادگاه پنج نفر را در ارتباط با این پرونده، به افساد فی الارض متهم کرده که در ایران حکمشان اعدام است.

عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران در اولین جلسه دادگاه در باره صاحبان اصلی شرکت توسعه سرمایه گذاری آریا گفت که صاحبان این شرکت چهار فرزند شخصی به نام منصورخان در منطقه شهرستان رودبار بودند.

این برادران قبل از راه اندازی شرکت آب معدنی داماش زندگی بسیار معمولی داشتند تا این که تصمیم به راه اندازی شرکت توسعه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا گرفتند.

این شرکت در سال ۸۵ تاسیس شد و به گفته دادستان تهران با رهبری مه آفرید امیرخسروی به چند هزار میلیارد تومان "ثروت نامشروع" دست یافت.

به گفته آقای جعفری دولت آبادی این گروه در کمتر از یک دهه فعالیت به یک قطب اقتصادی در کشور تبدیل شد. گزارشها نشان می دهد که گروه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا در زمان رو شدن پرونده اختلاس حدود ۵۰ شرکت با نزدیک به ۱۸ هزار کارمند داشتند.

غارت بیت المال به سبک احمدی نژاد

جرس:

یک نماینده مجلس از کلاهبرداری پوشیده و تحت عناوین فرهنگ دوستانه دولت در بودجه سال 91 خبر داد و گفت میزان این گونه سوء استفاده های احمدی نژاد از بودجه در سالهای قبل کمتر بوده است!

این روزها مردم عادی در ایران اصطلاح عامیانه بخور بخور را به کار می برند. برخی نیز می گویند منابع کشور به راحتی غارت می شود و هر گونه اعتراض به آن با مشت آهنین سرکوب می شود.

سوء استفاده در بودجه!

یک نماینده مجلس رسماً فاش کرد که در بودجه 91 ردپای سوء استفاده های کلان مالی

چکیده

وجود دارد که هیچ توجیه روشنی ندارد.

موید حسینی صدر نماینده خوی و عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: در جدول 12 یا 13 در آخر پیوست شماره یک بودجه، حدود 600 میلیارد تومان کمک بلا عوض به اشخاص حقیقی و حقوقی وجود دارد که مصداق بارز سوء استفاده است. برای مثال به سه بنیاد تحت عنوان بنیاد شمس و مولانا بالغ بر 500 میلیون پول تدارک دیده شده و معلوم نیست این پولها کجا خرج می شود!

جالب آنکه این پولها در قسمت های غیر قابل بازرسی هزینه می شود. وی افزود: بالغ بر 600 میلیارد تومان بدون حساب و کتاب به بنیادها، مجموعه ها و نهادهای مختلف که پشت آنها افراد ذی نفوذ هستند داده می شود و این بودجه ها قابل بازرسی نیست و مشخصا به افراد با نفوذ داده می شود و قابل سوء استفاده است.

پولهای بی حساب کتاب هر سال در بودجه

حسینی افزود: متأسفانه هر ساله این بودجه افزایش پیدا می کند سال گذشته این بودجه حدود 350 میلیارد بود و امسال 600 میلیارد شده است که معلوم نیست در کجا ای پولها خرج می شود. این بودجه ها بدون حساب و کتاب هستند و در پیوست می آیند که قابل بازرسی نیست و خیانت در بیت المال بودجه محسوب می شود.

نماینده خوی گفت: به بنیادها، نهادها و مجموعه های مختلف که پشت آنها افراد ذی نفوذ است بودجه ای که در جدول پیوست است را اختصاص می دهند و به این طریق پول را از بیت المال خارج می کنند، اینها مصداق بارز سوء استفاده های کلان است که دولت خارج از بازرسی و حسابرسی در نظر گرفته است.

پای خزانه و وزارت نفت در میان بوده

اظهارات این نماینده مجلس نشان داد که دولت طی سالهای قبل نیز مبالغ کلانی را به جیب زده و مشخص نیست آنها را کجا هزینه کرده است.

دیوان محاسبات دو ماه قبل از انتخابات جنجالی سال 88 به محرز بودن تخلفات دولت اشاره کرده بود. حسابرسان دیوان محاسبات پیش از این در گزارش تفریح بودجه سال 86 از تخلفاتی سخن گفته بودند که خزانه داری کل کشور و وزارت نفت از نهادهای مورد پرسش واقع شده بودند.

نکته بسیار جالب آن است که دولت احمدی نژاد گویا هیچگونه نگرانی از افشای تخلفات اش ندارد.

یارانه کیلو چند؟!

این سوء استفاده در خصوص هدفمندی یارانه ها هم افشا شده است و ظاهرا دولت در لایحه بودجه سال 91 هیچگونه ردیف و اعتباری برای یارانه ها در نظر نگرفته است.

طبق اعلام دیوان محاسبات دولت قرار بود 2/9 میلیارد دلار از در آمد نفت را که صرف

یارانه ها کرده بود در 3 ماه اول سال 90 تسویه کند که از انجام این کار سر باز زده است. همچنین پنج هزارمیلیارد تومان در قالب تنخواه گردان از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌ها استقراض کرد. این رقم باید تا ۲۸ اسفند تسویه می‌شد که هنوز نشده است. احمد توکلی هم روز شنبه در تهران گفت: دولت در ۱۷ مورد نقض قانون در اجرای هدفمندی یارانه‌ها داشته است.

سهم صفر تحقیقات و صنعت و تولید از بودجه

طبق اعلام مجلسی ها دولت حتی بودجه شرکتهای دولتی را به گونه ای تنظیم کرده که حداکثر راهکارها برای گریز از قانون برای آنها پیش بینی شده است. همچنین بررسی اولیه بودجه مغشوش 91 نشان داد که دولت هیچگونه عدد و رقمی برای امر تحقیق و پژوهش و همچنین دانشگاهها و مراکز علمی و صنعتی در نظر نگرفته است.

به گفته مصباحی مقدم عضو کمیسیون اقتصادی مجلس دولت حتی هیچگونه تسهیلاتی برای رونق بخش تولید در شرایط تحریم اقتصادی هم قائل نشده است.

بودجه 91 چنان مغشوش و نابسامان است که رییس مرکز پژوهش های مجلس، با اشاره به تخلفات دولت در بودجه 91 گفت: اگر دولت همکاری نکند مجلس نمی تواند کار خود را انجام دهد و بودجه را ببندد؛ در این صورت مجبور هستیم مطابق اصل 110 قانون اساسی که مربوط به تنظیم قوای سه گانه و رفع اختلاف میان آنها است، عمل کنیم. با این حال ماشین تخلف و دروغگویی دولت کماکان فعال است و دولت برای تداوم تخلفات مالی خود به انواع دروغها و شعبده ها مبادرت می کند بی آنکه نگران پاسخگویی در باره آن باشد.

ترفند جدید برای فریب مردم

در جدید ترین ترفند ، دولت برای گران کردن حامل های انرژی در ابتدای سال آینده به حقه ای جدید متوسل شده که از دید رسانه ها و محافل اقتصادی پنهان نمانده است.

یک مقام مسئول در کارگروه کنترل بازار دو روز قبل به خبرگزاری مهر گفت: دولت قرار است در ماه اسفند، یارانه نقدی مردم را بیشتر و حدود دو برابر کند تا مردم بتوانند همانند فاز اول اجرای قانون هدفمندی یارانه ها آرامشی را از این بابت داشته باشند تا چنانچه دولت در فاز دوم، قیمت حامل های انرژی را افزایش داد، قبل از آن پول به حساب مردم واریز شده باشد!

دولت برای بستن دهان مردم البته قرار است کارهای دیگری نیز انجام دهد. توزیع گسترده کالاهای اساسی و توجه بسیار پررنگ دولت به تامین آن از جمله سناریو هایی است که یک روزنامه اقتصادی در تهران آن را به نقل از افراد نزدیک به کارگروه تنظیم بازار مطرح کرده است.

سوء استفاده های مالی کلان دولت احمدی نژاد طی چند سال اخیر برای مردم تا حدی ناگفته

مانده است. وی که با شعار فریبنده دولت عدالت گستر و مبارزه با اشرافی گری وارد صحنه سیاسی ایران شده بود طی چند سال اخیر آرام و بی صدا به حیف و میل های گسترده پول نفت و به عبارتی هزینه کردن های کلان بی فاکتور مبادرت کرده است و به گفته اصولگرایان اکنون هم قصد دارد با مطرح کردن موضوع اشرافی گری برخی چهره های نظام سوار بر موج انتخابات و فریب مردم شود.

مهرداد سرجویی روزنامه نگاری از بند ۲۰۹

خبرگزاری هرانا - مهرداد سرجویی روزنامه نگاری که عمدتاً در روزنامه انگلیسی زبان ایران نیوز فعالیت داشته است از بند ۲۰۹ به بند ۳۵۰ منتقل شد.

به گزارش کلمه، وی در خرداد ماه سال جاری بازداشت شد و پس از ۴۴ روز زندان انفرادی که از بدترین نوع شکنجه ها تلقی می شود به بند عمومی منتقل شد و در مدت حبس انفرادی تحت بازجویی های طولانی قرار گرفته است.

نهایتاً در شهریور ماه گذشته اتهام جاسوسی از طریق انتشار و تحلیل مقاله، مصاحبه و خبر به وی تفهیم شد و پس از اخذ آخرین دفاع پرونده او به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران ارجاع شد.

دادگاه انقلاب تهران نیز بعد از محاکمه او در ۲۲ آبانماه گذشته، اتهام را به همکاری با دول متخاصم تغییر داد و نهایتاً در ۲۷ دیماه حکم ۱۰ سال زندان را به وی ابلاغ کرد.

وی هفت ماه گذشته را در بازداشت بوده و اجازه ملاقات حضوری با خانواده خویش را نداشت.

سرجویی از سال ۱۳۷۲ به کار روزنامه نگاری پرداخت و از بدو تاسیس ایران نیوز در سال ۱۳۷۴ به این روزنامه وارد شد. وی همواره در سرویس سیاسی و پارلمانی فعالیت داشت و بعضاً مقالاتی در روزنامه فارسی نیز منتشر می کرد.

در سال ۸۶ نیز برای چند ماه سردبیر سایت آفتاب نیوز شد. وی از تابستان سال ۱۳۸۵ با تنگ شدن فضای مطبوعاتی به مرکز تحقیقات استراتژیک رفت و در بخش روابط عمومی و سایت آن مرکز مشغول بکار شد.

هرانا؛ احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی در اجرای احکام / تصویر اسناد

دیوان عالی کشور احکام اعدام صادره برای زانیار و لقمان مرادی را بدون ابلاغ کتبی به ایشان به اجرای احکام زندان رجایی شهر کرج ارجاع داده است . بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، بر اساس احکام صادره از سوی دیوان عالی کشور که هنوز به روئیت این دو متهم نیز نرسیده است و «ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» بدان دست یافته است این احکام در کمتر از شش ماه پس از صدور حکم دادگاه بدوی تأیید و یک روز بعد نیز به اجرای احکام زندان اوین (دادسرای موسوم به شهید مقدس) ارسال شده است و در تاریخ ۲۷ تیر ماه سالجاری به ریاست زندان رجایی شهر ابلاغ شده است .

این در حالی است که حکم صادره دیوان عالی کشور اخیراً و در تاریخ ۱۷ بهمن ماه سال ۹۰ به صورت رسمی از سوی قاضی عمرانی رئیس اداره دفتر دیوان عالی کشور در رسانه ها اعلام شد.

بر اساس سند شماره یک زندانی سیاسی لقمان مرادی فرزند عثمان متولد سال ۶۲ که در تاریخ ۱۳ مرداد ۸۸ بازداشت و در تاریخ یک دی ماه از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود، در تاریخ ۱۸ تیر ماه سال ۹۰ از سوی دیوان عالی کشور به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق محاربه، ترور و مشارکت در وارد کردن یک قبضه سلاح از عراق به اعدام در محل ترور (شهر مریوان) محکوم شده است. حکم صادره در تاریخ ۱۹/۴/۹۰ به امضای قاضی اجرای احکام رسیده و نسخه ای از آن نیز به ریاست زندان رجایی شهر کرج ابلاغ شده است.

چکیده

بر اساس سند شماره دو زندانی سیاسی لقمان مرادی از تاریخ ۱۹ بهمن ماه سال ۸۹ از حق ملاقات و تماس تلفنی تا اطلاع ثانوی محروم است.

بر اساس سند شماره سه زندانی سیاسی زانیار مرادی فرزند اقبال ۲۱ ساله که در تاریخ ۱۳ مرداد ۸۸ بازداشت و در تاریخ یک دی ماه از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود، در تاریخ ۱۸ تیر ماه سال ۹۰ از سوی دیوان عالی کشور به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق محاربه، ترور و مشارکت در وارد کردن یک قبضه سلاح از عراق به اعدام در محل ترور (شهر مریوان) محکوم شده است.

حکم صادره در تاریخ ۱۹/۴/۹۰ به امضای قاضی اجرای احکام رسیده و نسخه ای از آن نیز به ریاست زندان رجایی شهر کرج ابلاغ شده است.

بر اساس سند شماره چهار زندانی سیاسی زانیار مرادی از تاریخ ۱۹ بهمن ماه سال ۸۹ از حق ملاقات و تماس تلفنی تا اطلاع ثانوی محروم است.

حقوق بشر سازمان ملل جهالت مدرن است

عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید قم:



عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید قم می‌گوید: «حقوق بشر سازمان ملل و غرب پایه علمی ندارد و جهالت مدرن است.» به گزارش روز شنبه (۲۹ بهمن) باشگاه خبرنگاران جوان، آقای آملی این مطلب را در مراسم پایانی کنفرانس بین‌المللی «فقه و قانون» که در قم برگزار شد، بیان کرده است.

این مرجع تقلید گفته است: «سازمان ملل با تکیه بر مبانی خود که روی اصول غیر علمی و بر پایه رسومات محلی و مادیشان {است} تنظیم شده است.» وی افزوده است: «کشورهایی که در قانون گذاری به فقاقت تکیه نکرده‌اند نیز قانون خود را بر پایه غیر علمی بنا کرده‌اند.» جمهوری اسلامی سال‌هاست به خاطر نقض حقوق بشر مورد انتقاد نهادهای بین‌المللی و مدافع حقوق بشر قرار دارد. روحانیون حاکم بر ایران مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را قبول ندارند و مدعی هستند الگوی مورد نظر آن‌ها که در جمهوری اسلامی اجرا می‌شود، «کامل‌ترین» الگوی حقوق بشری در جهان است.

وخیم‌شدن وضعیت جسمی برخی از زندانیان سیاسی



مهدی خزعلی پس از ۴۰ روز اعتصاب غذا در زندان به بیمارستان منتقل شد. دست و پای عیسی سحرخیز را به تخت بیمارستان بسته‌اند. مسعود باستانی و محسن امین‌زاده دیگر زندانیان سیاسی هستند که حال جسمی مساعدی ندارند.

عیسی سحرخیز عضو شورای مرکزی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگار زندانی در پی وضعیت نامناسب قلبی به بیمارستان قلب امیرآباد منتقل شده است.

مهدی سحرخیز فرزند عیسی سحرخیز در گفت‌وگو با دویچه وله بستن دست و پای پدرش به تخت بیمارستان را باعث بدتر شدن وضعیت کمر او عنوان می‌کند و می‌گوید:

«الان پای او را به تخت بسته‌اند و همین باعث شده حال او بدتر شود، چون او مشکل کمر دارد و باید حداقل روزی دو ساعت راه برود. بستن دست و پای ایشان باعث شده که مشکل کمر ایشان بیشتر شود. شاید اگر در زندان بودند وضعیت کمرشان بهتر می‌شد اما الان با انتقال به بیمارستان هیچ بهبودی حاصل نشده و حتی وضعیت کمرشان بدتر هم شده است.»

بشنوید: گفت‌وگو با مهدی سحرخیز فرزند عیسی سحرخیز

فرزند عیسی سحرخیز درباره نظر پزشکان بیمارستان درباره وضعیت جسمی پدرش می‌گوید: «پزشکان دستور داده‌اند که او به مرخصی استعلاجی بیاید. فشارشان مرتب بالا و پایین می‌رود، نوسان فشار دارند. مشکل کلیه شدید دارند، همچنین مشکل کمر دارند. به خاطر اتفاق‌هایی که در زندان افتاده درمان او مدت‌ها طول خواهد کشید. پدرم وقتی به زندان

چکیده

رفت آدم سالمی بود و بعد از این همه سال که زندان است، این قدر بلا به سرش آمده است.» عیسی سحرخیز از ۱۲ تیرماه سال ۸۸ زندانی است. پیش از این مهدی سحرخیز در پی اعتصاب غذای پدرش در زندان به دویچه وله گفته بود: «هر اتفاقی که برای پدرم یا دیگر زندانیان سیاسی بیفتد، شخص آقای خامنه‌ای مستقیماً مسئول است.»

عارضه قلبی مهدی خزعلی

بنا بر گزارش‌ها مهدی خزعلی پزشک و نویسنده منتقد حکومت نیز بعد از ۴۰ روز اعتصاب غذا دچار حمله قلبی شده و پس از انتقال به بهداری زندان اوین و گرفتن نوار قلب، به بخش سی سی یو بیمارستان طالقانی منتقل شده است.

پیش‌تر مهدی خزعلی در سی‌وهفتمین روز اعتصاب غذای خود در نامه‌ای به احمد منتظری به توصیف وضعیت زندان‌ها و نحوه بازجویی‌ها پرداخته بود.

او خطاب به احمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری نوشته بود: «بگذار جان ناقابل من نیز سبب شود تا آیین دادرسی در محکمه‌ها رعایت شود و از نفوذ عناصر ضد انقلاب و منافق در وزارت اطلاعات و سپاه کاسته شود، شاید آیندگان برای من نیز خدا بیامرزی بگویند.»

وضعیت وخیم محسن امین‌زاده و مسعود باستانی

از جمله دیگر زندانیان سیاسی که وضعیت جسمی او نیز وخیم اعلام شده، محسن امین‌زاده فعال سیاسی، عضو جبهه مشارکت و معاون وزیر خارجه دولت محمد خاتمی است.

به گزارش سایت‌های حقوق‌بشری، مهناز اصغر زاده با ابراز نگرانی از وضعیت جسمی نامساعد همسرش محسن امین‌زاده گفته است: «هر لحظه ممکن است اتفاق خطرناکی برای او بیفتد.»

همسر محسن امین‌زاده گفته است، «در آخرین ملاقات کابینی محسن امین‌زاده به شدت ضعیف شده و حال مناسبی ندارد. آریتمی قلب، کلیه‌ها، نوسان شدید فشار خون و کبدها روی هم رفته وضعیت جسمی او را خطرناک کرده است.»

به گزارش وبسایت کلمه نزدیک به میرحسین موسوی همچنین از بازگرداندن مسعود باستانی روزنامه‌نگار زندانی به زندان در حالی که پیش‌تر تحت‌الحفظ به بیمارستان اعزام شده بود خبر داده است.»

مسعود باستانی، روزنامه‌نگار منتقد دولت، که دوران محکومیت شش سال زندان خود را در زندان رجایی‌شهر کرج سپری می‌کند، از سردردهای شدید و مداوم در زندان رنج می‌برد و این وضعیت سبب شده که او چندین بار دچار لُمی بدن شده و به بهداری زندان منتقل شود. آقای باستانی از تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۸۸ بازداشت و به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و

چکیده

تبانی برای ایجاد اغتشاش به شش سال زندان محکوم شد و در دو سال و نیم گذشته حتی یک روز هم به مرخصی نیامده است.

عدم اعزام کیوان صمیمی به بیمارستان بنا به گزارش‌ها، مسئولان زندان رجایی‌شهر به دلیل دستور دادستانی روز سه شنبه از اعزام کیوان صمیمی برای مداوی فوری پزشکی به بیمارستان خودداری کرده‌اند. پیش از این یکی از نزدیکان کیوان صمیمی به دویچه وله گفته بود: «به عقیده بهداری زندان رجایی‌شهر، مداوی کیوان صمیمی تنها بیرون از زندان ممکن است.» وضعیت کبد و گردن آقای صمیمی وخیم است.

کیوان صمیمی بهبهانی مدیر مسئول ماهنامه توقیف‌شده «نامه» و عضو شورای مرکزی «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات»، ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، یک روز پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران بازداشت شد.

عارضه قلبی ابوالفضل قدیانی به گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر، مرضیه رحیمی، همسر ابوالفضل قدیانی زندانی عقیدتی نیز از انتقال او به بیمارستان در پی عارضه قلبی خبر داده است.

مرضیه رحیمی گفته است: «صبح ۱۹ بهمن همبندی های آقای قدیانی با ما تماس گرفتند که او قلبش گرفته و به بیمارستان منتقل شده است. آن روز به دفتر رییس زندان و معاونت زندان زنگ زدیم اما هیچکدام جواب درستی ندادند و گفتند به بهداری زندان تماس بگیرم، هیچکدام از شماره های بهداری جواب نداد و ما مجبور شدیم به تمام بیمارستان های تهران زنگ بزنیم تا بالاخره بفهمیم او به بیمارستان مدرس منتقل شده است.»

ابوالفضل قدیانی، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب در طول دوران حبس چندین بار به دلیل وخامت وضعیت جسمانی به بیمارستان منتقل شده و یکبار نیز او را در بیمارستان عمل جراحی کرده‌اند.

آقای قدیانی ۶۶ ساله در تاریخ ۱۹ دی ماه سال گذشته به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به رئیس جمهور زندانی شد.

حسین کرمانی

تحریریه: فرید وحیدی

رسیدگی به پرونده اختلاس در آستانه انتخابات



نخستین جلسه دادگاه ۳۲ متهم پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات در فاصله حدود دو هفته مانده به برگزاری انتخابات مجلس نهم، به صورت علنی تشکیل شد.

خبرگزاری‌ها روز شنبه (۲۹ بهمن) گزارش کرده‌اند که این پرونده ۲۸ وکیل دارد، متن کیفرخواست صادر شده برای متهمان آن ۲۲۰ صفحه بوده و حجم آن ۱۲ هزار صفحه (۳۳ جلد) است.

چکیده

آن‌طور که گزارش شده است، عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب تهران نیز در این جلسه حضور یافته و مقدمه کیفرخواست را قرائت کرده است. اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات بزرگ‌ترین اختلاس در تاریخ جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که محافظه‌کاران، دولت محمود احمدی‌نژاد را عامل اصلی این فساد اقتصادی می‌دانند.

در این پرونده نام گروهی از نمایندگان مجلس نیز به میان آمده که هنوز مشخص نیست در جریان دادگاه به اتهام آن‌ها رسیدگی خواهد شد یا خیر.

محمد دهقان، عضو هیات رئیسه مجلس گفته که صلاحیت چهار نماینده مرتبط با این پرونده از سوی شورای نگهبان رد شده است.

این دادگاه در شرایطی برگزار شده که حدود دو هفته دیگر نهمین دوره انتخابات مجلس در ایران برگزار خواهد شد.

به نظر می‌رسد مقام‌های جمهوری اسلامی با برگزاری این دادگاه در این مقطع زمانی تلاش می‌کنند افکار عمومی را تا حدودی بازسازی کرده و مردم را به حضور در انتخابات تشویق کنند.

آن‌طور که برخی نمایندگان و فعالان سیاسی محافظه‌کار گفته‌اند، این پرونده ضربه سنگینی به حیثیت جمهوری اسلامی در داخل زده است.

دریای خزر در معرض خطر احداث جزیره مصنوعی آذربایجان



در نخستین روزهای ماه بهمن خبر رسید که جمهوری آذربایجان قصد دارد یک جزیره مصنوعی در دریای خزر احداث کند. اکنون سازمان محیط زیست ساخت این جزیره را عامل نابودی اکوسیستم دریای خزر توصیف کرده است.

نوشته: رضا ولی زاده

ساخت جزیره مصنوعی جمهوری آذربایجان سال 2013 آغاز خواهد شد. قرار است در این جزیره بزرگترین برج جهان با ارتفاع یک هزار و 50 متر ساخته شود. جمعیت ساکنان این جزیره بالغ بر 700 هزار نفر پیش بینی شده است.

امروز عبدالرضا کرباسی، معاون محیط دریایی سازمان محیط زیست در گفت و گو با خبرگزاری مهر احداث این جزیره را عامل خطرناکی برای اکوسیستم دریای خزر توصیف کرد و گفت: ساخت جزیره در آذربایجان، آبریان این منطقه از خزر را نابود می‌کند.

محمد درویش، کارشناس، نویسنده و پژوهشگر حوزه محیط زیست در تهران در گفت و گو با بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه گفت: «کشور آذربایجان یکی از کشورهای است که به نسبت سهمش از دریای خزر بیشترین آلودگی را به واسطه پوسیدگی لوله های نفتی اش وارد دریای خزر می کند که بسیار نگران کننده است و باعث می شود این نگرانی نسبت به رعایت ملاحظات محیط زیستی در ساخت سازه های دیگر تشدید شود. چرا که رعایت ملاحظات محیط زیستی در ساخت این سازه ها هزینه تمام شده کار را افزایش می دهد و به همین دلیل ممکن است آذربایجانی ها حاضر نباشند چنین هزینه ای را به ساخت این پروژه اختصاص دهند.»

درویش درباره محدود آسب های ناشی از ساخت این جزیره در دریای خزر توضیح داد: «دریای خزر یک محدوده آبی بسته است و موقعیت مطلوبی هم ندارد و آلوده ترین محدوده آبی دنیا به شمار می آید. بنابر این اضافه شدن هر گونه آلودگی تازه ای به آن می تواند تمام محدوده دریای خزر را با مشکل مواجه کند و دامنه آن در درازمدت به نقطه خاصی محدود نشود.»

این پژوهشگر و صاحب نظر حوزه محیط زیست تأکید کرد: «آن چه که موجودیت دریای خزر را به وجود می آورد یک محدوده 20 درصدی از جنوب این دریا است که کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و ایران بیشترین سهم را از آن دارند. این منطقه عمیق ترین قسمت دریای خزر است که زیستگاه اغلب ماهیان و همچنین محل اصلی تخم ریزی ماهی ها و دیگر آبریان به شمار می آید. ویژگی های اصلی تنوع زیستی این دریا هم به همین عرصه ای محدود می شود که از سوی این کشورها با بیشترین ساخت و ساز دارد مواجه می شود.»

محمد درویش افزود: «ترکمنستان هم پروژه ساخت و ساز بزرگی را آغاز کرده است که از آن به عنوان یک لاس و گاس آسیایی نام می برند. حتی ایران هم مشغول همین ساخت و سازها در محدوده مورد نظر است که البته با آن چه از سوی ترکمنستان و آذربایجان در حال انجام است قابل مقایسه نیست.»

بررسی مردمسالاری و انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

سخنرانی و بحث و گفتگو در پالتاک ۱۶ فوریه کانون دفاع از حقوق بشر در ایران بررسی مردمسالاری و انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

ماده 21 اعلامیه جهانی حقوق بشر

الف/ هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

ب/ هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

ج/ اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید....

انتخابات سالم، پایه مردمسالاری است

فراخوان

سخنرانی، داستانخوانی بحث و گفتگو در پالتاک

بررسی مردمسالاری و انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

سخنرانان و موضوع سخنرانی:

مریم دهقانپور: فعال حقوق بشر و وبلاک نویس (پنجره ای رو به آفتاب)

چرا مادران پارک لاله ایران تشکیل شد؟ و چه می کنند؟

وحید احمدفخرالدین: حقوقدان، فعال حقوق بشر و مسئول امور حقوقی کانون

بررسی حقوقی انتخابات 22 خرداد 88 و حوادث بعد از آن

منوچهر شفائی: فعال حقوق بشر و روزنامه نگار

بررسی دموکراسی اسلامی و مقایسه آن با ماده 21 منشور حقوق بشر

مکان: پالتاک

:Paltalk

Social Issues and Politics

Human Rights

Kanoon Defa az Hoqoq Bashar dar Iran Iran

زمان: 5 شنبه 16 فوریه 2012 ساعت 19.00 به وقت اروپای مرکزی

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

نمایندگی گیسن - لیمبورک

1. خیر مقدم برگزار کننده جلسه آذر جواد 1

2. سخنرانی مریم دهقانپور: چرا مادران پارک لاله ایران تشکیل شد؟ و چه می کنند؟ 1

3. سخنرانی وحید احمدفخرالدین: بررسی حقوقی انتخابات 22 خرداد 88 و حوادث بعد از آن 1 - 2

4. سخنرانی منوچهر شفائی: بررسی دموکراسی اسلامی و مقایسه آن با ماده 21 منشور حقوق بشر 1 - 2 - 3

5. گفتگو ، پرسش و پاسخ 1 - 2 - 3 - 4 - 5

برگزار کننده و مسئول جلسه: آذر جواد

وضعیت زندانیان سیاسی-امنیتی به ما ارتباطی ندارد

پاسخ قوه قضاییه به خانواده پرستو دوکوهکی:

کلمه- سپند میریوسفی:

۳۷ روز پس از دستگیری پرستو دوکوهکی، قوه قضاییه در پاسخ به پیگیری های خانواده وی گفت که وضعیت این روزنامه نگار زندانی به قوه قضاییه ارتباطی ندارد.

تاکنون هیچ یک از مقامات قضایی دلیل بازداشت پرستو دوکوهکی را اعلام نکرده اند. مادر پرستو دوکوهکی روز گذشته در ادامه پیگیری های خود وقتی از هیچ مرجع قضایی پاسخ نگرفت به دفتر رییس قوه قضاییه مراجعه کرد، اما مقامات مسئول از پذیرفتن نامه خودداری و اعلام کردند که وضعیت زندانیان سیاسی (امنیتی) به دفتر رییس قوه قضاییه ارتباطی ندارد و فقط مسوولان دادستانی تهران می توانند در این مورد پاسخ دهند.

بتول فیضی، مادر این روزنامه نگار در گفت و گو با کلمه در مورد آخرین وضعیت فرزندش این گونه توضیح می دهد:

بیش از یک ماه است که دختر شما در زندان است، آیا تاکنون مقامات قضایی دلیل بازداشت او را به شما توضیح داده اند؟

خیر! یک روز بعد از بازداشت دخترم، هر روز به دادسرای شهید مقدس، واقع در زندان اوین مراجعه کرده ام اما هیچ یک از مقامات قضایی به من پاسخی ندادند و دلیل بازداشت دخترم را هم اعلام نکرده اند و هر بار فقط گفته اند که پرستو برای پاره ای از توضیحات در

حال پاسخگویی به سوالات مقامات قضایی است. این درحالی است که من در جریان همه فعالیتهای دخترم هستم، او در دو سال گذشته به دلیل بیماری پدرش همه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری خود را تعطیل کرده بود و فقط چند روز در هفته با بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی همکاری می‌کرد.

به غیر از دادسرای اوین به مراجع قضایی دیگر مراجعه نکرده‌اید؟

به دفتر دادستان تهران رفتم و در نهایت معاون ایشان بار دیگر مسوولان دادسرای اوین را مسوول پاسخگویی اعلام کردند. وقتی پاسخی نگرفتم تصمیم گرفتم به دفتر رییس قوه قضاییه به عنوان عالی‌ترین مقام قضایی مراجعه کنم. بنابراین نامه‌ای کوتاه نوشتم که در آن وضعیت خود و نگرانی نسبت به فرزندم را شرح دادم، اما متأسفانه پس از ساعت‌ها معطلی در مقابل دفتر ارتباطات مردمی ایشان، مسوولان آن دفتر نامه مرا نپذیرفتند و باز هم مرا به دادسرای اوین ارجاع دادند.

چرا؟

به گفته مسوولان آن مرکز، رییس قوه قضاییه پاسخگوی وضعیت متهمان پرونده‌های امنیتی (سیاسی) نیستند و فقط دادستانی تهران می‌تواند در این مورد توضیح دهد.

خواسته شما از رییس قوه قضاییه چه بود؟

من در نامه‌ام به ایشان یادآوری کرده بودم که، بیش از یک ماه است دخترم در سلول انفرادی نگهداری می‌شود و علی‌رغم وعده‌های مقامات قضایی مبنی بر پایان یافتن بازجویی‌ها و تعیین تکلیف سریع، روزهاست او در وضعیت بلاتکلیف است. با این توضیحات در نامه‌ام از ایشان درخواست کردم که فرزند بی‌گناهم را که بدون هیچ توضیحی ۳۵ روز است در سلول انفرادی زندان اوین نگهداری می‌شود، آزاد کنند.

در خبرها آمده بود که مقامات قضایی به دخترتان وعده آزادی داده بودند.

بله. در ملاقات، دخترم از قول کارشناس پرونده برای آزادی خبر داد و گفت که بازجویی‌هایش به پایان رسیده و قرار است این هفته آزاد شود. از آن تاریخ بیش از ۱۰ روز گذشته و تاکنون هیچ خبری از آزادی پرستو نیست.

آیا شما این وعده را از مقامات قضایی هم پیگیری کردید؟

بله! اما مقامات قضایی برخلاف آنچه به دخترم وعده داده بودند، گفتند که بازجویی‌ها تمام نشده و پرستو باید همچنان به پرسش‌های مقامات قضایی پاسخ بدهد.

به شما نگفتند که در مورد چه اتهامی باید پاسخ بدهد؟

هیچ توضیحی نداده‌اند.

چکیده

در خبرها، آمده بود که دخترتان دارو مصرف می‌کند، آیا این موضوع را به مقامات قضایی یادآوری کردید؟

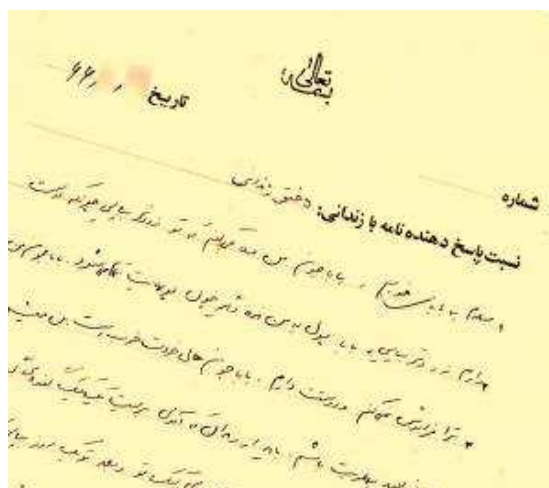
بله! دختر من بیش از دو سال است که به دلیل بیماری لاعلاج پدرش همه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری خود را کنار گذاشته بود. متأسفانه بعد از فوت پدرش از چند ماه پیش حال روحی مناسبی نداشت و تحت درمان متخصصان، دارو مصرف می‌کرد. بارها در نامه‌هایم به این موضوع اشاره کرده‌ام، اما هیچ‌یک از مقامات قضایی به این موضوع توجه نمی‌کنند. وضعیت دخترتان در ملاقات چگونه بود؟

به نظر می‌رسید، شرایط سخت سلول انفرادی دخترم را از نظر جسمی ضعیف کرده بود. آخرین درخواستان از مقامات چیست؟

آزادی بی قید و شرط دخترم. می‌خواهم باردیگر به مقامات قضایی یادآوری کنم که بعد از فوت همسر من و دخترم تنها همدم‌های هم بودیم و الان بیش از یک‌ماه است که من در کنار غم از دست دادن همسر، با درد دوری از فرزندم به سختی زندگی می‌کنم.

خاکستری؛ خاطرات دخترک زندانی ۴ ساله اوین

کژال بهرنگی



من، کژال، و مادرم از زندان آزاد شده‌ایم و از تهران به شهرستانی کوچک رفته‌ایم. این

چکیده

روزها دیگر خاکستری از جنس اوین نیست که خاکستری از جنس ایران است. خاکستری حسی است که من، این روزهای بعد از آزادی، از کارکنان اوین، دوست، فامیل و آشنا و کلا مردمی که اطرافم هستند می‌گیرم.

هویت کژال به دلیل تغییر جایگاهش تغییر کرده است. هویت کژال تحت تاثیر افکار پدرش قرار گرفته است. وجود کژال به دلیل افکار پدر و نبود او نادیده گرفته می‌شود. کژال الان دختر یک زندانی است یا به اختصار «دختر زندانی». آزادی معنایش عوض شده است! در روزهای بعد از اوین، آزادی یعنی انتظار، ملاقات، نامه، بی‌مهری، نداری، تب و گریه. روزهای «هرگاو گندچاله دهانی آتشفشان روشن خشمی» می‌شد و اشک‌های ماردم که سرازیر. فریاد «کمونیست‌ها از خونه من برید بیرون» هنوز در گوشم است. کمونیست؟ من؟ من پنج ساله؟ مامان، کمونیست یعنی چی؟!

از زندان که آزاد شدیم، به شهرستان رفتیم. رفتیم که کنار فامیل و آشنا باشیم اما دریغ و درد! زندانبان‌های اوین از برخی از دوستان و آشنایان و فامیل مهربان‌تر بودند. روز و شب‌های مادرم، پر از گریه است و روزهای من، در حمایت از او می‌گذرد و شب‌هایم در تب می‌سوزد. من از بازی دست می‌کشم هر بار صدای گریه مادرم می‌آید وقتی دارد از حق من و خودش در برابر دوست و نه دشمن دفاع می‌کند.

در حال بازی هستم در حیاطی پر از یاس و رز و باهار نارنج و توت فرنگی و نارنگی و... که صدای بغض آلود مادرم می‌آید. با دختر عمویم می‌رویم روی ایوان و از پنجره ای بزرگ به این گفتگو نگاه می‌کنم. قدم به پنجره نمی‌رسد. چشمانم را می‌بینم و حس یواشکی بودن را یادم هست و ترس. مادرم یک طرف نشسته، عمو و مادر بزرگم طرف دیگر. در نگاه کودکی‌ام، عمویم خیلی بزرگ می‌آید و می‌تواند مادرم را بخورد. در نگاه کودکی‌ام با اینکه مادر بزرگم در کنار عمو نشسته است اما او هم مثل مادر کوچک است. اما مادرم تا شده است! این صحنه، هنوز هم کابوس من است. هر بار که از کنار آن پنجره رد می‌شوم، دوست ندارم اتاق را نگاه کنم! من نمی‌توانم بیخشم! نمی‌توانم!

این روزها پراز نامه است. پنج سالم است و بلد نیستم که بخوانم و بنویسم. مادر برای من نامه‌ها را می‌خواند و به جای من نامه می‌نویسد برای پدر. نامه‌ها بیشتر ذهنیت مادرم هست تا من! مثل وقتی که دختری چهار، پنج ساله گوشی تلفن را می‌گیرد دستش تا با پدری که راه دور است صحبت کند. مادر آن گوشه و ایستاده و می‌گوید که «بپرس حالت خوبه؟»، «بگو که باباجون دوست دارم»، «بگو که باباجون کی می‌آیی؟» و دختر هم همه اینها را تکرار می‌کند و پدر هم پشت خط صدای مادر را که دارد قلب می‌رساند، می‌شنود اما باز هم دلش قنچ

چکیده

می‌زند از صدای کودکانه دخترش و با «قربونت برم» جواب می‌دهد و تقلب مادرانه مادر که سوال‌های خودش را از زبان دختر می‌پرسد برای پدر مهم نیست. این گرمی صداست که اهمیت دارد. و در نامه‌های من به پدر این گرمی خواسته شدن و یا داشتن چشم به راه است که اهمیت دارد. مهم دخترکی است که حتی بی او هم، قد می‌کشد!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره تاریخ ۴۴، ۱

نسبت پاسخ دهنده نامه با زندانی: دختر زندانی

۱ سلام به بابا عزیزم، بابا جون من دعا می‌کنم که تو زودتر بیایی چونم دست
دارم زودتر بیایی و بابا پرل بی من زده دختر جون بویکات نگاه کنه بابا جون من
۲ ترا فرستادم که منم در دست دارم، بابا جونم حال خورت خوب است بن جمع دلم
۳ چه فخره به بویکات باشم، بابا از زندان به آید که بویکات بویکات کنه که کنه
۴ بخیر منم که بویکات خودم که بویکات رو که کنه تو و بعد بویکات از بابا که تو را بویکات
۵ بابا جون منم که تو تر زعفر من دهنده که منم که بابا تو را زودتر بویکات و بابا تقاضای
۶ بویکات کرده و به تو هم به تقاضای بویکات کنه تا تو تر زعفر من دهنده که بابا منم که
سرشار در دهنه آهون

آدرس و مشخصات پاسخ دهنده:

افشاگری وزارت نفت درباره پروژه زمین خواری

افشاگری وزارت نفت درباره پروژه زمین خواری عسلویه همزمان با دادگاه اختلاس بزرگ جرس:

همزمان با برگزاری دادگاه "فساد بزرگ مالی" معاون وزیر نفت نیز از جزئیات بزرگترین پروژه زمین خواری صنایع نفت و گاز در عسلویه پرده برداشت و گفت: 6 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی با آزادسازی این زمین‌ها از تعلیق خارج شد. عبدالحسین بیات در گفتگو با مهر درباره جزئیات بزرگترین پروژه زمین خواری در عسلویه با بیان اینکه از حدود 10 سال گذشته تاکنون به دلیل در اختیار گرفتن برخی از زمین‌های مرغوب منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس امکان ساخت و توسعه برخی از واحدهای پتروشیمی متوقف شده بود گفت: بر این اساس یک شرکت خصوصی اقدام به تصرف برخی از زمین‌های دولت در منطقه عسلویه کرده بود که این موضوع منجر به توقف در ساخت برخی از واحدهای پتروشیمی در فاز دوم منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس شده بود. معاون وزیر نفت با اشاره به اینکه در سال 1377 هیئت دولت مصوبه ای به منظور ایجاد منطقه ویژه اقتصادی نفت، گاز و پتروشیمی در عسلویه صادر کرده بود، تصریح کرد: پس از ابلاغ این مصوبه دولت زمین‌هایی به منظور توسعه صنایع پتروشیمی و فازهای پارس جنوبی در اختیار وزارت نفت قرار گرفته بود.

چکیده

مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی با یادآوری اینکه 5 ماه پس از صدور این مصوبه، یک شرکت خصوصی با امضای یک قرارداد اجاره بخش عمده ای از این زمین‌های مرغوب را در اختیار گرفته بود اظهار داشت: این شرکت خصوصی بدون در اختیار گرفتن اسناد مالکیت بعد از سه سال ادعای مالکیت این زمین‌ها را کرده بود.

این مقام مسئول با یادآوری اینکه مطابق با مصوبه دولت باید در این زمین‌های اختصاص یافته به عسلویه، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی احداث می‌شد و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی دیگر ممنوع بوده است بیان کرد: با این وجود این شرکت خصوصی با تصرف زمین‌ها مانع ساخت و توسعه فاز دوم صنایع پتروشیمی در عسلویه شد.

وی ارزش اقتصادی این زمین‌های تصرف شده را حدود 120 میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: وسعت این زمین‌ها هم حدود 100 تا 120 هکتار بوده که هم اکنون ارزشگذاری کارشناسی این زمینها در حال انجام است.

بیات از آزاد سازی کامل این زمینها با دستور مقام قضایی از 24 بهمن ماه سال جاری خبر داد و افزود: با آزاد سازی این زمین قرار است 14 طرح و مجتمع پتروشیمی در فاز دوم عسلویه احداث شود.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با یادآوری اینکه علاوه بر واحدهای پتروشیمی بخشی از خط لوله اتیلن غرب هم از این زمین‌های تصرف شده عبور می‌کرد اعلام کرد: سال گذشته با حکم شورای تامین و با حمایت قوه قضائیه بخشی از این زمین‌ها برای عبور خط لوله اتیلن غرب که تامین کننده خوراک 11 مجتمع پتروشیمی بوده در اختیار وزارت نفت قرار گرفت.

قرارگاه خاتم الانبیا از سرمایه‌گذاران اصلی در عسلویه است.

اولین پروژه بزرگ نفتی یعنی خط لوله انتقال گاز عسلویه به ایرانشهر در زمان وزارت کاظم وزیری همامانه به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شد.

این پروژه با حمایت و دستور احمدی نژاد به سپاه واگذار شد و در آن زمان گفته شد: “با شناختی که از امکانات و تجهیزات قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا داشتیم این پروژه را بدون مناقصه و با ترک تشریفات به این مجموعه واگذار کردیم.”

در این دوره از هیچ کاندیدای خاصی حمایت نمی‌کنم

مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان: در این دوره از هیچ کاندیدای خاصی حمایت نمی‌کنم.

جرس: مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گفت: انتخابات این دوره مجلس با انتخابات‌های گذشته تفاوت دارد، زیرا بخشی از جامعه به دلیل اعتراضاتی که داشتند، به صحنه نیامده‌اند. استدلال آنان که بخش بزرگی از مردم ایران هستند، این بود که می‌گفتند در صورت ورود به عرصه انتخابات نیروهایشان تائید صلاحیت نمی‌شوند. جناح دیگر نیروهایش را وارد صحنه کرد و افراد مستقلی نیز ثبت نام کردند که البته در میان آنان افراد توانمندی وجود دارند.

به گزارش سنی آنلاین، مولوی عبدالحمید گفت: ما قبلاً نیز گفته بودیم که شورای نگهبان که وظیفه قانونی تائید صلاحیت‌ها را بر عهده دارد، نباید دایره مشارکت را تنگ و محدود کند، تا صاحبان اندیشه و افراد مستقل و توانمندی که با هیچ گروه و جناحی عهد و پیمانی ندارند، بتوانند به مجلس راه یابند.

وی افزود: خانه ملت، باید جای اندیشمندان باشد. صرف داشتن مدرک فوق لیسانس و دکترا نباید ملاک صلاحیت افراد باشد؛ توانمندی و صاحب نظر بودن باید در کنار مدرک تحصیلی افراد، مد نظر قرار گیرد، زیرا نمایندگان مجلس وظیفه مهمی در قبال وضع قوانینی دارند که بتوانند مردم و نظام را از مشکلات و چالش‌ها برهانند و کشور را در مسیر درستی هدایت کنند.

امام جمعه اهل سنت زاهدان گفت: محدود شدن دایره تائید صلاحیت‌ها موجب ریزش آرا و کاهش مشارکت مردم و دلسردی آنان در انتخابات می‌شود. از شواهد چنین بر می‌آید که بسیاری از افراد توانمند توسط شورای نگهبان تائید صلاحیت نشده‌اند. من از روی خیر خواهی به شورای نگهبان توصیه می‌کنم در فرصت محدود باقیمانده در تائید صلاحیت‌ها تجدید نظر کند.

مولانا عبدالحمید ادامه داد: من در این دوره نمی‌خواهم از هیچ کاندید خاصی در داخل و خارج از استان حمایت کنم. مردم خودشان باید تصمیم بگیرند که به چه کسی می‌خواهند رای

بدهند یا رای ندهند. خیر خواهی به ملت و نظام اسلامی مرا و ادار می‌کند که برخی سخنان را در اینجا مطرح کنم، گرچه به سخنان خیرخواهانه بنده توجه نشود و در شرایطی که عدم تأیید صلاحیت افراد مستقل و توانمند موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات می‌شود، سکوت را جایز نمی‌دانم.

امام جمعه اهل سنت زاهدان در ادامه افزود: بنده و بقیه ائمه جمعه در سراسر کشور و شورای نگهبان چنین تصور نکنیم که فقط ما مسائل سیاسی را درک می‌کنیم و می‌فهمیم و دیگران نمی‌فهمند. امروز همه مردم ایران سیاسی هستند و مسائل را کاملاً درک می‌کنند. عدم تأیید صلاحیت افراد توانمند و مورد قبول مردم، دل‌زدگی و یاس مردم را به دنبال دارد. اگر چه رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران به شورای نگهبان تذکر دادند که دایره صلاحیت‌ها را تنگ نکند، اما ظاهراً شورای نگهبان به تذکر رهبر انقلاب توجه نکرده است. اگر به تذکر رهبری توجه می‌شد، شرایط خیلی بهتر می‌شد و نتیجه بهتری نیز به دست می‌آمد.

مولوی عبدالحمید با اشاره به نامه برخی از اهالی حاشیه شهر زاهدان گفت: ما مسئولین استان را متهم به تعصب‌گرایی نمی‌کنیم، اما برخی از مامورین که برای اجرای طرح جمع‌آوری افاغنه به حاشیه شهر مراجعه می‌کنند، بعضاً برخوردهای نامناسبی با مردم می‌کنند. حتی برای افرادی که دارای شناسنامه بوده و ایرانی بودن آنان ثابت شده است، ایجاد مشکل کرده‌اند و آنها را رد مرز کرده‌اند. مبنای برخوردها گزارشات غلط عده‌ای از افراد است که از مردم پول می‌گیرند و اگر کسی به آنان باج ندهد علیه او گزارش می‌دهند، و بعضاً افرادی هستند که از دو طرف پول می‌گیرند. بعضاً این گزارشات بر مبنای عداوت‌های شخصی داده می‌شوند. زمانی به برخی افراد اتهام وابستگی به القاعده می‌زدند، سپس انگ و وابستگی به جنرال و قاچاقچی و در هر زمانی اتهام مربوط به آن زمان را به افراد می‌زدند و حالا انگ افغانی بودن بین این افراد رواج یافته و با هر کسی مشکل داشته باشند، گزارش می‌دهند که فلانی افغانی است.

امام جمعه اهل سنت زاهدان اظهار کرد: مسئولین باید این نوع گزارشات را با دقت بیشتری بررسی کنند و انگیزه‌های فردی گزارش‌دهندگان را مورد بررسی قرار داده و در نظر بگیرند تا خدای ناکرده برخی افراد قربانی اغراض شخصی و کینه‌توزی گزارش‌دهندگان نشوند. از مسئولین محترم و شورای محترم زاهدان تقاضا داریم که این مسئله را در دستور کار قرار داده و رسیدگی کنند.

وی افزود: اگر شورای تأمین تصمیم به اخراج برادران افغانی گرفته و این به صورت

قانونی است، باید نهایت احتیاط انجام گیرد تا خدای ناکرده به آنها بی حرمتی نشود، زیرا این برادران مهمانان ما بوده اند و حفظ حرمت آنها حفظ حرمت ماست. نباید طوری باشد که از یک خانواده یک زن را به تنهایی سوار ماشین کرده و بدون محرم و سرپرست رد مرز کنند، بلکه با احترام و حفظ حرمت این کار صورت گیرد.

مدیر دارالعلوم زاهدان، با اشاره به پیاده کردن افراد ریش دار در ایست و بازرسی‌های ورودی شهر زاهدان، افزود: از ایست‌های بازرسی ورودی شهر زاهدان گزارشهای متعدد می‌رسد که بعضی افراد دارای ریش را پیاده و تفحص و بازرسی می‌کنند. انقلاب ما انقلاب اسلامی است؛ رهبر انقلاب ریش دارند و همه علمای ما ریش دارند؛ ریش سنت حضرت رسول صلی الله علیه و سلم است. پیاده کردن افراد ریش دار در ایست و بازرسی‌ها به حیثیت نظام و وحدت لطمه وارد می‌کند. مأموران ما مأموران حکومت لائیک نیستند؛ این حکومت، جمهوری اسلامی است، لذا نباید کسی را به خاطر لباس و محاسن مورد بازرسی و تفحص قرار دهند. این‌گونه بی تدبیری‌ها، خدمات بعضی از مسئولان را زیر سؤال می‌برد.

امام جمعه اهل سنت زاهدان گفت: یک فردی به یک اداره رفته بود، به وی گفته بودند اول باید ریش خود را اصلاح کند بعدا برای انجام کارش به اداره مذکور مراجعه کند. بنده به آقای فروزش نماینده زاهدان گفتم که به رییس آن اداره بگویند ما به نداشتن ریش شما اعتراض نکردیم، شما چرا به نداشتن ریش اعتراض می‌کنید.

وی افزود: بسیاری افراد ممکن است ریش بگذارند و خیانت نیز بکنند. اگر فرد ریش داری در جایی گناهی مرتکب می‌شود، همه افراد ریش دار گناهکار نیستند و باید همان فرد مجازات شود. بهترین افراد جامعه ما طلاب، علماء، جماعت تبلیغی و همه کسانی هستند که در هر لباسی از خدا می‌ترسند و این افراد دارای محاسن هستند که متأسفانه اکثرا در ایستهای بازرسی شهر مورد تفحص و بازجویی قرار می‌گیرند. من در مدینه منوره فردی را با کت و شلوار دیدم که محاسنش را نیز اصلاح کرده بود، اما با چنان خضوع و خشوعی نماز می‌خواند که من در لباس روحانی احساس شرمندگی کردم.

امام جمعه اهل سنت زاهدان گفت: بنده از روی خیرخواهی عرض می‌کنم که این نوع مسایل را باید مسئولین بیشتر مورد توجه قرار دهند.

مولانا عبدالحمید افزود: استخدام و به‌کارگیری اهل سنت در ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی از یک دست شدن این نیروها و چنین برخوردهایی جلوگیری کرده و موجب تحکیم وحدت اسلامی ما می‌شود.

نیروهای امنیتی شبانه مهدی خزعلی را از بیمارستان بردند



خبرگزاری هرانا - مهدی خزعلی ساعت دو نیمه شب توسط نیروهای امنیتی از بیمارستان طالقانی برده شد .

به گزارش کلمه از بیمارستان طالقانی، نیروهای امنیتی در ساعت ۲ نیمه شب به بیمارستان طالقانی مراجعه کرده و مهدی خزعلی را با خود بردند .

این اقدام نیروهای امنیتی بدون اجازه و موافقت پزشکان بیمارستان صورت گرفته است. پرسنل بیمارستان که از این عمل شوکه شده بودند، در مقابل نیروهای امنیتی قادر به هیچ واکنشی نبودند و نظاره گر بودند .

یکی از منابع بیمارستانی که شاهد این ماجرا بوده است گفت: با توجه به شرایط جسمی این زندانی سیاسی پس از ۴۳ روز اعتصاب غذا، جان دکتر خزعلی در خطر است و او به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارد .

ماموران توضیحی برای این انتقال شبانه نداده‌اند .

مهدی خزعلی در حالی که بشدت کاهش وزن داشته و دچار ضعف مفرط شده است، حاضر به شکستن اعتصاب خود نیست. پرسنل بیمارستان از روحیه بالای خزعلی خبر داده بودند .

مهدی خزعلی روز جمعه بدنبال حمله قلبی از زندان اوین به بیمارستان طالقانی منتقل شده بود.